

نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

دوسا

www.iran-archive.com

۲
سال دوم

شماره ۱۳۴ - سال

بنیادگذار دکتر تقی ارانی

دنيا

ارگان تئوريك و سياسى كميته مركزي حزب توده ايران

دوره دوم - سال دوم - شماره دوم - تابستان ۱۳۴۰ - هر سه ماه يكبار تحت نظر هيئت تحريريه منتشر ميشود

در اين شماره:

۳	صفحه	تبريك ناركنان مجله "دنيا"
۵	"	حزب توده ايران - حزب طراز نوين طبقه كارگر
۹	"	د رزيربرچم حزب توده ايران - د رافشا كتاب: "تحليلي از خط مشي سياسي حزب توده ايران"
۲۶	"	مبارزه حزب توده ايران در راه اصلاح ارضي
۳۲	"	مسئله صنعتي كردن - راه صنعتي كردن كشور ما
۴۷	"	كاوه آهنگر
۵۱	"	جزيره اميد (د رباره انقلاب كوبا - سرزمين آزاد امريكا)
۶۶	"	شمه اي د رباره جنبش و وضع كارگران ايران
۷۷	"	جنبش انقلابي د راويش ايراني در رترن هشتم هجري
۸۳	"	برخي عناصر د يالكتيكي و ماديد رافكار عبد الرزاق لاهيجي صاحب "كوه مراد"
۸۹	"	برخي مسائل مربوط به هنر و نقش اجتماعي آن
۹۶	"	برخي تاريخها ي مهم حيات حزب

نویسندگان مجله تئوریک و سیاسی " دنیا " جشن
باستانی مهرگان را که امسال با بیستمین سال حیات حزب
توده ایران مصادف است بهمه رفقای حزبی و خوانندگان
خود شاد باش میگویند. حزب توده ایران که وارث بهترین
سنت انقلابی و معنوی تاریخ دیزند و خلقهای کشورماست ،
علی رغم رنجها و سزندها ، قربانیها و فرسودگیها همچنان
بعبارزه دشوار خویش در راه رستاخیز و سر بلندی ایران
ادامه میدهد . حزب ما مطمئن است که به پشتیبانی همه
مردم بویژه زحمتکشان ایران پیکارعا د لانه و آرمانهای
پرفروغ وی سرانجام پیروز خواهد شد .

حزب توده ایران حزب طراز نوین طبقه کارگر

در مهرماه ۱۳۲۰ کمونیست‌هایی که از زندان‌ها و از تبعید گاه‌ها آزاد شده بودند با یاری و همراهی جمعی دیگر حزب توده ایران را بنیاد گذاشتند.

حزب توده ایران که وارث سنت و روش‌های جنبش‌های انقلابی و کارگری ایران است در کارنامه جنگ دوم جهانی و پس از سقوط حکومت استبدادی بیست ساله رضاشاه بوجود آمد. این حزب علی‌مدت توانایی از چند حوزه کوچک بزرگ‌تر را مقتدر اجتماعی در کشور ایجاد کرد.

حزب توده ایران از زمان اوایل تأسیس خویش در راه احیای حزب طراز نوین طبقه کارگران نهاد. چنین حزبی قریب بیست سال پیش از تأسیس حزب توده ایران در تابستان سال ۱۳۱۶ شمسی نخستین کنگره خود را تشکیل داد و نام حزب کمونیست ایران بر خود نهاد. ولی بعد از دربار شاه و در پی رژیم تهروریستی و پاپی رضاشاه متلاشی شده بود.

تحولات جنگ دوم جهانی، تهروریختن دستگاه حکومت استبدادی رضاشاه، رشد آگاهی طبقه کارگر و پدید آمدن قشر قابل ملاحظه‌ای از روشنفکران که در داخل و خارج کشور با مارکسیسم-لنینیسم آشنایی یافته و در مبارزه با رژیم استبدادی رضاشاه تادرجه‌ای آید و در پی او می‌بودند، شرایط مساعد پدید آمدن حزب مبارز انقلابی را مهیا ساخت. پس از پیشبرد برنامه موجود آمد. به علاوه پس از جنبش استقلال طلبانه ملت ماوتشدید مبارزه باقیات در جامعه ایران، ضرورت ایجاد حزبی که از جهت برابری و جهت تشکیلات محکم بوده و بتواند در شرایط فاسد و پیچیده اوضاع انقلابی ایران با قدرت تشخیص و تألیف اتحاد اف نافی عمل نماید ایجاد مینماید.

طبقه کارگر ایران از تشکیل حزبی از نوع احزاب سوسیال دموکرات اکثریت سوسیال دموکراتیک و سوسیالیستی و اصلی مبارزه در زندان‌ها، مبارزه تهروریستی و پارلمانی است. تجربه در دوران معینی از تکامل سرمایه داری در کشور نمای اروپای غربی پیدا شده‌اند. سرمایه داری و سهمین جهت که شش‌های توانایی که در راه تشکیل چنین نوع حزبی در ایران صورت گرفته و تا امروز نیز صورت مینماید پیوسته با ناآرامی روبرو شده است. شیخیت از این قبیل احزاب نتوانستند اعتماد توده کار را بخود جلب کنند و نتوانستند در جنبش‌های پیشرو ملی و در مبارزات انقلابی در تاریخ معاصر ایران بازی نمایند.

درست است که در برنامه نخستین حزب توده ایران از جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم ذکر کردیم. بمانند نیاید و شعارهای اعلام شده آن از حد و شمارهای دموکراتیک عموم خلقی تجاوز نینماید و ولی اینهم واقعیتی است که مقررات عضویت در حزب میان این آن مانند اصل مرکزیت دموکراتیک، ادعای اقلیت از اکثریت، رهبری جمعی، اصل کارگرتردی و ضرورت حفظ وسیع‌ترین پیوند با توده‌های زحمتکش و تیره و تیره استخوان بندی اساسنامه حزب طراز تشکیل پیدا کند. عمل حزب توده ایران که در جهت دفاع از منافع زحمتکاران، دفاع از صلح و آزادی و ترقی و پیشرفت از جنبه جهانی سوسیالیسم انجام می‌گیرد سیاسی واقعی حزب را نشان میدهد. همانا به همین دلیل بسیاری از کارگران پیشرو از زمان آغاز فعالیت حزب توده ایران بر اساس مشاهده عمل حزب و پراش شعار انقلابی خود دریافتند که عدم ذکر جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم در برنامه حزب محسوس است. شرایط مشخص آن ریز جامعه است و حزب توده ایران با همیتا حزب طبقه کارگر ایران است.

ما همیت واقعی حزب توده ایران از زمان روزهای نخست تشکیل حزب بر اینست که آنکه نیز پوشیده نمائند. اکثریت مطلق مؤسسان حزب توده ایران استادان و قادیاری خود را با طبقه کارگر در زندان‌ها و تبعید گاه‌ها

عای رضاشاهی داد و بودند همین سبب گردانندگان حکومت ایران که از این واقعه اطلاع داشتند از همان آغاز تاسیس حزب توده ایران مبادی انقلابی آن بی برده تمام نیروی خود را در جهت عظیم گذاشتن فعالیت این حزب بکار بستند. مطابق تهران بدستور حکومت نظامی و شهرستانی کل کشور حاضر بچاپ بسترنامه حزب نگردید حتی مدلیه مجلس که «آهرا» بدالت اجزای چنین اقدامات شد و موزیک قرارگیرد از چاپ آن استکاف نمود.

حزب طرازنوین برای اولین بار در روسیه قبل از انقلاب در جریان مبارزه لنین با منشیوکیها وجود آمد. منشیوکیها بر این عقیده بودند که نوع سازمان حزبی پرولتاریا برای پیروزی انقلاب اهمیت جدی ندارد. لنین برای اولین بار در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری جهانی مبنای تشکیلاتی حزب جدید مارکسیستی یعنی حزب طرازنوین طبقه کارگر را در کتاب معروف "یک کام به پیش و کام به پس" که در ماه ۱۹۰۴ از طبع درآمد تشریح نمود. است.

حزب طرازنوین بخشی از طبقه کارگر بود که ای از آن میباید. هر دو دسته ای از طبقه کارگر نمیتوانند حزب طرازنوین را بوجود آورند. تنهاد دسته پیشرو، دسته آگاه، دسته انقلابی طبقه کارگر که با اسلحه مبارزه - لنینسم مجهز است قادر است چنین حزبی را پدید آورد. و تنها چنین دسته ای از طبقه کارگر میتواند طبقه خود را هدایت کند و مبارزه وی را در پیروزی نماید. حزب طرازنوین نه تنهاد دسته پیشرو و آگاه طبقه کارگر است بلکه در زمین حال دست متشکل طبقه کارگر میباید. انضباطش آگاهانه است همراهی همه اعضا در دست روز یسسل سازمان اجباریست. از این رو اعضا "حزب باید اجتماع و یکی از سازمانهای حزب باشند. حزب طرازنوین نه تنهاد دسته پیشرو و متشکل طبقه کارگر است بلکه "شکل عالی سازمانی" طبقه کارگر است. از همین جهت سازمانهای دیگر طبقه کارگر نمیتوانند اتحاد به ها و سازمانهای تعاونی و غیره تحت رهبری حزب قرار میدهند. حزب طرازنوین مظهر ارتباط دسته پیشرو طبقه کارگر با توده های عمومی طبقه کارگر میباید. برای اینکه حزب رهبری توده ها را منطقی انجام دهد باید بر مبنای مرکزیت و موزیک متشکل گردد، دارای آئین نامه واحد باشد که مقررات حد شده نماید بر حیات حزبی را تعیین کند.

برخلاف منشیوکیها لنین بر آن بود که برای تلبه بردن شرفان اجتماعی تنها اتحاد ایدئولوژیک پرولتاریا کافی نیست. برای اینکه پیروزی بدست آید باید یگانگی ایدئولوژیک را با یگانگی مادی سازمانی پرولتاریا مستحکم نمود. لنین معتقد بود که پرولتاریا تنها با چنین شرایطی میتواند به نیروی تلبه نماید برسد. وی در باره اهمیت سازمان حزبی طبقه کارگر بویژه چنین میگوید:

" پرولتاریا در مبارزه برای حاکمیت بجز سازمان سلاح دیگری ندارد. پرولتاریا که بواسطه اسلحه یک رقابت بمرح و مرج در جهان سرمایه داری از هم جدا میشود، و در زیر بار کارهای مشتت با بر برای سرمایه ازیای درمی آید و اعضا "در اعماق" تقریبا مسل، بحالت پهنی وانحطاط میافتد. چنین پرولتاریا فقط در سایه آن میتواند بدل به نیروی مغلوب نشدنی شود و ناگزیر بدل نیز خواهد شد. نه اتحاد فکری وی از روی اصول - مارکسیسم بواسطه وحدت مادی سازمانی که میان یونهاز حتمتک را با ارتش طبقه کارگر بهم میپیوندد، مستحکم گردد. در مقابل این ارتش نه حاکمیت تربیت استبداد روسی - تواند تاب بیاورد و نه حاکمیت سرمایه بین المللی که رو بزوال است."

ایجاد حزب طرازنوین طبقه کارگر تابع عوامل بسیار تعیینی و ذهنی است. تعیین حزبی نمیتواند مدعی آن باشد که از نخستین ایام پیدایش خود جامع صفات و خصوصیات یک حزب طرازنوین بوده است. طرازنوین بودن یک حزب جزئی است در شمار، حیوانی و غیر حزبی در جریان مبارزات بیرون و درون حزبی خود رفته رفته خود را بکامل مطلوب میرساند و کلیه مختصات یک حزب طرازنوین را واقعاً و عملاً کسب میکند. حزب مادر کشور کمی رشد که در آن بقایای قوی روابط فئودالی حکمفرماست و طرز فکری و عمل خرد و بورژوازی نفوذ زیادی دارد پدید شده و لذا ایدئیی است که جریان تبدیلش بحزبی طرازنوین با مشکلات زیادی همراه است. معجزه احزاب توده ایران بمطابق یک حزب کارگری طرازنوین خیلی زود شکل گرفت. از جهت ترکیب در حزب توده ایران پیوسته عناصر کارگری انشیت داشته اند. در اولین کنفرانس حزب ما که در دست یگسال پس از تاسیس حزب در تهران

تشکیل یافت شماره اعضا^۱ حزب پیش‌هزار نفر بالغ شده و هشتاد درصد این عده را کارگران تشکیل میدادند. در هنگام تشکیل نخستین کنگره حزب در خرداد ۱۳۱۲ شماره اعضا^۲ حزب به بیست و پنج هزار رسید که تعداد پنج درصد از این عده را کارگران بودند. گرچه آمار دقیق از ترکیب اعضا^۳ حزب در دورانهای مختلف نامائیت آن در دست نیست ولی این نکته مسلم است که شماره کارگران همیشه اکثریت مطلق اعضا^۴ حزب ما را تشکیل میدادند.

شورای متحد مرکزی کارگران که پس از تأسیس خود در مدت کوتاهی اکثریت مطلق کارگران را کسز کارگری ایران را در صفوف خود متشکل نمود، حزب توده ایران را بنیان‌بانی‌ترین و سرسخت‌ترین مدافع منافع طبقه کارگر ایران شناخت.

حزب توده ایران بواسطه و نقش رهبری خود نسبت به دهقانان که سه ربع ساکنین کشور ما را تشکیل میدهند واقع بود و این زمینه آگاهانه عمل نموده است.

روزنامه رهبران مرکزی حزب توده ایران در مهرماه ۱۳۲۶ درباره وظیفه و نقش حزب ما نسبت به دهقانان چنین مینویسد:

" ما بر آنیم که جنبش دهقانی یعنی از میانی استوار نهضت ملی ایرانست. حزب توده ایران باید باد دهقانان را بنه برقرار کند، آنها را متشکل نماید و رهبری و راهنمایی نماید و مسوولی رهبری واقعی بد ایت کند."

با سیر تحول مبارزات بیرون و درون حزبی فرمولهای مرامی و سازمانی حزب ما پیوسته در تغییر و تحول است. کنگره دوم که پس از مبارزه طولانی علیه اپورتونیزم در حزب در سال ۱۳۲۷ تشکیل گردید مرحله مهمی در رد قیق شدن فرمولهای مرامی و سازمانی حزب ما بشمار میرود.

تکامل حزب ما پس از کنگره دوم علی‌رغم فراوانی شکستهای بسیار با سرعتی بیشتر جریان یافت. در برنامه و اساسنامه تصویب پنجم، ششم و هفتم حزب توده ایران و کنفرانس وحدت احزاب توده ایران و فرقه دو کسرات آذربایجان با دقت کامل جهت گوناگون میانی سازمانی حزب طراز نوین مورد توجه قرار گرفته است و پیوسته در باره تعریف مجدد فح حزب چنین گفته شده است:

" حزب توده ایران سازمان سیاسی طبقه کارگر در سراسر ایران و عالیترین شکل سازمانی این طبقه است. حزب توده ایران اتحاد و اولیانه مبارزین پیشرو طبقات و تشرهای زحمتگر ایران - کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران و افرادی است که برنامه اش را میباید برینود و راه تحقق آن گام بر میدارند."

جهان بینی حزب توده ایران مارکسیسم - لنینیسم است و اصول تشکیلاتی وی از ایس - جهان بینی ناشی میشود.

حزب توده ایران اعضا^۵ خود را با روح و فاداری بمناقض طبقه کارگر و جنبش رهنمایی‌بخش مردم ایران و با روح میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری پرورش میدهند. هدف فح حزب توده ایران در مرحله کنونی عبارت است از انجام تحول دموکراتیک در جامعه که مضمون اساسی آن برانداختن نفوذ امپریالیسم و تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و ریشه کن کردن منافسات اربابی - رعیتی است. حزب توده ایران از منافع کلیه قشرهای ضد استعمار جامعه ایران در قبالت تجارزات گوناگون استعمار و عاقلش دفاع میکند."

حزب ما در دوران بیست سال حیات خود تجارب زیادی در زمینه های گوناگون مبارزات ضد اربابانسی، در مجلس، دولت، در رهبری سازمانهای توده‌ای، در روابط خود نسبت بسرمایه داری ملی و در مبارزات علنی و مخفی و غیره تجربه اندوخته است. توده های وسیع کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران شرقی جامعه میهن ما حزب توده ایران را متعصب کننده اعمال و آرزوهای خود میدانند و با وجود ترور و وحشیانه رژیم کودتا آنان دفاع نموده و وحدت و علاقه خود را نسبت به حزب ما نشان میدهند. واقعیت سرسخت زندگی حتی کسانی مانند آقای دکتر امینی که در ضمنی اش نسبت بحزب ما هر کسی پوشیده نیست مجبور میسازد که درباره حزب ما بویژه از جهت استواری فکری و سازمانی اش قضاوتی کند که آنرا درباره احزاب دیگر صادق نمیشود. آقای امینی درباره حزب توده ایران در یکی از نطقهای اخیر خود چنین مینویسد:

در این میان متشکل ترین دستجات حزب توده بود - زیرا بیشک آید تئولوژی جهانی مجرب شده بود - حزب توده ایران اسلوب مبارزه و فعالیت خود را با توجه به محرومیت اکثریت ملت و نسل جوان و پیشرفته این کرد - در تبلیغ کردن و سازمان دادن تحریک مخصوصی بخرج داد و وسایع ناروفا فعالیت آن از سایر گروهها که هدفی جز تأمین منافع شخصی نداشتند بالاتر برد *

حزب ما با وجود شرایط وحشیانه و بی ادبی ارتجاع که پیوسته با محرومیت های فراوان از حیث وسعت و گسترده تانواع مردمی و جمعی اعضا همراه بود - است موجودیت خود را حفظ نمود ، با سرسختی مبارزه عادلانه خود در راه استقلال ، دموکراسی ، ترقی و صلاح ادامه داد و امید بند - حزب توده ایران به پیروزی انگسارو اندیشه های بحق خویش ایمان دارد و به نیروی عظیم محتوی خود متکی است - امروز صحت شعارهای حزب ما همین از همیشه بر مردم ایران روشن شده است و همین خود بهترین ناامن پشتیبانی همه جانبه آنها از حزب ما است - آن حزبی که از بیستگلی محتوی و پشتیبانی همه جانبه مردم برخوردار است ، مسلماً عالی تر و شریف تر و نوسنه در شواری به آماجهای مقدس خود دست نخواهد یافت *

سخن آفرین دفاع

رفیق شهید خسرو روزبه

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران منتشر شد

زبانیهاترین ارزشه ای که رفیق شهید خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی کشور ما از خود باقی گذاشته همانا آن سخنان آتشین و پیرشوری است که وی در آستانه مرگ بدفاع از حزب خود و مردم مستعبد و میهن خویش ، در دوران مخوف اختناق و ترور ، در آستانه گناه در بسته و فرمایشی نظامی ادا کرد - است - کمیته مرکزی حزب توده ایران این اسناد پراچ را در اختیار همه رفقای حزبی ، همه مردم ایران و سراسر جهان قرار داده است - این اسناد بهتر از هر توصیف دیگری میتواند قدرت روحی مردمی را که در برابر خطر حتمی مرکز از تابناکترین آرمانهای انسانی با هیچجانی عالی مدافعه میکند نشان دهد - این اسناد بیشک در رهپوش و لاترین صفات قهرمانی و جانیازی در هم میهنان ما تأثیری ژرف خواهد داشت و نقش خود را از جهت برانگیختن بهترین شوره های انسان دوستی و میهن پرستی ایفا خواهد نمود *

آخرین دفاع رفیق روزبه را بدست آورید ،
 بخوانید و خوانندگان آنرا بدیگران توصیه
 کنید !

در زیر پرچم حزب توده ایران

در افشاء کتاب:

«تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران»

تقریباً یک سال پیش کتابی بعنوان "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" بر علیه حزب ما انتشار یافت. تفاوت این کتاب با کتب ضد حزبی دیگری که پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نوشته شده (مانند کتاب سیاه و "سیرکونوسیم") در اینست که نویسنده این کتاب خود را فدائی کمونیسم و هوادار احزاب کمونیستی و کارگری چپ و پیرو حزب کمونیست اتحاد شوروی می‌نامد و چنین جلوه می‌دهد که گویا از موافقان مارکسیستی به حزب توده ایران حمله می‌کند. اگر نویسندگان دیگر می‌خواستند از کمونیست کمونیسم به کوبیدن حزب توده ایران برسند نویسنده کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" می‌خواهد با ستایش کمونیسم بهمین هدف نائل آید. کتاب او در درجه اول بمنظور بودن آن افرادی که به مارکسیسم - لنینیسم اعتقاد و ایمان دارند و از حزب ما بمناسبت سرشت مارکسیستی - لنینیستی آن پیروی می‌کنند نوشته شده است. اگر دشمنان های ریکی را که بیدریغ در این کتاب به رهبری حزب توده ایران مشارکند به اندک نارکتد ابریم و شاخ و برگ موضوعات را برتیم چند مسئله مهم باقی میماند: "نقش رهبری در حیات حزب توده ایران"، "ماهیت طبقاتی حزب توده ایران"، "علل رشد سریع حزب توده ایران و شکست وی در رژیم کودتا"، "اعتبار بین المللی حزب توده ایران"، "خط مشی وحدت".

ماد رفقائے حاضر این موضوعات را مورد بررسی قرار داده ایم.

۵ مرداد ۱۳۴۰

۱- حمله به حزب توده ایران از راه هجوم برهبری آن

هدف کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" روشن است: کوبیدن حزب توده ایران از راه حمله و هجوم برهبری آن.

نیات نویسنده کتاب هر چه باشد هدف او همان است که در بزمانی است از طرف ارتجاع و امپریالیسم تعقیب میشود. در سرا تاز کتاب "سیرکونوسیم" از طرفدایان ستگاه جاسوسی ایران نوشته است که با حزب توده باید د نوع مبارزه کرد: یکی منفی و دیگری مثبت. مبارزه منفی بمعنی آنست که آنها عبارت از وظیفه ای است که امثال باغ مهران، حمام لشکر ۲ زرهی، دادگاههای سرستة نظامی ویدان های اعلام در برابر حزب توده برعهده دارند، و مبارزه مثبت عبارتست از مبارزه ایدئولوژیک، مبارزه برای درهم شکستن اعتبار و حیثیت حزب توده ایران، در افکار عمومی. کتاب سیاه و "سیرکونوسیم" و نفرت نامه هائی که با آب و تاب تمام در روزنامه ها آگهی میشوند برای تأمین همین "مبارزه مثبت" نگاشته گردید و در همه آنها جای خاصی به حمله بر رهبری حزب توده ایران داده شده است. اینک کتاب حاضر نیز مظهری است که نوشته شده باشد در زمینه همان "مبارزه مثبت" است. طبیعتاً این سؤال پیش میآید که پس از چند سال ستوت، چه شده که "مبارزه مثبت" با حزب توده ایران و پیروان حزب توده ایران لازم آمده است؟ جواب این سؤال را با سانی میتوان در مضامین کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" یافت: خلاصه مطالب اینست که حزب توده ایران پس از گذراندن سنگ

دوره بحرانی از بلنوم چهارم بعد (تیرماه ۱۳۳۶) بسروسامان دادن سازمان های خود دست زد و موفقیت های جالبی بخصوص در زمینه تجویز افکار عمومی بدست آورد است . اسناد کمیته مرکزی حزب توده ایران، روزنامه ارگان و سایر مطبوعات وی وهمچنین گفتارهای راد یوشی اعلی رزم تفسیقات سازمان امنیت بتدریج در توده هانفوذ میکند ، کم کم کادرهای حزبی ارتباطات تشکیلاتی خود رایافته بغضایت سازمانی آغاز می کنند و احساساً سازمان های حزبی در دستور روز قرار میگیرد . همه این اقدامات با وجود یک مرکز رهبری بستنی نام دارد ، اینک پیش از هر زمان احساس میشود که گوید ن رهبری با گوید ن آثار وجودی حزب توده ایران برابر است . در چنین لحظه ای بدیهی است که توجه مخالفان و معترضان و دشمنان حزب توده ، بیش از همه بروی رهبری متمرکز میگردد کتاب " تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران " نمونه ای از این نوع توجه است .

در صفحه ۳۹ کلاماً بر روشنی دیده میشود که نویسندۀ کتاب تاجه پایه از اینک اسناد و نشریات کمیته مرکز حزب توده ایران در اعضا حزب مؤثر افتاد و ناخشنود و ناراحت است . و مینویسند :

" افراد ساده لوح حزبی پس از مطالعه قطعه نامه ها و یاد یکنشریات رهبران ، باین دلیل که آنها رسماً به خبط و خطاهای خود اقرار کرده اند در رضا و تشناح واحدی دچار تردید میشوند تا آنجا که میتوان در قیافه های آنان بنفع رهبران علائم ضعفی از گذشت ویراقت مشاهده نمود . "

بیشترین عصبانیت و نفرت نویسندۀ نسبت به کادرهای حزبی است که اسناد و مدارک و مطبوعات کمیته مرکز را بردست گرفته بمیان اعضا حزب توده مردم میرسد . بحقیقه نویسندۀ این اشخاص " در حقیقت امر از زهره خطرناک ترین و ضد انقلابی ترین توده ایست های حسابگسرو سازشکار شمار میروند . همین ها هستند که با اجرای نقش پیچ و مهره در دست رهبران حزب توده و افراد ساده لوح را که قسمت اعظم توده ایست هارا تشکیل میدهند بحزب توده و رهبری فاسد و منحرف آن مربوط و متصل میسازند . همین ها هستند که با الهام از رهبران اروپائین خود بوسیله انتشار قطعه نامه ها و اعلامیه ها و نشریات ارسالی آنها (که مخالف پلیسی داخلی و خارجی هم از در و باجری آن نظاره و مرحمت خاص ارد) باز هم برای احیای مجدد حزب توده و علم نمودن در هارۀ آن فعالانۀ سنگ بسینه میزند و با جمع آوری گروهی افراد معصوم بد ویر خویش باز هم در راه نندین فروش سرنوشت آنان و ایجاد شرایط یک معامله سیاسی بزرگ در یرشد دست رهبران حزب توده گام برمیدارند بحقیقه د ماینرترین مسئولیت ها متوجه همین دست است " (صفحه ۷۴) .

در صفحه ۸۴ مینویسد :

" توده ایست های مهاجر در بعضی از نشریات اخیر و پیروان داخلی آنها هم اغلب در مباحثات خود مستقیم و غیر مستقیم بتعویض اساساً تمام جدید حزب توده اشاره نموده و با تبلیغ مقدّماتی این مورد خاص و طرح نتایج تحول قریب الوقوع انقلابی آن که گویا پس از تمهید و تنظیم افق جدیدی از حرکت و عمل بروی حزب خواهد گشود افراد وابسته بخود را بشیوه سابق ، منتهی با موضوعی ظاهراً اصلاح تر ، سرگرم و امید وار مینمایند . "

در صفحه ۹۷ :

" توده ایست های با حسن نیت بدون اطلاع از خواص تبلیغات خود بنفد دستگاہ رهبری و دعوت افراد به تبعیت از آن میخواستند د هاره موجب تشکیل همان سازمان سابق شده "

نویسندۀ از نظر اینکه سازمان های حزب توده ایران احیا و تحکیم شود آنقدر رنگران و آشفته و دشمنانک است که حتی اعضا ساده حزب توده ایران را که ظاهراً جلب آنها یکی از منظورهای اوست مورد طعن و لعن قرار میدهد . ما با حذف دشنام های رکیکی که نثار رفتای مآشده است نوشته وی را نقل می کنیم . او مینویسد :

" توده ایست ها همان تنه و هیکل حزبی را تشکیل میدهند و . . . کلاماً ساده لوح و از

(۱) نویسنده میخواستد در این عبارت حزب توده ایران را مورد پشتیبانی و " مرحمت خاص " پلیس داخلی و خازنی نشان بدهد !

تشخیص هر اثر را عاجزاند ۰۰۰ لذا در همه وقت از فعل و انفعالات تاریخبران خود بجز هر بیگانه بوده و همین علت هم نسبت بررسی وضع رهبران مخالفت نشان میدهند و حتی با تعصب نیز از رهبران خود دفاع می کنند ۰۰۰ بدین ترتیب توده ایست های فوق الذکر با وجود اختلافاتی که بد آنها اشاره شد معذک متفقا با شروع هر نوع تصفیه حساب طبقاتی که منجر بنفی د ستگاه رهبری شود مخالفت مینمایند" (صفحه ۷۵)

آنگاه نویسنده، خوانندگان خود را به حمله بد ستگاه رهبری حزب توده ایران تشجیع میکند و میگوید:

"مارکسیست های ایران با استفاده از این فرصت مساعد تاریخی - یعنی زخم مهلکی که د ستگاه رهبری با حربه آزمايش تاريخی ۰۰۰ برداشته است - نسبت با اهمیت د قایق حساس کار توضیحی خود بر پایه عمل و تجربه تأیید کنند و تا ملاوقوف داشته و در جهت هم آهنگ نشان دادن تئوری های علمی مبارزه با اقدامات محکوم کنند و د ستگاه رهبریکه و اینکه عملیات آنها بحسب پیش بینی های صحیح مارکسیستی میا یست بچنین ننگ و شکست برسد کام بر میدارند و هر نوع درنگ و تسامح را نیز در این مورد خاص بمنزله سکوت سازشکارانه و خیانت طبقه کارگر محکوم خواهند شمرد" (صفحه ۴۴)

شاید خوانندگان عزیز در نظر اول متوجه تمام معنای این عبارات نشوند. و اقاهم عبارات د شواریست آسانش اینست که مارکسیست های ایران باید از این فرصت تاریخی مساعد یعنی از این که د ستگاه رهبری حزب توده د را اثر آزمايش تاريخی زخم مهلکی برداشته است استفاد ه کنند. آنها باید توجه داشته باشند که کار توضیحی که بر پایه عمل و تجربه متکی باشد چقدر حساس و دقیق و مهم است. آنها باید ب مردم نشان بدهند که اقداماتی که د جهت محکوم ساختن د ستگاه رهبری بعمل می آید با تئوری های علمی مبارزه مطابقت دارد و اصولا عملیات د ستگاه رهبری حزب توده د طبق پیش بینی های صحیح مارکسیستی میا یست قاعد تا به ننگ و شکست منتهی میشد. مارکسیست های ایران هرگز نود درنگ و تسامح د راد ای این توضیحات را بمنزله سکوت سازشکارانه و خیانت طبقه کارگر محکوم خواهند شمرد.

د ر صفحه ۱۰۲ واضح تر از این میگوید:

"تضاد فکری مارکسیست های ایران باد ستگاه رهبری حزب توده د تنهاست که ماهیت رقیفانته خود را از دست ستاده و به تضادی اصولی، تضادی اساسی، تضادی بیسند د جریان و د واید ثلویزی تضاد طبقاتی بدل شده است. بنابراین لزوم تحقیق و پیدایش جریان مارکسیستی ایران خود مستلزم نفی د ستگاه رهبری مزاحم واخلالگر، و نفی د ستگاه رهبری حزب نیز مستلزم شناسائی د قیق تمام جوانب حیات سیاسی حزب توده د با محك انقلابی مارکسیستی - لنینیستی است".

آن وقت همین نویسنده که د ر باره توده های حزبی نوشته بود هر راز بر تمیز نمیدهند و فحش های رکیک نشنیدنی بد رقه راه آنها ساخته بد خوانندگان خود و از آن جمله "توده ایست های یا حسن نیت" راد عوت به قیام میکند و میگوید:

"د چارترس و شرم از این و آن نشوید. افکار خود راد رخانته سززند انی ننگید. شاید هم آید و همان فکر که آن را از ترس و خجلت و عیلت غلط بود د احتمالی د رخانته سر اسیر نمود ه آید پس از خروج ۰۰۰ بگوهری تابناک و به ستاره ای راهنما تبدیل شود" (ص ۱۳۹)

کتاب د ر واقع با این ند ای ضد رهبری حزب توده ه ختم می گردد.

پس از این توضیحات د جای تردید نمی ماند که هدف کتاب حاضر گویند د حزب توده ایران و در درجه اول رهبری آن است.

گویند رهبری حزب توده ایران چه اهمیتی دارد که اینهمه مورد توجه این نویسنده و سایر دشمنان حزب ما واقع شده است؟ این سئوالی است که باید آن را مورد بررسی دقیق قرار داد. ما د ر اینجا د رصد تحلیل ماهیت کمیته مرکزی حزب توده ایران و شرح خد مات آن و اینکه چه اشتباهی کرده و نکرده است نیستیم. این تحلیل د بر خدی یگرا از اسناد حزب ما کم و بیش انجام گرفته است. ما میخوانیم خوانندگان عزیز را به نتایج علمی پیشهاد کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" مبنی بر لزوم نفی د ستگاه رهبری حزب توده ایران

متوجه گردانیم. استدلال ما ساده است: يك لحظه در نظر بگیرید که پس از سال‌های ۱۳۲۲-۱۳۲۳ در دستگاه رهبری حزب توده ایران در رم شکسته و از کار افتاده بود. در آن صورت چه چیز ممکن بود از حزب توده ایران باقی بماند؟ امروز بر همه هموطنان ما روشن است، و مقامات دشمن نیز کاملاً اعتراف دارند، که حزب توده ایران در ویران بحرانی را از سرگند رانید و وارد مرحله جدید تجدید سازمان و فعالیت وسیع اجتماعی شده است. امروز در ویرانه حزب توده ایران بعنوان يك نیروی مؤثر در رصحنه سیاست کشور ما عمل میکند. امروز دیگر حتی گستاخ‌ترین عوامل ارتجاع و امپریالیسم نیز از گدازشتن صفت "منحله" در جلوی اسم حزب توده ایران احتراز دارند. و همه آنها - که اگر چه هنوز در برابر آنچه باید بشود ناچیز است ولی بنسبت آنچه بوده و بعنوان قدم‌های نخستین بسیار امید بخش است - نتیجه ادامه کاری و پیگیری در دستگاه رهبری حزب توده است. هم اکنون نیز اگر این دستگاه از میان برداشته شود با شرایط و اوضاع و احوالی که در کشور ما فراهم آمده است همین اندازه فعالیت حزب نیز لاقابل برای مدتی قطع خواهد شد و حزب طبقه کارگر در رهنمای مشخص خود راز دست خواهد داد.

ملاحظه کنید که در عرض این مدت هشت سال هیچ يك از اشخاص یا سازمان‌های که با رهبری حزب توده ایران اعلام دشمنی میکنند نتوانستند با تار و پود ریسمان توده را رهبری طبقه کارگر را رد دست گیرند و سازمانی از نوع آنچه مدعی‌اند بوجود آورند. بدیهی است که اگر آنها بکار در ریسمان توده هادست میزدند رهبری حزب توده ایران نه میخواست و نه میتوانست آنها را بازدارد. پالنتیجه مقام رهبری طبقه کارگر برای آنان تأمین میشد. ولی این اشخاص کارشان فقط جنبه تخریبی دارد. هدفشان کوییدن و خرد کردن رهبری حزب توده ایران است بدو آنکه چیزی بجای آن بگذارند.

کسی بنگر اشتباهات رهبری حزب توده ایران نیست. این اشتباهات را خود رهبری در پلنوم چهارم کمیته مرکزی با صراحت تمام تحلیل کرد و برعهده گرفته است. کسی منکر نیست که باید حزب را برای تشکیل کنگسره حزبی و تجدید انتخاب کمیته مرکزی آماده ساخت. ولی حل همه این مسائل با خود حزب است. با دشمنان حزب نیست. شرط ضروری هراقدمی در این زمینه ها حفظ موجودیت حزب و احیا و تحکیم سازمان‌های آن است، و عمادید و میشود که این کار هیچ امکانی جز از طریق رهبری حزب توده ایران ندارد. نفی رهبری حزب توده ایران نفی حزب توده ایران است. این دفاع از این و آن نیست، دفاع از ارگانی است که ناگزیر و بهسر تقدیر این وثیقه برعهده او - و فقط او - گذاشته شده است.

ممکن است برخی از رفقای حزبی و یا بعضی از دوستان حزب توده ایران به این واقعیت توجه نداشته باشند و تحت تأثیر علاقه صمیمانه‌ای که بسرنوشت حزب دارند به نتیجه گیری‌های شتابزده‌ای دست بزنند. ولی دشمنان آگاه طبقه کارگر، آنهاست که با اشارات امپریالیسم رهبری میشوند، باین واقعیت توجه کامل دارند و از همه طرف رهبری حزب توده ایران را میکوبند تا سازمان سیاسی طبقه کارگر را برانرا کویید باشند. کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران"، نیت نویسنده اش هرچه باشد، هدف دیگری جز این ندارد.

آدمای اینکه حزب توده ایران حزب طبقه کارگر نیست

نویسنده کتاب، طبقه کارگر را بهر ایراد که از کرد حزب توده ایران در عوت میکند. زیرا که بادعای و حزب توده ایران حزب طبقه کارگر نیست، حزب خرد و بورژوازی است (ص ۲۱) و "حقایق مسلم تاریخی نشان میدهد که عناصر پیشرو و ولتاریای ایران با شرکت خود در احزاب مخلوط یعنی سازمان‌های غیرکارگری چگونه همه وقت طبقه کارگر را با دست طبقات دیگر تیدیل نمودند" (ص ۲۱)

این اتهام که حزب توده ایران حزب خرد و بورژوازی است آنهاست که در گذشته نیز گاه‌گاه از زبان برخی از متظان‌هرا ن بطرفداری از طبقه کارگر کشید شده است. ولی اینکه اتهام مذکور پس از سال‌ها فراموشی در لحظه معین کنونی تکرار میشود انگیزه خاصی دارد: پس از کودتای ۲۸ مرداد که در ویران حمله و هجوم رژیم کودتایید از یک طرف با حبس و شکنجه و اعدام به پیکار حزب توده ایران آمدند و از طرف دیگر نیروی تبلیغاتی خود را صریحاً بر روی مردم و مسلک حزب توده، بر روی

مارکسیسم - لنینیسم متمرکز ساختند. خلاصهٔ مرصود ای آنها این بود که کمونیسم در ایران محکوم بشکست شد و رژیم کودتا خط مشی جدیدی بجای آن آورد. است که شاه آن را "ناسیونالیسم مثبت" مینامید. در این دوره گردانندگان مغرور و سرمست رژیم کودتا تازی به دگرگون جلوه دادند جهان بینی حزب تودهٔ ایران احساس نمیکردند و ابایی نداشتند از اینکه بماهیت کمونیستی حزب تودهٔ ایران اعتراف کنند منتصبی معنا و مفهوم کمونیسم را تحریف میکردند و لاف و تزلفهای بویج خود را بنام "ناسیونالیسم مثبت" جا میزدند. اما اینک نزدیک هشت سال از آن تاریخ گذشته، کمونیسم در مرصهٔ جهان به پیروزیهای تازه تر و عظیم تری نائل آمده، ادعاهای رژیم شاه به رسوائی پیکرانی انجامیده که قابل دفاع نیست. و از طرف دیگر بسیاری از نظریات اصولی حزب تودهٔ ایران صحت خود را پس از گذشت اینهمه سالها بروشنی نشان دادند. تا بحدی که خلیل ملکی با سراسیمگی مینویسد: که نفوذ حزب توده در ارزشهای تشکیلات سابق خود درگذشته است (۱). در این لحظه حملهٔ صریح به مرام و مسلک حزب تودهٔ ایران که مایهٔ نفوذ معنوی اوست با احتمالاتی از نوع دیگر تکمیل میشود، از نوع انکار ماهیت حزب تودهٔ ایران. در پیروزی گفتند که کمونیسم و حزب تودهٔ کمونیست محکوم به شکست است. اما امروز نویسند که کتاب حاضر میگوید که کمونیسم پیروز است ولی حزب تودهٔ ایران کمونیست نیست. این هر دو گفتار منظم که میدان حزب تودهٔ ایران است منتصبی یکی بنام کمونیسم و دیگری بنام ضد کمونیسم.

شاید برخی از خوانندگان عزیز ما روشی را که رژیم کودتا در نخستین دوران خود در مبارزه با حزب توده داشت فراموش کرده باشند از اینجهت بد نیست که نمونه‌هایی از روش مذکور یاد آور شویم:

محافل پلیسی و جاسوسی ایران که کتاب "سیر کمونیسم" را در اسفند ۱۳۳۰ منتشر ساختند در مقدمهٔ آن چنین نوشتند:

"کتاب حاضر کمونیسم و حزب توده را از جنبه‌های مختلف ایدئولوژی و تشکیلاتی تجزیه و تحلیل نمود و بسفسطه آمیز بودن قسمت اعظم این ایدئولوژی را ثابت میکند" (۲)

و در فصل مربوط به "معرفی حزب کمونیستی توده از لحاظ مرامی و ایدئولوژی" چنین اظهار نظر کردند:

"حزب توده در حقیقت حزب کمونیست ایران است و از این جهت معرفی حزب توده از لحاظ مرامی و ایدئولوژی چیزی جز بیان مرام و ایدئولوژی کمونیسم نیست. اصول و مبادی مرام کمونیستی در همه اوقات پایهٔ اتکالی فعالیت حزب توده بوده است. حزب توده همه وقت و همه جا موبم و مطابق النحل بالثعلل عین دستور العمل‌های ایدئولوژی کمونیسم را اجرا نمود. است" (۳).

و در جای دیگر:

"حزب توده همان اصولی را راهنمای خود قرار داد. است که حزب کمونیست اتحاد شوروی آن را راهنمای خود میدانند. در حقیقت مطبوعات و نشریات و کتب حزب توده نقد راز آشوبی مارکسیسم - لنینیسم و ایدئولوژی کمونیسم بحث کرده و پیروی و تبعیت بی چون و چرای خود را نسبت بدان اعلام داشته اند که نقل قول آن مدها صفحه را اشغال میکند" (۴).

در کتابی هم که آنرا "کتاب سیاه" (۵) نام نهادند و مربوط به محاکمهٔ اعضا "نظامی حزب توده" است چنین میخوانیم: "نود درصد کتاب‌های تعلیماتی حزب منحل شده عبارت از ترجمهٔ آثار رهبران کمونیسم از قبیل کارل مارکس، فردریک انگلس، لنین، استالین، ماگوتسه توتک، موریس توروز و غیره بود. ده درصد باقی هم بقلم روسای حزب توده نوشته میشد که کاملاً با شیوه‌ها و هدف‌های کمونیستی مطابقت داشت. سپس سازندگان کتاب سیاه مینویسند که از میان صد ها کتابی که حزب منحل شده در دوران فعالیت آشکار و نهانی خود در طی چهارده سال منتشر ساخت نمیتوان حتی یک کتاب پیدا کرد که بقلم یکی از مخالفان کمونیسم و یا یکی از غیر کمونیستها

(۱) نشریه فوق العاده "نبرد زندگی" صفحه ۴

(۲) صفحه ح مقدمه (۳) صفحه ۵۳

(۴) صفحه ۵۵

(۵) متأسفانه متن فارسی این کتاب در دست ما نیست و بناچار از متن عربی آن استفاده کردیم.

نوشته شده باشد ... چرا این حزب منحل به انتشار کتابی از نویسندگان غیر کمونیست جهان مانند لئون بلوم، اتلی، گاندی، ریولوت، هریو و احزاب آنها اقدام نمود؟ آیا این امر محکم ترین دلیل بر کمونیست بودن حزب توده نیست؟

در کتاب مذکور این قسمت از بازپرسی رفیق شهید مبشری نقل شده است:

"سؤال - آیا مرام سازمان افسری کمونیستی بود یا نه؟
"جواب - بله".

و این قسمت از بازپرسی رفیق شهید جمشیدی:

"سؤال - توضیح بده که هدف و منظور سازمان نظامی حزب منحل توده چه بود.

"جواب - حکومت توده ای که به حکومت دموکراتیک توده ای نظیر حکومت چیسین منتهی شود".

در آن زمان ارتجاع و امپریالیسم و دستگاههای جاسوسی در باره حزب توده ایران آن طور سخن میگفتند و از نقل گواهی قهرمانانی که در راهی شکنجه و راسخه اعدام نیز مسلک و مرام خود را با سر بلند ای اعلام کردند، اباندا اشتند. در آن روز حزب توده ایران را بنام حزب کمونیست ایران تیر تاران میکردند و کسی کتابی منتشر نکرد که بگوید حزب توده کمونیست نیست و قابلیت اینهمه حیس و زجر و اعدام ندارد، حزب یزیدیان خرد و بورژوازی و بسود ضد انقلاب است. ولی امروز نویسند که کتاب حاضر مدعی این امر است، مدعی است که حزب توده ایران حزب خرد و بورژوازی است [اما این ادعا در واقع به مبارزان پیگیر طبقه کارگر دستور میدهد که از گرد این حزب بپراکنند و شیراز و جودش را زهم بگسند. و این همان دستوری است که در رژیمان حکومت شاه با گلوله های آتشین خود صادر کرد و می کنند.

نویسند که کتاب نخواست است در لامل ادعای خود را روشن و مرتب بیان کند و صرف ادعا برای اثبات آن کافی دانسته است. ولی مسامحه می کنیم بعضی از نظریات ایران که در رفصول مختلف کتاب آمده و ظاهرا بمناسبت این ادعا قرار گرفته است مورد تحلیل قرار دهمیم:

نویسند که با استفاده ناد رست از برخی عبارات ناروشن و بیان ناقص اسناد حزبی اظهار عقیده میکند که رهبران حزب توده ایران آن را "تدریجاً با نابرابری از قوای ناراضی و عصبی و ماجراجو و فرصت طلب و همچنین افسران آزاد و محاسن نیت و مترقی تبدیل نمودند". درهای این حزب بر روی بورژوازی ملی نیز بنا بود. این حزب "عرضه وسیعی از جمع و تصادم و تضاد انواع نیروهای مختلف طبقاتی بود" (۱). با این طریق نویسند که در واقع جنبه طبقاتی حزب توده ایران منکر است و مدعی است که حزب توده ایران اولاً افراد را از کلیه طبقات دموکراتیک اجتماع از کار گرفته تا بورژوازی ملی، محضومی پذیرفته و ثانیاً خصوصیات اعضا آن عبارت بود و است از ناراضی بودن، عصبی بودن، ماجراجو بودن و فرصت طلب بودن. منتهی نویسند که قبول دارند که اشخاص باحسن نیت و مترقی نیز در این حزب وجود داشته اند.

بیانیم و این ادعا را بر محک واقعیت بزنیم.

این درست است که همه اعضا حزب توده ایران از منشا کارگری نیستند در هیچیک از احزاب کمونیستی و کارگری نیز چنین نیست. ولی آیا این امر ماهیت حزب توده ایران را خدشه دار میسازد؟ مسلم است که حزب طبقه کارگر گردان پیش آهنگ طبقه کارگر است. ولی نمایندگی طبقه بودن، پیش آهنگ یک طبقه بودن در حتماً معنای منشا گرفتن از آن طبقه نیست. چه بسا از افراد یکی که از این یا آن طبقه هستند اما چون بمنافع طبقاتی خویش خیانت میورزند و یا چون از منافع طبقاتی خویش روگردان میشوند دیگر طبقه اصلی خویش وابستگی ندارند، دیگر نمایندگی آن مطریق اولی پیش آهنگ آن نیستند. برای اینکه موضوع روشن شود به منشا طبقاتی کسانی که ما آنها را نمایندگان بورژوازی ملی میدانیم توجه بفرمائید. همه آنها منشا بورژوازی ندارند و برخی از آنها از طبقه ملاک ایران اند. اما آنچه ملاک تشخیص آنها میشود این نیست که از چه منشا هستند بلکه این است که عملاً از منافع چه طبقه ای دفاع می کنند. به هیئت حاکمه و محیط آن نظر کنید که در آن افرادی که از طبقات پائین اجتماع هستند نیز وجود دارند و در میان دستیاران آنها افرادی نیز هستند که سابقاً کارگر بوده اند ولی همه آنها فروختگان به طبقات حاکمه و خائن بمنافع طبقاتی خویش اند و هیچ وجه نمیتوان آنها را نمایندگان

ویا وابستگان به طبقه کارگرو یا سایر طبقات د موکراتیک نامید . نمایند ه هر طبقه کسی است که آگاه یا نا آگاه از منافع اساسی آن طبقه د فاع میکند ، خواه از لحاظ منشاء طبقاتی د رجزو آن طبقه باشد یا نه (۱) . از اینجهت لنین در ره د ای که برای تشکیل حزب سوسیال د موکرات روسیه مجاهدت میگرد د رهبر اراکونومیست ها که میخوانستند جنبش رابه مبارزات اقتصادی و صرفا کارگری محدود گردانند میگفت : برای ما

" کمیته ای از انقلابیون حرفه ای لازم است ، و در این مورد هیچ فرقی نمیکند که آن شخصی که خود را انقلابی حرفه ای باری آورد د انشجها شد یا کارگر " (۲) .

" سازمان انقلابیون باید بیش از هر چیز و بطور عمد ه اشخاصی را د برگیرد که حرفه آنها فعالیت انقلابی باشد د مقابل این علامت که برای همه اعضای جنبش سازمانی عمومیت د ارد باید هرگونه تفاوت بین کارگران روشن فکرا ن بکلی زد و ه شود ، تفاوت حرفه های جد اگائ ه آنها جای خود د ارد " (۳) .

پس اگر حزب توده ایران د رگرد آورد ن نیروهای حزبی فعالیت انقلابی آنها را ماک قرارداد ه طبق آموزش لنینی عمل کرده است . اگر کسی از این که افرادی از غیر منشاء کارگری د حزب توده ایران عضویت د ارد نتیجه بگیرد که حزب توده ایران حزب طبقه کارگریست یا اصول حزب مارکسیستی را دست نمید اند یا عوام غریبی میکند ماد ه اول اسانامه حزب توده ایران (مصوب پانوم هفتم کمیته مرکزی و کنفرانس وحدت) نخست هت حزب توده ایران را بیان د اشته تصریح میکند که

" حزب توده ایران سازمان سیاسی طبقه کارگرد رسترا سرا بران و عالی ترین شکل سازمانی این طبقه است "

و سپس میگوید :

" حزب توده ایران اتحاد د او طلبانه مبارزین پیشرو طبقات و قشرهای زحمتکش ایران ، کارگران ، دهقانان ، پیشه وران ، روشن فکرا ن و افرادی است که برنامه اش را می - پذیرند و در راه تحقق آن کام بر میدارند " .

اما از اینجاکه افراد ای از غیر طبقه کارگرنیز ا حرا ز شرایط عضویت میتوانند د حزب توده ایران شرکت نما ، بهیچ وجه نباید نتیجه گرفت که موقعیت طبقاتی پایه اصلی جهت گیری های سیاسی نیست و یا اینکه حزب توده ایران د ر پذیرش افراد توجه خاصی به کارگران ند ارد . برعکس حزب توده ایران بعنوان حزب سیاسی طبقه کارگر پیوسته کوشید ه است که اکثریت اعضای او از کارگران باشند و دلیل آن واضح است : کارگران د ر اوضاع طبقاتی خود بیش از سایر افراد جامعه بمبارزه سیاسی طبقه کارگر جلب میشوند و بیشتر از افراد د بگرد ارای خصلت انقلابی هستند . هرقد ترکیب طبقاتی حزب ما از این حیث بهتر باشد استحکام آن بیشتر خواهد بود . هر حزب طبقه کارگر د ر پذیرفتن عضو نه فقط باید توجه خاصی به افراد طبقه کارگرد اشته باشد بلکه باید آموزش و پرورش کارگران و بالا کشیدن آنها بمقامات رهبری همت گمارد . و در این مورد اگر چه حزب توده ایران نقایص زیادی د ر کار خود د اشته ولی معد لک کوشش فراوانی که فقط از یک حزب مارکسیستی برمی آید بکاربرد ه است .

بطور کلی ترکیب حزب مارکسیستی از حیث منشاء طبقاتی افراد به وضع طبقاتی هر کشور مربوط است . د رشک و های جلوا فتاد ه سرمایه داری که تعد اد کثیری کارگردارند (مانند فرانسه) و معالک کم رشد که طبقه کارگر آنها نوظهور اند لکنا ست (مانند اندونزی و هند) ترکیب احزاب مارکسیستی از حیث نسبت اعضای کارگرنیتواند یکی باشد . د احزاب کشورهای سوسیالیستی نیز نظیر این تفاوت د ر اثر مراحل مختلف تکامل هر یک وجود د ارد . برای مثال میتوان جمهوری سوسیالیستی چک اسلواکی را با جمهوری توده ای چین مقایسه کرد .

پس ادعای نویسند ه کتاب مبنی بر اینکه حزب توده ایران نمایندگان طبقات مختلف و از آن جمله بورژوازی ملی را د ر صفوف خود می پذیرفته است بکلی ناد رستاست . حزب توده ایران فقط کسانی را د ر صفوف خود پذیرفته

(۱) مراجعه شود به منتخبات مارکس و انگلس جلد ۱ صفحه ۲۳۸ - لنین جلد ۲ صفحه ۲۰۱ و پلخائوف جلد ۱ صفحه ۶۵۱ .

(۲) لنین - آثار منتخبه ترجمه فارسی جلد ۱ قسمت ۱ صفحه ۴۰۴ .

(۳) همانجا صفحه ۲۹۰ - ۲۹۱ .

ومی پذیرد که بعنوان نمایندگان آید ثلویزی طبقه کارگر و رزید رفش پرافتخار مارکسیسم - لنینیسیم به فعالیت انقلابی بپرد آخته و میسر آزند. اصولا مبارزات د شوار و جانگانهی که حزب تودۀ ایران د ر پیشداشته واد ارد جزیر برای نمایندگان واقعی طبقه کارگر قابل تحمل نیست. هرکس که مصائب حزب مارا پسا زاندر ۱۳۲۵، پس از بهمن ۱۳۲۷ و پس از مرداد ۱۳۳۲ د بده است میتواند باین امر گواهی د همد.

نویسنده د کتاب حاضر حزب تودۀ ایران را "انبار" قوای ناراضی، عصبی، ماجراجو، فرصت طلب و ... د ر بهترین حالت ... افراد باحسن نیت و مترقی میخواند. اما واقعیت اینست که اگر چه جامعه ایران مرکز انواع تضاد ها و منبع انواع عدم رضایت ها ست حزب تودۀ ایران بعنوان حزب مارکسیستی - لنینیستی هیچگاه "انبار ناراضی ها" نبود و نیست و فقط آن ناراضی ها ئی را بعضویت پذیرفته و می پذیرد که شایستگی شرکت د رگسردان پیش آهنگ طبقه کارگر را دارند، آنها ئی که مرانامه حزب تودۀ ایران را می پذیرند و حاضرانند د ر راه تحقق آن به مبارزه بپردازند. و اینها شرط کوچکی نیست. تاریخ نهضت نجات بخش ایران نشان میدهد که تعهد عضویت حزب ما چه وظائف د شوار و خطرناکی را در پی دارد. هرکسی میتواند افتخار عضویت این حزب را داشته باشد. تعبیر از حزب تودۀ ایران به انبار ناراضی ها، عصبی ها، ماجراجوها و فرصت طلب ها تعبیری است که ارتجاع و امپریالیسم ساخته اند و هدفشان عموما این بود و است که اعضا "حزب مارا باین عنوانین تحت تعقیب قانونی د آورند. اینک هدف نویسنده د کتاب حاضر اینست که حزب مارا باین اتهام بد رجۀ یک حزب خرد و بورژوا تزلزل د و طبقه کارگر را از ان برماند.

موضوع د یگری که ظاهرا د ر نزد نویسنده د لیل انتساب حزب تودۀ ایران به خرد و بورژوازی قرار گرفته فقدان وحدت آید ثلویزیک د ر این حزب است. اومینویسد:

"حزب تودۀ در همه وقت و حتی نسبت به گنم ترین و بس اهمیت ترین احزاب سیاسی معاصر ایران از نعمت یک اتحاد آید ثلویزیک قاطع و مشخص عمالدمحروم بود و است (۱). این ادعا بکلی تازه است. تاکنون د شمنان حزب تودۀ ایران با وجود انواع اتهاماتی که بر او وارد میکردند قادر به انکار این واقعیت نبودند که این حزب یگانه حزبی است که جهان بینی و مسلک و مرام مشخص و معینی دارد. حتی خلیل ملکی نیز منکر این واقعیت نیست و تمام تأملش از اینست که احزاب و سازمان های د یگرن نتوانسته اند خود را بعباید ثلویزی واحدی د ر برابر حزب تودۀ ایران مجبزر کنند. اما اینک نویسنده د کتاب حاضر حزب تودۀ ایران را از لحاظ وحدت آید یولوزیک از "گنم ترین و بس اهمیت ترین احزاب سیاسی معاصر ایران" عقب ترمیداند! آیا برای رد این ادعای نازی به اقامه د لیل هست؟ حزب تودۀ ایران هنگامی قدم بعبر صه گذاشت که د یکتاتوری رضا شاه افکار مارکسیستی را از ایران ریشه کن کرد و بید و هیچ اثری از آثار پایه گذاران مارکسیسم - لنینیسیم بزرگان فارسی وجود نداشت. یگانه مبلغ مارکسیسم - لنینیسیم د ر کشور ما پس از شهریور ۱۳۲۰ حزب تودۀ ایران بود و این وظیفه را بمقیاسی که د رمقایسه با اوضاع اجتماعی و سیاسی کشور ما کم نظیر است انجام داد. حزب تودۀ ایران هیچگاه از انتشار آثار اصول مارکسیسم - لنینیسیم انحراف نجست و اینک هرگز با انتشار اثری از تأمین الفللی که بوی ریزیونیسیم، اپورتونیسیم، ترنسکیسم بدهد د ست نزد خود بهترین نشانه آن است که آید ثلویزی خود را خوب می شناخت. بدیهی است که فرا گرفتن و دریافتن مارکسیسم لنینیسیم بعنوان دانش اجتماعی کاری نیست که د ر مدت کوتاهی امکان پذیر باشد. این کاری است که باید با عمل و تجربه اجتماعی که خود محتاج گذشت زمان است همراه کرد. مارکسیسم - لنینیسیم اصول جامد و تمام ساخته ای نیست که با آموختن آنها بتوا وظیفه خود را تمام شده دانست. مارکسیسم - لنینیسیم مانند زندگی اجتماعی پیوسته د ر تکامل است و مطالعه د قیسی بد اوم لازم دارد. از اینجیت حزب تودۀ ایران از مراحل مختلفی آزد ر کم مارکسیسم - لنینیسیم گذشته و بید همه حال پیونده ثابت قدم این راه بود و هست. از طرف د یگرا نظایق مارکسیسم - لنینیسیم بر شرایط و احوال اجتماعی ایران وظیفه خطیری بود که د ر برابر حزب تودۀ ایران قرار داشت و ایفا صحیح این وظیفه مستلزم فرا گرفتن عمیق اصول مارکسیسم - لنینیسیم و همچنین مطالعه تاریخ ایران، تاریخ مبارزات طبقاتی د ر ایران، سنن ملی ایسران، انقلاب مشروطه ایران، شکل های مالکیت، وضع طبقات موجود و رابطه آنها با یکدیگر، شیوه های د اخلات امپریالیست ها د ر ایران و غیره و غیره بود. پیش از حزب تودۀ ایران د ره چیک از این زمینه ها جز د موارد استثنائی و جزئی کاری انجام نگرفته بود و حزب تودۀ ایران سیاست د ر ضمن مبارزات سنن روزانه خود

این معضلات تئوریک را نیز بر اساس مارکسیسم - لنینیسم از پیش بردارد. این ناری است که حزب مانند م های بلند در اجرای آن برداشت و هر قدر م او نامی در راه تحکیم وحدت ایدئولوژیک بود. حزب تودۀ ایران بر اساس این تحلیل ها تأمین نامه و اساسنامه خویش را تنظیم نمود که بنسبت ارتقا سطح آگاهی ایدئولوژیک حزب و تغییر اوضاع ایران اصلاحاتی در آنها وارد شد ولی برنامه و اساسنامه مذکور در هر زمان مورد قبول قطعی سراسر حزب و مایه وحدت ایدئولوژیک آن بوده و هست. حزب تودۀ ایران هیچگاه ایدئولوژی های غیر مارکسیستی را در ردیون خود تحمل نکرد و اینکه در سال ۱۳۱۵ گروه ذلیل ملکی مجبور به انشعاب از حزب شد ند نشانۀ آن بید کسه حزب تودۀ ایران حشی در یکی از سخت ترین لحظات حیات خود بر سر ایدئولوژی خویش پایدار است. پانوم چهارا نیز که با شرکت د هانقران زاد ره های فعال حزب تشکیل شد نظرد اد که حتی در دوران بحرانی بعد از تودۀ کسای ۲۸ مرد اد در داخل ستاه رهبری حزب تودۀ ایران بریندی معین ایدئولوژیک سیاسی وجود نداشتماست. نویسنده "تحلیلی از خط مبنی سیاسی حزب تودۀ ایران" بمنظور اینکه راه مشخصی برای اثبات عدم وحدت ایدئولوژیک حزب تودۀ ایران نشان داد و با بد بطرح یت سلسله سئوالات پرداخته است و مدعی است که اثر این سئوالات را در برادر رها و انراد حزب تودۀ ایران بگذارد هر یک با آن جواب خاصی خواهد داد که با جواب د بیری متفاوت است، همین امر بعقیده نویسنده - دلیل بر آن است که در حزب تودۀ ایران وحدت ایدئولوژیک وجود نداارد. اینت به برخی از این سئوالات توجه بفرمائید:

- "بوروکراسی ملی را بر مبنای شما سید علاوه بر خصایض نمونه های مختلف آن را هم در ایران نشان د مید."
- "برغم شمولت اساسی انقلاب مشروطیت و شست آن در چه بوده است؟"
- "تجدید میرزا توحید خان و امام مبین پرست بود؟"
- "تیم ثرقة د موزات آن را بجان یا توجه بوضع اجتماعی و تاریخی ما صحیح بوده است؟"
- "گروه سید کاشی را میتوان نامیندۀ چه قشری از بورژوازی بومی دانست؟"

ناملاً آشکار است که مفهوم وحدت ایدئولوژیک حزب در نزد نویسنده روشن نیست. وحدت ایدئولوژیک حزب مارکسیستی - لنینیستی با این معناست که تالیف اعضا " آن طرفد ار مارکسیسم - لنینیسم اند و برنامه حزب را می پذیرند. اما هرگز با این معنا نیست که هر فرد حزبی باید بتواند بهر مسئله د سوار اجتماعی و سیاسی جواب بدهد و از افراد ی جواب های مختلف دادند این دلیل بر عدم وحدت ایدئولوژیک است. شرط عدم یویت حزب مارکسیستی - لنینیستی قبول برنامه حزب و فعالیت د در اجرای آن است. ولی قبول برنامه بمعنای تجزیه و تحلیل علمی مسائل مختلف آن نیست. در مورد مسائل د نیز چنین تجزیه و تحلیل علمی را نمیتواند شرط عضویت افراد قرار داد. چنین شرط باعث حرومیت عدۀ زیادی از چشکشان مبارز پیروز ایران و دهقانان از عضویت حزب مارکسیستی - لنینیستی میزد د، و این در جهت عدس اد غای نویسنده کتاب "تحلیلی از خط مبنی سیاسی حزب تودۀ ایران" است که خود را طرفدار "پرولتاریا" و مخالف "خرد و بورژوازی" معرفی میکند.

در اینجا باید تفاوت میان مسائل ایدئولوژیک و مسائل تاکتیکی هم توجه کرد. تأکید "حزب سیاسی بر حسب پیش آمد شرایط و احوال مبارزه ریز بر اساس ایدئولوژی برنامه حزب تنظیم میشود. در تنظیم این تاکتیک همه اعضا " حزب طبقۀ کارشوق و طبقۀ اطلبار نشتر دارند و طبیعی است که در این مورد تریات مدنی در هر حزب زنده و در ستاه رهبری آن بظهور میزد. ولی پس از آنکه تصمیم د ستاه رهبری نه بعد از منجبر تالیف جوانب امر اتخاذ میشود اعلام تردید همه از آن پیروی میان عملی کنند. در حقیقت حزب مارکسیستی - لنینیستی بر اساس م وحدت ساخته میشود: وحدت برنامه ای، وحدت تاکتیکی، وحدت سازمانی (۱) و بدون تردید حزب تودۀ ایران با وجود نقایصی که هم پیشتر در این هر سه زمینه د است و در گذشته د دارند کی خود برخوردار از وحدت بوده است.

۳- د و توشش برای یی این نردن مبارزات حزب تودۀ ایران

نویسنده برای توجیه نردن مپی اعتبار ساختن "حزب تودۀ ایران" د و توشش "آهنگ بخش داد" است: یی برای اثبات آنکه از حزب تودۀ ایران در مدت ها تاهی بمسورت نیروی بزرگ اجتماعی د راند این امر را شمر

(۱) مراجعه بفرمائید به "تیم نام به پیس د و نام به پیس" - منتخبات لنین جلد اول ترجمه فارسی ۱۳۱۸.

شرایط و اوضاع و احوالی بود که پس از شهریور ۱۳۲۰ در کشور ما وجود داشت نه در اکثر خصوصیات آن حزب و بدینتر برای اثبات اینکه اگر حزب تودا ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شکست خورد این امر در اکثر خصوصیات خود وی بود نه در اکثر حملات ارتجاع و استعمار.
در صفحه ۲۰ مینویسد:

" رهبران حزب تودا ایران بعلمت گشادی در واژه های حزب با استفاده از انارضایتی فوق العاده طبقات مختلف مردم و آزادی غیرقابل انتظار آنها باعث شد که حزب تودا را " تانگلو" بپرکنند چه باعث شد که این افراد حزب تودا را انتخاب کرد و سراغ احزاب دیگر نرفتند؟ در آن دوره احزاب و سازمان های فراوانی در سرزمین سیاه ایران روئیدند و تعداد آنها که رنگ کارگری بخود میدادند کم نبود. سیاهه مختصر احزاب و سازمان های که در هفت سال اول بعد از شهریور ۱۳۲۰ در تهران تابلیها لایبرند نظری بیفکنید: حزب آزاد ملی، عدالت، سوسیالیست همهان، آزادی، اجتماعيون، کمونیست، احرار، مردم، استقلال، دموکرات ایران، کروژوک- های مارکسیستی، اتحادیه کارگری وغيره. برخی از این احزاب و سازمان ها بر روی کاغذ برنامه نسبتاً مترقی هم داشتند و اکثرشان چند صاحبان از یک روتی نسبی هم برخوردار شدند، باین معنی که قشرهایی از مردم واقعاً بآنها روی آوردند. پس به کدام علت در اندک زمانی از آنها روی برتافتند و روز بروز بیشتر در زیر رفق حزب تودا ایران گرد آمدند؟ برای این سؤال فقط يك جواب وجود دارد: به علت اصالت پیوند حزب تودا با طبقه کارگر ایران، بعلمت دفاع بیکرید لیانته وی از منافع زحمتکشان و پاسداری هشیارانه وی از استقلال و حاکمیت ایران در برابر استعمار و وفاداری بخودش او به انترناسیونالیسم پرولتری. پیروزی حزب تودا ایران در جلب توده های بیکران مردم - برخلاف ادعای نویسندگان - رایگان حاصل نشد بلکه در میدان های مبارزه حقیقت قد اکاری ها و جانبازی های بیدریغ مبارزان این حزب بدست آمد.

ولی آیا نویسندگان میتوانند باین سؤال ساده جواب بدهند که اگر " نارضایتی فوق العاده طبقات مختلف مردم و آزادی غیرقابل انتظار آنها" باعث شد که حزب تودا را " تانگلو" بپرکنند چه باعث شد که این افراد حزب تودا را انتخاب کرد و سراغ احزاب دیگر نرفتند؟ در آن دوره احزاب و سازمان های فراوانی در سرزمین سیاه ایران روئیدند و تعداد آنها که رنگ کارگری بخود میدادند کم نبود. سیاهه مختصر احزاب و سازمان های که در هفت سال اول بعد از شهریور ۱۳۲۰ در تهران تابلیها لایبرند نظری بیفکنید: حزب آزاد ملی، عدالت، سوسیالیست همهان، آزادی، اجتماعيون، کمونیست، احرار، مردم، استقلال، دموکرات ایران، کروژوک- های مارکسیستی، اتحادیه کارگری وغيره. برخی از این احزاب و سازمان ها بر روی کاغذ برنامه نسبتاً مترقی هم داشتند و اکثرشان چند صاحبان از یک روتی نسبی هم برخوردار شدند، باین معنی که قشرهایی از مردم واقعاً بآنها روی آوردند. پس به کدام علت در اندک زمانی از آنها روی برتافتند و روز بروز بیشتر در زیر رفق حزب تودا ایران گرد آمدند؟ برای این سؤال فقط يك جواب وجود دارد: به علت اصالت پیوند حزب تودا با طبقه کارگر ایران، بعلمت دفاع بیکرید لیانته وی از منافع زحمتکشان و پاسداری هشیارانه وی از استقلال و حاکمیت ایران در برابر استعمار و وفاداری بخودش او به انترناسیونالیسم پرولتری. پیروزی حزب تودا ایران در جلب توده های بیکران مردم - برخلاف ادعای نویسندگان - رایگان حاصل نشد بلکه در میدان های مبارزه حقیقت قد اکاری ها و جانبازی های بیدریغ مبارزان این حزب بدست آمد.

در صفحه ۲۱ مینویسد:

" جایز نیست که عناصر فہیم و انقلابی بشموله افراد عامی وسطحی علت اساسی انفعال و شکست حزب تودا ایران را بحساب اقدامات و تدابیر سیاسی دشمن و یا پشتکار ما مویسند آن بگذارند بلکه این بهم ریختن و تجزیه وحدت سازمانی حزب تودا و تنها باعتبار وجود تضاد های کهنه طبقاتی درونی خود حزب که سالها بانتظار رسیدن مراحل حساس مبارزه رشد و پرورش می یافته اند بحرحله عمل درآمده است."

حزب تودا ایران بعنوان يك حزب مارکسیستی - لنینیستی هیچگاه اشتباهات خود را در ادوار مختلفه نپوشاند و همیشه خطاهای رهبری راد رساله های ۱۲۲۹-۱۳۳۲ مورد مطالعه دقیق قرار داده و پیرو محکوم کرده است. اگر چه در قضاوت این بود که حزب تودا ایران در مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم در چاراشیاهاتی شد که در شکست وی تأکید داشت و یا تأثیر جدی داشت قضاوتی بود که مورد قبول حزب تودا ایران نیز هست. ولسی اینکه شکست حزب تودا ایران " تنها باعتبار وجود تضاد های کهنه طبقاتی درونی" است نه فقط حزب طبقه کارگر ایران را بیکاره تخطئه میکند بلکه مآلاً به تیرنه جنایاتی که در مبارزه بر علیه حزب تودا ایران از طرف دستگاه های پلیسی و نظامی انجام گرفته منتهی میگردد. از نویسندگان این کتاب باید پرسید که اگر حزب تودا ایران اینقدر تضاد های کهنه طبقاتی درونی داشت که هستی او را تا این پایه خلل پذیر میساخت چرا حملات متحد ارتجاع و امپریالیسم با بارها باناکامی روبروشد و چرا در مبارزه بر علیه او اینهمه دلاوری، سرنیزه، گلوله، و جاسوس صرف گردید؟ امروز بر همه روشن است که کودتای ۲۸ مرداد برای دوهدهف عده انجام گرفت: سرکسوب نهضت نجات بخش ملی ایران در درجه اول حزب تودا ایران، و حل مسئله نفت بسود انحصارهای امپریالیستی. و نیز بر همه روشن است که کودتای ۲۸ مرداد مستقیماً بوسیله نیروهای امپریالیستی در اتحاد با مترجع ترین و پلید ترین عناصر رعیت حاکمه ایران انجام گرفت. این کودتای امپریالیست ها آسان و آرزو تمام نشد. نخستین کوشش آنها در ۲۵ مرداد در اکثر هشیارای حزب تودا ایران در هم شکست و کوشش بعدی آنان میلیون ها دلاوری

خرج برداشت. خوانندگان گرامی بخاطر دارند که همین چند ی پیش احوالقام امینی برادر نخست وزیر تئوسی نامه ای به روزنامه باختر امروز نوشت و صریحاً اعتراف کرد که در روزهای پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که او وزیر بود بود مقامات امریکائی با و مراجعه کردند که حاضرانند متوسط فرمادۀ ژاندرامی ایران مبلغ پنج میلیون و دلار برای یک کودتای نظامی خرج کنند بعد از آن مبلغ رابه وزیر ارشاد دولت کودتا (د تئرمینی) و مبلغ ۲ میلیون دلار در بگره شخص زاهدی پرداختند. مجله نیشن چاپ امریکا اخبار ر ۲۴ ژوئن (تیرماه ۱۳۴۰) شماره مخصوصی درباره فعالیت سازمان جاسوسی امریکا منتشر ساخته و در آن بتفصیل از نقش جاسوسی امریکاد را جرای کودتای ۲۸ مرداد سخن گفته و نوشته است: «جزئیات اقداماتی که در این وضع صورت گرفته هرگز فاش نشده ولی مسلم است که خارج سازمان جاسوسی امریکا خیلی زیاد بوده است. مبلغی که از طرف منابع موثق ذکر شده ۱۹ میلیون دلار است، و ۱۹ میلیون دلار اشخاص زیادی رامیتوانند تحت نفوذ قرار دهند.» همین مجله از ملاقاتی که در اوت ۱۹۵۳ در روسیون آلدن در الس، نورمان شوارتسکف و اشرف خواهر محمد رضا شاه بسرای تدارک کودتای و اد گفتگو میکند و از جزئیات پردامنه ای که در صحنه کشور ما گذشته است برده و بر میدارد. در اینجا این سؤال پیش می آید که این میلیون ها دلار، این بد اخذ بزرگترین مقامات جاسوسی امریکا، این توطئه عظمی در بار بخاطر ایراد ضربه برکدام هدف صورت می گرفت؟ اگر بخاطر ایراد ضربه بر نهضتی صورت می گرفت که حزب توده ایران بزرگترین نیروی آن بود با توصیفی که نویسنده کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" بدست میدهد باید آن را اقدام دون کیشوت مابانۀ لغوی تشخیص داد. آخر برای مقابله با حزبی که اینهمه تضادهای کهنه طبقاتی درونی داشت ارتجاع و امپریالیسم چه احتیاجی با اینهمه تدارکات کسراف داشتند؟ این سؤالی است که مسلمانها بخاطر هر خواننده میرسد و نویسنده کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" باید بآن جواب بدهد.

در تعقیب حزب توده ایران نه فقط اعضا روز افزون رکن و سازمان امنیت که از سال های پیش در کلاس های مخصوصی از تارشناسان جاسوسی امریکا آموزش می گرفتند شرکت داشتند بلکه شبکه جاسوسی امریکاد را بران مستقیماً عملیات ضد حزب توده ایران را تحت نظر گرفته بود. مقامات جاسوسی ایران در کتاب "سیرکونیسیم" تصریح میکنند که پس از کودتای ۲۵ مرداد "ما مؤزیت" مبارزه با حزب توده ایران بفرمانداری نظامی و ایدارشد و وانظامی ارتش و مخصوصاً تلاش ها و زحمات طاقت فرسای سازمان داد رسی ارتش" بود (۱). همه مردم ایران از این "کک ها و معاضدات های ذقیمت" باخبراند و امید اندند که باغ مهران و حجام لشکر آزرخی از سؤالات عمده کلمه بشمار می آید. قسائوتی که بوسیله این سازمان های آدم کشی نسبت بمباران حزب ما اعمال شد از لحاظ شدت و دامنه خود در تاریخ معاصر کم نظیر است. ده ها نفر در زیر شکنجه جان دادند و با ناقص شدند، ده ها نفر شهیدات رسیدند، صد ها نفر در زندان ها بمرک تد ریچی محکوم گردیدند.

اینهمه قسائوت و جنایت، اینهمه بول، سرنیزه، جلا، داغ و درفش برای چه بود؟ برای رخنه در دژ حزب توده ایران. مسلمان حزب توده ایران میتوانست و میبایست دژی محکم تر از این داشته باشد و از آن بهتر پاسداری کند. ولی اینهمه نیروی دشمن را ندیده گرفتن و شکست این دژ را تنها بر اساس تضاد های درونی آن توجیه کردن بدون تردید چیزی جز تحریف حقیقت نیست، و دشمنان نهضت نجات بخش ایران، در بار سازمان امنیت و دستگاه جاسوسی امریکا امروز که میخواهند دست خویش را از آثار جنایات هشت سال اخیر بشویند بدون تردید از این تحریف کمال خرسندی را خواهند یافت.

۴- انکار اعتبار بین المللی حزب توده ایران

در نخستین سالهای پس از کودتای ستگاههای جاسوسی هیئت حاکمه نه فقط از نابود کردن حزب توده ایران دم میزدند بلکه مدعی بودند که این حزب اعتبار بین المللی خود را از دست داده است. ملاحظه کنید در کتاب "سیرکونیسیم" صفحه ۴۴۸ چه نوشته اند: کمیته مرکزی حزب توده "نه تنها راجلوی افراد حزب توده بکلی حیثیت و احترام خود را از دست داده است

(۱) مقدمه صفحه ۷۰

بلکه د پزحتی مقامات مو ترکمونیم و احزاب کمونیست جهان هم باین افراد نوجوشین توجیبی ند ارنند و آنان را افراد ینا لایق و خطا کار و غیر قابل اعتماد تلقی می کنند . نمونه آن عد م اجازة شرت این اتایان د ریستین کترة حزب کمونیست شوروی بود . ایسن موضوع نشان مید عد که کمونیم بین المللی د پینوجود ینت تشکیلات یاحتی یند هسته قابل اعتماد تشکیلات کمونیستی د ایران اعتقاد ند ارد و اعضا کمیته مرکزی حزب توده رابعنوان عناصرنا لایق و غیر قابل اعتماد تلقی میکنند .

اما نند شت زمان از این تبلیغ د روغ پرد ه برداشت و شرت نما یند نان کمیته مرکزی حزب توده ایران در نشره های احزاب برادر (وازان جمله کترة بیستم حزب کمونیست شوروی) بد رجلسات مشامرة احزاب کمونیستی و کارگری نشان داد که حزب ما از چه اعتماد و اعتباری د ر جامعه کمونیست های جهان برخوردار است . این افتخار عشایی برای حزب ما ، برای طبقة کارگر کشور ما ، برای ملت ماست که نماینده کمیتة مرکزی ان ینی از امضا کنند نان اعزایمہ جلسة مشاوره احزاب کمونیستی و نارتاری نیامبر ۱۹۶۰ است .

د ر اثر این حوادث ، د پزینتیوان ما نند نخستین سال های پسر از کود تا د عاگرد که حزب توده ایران فاقد اعتبار بین المللی است . از اینجهت نویسنده کتتاب " تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران " ایسن اد عارانتار کند اشته واد عا های تازه ای رابه پیش کشید ه است . اومعترف است باین که احزاب کمونیستی و کارگرکی جهان بیویزه حزب کمونیست اتحاد شوروی به حزب توده ایران حسن نظرد ارنند وازان پشتیبانی می کنند ولسی برای اینکه این حسن نظرد پشتیبانی رابی ارزنی کرد اند د واستد لال می کند : ینکی ایننه این امر انباید د لیل مایست مارکسیستی - لنینیستی حزب توده ایران دانست . زیرا که حزب کمونیست اتحاد شوروی به هر فرد یا هر حزبی که خد متزاراسته لال ایران باشد صرف نظر از ماهیت طبقاتی او احترام میگذ ارد . به عین نوشته اوتوجه بشر مایید :

" عرض ویا هر حزبی که به ملت خود احترام نهد بد ر راه تا مین منافع ایتوشد جبهه د موکراسی هم جبرازا ویا احترام یاد می کند . واین امر هم تنها از ان کمونیست هانیت بلکه این تأیید علاوه بر کمونیست ها متوجه غیر کمونیست های وطن پرست هم می باشد . امروز شما زهر مویخ ونویسند ه و سیاستمد ار شوروی که د ر باره میرزاتقی خسان امیرکبیر ستوانی می بنید که آنها از این مرد با تجلیل و احترام نراوان یاد می کنند . چرا ؟ برای اینکه میرزاتقی خان بو وطن خود علاقه مند بود ، نرزد با شخصیت ملت بود . و همینطور است قضاوت آنها نسبت به مستوفی الممالک . چرا ؟ برای آنه او هم مرد محترم و وطن پرستی بود . و چنین است قضاوت آنها نسبت به د کتر مصدق . چرا ؟ برای اینکه مصدق نیز یکی از مردان ممتاز و وطن پرست و لیدر رکشور خود محسوب میشود . و تمامای این حسن نیت ها هم فقط باین د لیل است که ملت ایران باین افراد علاقه مند است واز آنان با احترام یاد می کند . بنا بر این هم جبهه د موکراسی و هم اتحاد شوروی ببتبعیت از قضاوت و احساسات صحیح خلق ایران از آنان با تجلیل سخن میگوید حال با این توضیحات سئوال می کنیم : چرا اتحاد شوروی به حزب توده ایران اسرارز علاقه مند بود ه و احایانامینماید ؟ معلوم است . برای آنکه حزب توده ایران نیسز ریزی مظهر آرزوهای نسل جوان و قبیله گاه و مورد پرستش مرفقی ترین وید ارد ل ترین افراد این مملکت بود ه است بنا بر این اتحاد شوروی هم به عین اعتبار حزب توده ایران را بهتر از حزب عدالت جمال امامی یا زحمتشان بقا می دانسته به همین جهت هم ابرامورد تأیید قرار داده است " (۱) .

این د رست است که احزاب کمونیستی و کارگری جهان وازان جمله حزب کمونیست اتحاد شوروی امثال میرزاتقی خان امیرکبیر ، مستوفی الممالک و د کتر مصدق را به ملت ایننه خد متکار ملت خویش اند تأیید مینماید . این از سرشت نند امیرالیستی آن احزاب سرچشمه میگرد . ولی همه کس مید اند که تأیید امثال میرزاتقی خان امیرکبیر و مستوفی الممالک و د کتر مصدق با تأیید حزب توده ایران یکسان نیست . حزب توده ایران بعنوان ینت حزب مارکسیستی - لنینیستی یعنی حزبی که میخواد جامعه ایران را پس از طی مرحله استقلالیه مرحله عدلی تسر

سویلی نسبتی برساند تأیید میباید نه حزبی که فقط جنبه استقلال طلبی دارد، نه حزبی که عطا بهتر از حزب توده است همان اساس با جهت نشان بقائی است. شرکت نمایندگان حزب توده ایران در مجمع بین المللی احزاب برادری به همین عنوان است. حزب کمونیست اتحاد شوروی که مجرب ترین و پابنده ترین نزدان جنبش کمونیست بین المللی و پیشرو اول مورد قبول جنبش کمونیستی جهانی است در رتلترا ف ترکیبی که بنا نسبت شدت جدول سال از تاسیس حزب کمونیست ایران به فیهه مرکزی حزب توده ایران مخا بره ترد (تیرماه ۱۳۳۹) چنین میگوید:

"حزب توده ایران که ادامه دهند راه حزب کمونیست ایران است از خود سرتفق مبارزه بیدریغ در راه منافع خلق نشان داده است."

در رتلترا ف حزب کمونیست فرانسه به همین مناسبت چنین میخوانیم:

"حزب توده با وجود دشواری ها و مشکلات بسیار همواره پرچم کمونیسم، آزادی، میهن پرستی، آنترناسیونالیسم پرولتاری، اتحاد خلق در راه دموکراسی و صلح را محکم و افراشته نگاه داشته است."

میتوان از اینگونه تأییدات که عربین مایه مایهات و سربلندی حزب توده ایران و فرد فرد اعضا آن است طو ماری تنظیم کرد ولی در واقع اگر در نشان حزب توده ایران با سوءاستفاد از مشکلات فنی امری بی تأثیر تبلیغاتی مابتحریف گستاخانه و افعیات و گمراه ساختن افکار عمومی دست نمیزدند نیازی به عرقه هرچیک از این استاد نبود.

استدلال دیگر نویسنده کتاب برای بی ارزش تر کردن این اعتماد احزاب برادری به حزب توده ایران این است که احزاب مذکور از آن جمله حزب کمونیست اتحاد شوروی از ماهیت حزب توده و نویسندگی آن بی خبراند و نتیجه میگرد که اگر ما بتوانیم از این طاعتی در نزد احزاب برادری برداریم آنها اعتماد خود را از حزب توده ایران سلب نخواهند کرد. نویسنده کتاب توجه دارد که هرشنوندن ای تمرا از او خواهد رسید که احزاب کمونیستی و کارگری با همه قوتی که از آنها با اجتماعات و احزاب گوناگون دارند چگونه تاکنون از ماهیت حزب توده ایران بی خبرمانده اند. و آن وقت جواب میدهند که احزاب کمونیستی و کارگری در مورد بدست آوردن آسازنده سیاسی است ولی اوضاع اجتماعی هر کشور را آنها با عینت حزب کمونیست شوروی میبینند و حزب توده ایران عینک خاص خود را چشم آنها بازده است. باید این عینت را بردارند و واقعیت را با آنها نشان داد. عین عبارات کتاب را از نظر بگذرانید بهتر است (انچه همی متصل است).

"... معلومات جیبیه د مورتاسی در این مورد بوسیله معلومات ما و اطلاعات ما و انعکاس برابرات اید نولوتیزت داخلی ما فراهم میگردد. زیرا جیبیه د مورتاسی با این تاریخ یعنی درت حقایق مربوط با ایران از راه اشراقی موجودان باطنی توفیق نخواهد یافت. و همچنین بعضی نظریه هایست ها که متاعر جیبیه د مورتاسی را از خرد و استنباه میرامید اندند جیبیه د مورتاسی نیز در رقضاوت ها و آنها نشانه های خرد نسبت با احزاب وابسته میرا از اشتباه نیست. وقتی که با آنها اطلاعات غلط و اخبار ساختنی گزارشند آنها نیز الزاماً بحسب مقدمات و مواد غلط بحکم و بلاخره به نتیجه غلط میگردند. توده ایست هامی نویسد: این حرف ها چیست؟ مگر جیبیه د مورتاسی و اتحاد شوروی هم اشتباه میکنند؟ اتحاد شوروی حتی از تعداد میخ گشهای رجال دولتی ایران و مقناصرا انقلابی آن باخبر است. چگونه ممکن است گروهی بتوانند تا این حد با مصالح توده مردم بازی کنند ولی اتحاد شوروی از جریانات نارشان بی اطلاع باشد. البته این افراد بعلمت حماقت و اعتیادات مدعی خود نمی فهمند و نمیتوانند هم بد فهمند که بین اطلاعات جاسوسی و درت دادن حاد نه سیاسی بدست آوردن فلان رمز مهم دولتی با اطلاع و دقیق از حوادث اجتماعی و جزیه و تحلیل علمی عربت آنها بسیار معیارهای تئوریت ... از زمین تا آسمان تفاوت است." (۱)

با این استدلال میتوان پشتیبانی کمونیسم جهانی را از عربت احزاب کمونیستی و کارگری، فاقد پایه عینی و واقعی از اطلاعات غلط و اخبار ساختنی و خالی از هرگونه ارزش نشان داد. با این استدلال میتوان اصول آنترناسیونالیسم پرولتاری را خطئه کرد! مردم بدین اندازی نویسنده کتاب منتهی بر اینکه احزاب کمونیستی

وکارگری جهان و آزان جمله حزب کمونیست اتحاد شوروی نمیتوانند در ایران حزب مارکسیستی را از غیر مارکسیستی تشخیص بدهند آنچنان واضح است که محتاج اقامه دلایل و برهان نیست . اما لازم است که به نتیجه ای که نویسنده در این باره میگیرد بیشتر توجه شود . نویسنده در واقع نتیجه میگیرد که اگر مخالفان حزب توده — و بعقیده و اتمنا پندگان واقعی پرولتاریا — جمع شوند و حزب تازه ای بنام حزب طبقه کارگر بوجود آورند وقتی که حزب آنها نیرومند شود بناچار حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب کمونیستی و کارگری از حزب توده در روی گردان خواهند شد و همه حزب جدید روی خواهند آورد . این خلاصه منظر نویسنده کتاب است ولی بهیچ وجه منظر تازه ای نیست . این مطلب را خلیل ملکی در همان سال ۱۳۱۶ که از حزب توده ایران انشعاب کرد عنوان نمود . او حزب توده ایران را بهترین " حزب موجود " خواند اما بعد عی شد که میخواهد بهترین " حزب ممکن " را بوجود آورد و این نظریه غلط را پیش کشید که احزاب کمونیستی و کارگری جهان احزاب واقع بینانه هستند و اگر بدند که حزب ما نیرومند است با آن بجای حزب توده ایران وارد مذاکره خواهند شد . این نظریه خلیل ملکی از آنجا سرچشمه میگرفت که وی اصول انترناسیونالیسم پرولتری و جنگونگی روابط بین احزاب برادر را درک نمیکرد و با منطق یک معامله گروار است لال میشد . اینک نویسنده کتاب " تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران " از یک طرف خلیل ملکی و دستیارانش را " عناصر منحرف و فاسد " (۱) میخواند تا خوانندگان تصور کنند که مطالب نویسنده تازه ای غیر از کهنه های خلیل ملکی است و از طرف دیگر همان است لال ها و نتیجه گیری ها و حتی همان اصطلاحات خلیل ملکی را تکرار میکنند و میگویند :

" اتحاد شوروی با ستاند اینکه وجود ناقص بهتراز عدم صرف است حزب توده ایران را تاکنون بدلیل نبودن یک سازمان انقلابی اصل بدیرتها حزب موجود چپ (موجود نه ممکن) شناخته است " (۲)

این نمونه ای از تلاش است که برای منفرد ساختن حزب توده ایران از اردوی عظیم احزاب کمونیستی و کارگری بعمل می آید . اما آنچه حزب ما را با این اردوی ظفر نمون پیوند میدهد وفاداری بیخنده وی بمصالح طبقه کارگر ایران ، به استقلال و آزادی و دموکراسی ایران و به منافع طبقه کارگر جهانی ، به صلح و سوسیالیسم است . این خاصیت ذاتی حزب توده ایران است و هیچ نیرونگ دشمن نمیتواند آن را از وی بریاید .

۵- تحریف در معنا و مبهم خط مشی رهبری حزب توده ایران
در ابروحسدت

نویسنده کتاب " تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران " از خط مشی وحدت که از پلنوم چهارم (تیرماه ۱۳۳۶) در رهبری حزب توده ایران تعقیب میشود نگران است و اعضاء حزب را دعوت میکند که تیشه بریشه این وحدت بزنند . نویسنده دعوت خود را از این نکته در دست شروع میکند که وحدت در حزب باید بر پایه اصول باشد . هر وحدتی که برآشتی تضادها مبتنی کرد در وحدت ناپایداری روزی ان بخش است . اکثر حزب بسرای آید ثولوزی انقلابی مبارزه نکند و نمایندگان آید ثولوزی های دشمن را از خود نرانند بوجدت حزب طراز نوین ناثل نخواهد شد . نویسنده در این مورد بد رستی حزب بلشویک شوروی را مثال میزند و میگوید که بلشویک ها جز با دفاع بی ترلزول از لینینیسم قادر به نجات نهضت انقلابی خلق های روسیه از گرداب عمیق خفه کنند و نفوذ آید یولوز شخصیت های بزرگ و متفکری چون پلخانوف ها ، بوخارین ها ، ترسکیست ها ، این حریفان برجسته و خطرناک رهبری لنینی خویش ، نمیشدند . وان وقت از این مقدمه در دست نتیجه میگیرد که وحدت در رهبری هدفت حزب ایران در شرایط این حزب وحدت غیر اصولی و در حقیقت " خطئه مبارزات آید ثولوزیک و انثار عملی نتایج است ، وحدت تر است بین " همه ساد و لوحان ، سازشکاران ، منحرفین ، ماجراجویان ، عناصر پیشرو و لتاریا " بعقیده او وحدت مذکور ناشی از " عدم پیشش علمی نسبت با اهمیت حل تضاد های آید ثولوزیک و سوبزه خوسردی و بسی - اعتنائی کامل نسبت به نتایج خطرناک این نوع بی تفاوتی و اختلاط فکری یعنی در هم ریختن مشخصات مرزی و حتی از بین بردن حد و ثغور طبقاتی تئوری است " (۳)

اگر تاپلوی حزب توده ایران و دستگاه رهبری آن همان بود که نویسنده ترسیم میکند نتیجه گیری های وی در دست درمی آید . اگر در حزب توده ایران تضاد های آید ثولوزیک وجود داشت ، اگر در یک سوغاتر لنینی

ود رسوی د یژر عناصرو بخارینی نشسته بود ند بد ون ترد بد میا بیست تضاد موجود راتعمیق گرد تا اینکه مارکسیسم - لنینیسم بعنوان اساس واحد اید ٲولوزیک حزب د ر مقام خود مستقر شید . ولی گسانی که اینهمه مشتاق یافتسن تضاد های اید ٲولوزیک د رد اخل حزب ماهستند آیا میتوانند حتی یک نمونه رابطور مشخص د برابر بیاگند از ند ؟ د رسا سر کتاب " تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب تود ه ایران " سرود اد را طرف این تضاد هاز یاد است اما از خود آنها اثری نیست . واقعیت اینست که د ر حزب ما پاستثنای سال ۱۳۲۵-۱۳۲۶ که منجر باشعساب گرد بد هیچگاه د و جریان اید ٲولوزیک وجود ند داشته است ، یعنی هیچگاه برسرقبول یارد اصول مارکسیسم - لنینیسم و سرسرمانما ٲ حزب تود ٲ ایران د وصف تشکیل نشد ه است . اشتباهات تعد د تاکتیکی حزب تسود ٲ ایران د رمواردی نیز که ناشی از تصمیمات متفق د ستگاه رهبری نیود ه پاتصمیم اکثریت روی اد ه هیچگسا ه اکثریت و اقلیت ثابت ود و جناح مشخص و متما یز را بوجود نیارود ه است . بد پهبی است که اشتباه تاکتیکی مستلزم عد م وحدت نیست . یک د ستگاه رهبری ممکن است د رژیمه مارکسیسم - لنینیسم وحدت کامل اید ٲولوزیک داشته باشد ولی معدک د مسائل تاکتیکی گرفتار اشتباهات عد بد ه گرد . اعتراضا اشتباهات چنین د ستگاه رهبری رانبا بد وسیله ٲ حمله بوجودت آن قرار اد زیرا که بهم خوردن وحدت رهبری مسلما نمیتواند کنکی به رفع اشتباهات و سهبود کار رهبری باشد .

پلنوم چهارم که با حضور ۱۵ تن از اعضا ٲ کمیته مرکزی و ۵۹ تن از کاد ره های حزبی تشکیل شد (تیرماه ۱۳۲۶) پس از بررسی همه جانبه ای که بعمل آورد اختلاف اید ٲولوزیک د ر حزب تشخیص ند اد ود رحالی که اشتباهات د ستگاه رهبری را با قاطعیت و بی پروایی تمام محکوم ساخت چون یکی از علل ناپسامانی کار حزب را و جود اختلافات غیر اصولی د رد ستگاه رهبری و سرایت آنها بد نٲ حزب تشخیص د اد کمیته مرکزی وهفمه حزب را بکوشش د رراه رفع این اختلافات و ایجاد وحدت کامل سازمانی د عوت کرد . خط مشی وحدت از تصمیمات این پلنوم ریشه گرفت ود ر طی فعالیت روزانه و پلنوم های ۱ و ۵ وهفتم کمیته مرکزی نیرومند هارورش د .

این وحدت ، برخلاف آنچه گاهی بخلط تفسیر شد ه است ، وحدت برسراسا ئل خصوصی و غیر اصولی نیود بلکه وحدت برسرا جرای بی خد شه موازین و مقررات حزب طراز نوین طبقه کارگر بود . متن اعلامیه ای که هیئت اجراییه کمیته مرکزی د ر ارد یسهشت ۱۳۲۸ د ر باره ٲ وحدت صاد رکرد خود بهترین مشران است . در ایسن اعلامیه پس از تحلیل اوضاع سیاسی ایران و وظیفه خطیری که حزب ما د رهبری نهضت برعمبد ه د ارد نتیجه گرفته شد ه است که " خاتمه د ادن به بحران د روشنی حزب ما ، تأمین وحدت وهم آهنگی د رد اخل آن و ایجاد انضباط آنها نانه د رد رون سازمان حزبی مافوری ترین ، هرم ترین و بی چون و جزا ترین وظیفه ما ست " . سپس هیئت اجراییه د ر اجرای این وظیفه مراتب زیرین را با اطلاع کلیه رفقای حزبی رسانید ه است :

" ۱- کلیه اعضا ٲ هیئت اجراییه متحد اعلام مید آرند که با هیچ گروه ود سته ای بستگی ند آرند و از هیچ گروه معینی تحت هر عنوان که د رد اخل حزب وجود د داشته باشد یا ایجاد گرد د پشتیبانی نخواهند نمود . هی ۲- هیئت اجراییه متحد علیه هرگونه عمل د سته بندی ، گروه سازی ، مرید بازی ، ومظا هر تما یلات گروه بهراسم و عنوان که بروز کند مبارزه خواهد نمود .

۳- هیئت اجراییه با تکا ٲ تصمیمات صریح پلنوم چهارم کمیته مرکزی (قطعنامه ٲ راه خروج از بحران) د اش بخت " جد ال و مناقشه " د ر باره ٲ پرونده های گذ شته ، کلیه مباحثات راجع بمسؤولیت های فردی یا جمعی مربوط بحدوث قبل از تشکیل پلنوم چهارم را (با ستنا ٲ آنچه ضمن اسناد رسمی ارگان های رهبری حزب د کسر شد ه یا میشود) تا تشکیل کنگره سوم حزب برای کلیه اعضا ٲ رهبری و سایر رفقای حزبی خاتمه یافته اعلام میکند و سا هرگونه تجد بد مطلع د ر باره ٲ این مسائل بمشایه عمل مضر بمصالح حزب و وحدت د آن عمل خواهد نمود .

۴- هیئت اجراییه مصمم است که علیه هرگونه شیوه ٲ افترا زنی ، اهانت و د گویی نسبت بد ستگاه رهبری ود یژر ارگان های حزبی و اعضا ٲ آن ونیز نسبت بهریک از اعضا ٲ حزب وهمنچنین علیه هرگونه شیوه ای که هدف آن یافین آوردن حیثیت رهبری ارگان های حزبی و تخطئه آنها باشد متحد ا مبارزه کند . بد پهبی است ایسن تصمیم نه تنها انتقاد خلاق را که د رمجرای موازین تشکیلاتی از رهبری حزب و ارگان های د یژر حزبی و اعضا ٲ آن یا افراد حزبی انجام گرفته باشد منع نمیکند بلکه با ین قبیل انتقادات آفریننده مید ان بیشتری خواهد بد اد .

۵- هیئت اجراییه متحد ٲها تمام نیروی خود خواهد کوشید که موازین و مقررات تشکیلاتی بطور یکسان ، جدی و بی ملاحظه نسبت بکلیه افراد حزب (از رهبران گرفته تا ساد ه ترین افراد) اجرا شود و رعایت انضباط

آنها نه بر اساس مرتبت و موکراتیک و در حزب مابسط و توسعه باید .

۶- هیئت اجراییه خواهد نمود ثلثیه اقداماتی را که برای تحکیم مبانی وحدت و هم آهنگی در رهبری و در تمام سازمان حزب ضرورت داشته باشد با روح مسئولیت حزبی ، صمیمیت ، گذشت و جسارت بعمل آورد .
هیئت اجراییه در گزارش به پلنوم ششم کمیته مرکزی (شهریور ۱۳۳۸) در باره وحدت در روی حزب چنین توضیح میدهد :

" صورت جلسات و مدارک هیئت اجراییه و از جمله اسنادی که در بخش پیشین این گزارش ذکر آن گذشت بذهبی میرساند که نه تنها هیچ گونه سازشی بر سر مسائل خصوصی بین اعضا هیئت اجراییه نشده بلکه بعضی توافق بر سرین سلسله مسائل اصولی مربوط به حزب و نهضت بنای تحقق این وحدت و همکاری قرار داده شده است . اعلام مبارزه متحد با هرگونه عمل دسته بندی ، گروه سازی ، مرید بازی و مظاهر تمايلات گروهی به رسم و رسم و عنوان که بریزد ، تعریف دقیق کار گروهی و مظاهر مختلف آن و تعیین طرق مشخص مبارزه با آن ، توافق بر سر مسائل مهم مربوط به سیاست تشکیلاتی ، خط مشی تاکتیکی و سبب کار ، توافق راجع به جلوگیری از مباحثات عقیم ، بر سر مسائلی که بیش از شش سال اوقات حزب را بخود مشغول داشته و در نتیجه وجود محیط نفاق و تفرقه وسیله شده بد گروه بندی و تشتت در حزب گردیده است ، اعلام مبارزه متحد علیه هرگونه شیوه افترازی ، بد گوئی و اذیت نسبت بد ستاره رهبری و اعضا آن و افراد حزبی و همچنین علیه هر گونه تیره ای که ضد فائزین امرین حیثیت ارثان بنای حزبی و تخطئه آنها باشد ، اجرا موازین و مقررات تشکیلاتی بطور یکسان ، جدی و بیملاحظه نسبت بثلثیه افراد حزب از رهبری گرفته تا ساد و ترین افراد . . . اینها هستند اصولی که بر سر آن بین اعضا هیئت اجراییه توافق شده و باین آراء اعلامیه راجع به وحدت صادر گردیده است ."

در قطعنامه هیئت اجراییه (مورخ رد بیست و یکم ۱۳۳۰) - باره جریان اجرای خط مشی وحدت چنین تصریح شده است :

" خط مشی وحدت نه فقط منافعی با مبارزه درون حزبی اصولی و در نهاد تشکیلاتی نیست بلکه چنین مبارزه رای را مفروض مینماید . زیرا در محیط تسبیح محیط اغیار متقابل و برده یوسی و بیهم ندارند نقاط ضعف و اختلافات و در تناقضات و در تناقضات اصولی در حزب پای نخواهد نرفت . منتها طرح مسائل انتقادی در رعین صراحت باید همراه با صداقت و عدالت و اصولیت و نزاکت رفیقانه همواره بخاطر تحکیم بیشتر وحدت باشد .
حقیقت اینست که پرازنلیه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۱ در حزب مابست سلسله اشفتگی های فتری پیدا شد و اصول و مقررات سازمانی و انضباط حزبی در معرض تزلزل قرار گرفت بهمین آن میرفت که حزب از صورت یک ارثان فعال مبارزه واحد خارج شود . پلنوم چهارم با حضور ۷۲ تن از نادرها و اعضا کمیته مرکزی با کارشما تیزوی خود در طی مدت بیش از ۲۰ روز کوشید که مسائل عهد و میهم و مورد اختلاف را بحد اکثر روشن گرداند و در باره هر یک قراری صادر کند و راجع بمسائل فوری در بزرگ رسیدنی بیانیات آنها فرصت و امکانات در بزرگ لازم داشت دستور داد که از جدال و مناقشه در باره آنها خودداری شود تا نثره آینه که نه عالی ترین مقام حزبی است تصمیم قطعی اتخاذ نماید . این قرارهای پلنوم چهارم که به حزب با نیروی اقدام و عمل بخشید جنبه حیاتی داشت و مرحله جدیدی را در تاریخ حزب ما نشود ."

نویسنده تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب تود و ایران " اعلامیه وحدت و مخصوصاً ماده سوم و چهارم آن را که در رد بیست و یکم ۱۳۳۸ از طرف هیئت اجراییه در تایید قطعنامه های پلنوم چهارم صادر شده است (اصول آن را در بیان نقل کردیم) مورد تخطئه قرار داد و میگوید که در ستاره رهبری حزب با این ماده بین خود و گذشته و یاری با مصالح محکم نشیده تا آنجا که طرح و محسوبات گذشته را برای نتیجه گیری محکوم و عملی مخالف مقررات حزبی میسرند . . . حوادث گذشته از نظر ستاره رهبری امری مخومه تلقی شده است و افراد هم جز در حد بحث قطعنامه ها و در پرتو لات در ستاره رهبری باید یکدیگر بحث و گفتگو دارند ."

ولی این نتیجه گیری نویسنده با متن اعلامیه وحدت با قطعنامه های پلنوم چهارم آشکارا منافات دارد. پلنوم چهارم به کلیه مسائل عمده سیاسی مربوط به حوادث پیش از مرداد ۱۳۳۲ از قبیل: شعارهای حزب توده ایران در مبارزه با انحصارهای نفت، روش حزب توده ایران در برابر مبارزاتی ملی و جنبه ملی ترمسند و روش در ستاره رهبری در روزهای ۲۷ و ۲۸ مرداد، چگونگی تلاشی سازمان افسری، رهبری طبقه کارگرد در مرحله فعلی انقلاب ایران، و غیره رسیدگی و قرارداد کرد و کوشید که علاوه بر مسئولیت های جمعی اثر مسئولیت فردی نیز در کار بید و آن را مشخص گرداند. پلنوم چهارم اختلافات مربوط با مورثکیاتی را نیز که پیروند ه های قطور در بار آنها تشکیل شده به پید مورد رسیدگی قرار داد و آنچه را که منع کرد "جدال و مناقشه" درباره این پیروند ه های گذشته و مباحثات راجع به مسئولیت های فردی و جمعی مربوط به حوادث قبل از تشکیل پلنوم چهارم "بود، آن هم در روز ۲۸ قسمت که جلسه ۷۴ نقری پلنوم چهارم پس از رسیدگی بآن نتوانسته بود به نتیجه قطعی برسد. قطع جداول و مناقشه در باره این پیروند ه ها و مباحثه ها ناشی از این احتیاج بمرم بود که اوقات حزب از برداختن به جر و بحث ه های گذشته فارغ گردد و میتواند در راه وظایف بزم سازمانی و سیاسی روز مصروف شود. آنچه پلنوم چهارم "مختومه" تلقی کرد، برخلاف نوشته نویسنده این کتاب، بحث در باره کلیه حوادث گذشته نبود بلکه بحث در باره این پیروند ه های معین بید، آن هم راجع به قسمتی از آنها که پلنوم چهارم از رسیدگی بآن با به تصمیم قطعی نرسیده بود. ولی در مورد مسائل عمده مربوط به خط مشی سیاسی حزب توده ایران پیش از توده تالی ۲۸ مرداد آنچه تصمیمات پلنوم برای کلیه اعضا حزب لازم الاتباع است. اما این بآن معنا نیست که حق اظهار نظر راجع به آنها در مجمع حزبی از اعضا حزب سلب شده باشد. بدیهی است که تصمیمات هر جمعی هر قدر هم که صلاحیت در ایا شدن ممکن است مورد قبول برخی از افراد حزب قرار نگیرد ولی اصل لئینی تبعیت از اکثریت و انتخاب حزب ایجاد میکند که آن افراد با حفظ نظریات خود در رجحیت اجرای تصمیمات متخذه عمل کنند و از هر اقدامی که با رجحیت تصمیمات مذکور باین برساند خود داری نمایند. در غیر این صورت هیچ تصمیم حزبی نمیتواند ضمانت اجرا داشته باشد. اینک پلنوم چهارم مراعات همین اصل لئینی را به رفتای حزبی توصیه کرد و اجزای این اصل یخ از پایه های وحدت در دستاره رهبری و حزب بردیده است. لئین گیری حتی در مورد اختلافات مربوط به خط مشی حزب طبقه کارگر نمیتواند:

" امر انتقاد و ایراد به خط مشی حزب نباید مانع وحدت عمل حزبی گردد، عملی که نمیتواند حتی بینه حمله هم متوقف شود." (۱)

بر اساس همین آموزش لئینی، رعایت اجزای در برابر رهبری پلنوم - هم محله مرتزی چنین گفته است:

" حقیقت اینست که موجودیت حزب طبقه کارگر با وجودت محفوظ آن در مرحله اول با وحدت تاندیشه و عمل در رهبری آن بستگی تام دارد، و چون با استناد اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم که پایه تشکیل حزب طبقه کارگر است همین اصل دیری نمیتواند از لحاظ اهمیت با تأمین وحدت و حفظ موجودیت حزب برابری کند نه تنها هرگونه توافقی که هدف آن وحدت و محفوظ موجودیت حزب و رهبری آن باشد مخالف اصول نیست بلکه بعکس مستقیماً از اصول مسلم حزبی د اثر بر حجابان مسائل اساسی بفرعی و عزیت اصول عمده تر برکم اهمیت تر ناشی میگردد. بنا بر این اسرحتی تصور شود که اعضا همیشه اجزایه بمنظور تأمین وحدت و هم آهنکی در دستاره رهبری از طرح ین سلسله سئله مورد اختلاف گذشته خود تلا یا جزئا صرف نظر نرند ه اند (در صورتی که مطلقاً چنین توافقی صورت نگرفته است) باز نمیتوان چنین توافقی را برخلاف اصول دانست. نکته مرکزی حزب توده ایران خط مشی وحدت و از لحاظ حفظ موجودیت حزب و احیا و تحکیم سازمان های آن یک امر حیاتی تشخیص میدهد و آن را با پشتیبانی کلیه اعضا بد و ستد اران حزب با پیگیری تمام د دنبال خواهد کرد.

(۱) لئین " بسوی وحدت " جلد ۱۶ صفحه ۱۲۹-۱۳۷

مبارزه حزب توده ایران در راه اصلاح ارضی

ضرورت تاریخی حل مسئله ارضی
رژیم ارباب - رعیتی ترمز کننده تکامل اقتصادی ایران
فئودالیسم عمده ترین پایگاه اجتماعی امپریالیسم در ایران
رژیم اربابی - رعیتی سد راه ترقی ایران
حل مسئله ارضی مضمون اساسی انقلاب دموکراتیک ایران
دهقانان یکی از دو نیروی اساسی انقلاب دموکراتیک ایران
مبارزه حزب توده ایران برای آسکاه و تشکل دهقانان و در راه اصلاح ارضی
راه گذشته و دورنمای آینده

ضرورت تاریخی حل مسئله ارضی

مسئله ارضی در میهن ما همچنان حدی نرسیده است که دیگر حتی برخی از محافل امپریالیستی و گروهی از طبقه حاکمه ایران هم از "لزوم" اصلاح ارضی در ایران دم میزنند. صرف نظر از عوامل عینی که موجب اعتراف به این واقعیت شده، بدون تردید حزب توده ایران عمده ترین عامل ذهنی در این مورد بود. وهست. حزب توده ایران در پیرو توتعالیم مارکسیسم - لنینیسم برای نخستین بار مسئله ارضی را بطرز علمی تحلیل کرد و ضرورت تاریخی حل انقلابی مسئله ارضی را اعلام نمود. حزب توده ایران طی بیست سال حیات خود مبارزه ای را برای حل مسئله ارضی بنفع دهقانان و در راه تکامل و ترقی همه جانبه اقتصادی و اجتماعی ایران سازمان داد که در تاریخ میهن ما بیسابقه است. اکنون که حل مسئله ارضی بنا به همان ضرورت تاریخی در دستور روز اجتماع مسافر گرفته است، جادارد که، ولو باختصار، نظر حزب توده ایران درباره مسئله ارضی و مبارزه بیست ساله آن در راه اصلاح ارضی بیان گردد.

عقب ماندگی اقتصادی ایران بیش از آن آشکاراست که کسی نتواند در آن تردید کند. ولی برای اولین بار تنها حزب تود ه ایران بود که نه فقط عمق و وسعت این عقب ماندگی را نشان داد، بلکه یکی از بهترین عوامل این عقب ماندگی را در وجود خصلت نیمه فئودال جامعه و تسلط رژیم اربابی - رعیتی در اقتصاد کشاورزی ایران آشکار ساخت. در زمانی که حد اقل ۶۰ درصد از دهقانان ایران بکلی فاقد زمین هستند و بیش از ۳۰ درصد زمینهای زیرکشت متعلق به مالکانی است که بیش از صد هکتار زمین دارند ولی تعداد فقط در حدود ۲ درصد زمین داران است، نه دهقانانی که در سرنخ آنها غارت میشود به افزایش محصول علاقمندند و نه مالکانی که از غارت دهقانان زندگی طفیلی واری رامیگردانند به بهبود کشاورزی توجه دارند. در چنین وضعی فقر دهقانان، بدوی بودن وسائل تولید کشاورزی و پائین بودن سطح تولید کشاورزی جبری است.

صنعت جوان ایران برای ادامه حیات و رشد سریع خود به مواد خام کشاورزی، بیابازار وسیع داخلی و نیروی کار احتیاج دارد. ولی پائین بودن سطح تولید کشاورزی، فقر دهقانان و وابستگی آنان بزمین، رشد طبیعی و سریع صنعت را ترمز میکند و تمام سرمایه داری را در ایران د شوار میسازد. با توجه باینکه هم اکنون ۱۶ میلیون نفر از جمعیت ایران را دهقانان تشکیل میدهند و ۸۰ درصد مجموع تولید ایران، تولید کشاورزی است، آنوقت تاثیر عقب ماندگی ناشی از تسلط رژیم اربابی - رعیتی در زندگی اقتصادی ایران بیشتر آشکار میشود. بدین ترتیب اکنون اقتصاد ایران با یکی از بزرگترین تضادهای خود روبروست. این همان تضادی است که طبقه حاکمه ایران هم خود را با آن روبرو می بیند و هر ای حل آن تلاش میکند.

ضرورت اقتصادی رشد تولید کشاورزی د یگر بر کسی پوشیده نیست. ولی بنظر طبقه حاکمه ایران استغنا از تکنیک نوین در کشاورزی مهالابدن سطح تولید باید در چارچوب حفظ مناسبات کنونی اربابی - رعیتی صورت گیرد و پوی و ممالکیت بزرگ ارضی لطفه نرند. حد اکثر کشت مالکان بزرگ میتواند این باشد که بقول امینی "سه ریال از ده ریال رابند دهند تا بتوانند هفت ریال بقیه را نگاهدارند". ولی کوشش برای حفظ مالکیت بزرگ ارضی و حاکمیت مالکان بزرگ و تلاش برای حل مسئله ارضی تضاد دیگری است که هم اکنون طبقه حاکمه ایران با آن روبروست و برای حل آن در چارچوب بست شده است. نمیتوان هم مالکان را بر سر قدرت نگاه داشت و هم آزاداری و بهبود زندگی دهقانان سخن گفت، هم رژیم اربابی - رعیتی و مالکیت بزرگ را حفظ کرد و هم مدعی استفاده از تکنیک نوین و افزایش تولید کشاورزی شد. برای حل تضاد و برطرف کردن مایع تمام آن ده ریال را باید داد. بسخن دیگر افزایش تولید کشاورزی، از بین بردن مایع تکامل صنعتی ایران و باز کردن راه برای رشد همه جانبه، طبیعی و سریع نیروهای مولد، در کشور ما، جز با آزاد کردن دهقانان از اسارت رژیم اربابی - رعیتی، از بین بردن مالکیت بزرگ ارضی، و واگذاری مجانی زمین بد دهقانان و سرنگون کردن حاکمیت مالکان بزرگ ممکن نیست.

فئودالیسم عدد. ترین پایگاه اجتماعی امپریالیسم در ایران

بجرات میتوان گفت که حزب تود ه ایران تنها سازمان سیاسی در میهن ماست که ماهیت واقعی امپریالیسم و سیاست انترامردم ایران شناسانده و در این شناسایی برای اولین بار رابطه بین امپریالیسم و فئودالیسم را در میهن ما بطرز قلمی بیان کرده است. حزب تود ه ایران نشان داد که تسلط امپریالیسم بر میهن ما و کشاندن شدن اجباری ایران به اقتصاد جهانی سرمایه داری در همان حال که بطور عینی موجب تزلزل پایه های فئودالیسم شده، بصورت بزرگترین حافظ فئودالیسم نیز درآمد است. زیرا که امپریالیسم برای غارت ملت ما و حفظ تسلط خود در عقب ماندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میهن ما و سرکوب جنبش ملی مردم میهن مانفع مستقیم ارد و بنابراین در جستجوی یک تکیه گاه داخلی است که اوهم در این عقب ماندگی ما و سارت دینفع باشد. فئودالیسم و مالکان بزرگ در کنار سرمایه داران دلال خارجی (کمپرادور) چنین تکیه گاهی برای امپریالیسم هستند، زیرا آنها هم برای حفظ حاکمیت خود، برای مقابله با جنبش عظیم ملت ما که خواهان رهائی از اسارت قرون وسطایی است، تکیه گاهی جز امپریالیسم ندارند. تاریخ معاصر ایران بسا روشنی تمام صحت این تحلیل و ماهیت این اتحاد ننگین را که برای اسارت ملت ما بین امپریالیستهای خارجی و فئودالیسم و مالکان بزرگ داخلی بسته شده نشان میدهد. نفت ماکه بخارت رفته، اقتصاد ماکه بعر شکستگی

کشاند و شد ، ارتش ماکه بزرگ است مستشاران امریکائی افتاد ، ملت ماکه با سارت و کرسنگی محکوم کرد بد ، توطئه هائی که بر ضد استقلال میهن ما و نهضت ملی و ضد استعماری ماصورت گرفته ، تمام اینها قبل از همه نتیجه اتحاد امپریالیستها با مالکان بزرگ است که نقش عمد و راد رجحوت داشته و دارند . همین ها هستند که با جنگ و بداندان از منافع غارتخانه خود دفاع میکنند و تمام قوا با مخالفت با حل واقعی مسئله ارضی برخاسته اند . شایان ذکر است که برخی از محافل امپریالیستی و ویژه امپریالیستهای امریکائی نیز در برابر ضرورت حل مسئله ارضی بیخلاف افتاد اند . زیرا امپریالیستها از یکطرف به ایران بعنوان زائده و کشاورزی خود مینگرند و از اینجهت در افزایش تولید کشاورزی ایران ذینفع اند و از طرف دیگر میخواهند مبارزه انقلابی در هفتان را تخفیف دهند و با "رفرم" از حل انقلابی مسئله ارضی جلوگیری کنند . منتصبی امپریالیستها میخواهند افزایش تولید کشاورزی نه بر اساس احتیاج واقعی ایران بلکه بر پایه ارضاء احتیاج اقتصادی کشورهای امپریالیستی صورت گیرد و "رفرم" بنا بر اساسی متحدین آنها یعنی مالکان بزرگ لطمه نزنند . این هم تضادی است که امپریالیستها با آن روبرو هستند و در حل آن عاجز مانده اند ، زیرا همانطور که تلاش مالکان بزرگ برای افزایش تولید کشاورزی با حفظ مالکیت بزرگ ارضی نمیتواند مسئله ارضی را حل کند ، کوشش امپریالیسم هم برای اصلاح ارضی با حفظ حاکمیت مالکان بزرگ قادر نیست مدی را که در برابر افزایش تولید کشاورزی قرار دارد ، بشکند و از تشدید و توسعه مبارزه انقلابی در هفتان جلوگیری کند .

رژیم اربابی - رعیتی سد راه ترقی اجتماع ایران

رژیم اربابی - رعیتی فقط سد راه تکامل اقتصادی ایران نیست . رژیم اربابی - رعیتی راه را هرگونه ترقی را بر اجتماع مابسته است . رژیم اربابی - رعیتی بصورت ننگ اجتماع ماد را بد و است . چه ننگی بالاتر از این که ۹۹ درصد هفتان مابد لیل نبودند در سه و معلوم بیسوادند ، ۵۰ درصد کودکان مادر همت بعلت کمی غذا و فقدان پزشک و دارو قبل از یکسالگی میمیرند و هفتان از شدت فقر برای سد جوع به "جرا" میروند که و آياتریدی هست که این ننگ ، این زندگی غیر انسانی مردمی که اثرش مطلق هم میهنان ما را تشکیل میدهد نتیجه مستقیم تسلط رژیم اربابی - رعیتی است ، نتیجه غارت و استمری مالکان است که میزنند و میکشند و میسوزند تا بزندگی طفیلی و ار خود داده دهند ؟ ولی این نیروی اهریمنی سایه شوم خود را فقط بر سر هفتان سددید مانیفکند و است . مالکان بزرگ با تکیه بر قدرت اقتصادی خود یعنی رژیم اربابی - رعیتی و استفاده از قدرت سیاسی خود یعنی حاکمیت دولتی ، میرای حفظ این هرد قدرت ، با هر چه که کمترین اثری از ترقی دارد مخالفت کرد و میکنند . معلم را آشکارا سرید و اند ناد بزرگی برای بیسواد کردن هفتان حرارت ورزید بد و نداشته باشند . کارگران را بلوله بسته اند ناد نیز از قانون کار و اتحادیه و حزب سخنی ننویسد . روشنفکران نیز آن انداخته اند ناد نیز فرصت بحث در باره آزادی و عدالت اجتماعی نداشته باشند . زنان را همچون دیوانگان از شرکت در تعیین سر - نوشتنشان محروم کرد و اند . حق انتخاب آزاد را از مردم زد بد و اند و فساد را بجای رساند و اند که حتی اربابان هم بعد از آمد و اند . در یک نغمه ، در نتیجه حاکمیت دهها ساله خود جامعه ای کورسده ، بیمار ، بیسواد و فاسد بوجود آورد و اند . از اینجهت حل مسئله ارضی تنها یک "ضرورت اقتصادی" نیست ، بلکه در عین حال یک "ضرورت اجتماعی" نیز هست .

حل مسئله ارضی مضمون اساسی انقلاب و موراتیک ایران

حزب تود و ایران با تحلیل علمی اجتماع ایران به نتایجی رسید که در برنامه بنلی جدیدی راد برابر مردم میهن ما گشود . حزب تود و ایران نشان داد که امپریالیسم و فئودالیسم با جلوگیری از تکامل طبیعی و سریع اقتصاد ایران ، با غارت منابع ثروت و نتیجه دسترنج خلق ما با سرکوب هرگونه جنبشی برای آزادی و استقلال و ترقی ایران عزیز ما ، و تعامل صلیب مادی و سارت ملت ایران هستند که در اتحاد با یکدیگر در حفظ این عقب ماندگی و سارت میگوشتند . این دو تعامل اصلی در عین حال بصورت عمد و ترین تضاد های اجتماع ماد را بد و اند . زیرا از یکطرف تمام خلق ما مرکب از کارگران ، هفتان ، خرد و بورژوازی شهری و بورژوازی ملی از سلطه امپریالیسم و فئودالیسم رنج میبرند میرای ازین بردن آن مبارزه میکنند و از طرف دیگر حل سارت تضاد هائی که در اجتماع ما وجود دارند ، تابع حل این دو تضاد عمد و است . این دو تضاد هم تضاد های آشتی ناپذیری هستند ، یعنی برای

غلبه بر عقب ماندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و رهائی ملت ما از اسارت امپریالیسم و فئودالیسم باید بطور قطع بحاکمیت امپریالیسم و سلطه رژیم آریایی - رعیتی در میهن ما خاتمه داد و این جز بایک تحول کیفی و اساسی در جامعه، جز از راه یک انقلاب اجتماعی ممکن نیست. بهمین جهت "تحول آریالا" و "رقم بد مست مالکان" که اینروزها باز نزد محافظان امپریالیستی و طبقه حاکمه ایران است، جز کوشش بی سرانجام برای حل مسئله ارضی چیزی دیگری نیست. حد اکثر کوشش طبقه حاکمه ایران و پشتیبانان امپریالیست آنها - اگر اصولاً برنامه "اصلاح ارضی" آنها چنانکه تا بحال تجربه شده روی کاغذ نماند - این میتواند باشد که تشری از دهقانان مرفه بوجود آورند تا بخیال خود از "انفجار" جلوگیری کنند و "انقلاب" را خنثی نمایند. ولی همانطور که برنامه فروش املاک شاه نشان داده، با این نوع "اصلاح ارضی" اولاً اکثریت دهقانان همچنان بی زمین خواهند ماند، ثانیاً آن تشری از دهقانان هم که صاحب زمین میشوند دائماً بپارقرض قرار دارند و همیشه عمرشان در دست دستگاہی مانند بانک عمران است. بدیهی است که چنین "اصلاح ارضی" نه مسئله ارضی را حل خواهد کرد و نه از انقلاب جلوگیری خواهد نمود.

حزب تودا ایران در همانحال تأکید کرد که اکثر برای حلد و تشاد عمده اجتماع ما، لبه تیز مبارزه باز هم باید متوجه امپریالیسم باشد، زیرا تا زمانیکه سلطه امپریالیسم وجود دارد نمیتوان بقای فئودالیسم را بکلی از بین برد، ولی حل مسئله ارضی مضمون اساسی انقلاب دموکراتیک است زیرا که بدون حل مسئله ارضی انجام اصلاحات عمیق اقتصادی و اجتماعی غیر ممکن است. بدین ترتیب حزب تودا ایران رابطه ناکستی بین انقلاب ضد امپریالیستی و انقلاب ضد فئودالی و دموکراتیک را در مرحله کنونی اجتماع ایران نشان داد. در ماهیت اتحاد امپریالیستها و مالکان بزرگ از یکطرف و پیوند ناکستی بین انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی ایران از طرف دیگر، پیوسته از آن جهت مهم است که در ورنه وجهت مبارزه در راه حل مسئله ارضی را روشن میکنند و نشان میدهند که هرگونه کوشش برای حل نیم بند مسئله ارضی در واقع کمکی است بحفظ پایتخت اجتماعی امپریالیسم در ایران و برعکس هرگونه تخفیف در مبارزه بر ضد امپریالیسم کمکی است بحفظ حاکمیت مالکان بزرگ و رژیم آریایی - رعیتی.

دهقانان یکی از دینوری اساسی انقلاب دموکراتیک ایران

در حالیکه طبقه حاکمه ایران میخواهد "مسئله ارضی" را بدون دخالت دهقانان حل کند، حزب تودا ایران بر اساس آریایی خود از نیروهای محرکه انقلاب دموکراتیک ایران، دهقانان را یکی از دینوری اساسی در این انقلاب میداند. زبیراد دهقانان هم از نظر عددی مهمترین نیروی انقلاب را تشکیل میدهند و هم مستقیماً در حل مسئله ارضی که یکی از وظایف اساسی انقلاب دموکراتیک ایران است ذینفع اند. یعنی بدون شرکت فعال دهقانان در مبارزه بر ضد فئودالیسم، بدون تکیه به نیروی عظیم دهقانان حل مسئله ارضی و پیروزی انقلاب ممکن نیست. ولی این بدین معنی نیست که دهقانان به تنهایی میتوانند از زیر یوغ رژیم آریایی - رعیتی رهایی یابند. در مرحله کنونی انقلاب ایران هیچ یک از نیروهای محرکه انقلاب یعنی کارگران، دهقانان، خرد و بورژوازی شهری و بورژوازی ملی قادر نیستند به تنهایی انقلاب را به پیروزی برسانند. نتیجه اینکه تمام این نیروها باید متحد شوند تا بسید ف برسند. ولی استخوان بندی این اتحاد را اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل میدهند. عمده ترین نیروهای انقلاب هستند. بنابراین همانطور که حل مسئله ارضی یک ضرورت تاریخی است، اتحاد همه نیروهای که در برانداختن سلطه امپریالیسم و فئودالیسم ذینفع اند نیز از واقعیت اجتماع ما سرچشمه میگردد و یک ضرورت تاریخی است.

حزب تودا ایران در همانحال تأکید میکند که از آنجا که طبقه نارتزبیشتر و بیشترین نیروی انقلابی اجتماع ما و مجرب به انقلابی ترین و علمی ترین ایدئولوژیهاست بحق شایستگی رهبری انقلاب دموکراتیک ایران را دارد و میتواند و باید بانسانان داد و صحت راه بخشد. تودا همای مردم را بدو میخورد گرد آورد و سرگردگی (همزبونی) انقلاب را بسید میگردد، زبیراد رواقع بدون تأمین این سرگردگی پیروزی قطعی و نهایی انقلاب ممکن نیست. از همین جا است که میتوان گفت وجود حزب تودا ایران، تنها سازمان سیاسی طبقه نارتزبیشتر ما، که وظیفه اعمال این سرگردگی را بر عهده دارد، و مبارزه این حزب در راه آرمانهای ملی و اجتماعی خود، که آرمانهای همه خلق ما و همه طبقات زحمتکش میهن ما است، شامل ضروری حل مسئله ارضی و پیروزی انقلاب دموکراتیک ایران است.

مبارزه حزب تود ه ایران برای آگاهی و تشکل د هقانان و در راه اصلاح ارضی

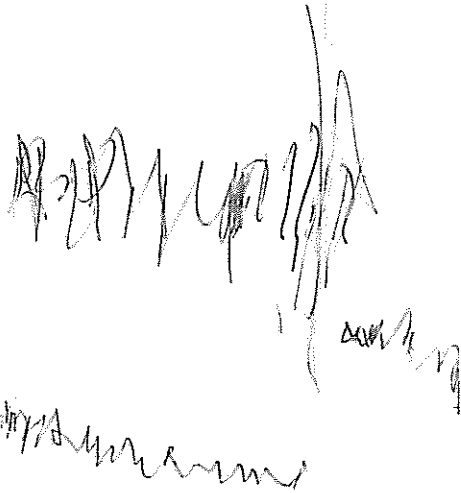
قیامهای د هقانان عاصی بر ضد ستم ملکان و اربابان ذرتاریخ میهن ما بسیار بود ه است . ولی تسام این قیامها با بیرحمی و بقیمت قربانیهای فراوان از طرف طبقات فرمانروا سرکوب شد ه است . عهد ه ترین علت شکست قیامهای د هقانی عدم تشکل و پیوزه فقدان رهبری صحیح و انقلابی بود ه است . تنها پس از آنکه طبقه کارگرد ر میهن ما بوجود آمد ه و د را اختیار این طبقه کارگرد ر اصلاح مارکسیسم قرار گرفته ، د ر برابر هقانان د ورنمای جدیدی مجسم شد ه و پیروزی انقلاب د هقانی مسلم گردید ه است . یکی از بزرگترین افتخارات حزب تود ه ایران اینست که بیان د هقانان رفت و برای نخستین بار د ر میهن ما یک نهضت عظیم د هقانی بوجود آورد و آنرا رهبری کرد . حزب تود ه ایران به د هقانانی که هنوز هم اربابان آنها را " رعیت " مینامند شخصیت انسانی شان را باز شناساند ، حقوق آنها را روشن ساخت و آنها را مبارزه برای بازیافتن این شخصیت انسانی و گرفتن این حقوق واداشت . اینکه د یگرد هقان ایرانی فقیر و بختی و سارت خود را نه ناشی از " سرنوشت " بلکه نتیجه وجود رژیم اربابی - رعیتی میدانند ، اینکه د هقان ایرانی دریافته است که به نیروی خود میتواند حق خویش را بگیرد ، بدون تردید بطور عمده نتیجه فعالیت حزب تود ه ایران د آگاهی و تشکل د هقانان است . د ر نتیجه همین فعالیت پیوزه د رسالههای ۱۲۲۴ - ۱۲۲۵ و ۱۲۲۶ - ۱۲۲۷ جنبش وسیع د هقانی د رسرا سر ایران بوجود آمد که د ر تاریخ میهن ما بیسابقه است . برای اولین بار با یکتا و تشویق حزب تود ه ایران اتحادیه های د هقانی د ر ایران بوجود آمدند که صد هاهزار نفر عضو داشتند . برای اولین بار توسط حزب تود ه ایران روزنامه های مخصوص د هقانان انتشار یافتند . برای اولین بار د ر نتیجه جنبش د موثراتیک خلق آذربایجان د هقانان آذربایجان صاحب زمین شدند . اگر قوام السلطنه مجبور شد قانون ۱۵ درصد را تصویب کند ، اگر د کتر مصدق تصمیم به اجرای قانون ۲۰ درصد گرفت ، اگر شاه بفروش املاک خود دست زد ، با لآخره اکثر اکون د کتر امینی به نمایندگی از طرف طبقه حاکمه ایران از " اصلاح ارضی " دم میزند ، اینها همه نتیجه مبارزه د هقانان بر ضد ستم ملکان و ظلم د ستگاه دولتی است . نتیجه رشد آگاهی د هقانان و آشکار شدن مجد د ورنمای نهضت وسیع د هقانی است که حزب تود ه ایران بعنوان عامل د هننی نقش قاطع د آن داشته و دارد . با اینکه مدعی شدن د حزب تود ه ایران پیوزه هشت سال ترور رژیم کودتا ارتباط سازمانی حزب ما را با د هقانان با مشکلات فراوانی روبرو ساخته ، ولی هنوز هم یاد مبارزات حزب تود ه ایران د دفاع از منافع د هقانان د ر خاطر هازند ه است ، هنوز هم د هقانان ایران تنها حزبی را که اصولا میشناسند حزب تود ه ایران است ، هنوز هم هر کسی که با صداقت و بیگیری از منافع د هقانان دفاع کند از نظر آنها تود ه ای است ، و د ر واقع هم جز این نیست . طی بیست سال گذشته چه بسیار از مبارزان حزب تود ه ایران که بزر شاق و سرنیزه ژاندارم اقتاد ه اند ، بزند ان و تبعید رفته اند ، کشته شده اند ولی وظیفه مقدس خود را د ر آگاهی و تشکل د هقانان برای رهایی از سارت اربابان ، بدون کمترین چشم داشتی انجام داد ه اند . ولی همینکه حزب تود ه ایران نه فقط تنها سازمان سیاسی طبقه کارگرد ر میهن ما است ، بلکه تکیه گاه د هقانان و مرکز امید آنهاست ، برای حزب تود ه ایران بهترین پاداش است .

راه گذشته و د رنمای آیند ه

حزب تود ه ایران مانند هر پدید ه اجتماعی د ر تکامل است . سیاست و روش حزب تود ه ایران د ر مسئله ارضی و د رمورد د هقانان نیز مانند زمینه های د یگر خالی از نقص نبود ه و حزب تود ه ایران همیشه برای برطرف کردن این نقائص کوشید ه است . نتیجه بررسی پلنومهای اخیر کمیته مرکزی حزب تود ه ایران د ر باره کار د هقانی و شعارهای تاکتیکی و استراتژیک د ر مسئله ارضی این بود ه است که با وجود فعالیت بزرگی که حزب د ر میان د هقانان انجام داد ه توجه لازمی را که شایسته اهمیت و نقش انقلابی د هقانان است بکار د ر میان آنها بجد و بلند داشته است . حزب تود ه ایران بعلت عدم مطالعه کامل تئوریک مسئله ارضی و نقص شناسایی وی از واقعیت د هات ایران و فقدان کار د هقانی که خود تاحدودی نتیجه عدم توجه کافی ب مطالعه وضع د هقانان و تربیت کادر د هقانی است نتوانسته است تود ه های د هقانی را بد رستی سازمان دهد ، رهبری آنها را د ر همه جا و د ر هر مورد د ر دست خود گیرد و آنها را با مبارزه مشخص علیه نظام فئودالی بکشانند . نقص د مطالعه علمی و مشخص زدن د هقانان د رموارک موجب تعیین شعارهای نامناسب تاکتیکی و تزلزل و نوسان د ر شعارهای استراتژیک د ر مسئله ارضی شده ه است .

عدم درك عمیق روحیات دهقانان، تکیه بر روی کارهای تهییجی وعدم توجه لازم و کافی بکار مردم، یا حوصله و پیگیری زمانی در میان دهقانان، تشکیل اتحادیه های مخفی دهقانی و در آمیختن کار اتحادیه دهقانان با کار حزب از نقائص و اشتباهات جدی درگذشته بود. است. بدون تردید تسلط مالک و زاندارم در ده و فشار عمومی و بد اوم ارتجاع بر حزب توده ایران، شرایط کار مخفی و ویژه ترور رژیم کودتا و جوانی حزب در بروز اشتباهات و نقائص نقش مهمی داشته اند. ولی این بد انمعنی نیست که حزب اشتباهات و نقائص خود را نبیند و آنها را فاش نسازد. در همان حال اشتباهات و نقائص حزب توده ایران بهیچوجه از ارزش خدمات آن به دهقانان مبرا محال مسئله ارضی نمیکاهد. برخورد انتقادی حزب توده ایران بکار دهقانی خود درگذشته و کوشش آن برای بهبود کار خود نشانه جدی بودن، صداقت و ایمان حزب مابراه و هدف خویش است. حزب توده ایران با وجود اشتباهات و نقائص خود در مورد کار دهقانی و مسئله ارضی، همیشه اعتقاد داشته است که مناسبات کهنه نیمه فئودالی باید در ده برچیده شود، مالکیت بزرگ ارضی از بین برود، بد هقانان زمین مجانی واگذارد و حاکمیت مالکسان بزرگ سرنگون شود، و شرط همه اینها را ایجاد یک نهضت وسیع انقلابی یا شرکت فعال دهقانان قرار داد. محتوی مبیاست حزب توده ایران در مورد دهقانان و در مسئله ارضی همیشه همین بود. است که اینک با تکیه به تجربه بیست ساله در برنامه حزب توده ایران مدون گردید. است. همین محتوی است که حزب توده ایران را از سایر سازمانهای سیاسی ایران متمایز کرد. است. زیرا هنوز هیچ حزب سیاسی در ایران جرأت نکرد. است برنامه ای برای حل انقلابی مسئله ارضی ارائه دهد. آنچنان برنامه ای که بتواند دهقانان را صاحب زمین کرد. و حاکمیت مالکان بزرگ را از بین ببرد. در عمل تفاوت از این هم بیشتر است. زیرا هنوز هیچ حزب سیاسی، جز حزب توده ایران اصلا بد نرفته است تا بتواند بدافع منافع دهقانان باشد و مبارزه آنان را رهبری کند. این تفاوت در برنامه و عمل حزب توده ایران با سایر سازمانهای سیاسی در کشور ما از یکطرف ناشی از ارتباط عظیمی است که حل مسئله ارضی با سلطه امپریالیسم و فئودالیسم در میهن ما دارد و از طرف دیگر جاکن از ماهیت عمیق ملی و توده ای حزب ما است. زیرا فقط حزبی که هیچگونه پیوندی با امپریالیستها و فئودالها نداشته باشد، حزبی که خواهان نابودی قطعی سلطه امپریالیسم و فئودالیسم باشد، حزبی که دهقانان را ببارزه انقلابی برای از بین بردن رژیم اربابی - رعیتی بکشد و آنها را رهبری کند میتواند مسئله ارضی را واقعاً بفرصت دهقانان و سود تکامل اقتصادی و اجتماعی میهن ماحل کند. و حزب توده ایران چنین حزبی بود. و هست. بدون تردید حزب توده ایران بسا تجربه اندوزی از گذشته، با عمیق تر کردن آگاهی تئوریک و شناخت خود از اجتماع ایران و یاد درك وظیفه تاریخی خود بعنوان حزب طبقه کارگر، درآینده نیز چنین حزبی خواهد بود.

۱۰ مرداد ۱۳۴۰



مسئله صنعتی کردن راه صنعتی کردن کشور ما

I - مقدمه

اهمیت صنعت و نقش آن در تولید اجتماعی
مفهوم کشور کم رشد امروزی

صنعت، سی سی ترین بخش تولید نعم مادی که شامل استخراج و عمل آوردن نعمتهای طبیعی برای مصرف انسانست میباشد. صنعت، ابزار تولید و قسمت اعظم اشیا کارووسایل مصرف عمومی را تهیه میکند. صنعت در جریان تقسیم کار اجتماعی و در دوران معین تاریخی پدید آمد. هرفته رفته در فعالیت روز مره آدمیان مهم ترین جایز است آورد است. رشد صنعت از پدید آید این خود بر اساس ضعفی که انسانها در مقابل طبیعت داشتند بسیار محدود بود. لیکن در جریان پیشرفت تاریخی در اتمارشته های جدید و مستقل صنعتی بوجود آمدند و سپس رشته های تازه ای از آنها منشعب گردیدند. این یک تملسل دائمی در راه رشد و تکامل صنعت، صنعت ماشینی و نیروهای مولد است. با پیدایش صنعت ماشینی، بویژه ماشین سازی پیروزی در یکی انسانها در طبیعت و پدید آمدن آن آغاز میشود و با پیشرفت صنعت، آدمیان توانستند از نعمتهای طبیعی بمنظور رفع احتیاجات روزافزون خود استفاده بیشتری ببرند و هر حوادث طبیعی لغت زنده و آنها را تابع خود نمایند.

مارکس مینویسد که صنعت بزرگ میبایست صاحب وسائل تولیدی که مختص بخود است گردد، یعنی میبایست ماشینی برای ماشین بسازد. فقط در زمانیکه صنعت زیربنای متناسبی برای خود بوجود آورد نتوانست است روی پایهای خود بایستد (۱).

یکی از خصوصیات اساسی صنعت قبل از همه در نقش رهبری کننده و تعیین کننده آن در جریان تجدید تولید وسیع است. در بخش صنعت تمام انواع ابزار کارووسایل کار، تکنیک معاصر و همچنین اشیا کار نظیر فلز، سوخت، انرژی، مواد خام و پدید یل و عمل آوردن و فرآوردن های کشاورزی و امپوری بعمل آمد و تولید میشود. نقش اصلی صنعت در اینست که احتیاجات عمومی مردم را از لحاظ وسایل مصرفی نیز تأمین میکند.

خصوصیت دیگر اقتصاد صنعت در شکل تمرکز تولید، اختصاصی بودن، تعاون، همبستگی و همکاری رشته های مختلف تولید صنعتی است. پیدایش صنعت و جا گرفتن آن در نقاط مختلف تاحدودی بستگی به شرایط طبیعی - جغرافیائی نیز دارد.

صنعت بطور اساسی از تمام رشته های بخشهای دیگر تولید اجتماعی یعنی کشاورزی، دامپوری، و همچنین حمل و نقل و مازرانی، ثارهای بانکی و مالی فرق دارد. هیچیک از بخشها و رشته های نامبرده نمیتواند این از تولید تولید کند، در حالیکه صنعت برای همه رشته های حیات اجتماعی و وسایل و ابزار تولید فراهم میسازد و کمک اساسی را در جریان تولید محصولات کونایون میذول میدارد.

صنعت و کشاورزی بطور اساسی باهم فرق دارند ولی هر دو آنها برای ادامه و رشد حیات انسانی و جامعه بشری ضروریست. لیکن در جامعه سرمایه داری ارتباط این دو بخش اساسی تولید نعم مادی بستگی های معینی باهم دارد و صنعت همواره برتری خود را از هر لحاظ حفظ میکند. این برتری قبل از همه بصورت فشار اجتماعی و اقتصاد است. صاحبان صنایع و سرمایه داران شهری هم از راه خرید مواد خام بقیمت ارزان و بخرم از

طریق فروش کالاهاى صنعتى بقیمت گران روستائیان وتولید کنندگان در راههاى طرف استعمار میکنند . این مناسبات بین کشورهایى که رشد کشاورزى و رشد کرد و صنعتى نیز برقرار است .

ماهیت رشته هاى مختلف با محصولى که تولید میکنند ونقشى که محصول نامبرد و در حیات اجتماعى یازى میکند مشخص میشود . پارچه وقتند ، شیروینیر ، پپسى کولا وشراب در رزند گى انسانها و حیات اجتماعى نقش معینى دارند ، فولاد وآلومینیوم ، تراکتور ومولد برق ، کشتى ولوکوموتیو نقش دیگر . بنابراین خاصیت طبیعى واجتماعى هر محصول تولیدى ، سیما وجهت رشد نیروهاى مولد وآینده آنرا معین میسازد . کشوریکه فقط بر رشد کشاورزى ، به تهیه پارچه وقتند بپردازد وتوجهى بتولید ماشین و دستگاههاى ضرورى برای کارخانه هاى بافندگى وقتند سازى خود ننماید د اثما وابسته بکشورهاى خواهد بود که چنین ماشینهاى تولید میکنند . کشوریکه بخواهد کشاو رزى خود رارشد د هدولى توجهى به تهیه ماشینهاى کشاورزى ، کود شیمیائى ننماید همیشه در وضع وابسته اى باقى خواهد ماند . چنین کشورى مجبور است مواد خام کشاورزى رازرانتر بفروشد و ماشینهاى کشاورزى را گرانتر بخرد و بخش مهمى از محصول اجتماعى کشاورزانرا به بازگائى غیرمعتاد ل بلاعوض بکشورهاى صنعتى بد هد .

همه اینها نشانه آنست که برای استقلال اقتصادى قبل از همه ایجاد زیربنای مادی - تکنیکى ضرورى است . جریان تاریخى رشد صنایع دکشورهای جهان منجر به این شده است که د گروه کشورهای مشخص رشد کرد و صنعتى که دارای زیربنای مادی - تکنیکى هستند و کم رشد فاقد زیربنای مادی - تکنیکى بوجود آید .

مهمترین خصوصیت کشورهایى که رشد امروزى اینست که فاقد زیربنای مادی - تکنیکى بود و نمیتوانند اساسى ترین وسائل تولید را در داخل کشور و بکند نیروهاى مولد خود تهیه نمایند . این خصوصیت مهم واصلی بقیه خصوصیات کشورهایى که رشد راعین میسازد . این خصوصیات عبارتند از : فزونى جمعیت د هات برشهر - ها و اشتغال اکثریت اهالی به کشاورزى ود امپورى ، صد ورمواد خام کشاورزى ومعدنى ، پائین بودن درآمدها سرانه سالانه مردم ، عقب ماندگى فرهنگى وسهواشتى وغیره .

تعام خصوصیات بالا دکشور موجود د ارد و برای اینکه کشور ما بتعام معنوى صنعتى شود ود رشعار کشورهایى رشد کرد و قرار گیرد اساسى ترین شرط ، ایجاد زیربنای مادی - تکنیکى یعنى تأمین اقتصاد ملی ما از لحاظ ماشین ، دستگاه واستفاده د امنه دار از معدن کشور است . تنها براساس ایجاد زیربنای مادی - تکنیکسى است که میتوان کشاورزى د امپورى وسایر رشته هاى صنایع مصرفى را سر بیاورد د اد ، سطح زندگی را بالا برد وخواسته هاى مردم را بآید و قور فراهم نمود .

III - صنعتى کردن چیست و صنعتى كردن در کشور ما بچه صورتى جریان د ارد

وضع رشته هاى مختلف صنعت در ایران و خصوصیات آن اهمیت بخشهاى تولید اجتماعى در اقتصاد و زندگى ما

صنعتى کردن عبارت از بکار بردن ماشینهاى امروزى در جریان تولید نعم مادی است . با صنعتى کردن کشور انسانها میتوانند از نیروى ماشینهاى که بازده کار بیشتر وقتند رت تولیدى زیاد ترى د ارند با طبیعت دست و پنجه نرم کنند ومحصل بیشترى برای رفع حوائج مادی ومعنوى خود فراهم سازند . صنعتى کردن قبل از همه عبارتست از تهیه ماشین ، دستگاه وسایر وسائل تولید برای رشته هاى مختلف تولیدى . صنعتى کردن یکى از وظایف مبرمىست که در مقابل کشورهایى که رشد ونهضت آزادى ملی آنها قرارداد .

در مسئله صنعتى کردن دکشورهایى که رشد همه طبقات وقشرهاى اجتماعى اظهار نظر میکنند . لیکن هر يك از طبقات وقشرها برای صنعتى کردن معانى متفاوتى قائلند و هر كدام بد رجحان مختلفی ذینفع در ایجاد رشته هاى مشخص صنعت هستند .

زمینداران وسوزوآزى ضعیف کشورهایى که رشد بطور کلی صنعتى کردن دکشور را ایجاد صنایع سبك یعنى صنایع مصرفى که مواد خام کشاورزى ود امپورى مصرف نمایند حساب میکنند . آنها چنین ادعا میکنند که کشورهایى که رشد فاقد سرمایه كافی وكارشناس برای ایجاد واداره صنایع سنگین هستند وسهین دلیل باید صنعتى کردن راز صنایع سبك شروع نمایند وپس به تهریه متخصص ود بریت دست به ایجاد صنایع سنگین وکلیدى بزنند . مثالی که آنها میاورند راه رشد بعضى از کشورهای بزرگ صنعتى در قرون ۱۷ و ۱۸ و ۱۹

است . بدین ترتیب این اعداد شرایط امروزی جهان و بارشده نیروهای عظیم مولد و در رجه اول صنایع سنگین در بسیاری از کشورهای جهان و برای همه کشورهای کم رشد که از لحاظ وسعت ، منابع طبیعی و انسانی و در رجه رشد و تکامل صنعتی با هم فرق دارند صادق نیست . در جهان امروزی ضرورت آن در که رشد و تکامل کشورهای کم رشد بهمان صورتی باشد که کشورهای بزرگ صنعتی طی کرده اند . زیرا عوامل و شرایط مناسب و نامتناسب اواسط قرن بیستم با شرایط قرون گذشته کاملاً فرقد آرد و بنابراین راه صنعتی کردن کشورهای کم رشد نیز همان راهی نخواهد بود که انگلستان و فرانسه یا آلمان و ژاپن طی کرده اند .

بطور کلی سیاست صنعتی کردن کشورهای کم رشد از سال پنجاه و چند سال پیش آغاز شده است همان راه بالاست . چه در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰) وجه در سالهای پس از جنگ دوم جهانی برنامه هسای صنعتی مآتاً متوجه ایجاد صنایع مصرفی و طور کلی صنایعی بود . است که بخشاوری و امپرووری ارتباط مستقیم دارند . در عرض سالهای ۱۳۰۸ تا آخر ۱۳۱۸ در کشور بیش از ۳۴۰ کارخانه ماشینی گشایش یافت که تماماً کارخانه های سبک بودند (۱) . (کارخانه های اسلحه سازی ، شیلات ، راه آهن ، سیلو و شرکت نفت در این ارقام منظور نشده است) .

پس از جنگ دوم جهانی باز همان شیوه قدیمی صنعتی کردن کشورهای کم رشد در اواسط سال ۱۳۲۷ بر اساس نخستین برنامه هفتساله عراقی کشور مورد اجرا گذاشته شد . این برنامه که با اصطلاح " بمنظور افزایش تولید و تکمیل صادرات و تهیه مایحتاج مردم در داخله کشور و ترقی کشاورزی و صنایع و اکتشاف و بهره برداری معادن و ثروت های زیر زمینی مخصوصاً نفت و اصلاح و تکمیل وسایل ارتباط و اصلاح امور بهداشت عمومی و انجام هر نوع عملیاتی برای عمران کشور را لایردن سطح معلومات و زندگی افراد و بهبود وضع معیشت عمومی و متنزل دادن هزینه زندگی " تهیه و تنظیم شده بود . به ۲۱ میلیارد سرمایه گذاری احتیاج داشت . از مبلغ نامبرده برای کشاورزی سد سازی و آبیاری ، دفع آفات ، ازدیاد سهام بانک کشاورزی ، اعتبار و وام بکشاورزان و خرید ماشین آلات کشاورزی و کود شیمیائی ۵۲۰۰ میلیون ریال ، جهت راهسازی ، راه آهن ، بناد و رفود گاهها ۵۰۰۰ میلیون ، برای صنایع و معادن ۳۰۰۰ میلیون (از آن جمله ۴۵۰ میلیون ریال برای ایجاد کارخانه ذوب آهن) ، برای ایجاد شرکت سهامی نفت ایران ۱۰۰۰ میلیون ، جهت پست و تلگراف و تلفن ۷۵۰ میلیون ریال و برای اصلاحات اجتماعی و شهری ۶۰۰۰ میلیون ریال (۲) .

در ماد ۶ و ۷ قانون برنامه هفتساله عراقی کشور پیش بینی میشد که در سال ۱۳۲۷ مبلغ ۶۰۰ میلیون ریال در سنوات بعد تا انتهای دوره هفتساله کلیه درآمدهای دولت از محل پرداخت شرکت نفت ایران و انگلیس با اجرای برنامه اختصاص داد . خواهد شد و همچنین بدولت اجازه تحصیل وام از شرکتهای " موسسات خارجی بمنظور تکمیل وسایل مالی این برنامه میداد (۳) .

بطوریکه از مواد برنامه پیداست تنها ۴۵۰ میلیون ریال از ۳۰۰۰ میلیون ریالی که برای صنایع و معادن در نظر گرفته شده بود میبایست صرف ایجاد صنعت ذوب آهن کرد که آنهم عملی نشد . بطور کلی برنامه هفتساله اول تماماً بمنظور رشد کشاورزی ، ارتباطات و مواصلات و صنایع سبک بود . اجرای برنامه چون متکی بدراآمد نفت و وام خارجی بود بر اثر ملی شدن صنعت نفت و محاصره و یایکوت اقتصاد انگلیس و امریکا میسر نگردد . تازه اگر هم برنامه هفتساله اول اجرا میشد بهیچوجه درآلایردن سطح زندگی و متنزل د اشی هزینه زندگی " نمیتوانست موثر باشد . یکی از مقاصد اساسی این برنامه کمک بعالکین و سرمایه داران از خزانه دولت بود تا آنها بتوانند بوضع تولیدی خود سروصورت بهتری بدهند و سود بیشتری ببرند . چنین کمک مالی از طرف دولت بهیچوجه مساعدت

(۱) اطلاعات ، ۶ سپتامبر ۱۹۵۰ . از این کارخانه ها ۹۲ کارخانه برق کوچک و متوسط ، ۲۵ کارخانه ریخته گری و فاندگی پنبه ، ۹ کارخانه بافندگی پشم ، ۳۰ کارخانه کشیاف ، ۵ کارخانه تصفیه پشم ، ۱۱ کارخانه چرم سازی ، ۳۰ کارخانه نوشابه سازی ، ۲۶ کارخانه کبریت سازی ، ۱۶ کارخانه آرد سازی ، ۱۶ کارخانه صابون سازی و روشن کنی ، ۶ کارخانه بلور سازی ، ۱ کارخانه برنج کوبی ، ۹ کارخانه چاپ سازی ، ۸ کارخانه قند و غیره .

(۲) مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره ۱۵ قانونگذاری (۱ مرداد ۱۳۲۶ - ۶ مرداد ۱۳۲۸) صفحه ۲۴ - ۱۹

(۳) همانجا صفحه ۲۹

بهبود زندگی عمومی و تنزیل دائمی هزینه روزانه نمیتوانست باشد. زیرا در سیستم سرمایه داری برنامه های اقتصادی هدفش استفاده از منابع و ادراشی دولت برای استحکام طبقه استثمارگر و افزایش قدرت اقتصادی آنهاست. در چنین سیستمی برنامه های عمرانی بهیچوجه هدفش از بین بردن فقر و تشدیدستی اکثریت است و نه قادر به اینکار است.

برنامه هفتساله دوم (۱۳۳۵-۱۳۴۱) که پس از کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد تنظیم کرد بد هدفش تعقیب همان سیاست قدیمی بود. برای اجرای برنامه نامبرده ابتدا ۷۰۰ میلیارد و سپس از یکسال ۸۴۱ میلیارد ریال سرمایه گذاری در نظر گرفته شد. است. (در سال ۱۳۳۸ مبلغ دو میلیارد ریال از سرمایه گذاری کسر شد) (۱). از مبلغ سرمایه گذاری ۲۱/۵ میلیارد ریال برای کشاورزی و آبیاری، ۷/۳۰ میلیارد ریال صادرات و ارتباطات، ۱۱/۹ میلیارد ریال امور اجتماعی و فقط ۷/۴ میلیارد ریال برای صنایع و معادن منظور شده است.

برنامه هفتساله اول دو دم که توسط کارشناسان امریکائی تنظیم کرد بد هدفش جز استحکام موقعیت سرمایه مالی خارجی در ایران و تشدید وابستگی مالی و فنی کشور ما را از طریق رشد صنایع مصرفی نداشت ندارد. اکنون که شش سال از اجرای برنامه هفت ساله دو دم میگذرد بخوبی واضح میشود که چگونه میلیارد ها ریال از درآمد ملی از راه مفاطمه کاری و قرارداد های زیان بخش بجنبش شرکت های خارجی ریخته شده است و به مصرف صنایع مصرفی، ساختمان راه و بناد روساختها و غیر ضروری رسیده و نه تنها کوچکترین اثری از بهبود زندگی عمومی بدیده نمیشود بلکه هزینه زندگی سال بسال بیشتر شده و درآمد فردی همواره تنزل مینماید.

در طول هشت سال که از رژیم کودتای میگذرد بیش از ۲/۵ میلیارد دلار از درآمد نفت و وامهای خارجی بخزانة کشور وارد شد و تماما بشرکتها و مفاطمه کاران خارجی پرداخت گردید. ۲/۵ میلیارد دلار که بیش از ۲۱۰ میلیارد ریال است خرج شد، ولی نه نیروی مولد بطور محسوسی رشد کرد، نه بسواد و ناخوشی از کشور رخت برست و نه کشت و کار عوض شد (۲). تنها نقش مهمی که این مبلغ هنگفت بازی کرد عبارت از افزایش ثروت اقلیت ناچیز و فاسد طبقه حاکمه و عمیق تر نمودن فاصله طبقاتی در کشور است. با ۲۱۰ میلیارد ریال، با ۲/۵ میلیارد دلار ممکن بود ۱۰ کارخانه ذوب آهن که هر یک سالانه یک میلیون تن فولاد تولید کنند ایجاد کرد و با ۵۰۰ هزار کارگر بکارهای مفید تولیدی جلب کرد و زیربنای مادی - فنی برای رشد سریع تمام بخشهای تولید اجتماعی فراهم نمود.

لیکن عمال نه تنها چنین امری تحقق پیدا نکرد بلکه در نتیجه ورشکست اقتصادی و مالی کشور راردی بهشت ماه امسال، بحران سیاسی نیز شدت یافت و منجر بسقوط کابینه مهندس شریف امامی و برپوی کارآمد نددکتر امینی گردید. حکومت امینی که با عوام فریبی و هو و جنجال ربا پشیمانی مقامات امریکائی بروی کار آمد. است تمام کارهای اقتصادی و مالی کابینه های قبلی را تقبیح کرد و وعده داد که در مدت کوتاهی استقلال اقتصادی و سیاسی کشور را تأمین نماید (۳).

حقیقت امر اینست که سیاست اقتصادی و روش کابینه امینی با سابق فرق اساسی ندارد. کابینه دکترو امینی هم جبری سیاست اقتصادی امپریالیستها و وابستگی را در داخل است که منافعی با منافع بیگانه نگسان یکی شد. است.

(۱) نشریه شورای عالی اقتصاد، شماره ۶، خرداد ۱۳۳۹، صفحه ۸۷ - ۸۹

(۲) آقای آرامش وزیر کابینه شریف امامی و سرپرست سازمان برنامه در طی مصاحبه ای چنین گفت: بیگانگان برنامه ای تنظیم کرده اند که تا آخر دوره قرارداد با کنترسوم آنچه پول نفت به ایران میرسد حیف و میل بشود تا ماه روز کاسه گدائی بدست گرفته و بد روزگی برویم.

روزنامه اطلاعات، ۱۱ تیرماه ۱۳۴۰ (دوم نوشته ۱۹۶۱)

(۳) یاد آن امینی بروی کار دولت امریکای و ن سروصد امبالی کلک با لغوش کرده است. سخنگوی دولت به مد روزنامه اتحاد ملی گفت: بلی پول گرفتیم، خیلی هم بموقع بود ولی حالا مبلغش را نخواهید - اینقدر بود که دولت را از مضیقه نجات دهد، با لغوش هم هست و هنوز مد اکرا اده دارد.

روزنامه اتحاد ملی، سوم مرداد ۱۳۴۰ (۲۵ نوشته ۱۹۶۱)

ظاهراً کابینه امینی يك سلسله اصولی را که برای تحویض جامعه ماضوروست قبول کرد . کابینه قبول دارد که باید کشاورزی معارض شود ، از صنایع داخلی حمایت بعمل آید ، بازرگانی خارجی منظم کرد و حتی دکنتر امینی اظهار میکند که " در عصر ما استقلال سیاسی هرکشورتابع استقلال اقتصادی و سلامت آنست و سلامت اقتصاد ی نیز مستلزم ایجاد و تنظیم يك نقشه اقتصادی جامع و متمرکز میباشد " (۱) . بحقید ه دکنتر امینی برای بدست آوردن استقلال اقتصادی باید مسئله صنعتی کردن کشور را از صنایعی شروع کرد که " رابطه مستقیم بسا کشاورزی و احتیاجات عمومی دارند و این امر صرف نظر از توسعه صنایع واردات تولید بتکامل و مکانیزه کردن کشاورزی مانیزکک خواهد نمود . صنایع مورد نظر در مرحله اول پارچه بافی ، ریسندگی ، قند سازی ، کنسروسازی و امثال آنست " . برنامه کابینه اینست که در مرحله اول بتوسعه این قبیل صنایع بپردازد و در مرحله دوم صنایعی باید تقویت شود که مواد اولیه آن در داخل کشور تهیه میشود و با لآخره وقتی بنیة اقتصادی مملکت اجازه بد هد صنایع سنگین وکلیدی باید تاسیس گردد .

سه ماه پس از اظهارات بالا ، دکنتر امینی در جلسه آشتی کنان با مالکین وارد یگرنظر کابینه رایبان کرد و بهر نوع سوء ظنی که از نظر رک و تفسیر " استقلال اقتصاد ی " ممکن بود بمیان آید خاتمه داد . وی گفت :
" تمام انکاء برنامه سوم ما بکشور زیست و پیکاش اینکار را پیشینیان ما شروع کرد ه بودند ... " بند ه صریحاً میگوید که صنعتی کردن مملکت هیچگونه اعتقادی ندر ام . البته صنایعی که با کشاورزی رابطه داشته باشد باید تقویت شوند ولی صنایع سنگینی که بدرد ما نمیخورد و صرفاً از روی رابطه هست باید مطرود شود . بند ه معتقد م اگر بجای این سد های بزرگ تاکنون قنات میزدیم وسد های کوچک می بستیم خیلی بهتر بود . البته اشتباهی شد ه است باید جبران شود " (۲)

از این واضحتر نمیتوان بیان کرد : صنایع سنگین بدرد ما نمیخورد و مطرود است وسد های بزرگ اشتبا . از این گفته های نخست وزیر و نتیجه میتوان گرفت : اول اینکه کابینه فعلی مانند کابینه های قبلی متدی به زمیند اران بزرگ و سرمایه د اران وابسته به امریالیسم است و باید منافع آنها را تأمین کند . دوم آنکه نخست وزیر فعلی که دکنتر اقبال نخست وزیر سابق را بهیواد وی اطلاع از عمل اقتصاد مید آنست خود ش بهمان مرض گرفتار است .

باروشی که تا به امروز برای صنعتی کردن کشور جریان داشت و آقای دکنتر امینی هم آتران تأیید و در این راه میکوشد چه نتایجی منظور نظر است ؟

اولاً مالکین را تشویق میکند که با بکار بردن ماشین و کود شیمیائی محصول بیشتری از زمینها بدست آورند ، دهقانان اضافی را از سد خارج نمایند تا بهصوف کارگران شهری در داخل شوند و منبع بهره کشی سرمایه داران قرار گیرند . باین منظور از خزانه دولت نیز مالکین همه گونه کمک مالی میشود و از اینراه اشتراک منافع مالکین و قشرهای انبوروازی د امنه وسیعتری بدست میآید . این درامیختگی و اشتراک منافع مالکین و بورژوازی از طریق خرید ماشین آلات کشاورزی ، کود شیمیائی و فروش مواد خام برای بازار جهانی ، از وقت برای شهرها و مواد خام جهت صنایع کشور تأمین میگردد .

ثانیاً قشر بیشتری از بورژوازی شهروند ه به آن نوع کارتولیدی جلب میشود که مواد خام کشاورزی و امهرورک صرف میکند ، بسرمایه گذاری کثرتی احتیاج دارد و وسود قابل ملاحظه ای عاید مینماید . این امر در عین حال بمنظور ورکردن بورژوازی از نهضت ضد امریالیستی ضد ارتجاعی صورت میگردد .

ثالثاً احتیاج کشاورزی و صنایع سبک به ماشینهای خارجی و افزایش صادرات مواد خام کشاورزی بخارج وابستگی ایران را هم از لحاظ وسایل تولید و هم از لحاظ فروش محصول بیبازار جهانی سرمایه داری بیشتر میکند و بالتیجه منافع سیاسی و اقتصادی زمیند اران و قشرهای مهمی انبوروازی ما را بمنافع سرمایه های مالکسی خارجی نزد یکت میکند .

رابعاً با نزدیکی و درامیختگی منافع زمیند اران ، کمپرادورها و قشری از صاحبان صنایع با سرمایه مالکی

(۱) روزنامه کیهان ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۰ (۱۴ ماه مه ۱۹۶۱) از نطق راد یوشی نخست وزیر .

(۲) روزنامه کیهان ۲۸ تیرماه ۱۳۴۰ (۱۹ ژوئیه ۱۹۶۱)

خارجی، د مسائل سیاسی از قبیل د موکراسی د اخلی، سازمان د ولتی، مبارزه با سازمانها و افکار مرفقی، بویژه با افکار کمونیستی، اشتراک د ریعمانیهای تجار و کارانه نظامی و سیاست خارجی آنها را متحد القوم میکنند. سیاست اقتصادی امروزی و د پروزی کابینه های د ولتی نتیجه ای جز این ند ارد که وابستگی ما را با سرمایه های مالی خارجی بیشتر نماید و استقلال سیاسی و اقتصادی ما را با پامل نماید. این همان سیاستی است که میسایو نمایند. امپریالیسم امریکا و پروفسور اهارد نمایند. امپریالیسم آلمان و هر عامل سرمایه مالی خارجی طرفدار آنست. و ای. لنین مینویسد که:

" سرمایه مالی د تمام مناسبات اقتصادی و بین المللی، چنان نیروی شگرف و میتوان گفت قطعی است که قادر است حتی د ولتهایی را که از استقلال کامل سیاسی برخوردارند تابع خود کند و د واقع هم تابع خود میکند." (۱)

د رواقعی نیز برای سرمایه مالی و گاهی هم مستقیماً برای تراستها، برای سیاست امپریالیستی آنها، برای جنگها امپریالیستی آنها فایده دارد که هر قدر ممکن است بعلل کوچک آزادی بیشتر تا استقلال د ولتی داد شود." (۲)

د شرایط کنونی که سیستم مستعمراتی از هم پاشید ه شده است شکل تازه استعمار از طریق سلطه مالی د تمام شئون اقتصادی کشورهای کم رشد سرمایه داری با حفظ ظاهری استقلال سیاسی آنها بوجود می آید. این وضع از راه د دست گرفتن اقتصاد و مالییه چنین کشورها، کمتهای نظامی، جلب آنها به پیمانهای تجار و کارخانه نظامی بیان می آید و موجب آن میگردد که کشورهایی نظیر کشور ما از لحاظ اقتصادی و سیاسی تابع امپریالیسم و د درجه اول امپریالیسم امریکا گردد. وابستگی اقتصادی به امپریالیسم از راه بودن صنعت نفت ماد ر د ست سرمایه های مالی خارجی، و امهای سنگین و وجود مستشاران د تمام د ستگاههای اداری کشور تا این ششده است (۳). وابستگی اقتصادی موجب شده است که وابستگی سیاسی از طریق پیوستن کشور ما به پیمان تجار و کارانه سنتو و پیمان د و جانب با امریکا مستقلاً عملی گردد و با نتیجه وابستگی اقتصادی و سیاسی ما به امپریالیسم کاملتر شود.

بعضیها اینطور استنباط میکنند که چون کشور ما کم رشد است بنابراین برای تراکم سرمایه و استحکام بنیه اقتصادی کشور باید همان راه روش اقتصاد ی را که سوسیالیسم قبل اتخاذ کرده بودیم د بهاره تجدید نمود. روش اقتصادی د ولت د روسی و چند سال قبل د شرایط معین تاریخی د اخلی وجهانی اتخاذ شده بود و چینیسن سیاست اقتصادی برای آنزمان تا حد ودی معقول بود و نتایج مثبتی هم آنروز داشت. چرا روش اقتصادی د ولت د روسی و چند سال پیش تا حد ودی معقول بود؟

اولاً برای اینکه د ایران صنعت ماشینی تقریباً وجود نداشت. ثانیاً تراکم سرمایه میبایست از راه رشد کشاورزی و ایجاد صنایعی که بمواد خام کشاورزی ود امپروری بستگی د ارتد فراهم میشد و سیاست انحصار بازارگانی خارجی نیز به امر تراکم سرمایه د اخلی کمک میکرد. ثالثاً د رجهان آن روزی ارد و گاه عظیم سوسیالیستی با نیروی شگرف اقتصادی و تکنیکی خود تشکیل نشده بود و اتحاد جماهیر شوروی تنها کشوری بود که با تمام نیرویش د راه ایجاد اقتصاد و جامعه سوسیالیستی مبارزه میکرد.

لیکن شرایط امروزی جهان و کشور ما از ریشه عوض شده است. امروزه د کشور ما صنعت وجود دارد، سرمایه باند از کفایت وارد و گاه جهانی سوسیالیستی میتواند بطور مؤثری د صنعتی کردن کشور و ایجاد صنایع سنگین و کلیدی بمانکند نماید. روشی که سی سال قبل برای رشد نیروهای مولد کشور ما اتخاذ شد علیرغم نواقص جدی که داشت بطور معنی تا حد ودی اجباری، ضروری و معقول بود، ولی امروزه ارتجاعی و ضد ملیست و نمیتواند

(۱) و ای. لنین، امپریالیسم بنشابه عالیترین مرحله سرمایه داری، فارسی، صفحه ۱۳۶

(۲) و ای. لنین جلد ۲۳، صفحه ۳۹، روسی

(۳) تمام وزارتخانه ها و دستگاههای تجاری و اقتصادی و عمرانی وابسته بد ولت ایران ن زیر نظر ما موران و نمایندگان مختلف امریکایی قرار گرفته و آنان د غالب جاهانه تنها بعنوان مستشار بلکه بصورت د ستورنده و کارفرما د رزندگی ما د اخله میکنند. از صاحبه آرامش. اطلاعات ۶ تیرماه ۱۳۴۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۶۱)

باخواست طبقه کارگر، دهقان و پروروزای ملی هماهنگ باشد و منافع ملی و ترقی و تکامل سریع کشور پاسبان قانع کنند و ای بدهد.

حال برای اینکه بتوان نظرات تجاعی و ضد ملی کابینه تازه و طرفداران آنترارد نمود قیل ازمهه باید دید که بخشهای اساسی تولید مادر چه وضعی هستند تا از اینراه بتوان راه رشد آتی آنها را بهتر و صحت تر نشان داد. بخشهای اساسی تولید اجتماعی ما کد آمدند و خصوصیات آنها چیست؟
بخشهای اساسی تولید اجتماعی کشور ما عبارتند از: کشاورزی، صنعت نفت و صنایع عمل آورنده سبک که با سرمایه ملی و دولتی فعالیت مینمایند و اساساً بتولید وسایل مصرفی اشتغال دارند.

۱- کشاورزی

عقب ماندن ترین بخش تولید اجتماعی ما کشاورزیست. بموجب آخرین اطلاعاتی که در پایان سال گذشته بوسیله مأموران اداره آمار عمومی بعمل آمد و بعضی قسمت های آن انتشار یافت از ۱۶۶ میلیون هکتار مساحت کشور سالانه فقط ۵۹۵۰۰۰۰ هکتار زیر کشت قرار میگیرد (۱). از این مقدار ۵۰۰۴۷۰۰۰ هکتار متعلق به کشتزارهای گندم، جو و برنج و بقیه که ۹۰۸۰۰۰۰ هکتار است اختصاصاً بکاشت سایر زراعت های سالانه از قبیل حبوبات، سبزیجات، سیب زمینی، چغندر رقند، پنبه، توتون، نباتات علوفه ای و غیر علوفه ای و غیره دارد. جمع مساحت کاشت گندم سال گذشته ۳۶۶۰۰۰۰ هکتار و تقریباً ۳۳۱۲۰۰۰ هکتار آن بمرحله درو رسید. است و کل محصول گندم ۲۵۹۰۰۰۰ تن بیده است (از هر هکتار بطور متوسط ۷۷۰ کیلوگرم). جمع کل مساحت کشت جو ۱۰۷۱۰۰۰۰ هکتار بود که تقریباً ۹۲۰۰۰۰۰ هکتار آن بمرحله درو رسید و محصول کل جو ۶۸۴۰۰۰۰ تن (۷۴۰ کیلوگرم از هر هکتار) بود است. جمع کل مساحت کشت برنج ۳۱۲۰۰۰۰ هکتار که ۲۰۳۰۰۰۰ هکتار آن بمرحله درو رسید و جمع محصول شلتوک ۶۵۱۰۰۰۰ تن بیده است (۲/۱ تن از هر هکتار).

در آمار ما بریدن نشان داده میشود که ۲۴/۵ درصد از مساحت اراضی مورد کشت متعلق بزارعین عمل کنند و بقیه اراضی بعنوان رعیتی و با اظریق اجاره در تصرف زارعین بهره بردار بود است.
از زمینهای زیر کشت ۳۹ درصد فاریاب و ۶۱ درصد دیم بیده است.

مطابق آخرین سرشماری (۱۳۳۵) تقریباً ۱۴ میلیون نفر (یا ۷۰ درصد) از جمعیت کشور در هرات بسر میرند و کشت و کار بامروزی اشتغال دارند و ۴۰ تا ۴۵ درصد درآمد ملی ما از کشاورزی و دامپروریست (تقریباً ۹۵۰ میلیون دلار یا بیش از ۷۵ میلیارد ریال) (۲). مناسبات بین کشاورز و زمیندار بر اساس مزارعه است. مزارعه شیوه اربابی-رعیتی است. این شیوه طرز استثمار قرون وسطائی را با قوانین پروروزای امروزی تثبیت مینماید و بر اساس عناصری که در کشت و کار شرکت مینمایند تقسیم محصول را عملی میسازد. عوامل اساسی که در کشت و کار شرکت مینکنند عبارتند از: کشاورز، گاو (گاومند)، بذر، آب و ابزار کار. تقسیم محصول در نقاط مختلف کشور تا حد بدی فرق دارد، لیکن این فرق اساسی و اصولی نیست. مهم اینست که دهقان ایرانی چون فاقد زمین، ابزار کشت، گاو و غالباً بید راست مجبور میشود سه چهارم محصول را به ارباب بدهد. بنابراین در سیستم مزارعه هیچگونه روزنه امیدی برای بهبود زندگی اکثریت دهقانان وجود ندارد.

آمار بالا نشان بارزی از وضع فلاکتبار دهقانان و عقب ماندگی کشاورزی کشور است. هفتاد درصد جمعیت کشور فقط ۴۰ درصد درآمد ملی ما را فراهم میسازد و تازه همین درآمد کشاورزی بصورت نامتساوی بین مالکین زمین، پیش خریداران محصول، باخواران و ده و میاشاران تقسیم میشود و تنها سهم ناچیزی نصیب اکثریت دهقانان میشود.

خصوصیات کشاورزی امروز کشور ما چیست؟

- ناتان مالکیت بزرگ مالکین بر زمین، وجود شیوه مزارعه (اربابی-رعیتی)، محروم بودن ۷۷ درصد دهقانان
- (۱) روزنامه فرمان، ۲۲ تیرماه ۱۳۴۰ (۱۴ ژوئیه ۱۹۶۱).
 - (۲) تهران اکونومیست ۱۷ تیرماه ۱۳۴۰ (۸ ژوئیه ۱۹۶۱). باید در نظر داشت که حساب درآمد ملی ما صحیحاً و بصورت علمی تنظیم نشده و با واقعیت تطبیق نمیکند. لیکن کم و زیاد بودن سهم این یا آن بخش تولید اجتماعی در ماهیت امر تغییر موثری نمیتواند بدهد.

از زمین، سلطه تولید خرد و ویراکنندگی سرمایه در روستا، عقب ماندگی ابزارکشت و کارگر مانع شخم عمیق و دادن رشوه کافی به زمین و برداشت محصول بیشتری از هر هکتار میشود، عقب ماندگی فرهنگ کشاورزی و جهل کشاورزان، فقدان راههای بین دهات، نبودن سازمانهای منظم دولتی جهت خرید محصول بقیمت عادلانه و دادن وام یا تنزیل کم یکسازان که دست پیش خریداران و پیاخواران را در چپاول دهقانان باز میگذارد.

۲- صنعت نفت

مهمترین و بدترین رشته تولید اجتماعی یا بهتر بگوییم بخش تولید اجتماعی ماصنعت نفت است. این بخش از لحاظ بازده کار، قدرت تولید و تمرکز سرمایه از تمام بخشهای تولید اجتماعی کشور ماصنعت میسر میشود. این بخش مهمترین رقم صادرات و درآمد ارزی خارجی کشور را تهیه مینماید. جدول زیر نقش صنعت نفت را در صادرات کشور و وابستگی آنرا به بازار جهانی سرمایه داری نشان میدهد (۱).

سال شمسی	صادرات بدون نفت به میلیون ریال	صادرات نفت به میلیون ریال	جمع صادرات به میلیون ریال	نسبت صادرات نفت به تمام صادرات
۱۳۰۰	۱۷۹ ۴۰۵	۳۲۲ ۶۴۰	۵۰۱ ۰۴۵	۶۴٪
۱۳۱۰	۷۱۸ ۰۲۵	۱ ۰۱۷ ۹۴۹	۱ ۷۳۵ ۹۷۴	۵۸٪/۶
۱۳۲۰	۸۲۵ ۵۷۲	۱ ۰۱۱ ۳۳۷	۱ ۸۳۶ ۹۰۹	۵۵٪
۱۳۲۹	۳ ۵۶۲ ۸۷۴	۲۲ ۱۸۴ ۴۰۳	۲۵ ۷۴۷ ۲۷۷	۸۶٪
۱۳۳۵	۷ ۹۳۰ ۶۱۰	۱۵ ۹۰۸ ۸۵۹	۲۳ ۸۳۹ ۴۶۹	۶۶٪/۳
۱۳۳۶	۸ ۳۵۲ ۹۲۲	۱۹ ۲۹۷ ۷۶۸	۲۷ ۶۵۰ ۶۹۰	۶۹٪
۱۳۳۷	۷ ۹۴۱ ۹۶۴	۲۲ ۸۵۹ ۴۷۱	۳۰ ۸۰۱ ۴۳۵	۷۴٪
۱۳۳۸	۷ ۷۰۱ ۰۱۷	۴۹ ۴۴۹ ۸۱۱	۵۷ ۱۵۰ ۸۲۸	۸۶٪
۱۳۳۹	۷ ۸۷۳ ۴۶۷	۵۹ ۶۱۰ ۶۰۴	۶۷ ۴۸۴ ۰۷۱	۸۸٪/۳

جدول بالا بویخی نشان میدهد که از ۴۰ سال قبل اثر مستقیم سرمایه انحصاری خارجی در تولید و صادرات کشور مانشسلط و تعیین کنندگی را بازی میکند. در تمام دوران سلطه سرمایه مالی خارجی در کشور ماصادرات موافق همیشه از صادرات سایر رشته های تولیدی فزونی داشته و نسبت به آن نیز سال بسالی بیشتر شده است (با استثنای دوره حکومت کتر مصدق). پس از کودتای خرداد ملی ۲۸ مرداد وزن مخصوص مواد نفتی در صادرات کشور سال بسالی افزایش یافت و نسبت آن از ۶۶ درصد به ۸۸٪/۳ درصد رسید. امارت تولید نفت و افزایش قابل توجه آن و همچنین تقلیل صادرات هم اکنون نشان میدهد که در سال جاری نیز این نسبت ممکنست از ۹۰ درصد تجاوز کند.

ارقامی که در جدول دیده میشود گویاترین سند وابستگی مهمترین رشته تولیدی کشور به بازار جهانی سرمایه داریست. این وابستگی تنها از لحاظ بخش و فروش فرآورده های نفتی مابخارجه نیست. این وابستگی در درجه اول وابستگی تولیدیست، زیرا ماصنعت نفت تمام وسایل تولید یعنی ابزار و دستگاههای حفاری و استخراج نفت، تصفیه و حمل آوردن نفت خام، لوله های نفت را از خارجه وارد میکند و کشتیهای نفتکش و بازار جهانی نفت نیز در دست چند تراست بزرگ نفتی آمریکا و انگلیس و غیره است. این وابستگی و وابسته صنعت نفت ماصبب شده که کتر سرسیوم بین المللی نفت فقط از ره بخش فرآورده های نفتی ایران سالانه صد ها میلیون دلار سود بدست آورد. بطوریکه آمار رسمی نشان میدهد در سه سال اخیر سود حاصله از نفت سالانه بیش از ۲۶۰ میلیون دلار یا بیش از ۱۰ درصد درآمد ملی ما را تشکیل میدهد. است. سال گذشته درآمد نفت ۱۰۲ میلیون لیره یا در حدود ۲۴۰ میلیارد ریال بود. سرمایه گذاری در صنعت نفت کشور بیش از ۶۰۰ میلیون دلار

(۱) آمار از سالنامه گمرک، سال ۱۳۳۷، اداره آمار و امورات اقتصادی، تهران آذرماه ۱۳۳۸ صفحه ۹۰-۹۲ و روزنامه اطلاعات ۱۰ مرداد ۱۳۴۰ (اول اوت ۱۹۶۱). تنظیم جدول و مقایسه هـ

مؤلف است.

یاد رحد ود ۵۰ میلیارد ریال است. برای اینکه اهمیت این صنعت از لحاظ سرمایه گذاری معلوم شود چند رقم زیر کافی خواهد بود.

جهت یکاراند اختن وتجد یدد ستگاههای پالایشگاه آبادان بیش از ۳۵ میلیون دلار یا تقریباً ۲/۸ میلیارد ریال خرج شد. برای احداث خط لوله نفت از اهواز تا تهران بیش از ۱۶ میلیون لیره یا تقریباً ۳ میلیارد ریال، برای کشیدن لوله نفت از مناطق نفت خیز تا جزیره خارک و ایجاد تأسیسات بارگیری نفت بیش از ۳۵ میلیون لیره یا ۷/۵ میلیارد ریال سرمایه گذاری شد.

شرکت ملی نفت ایران در عرض شش سال اخیر برای احداث خطوط لوله ۵/۶۸ میلیارد ریال، برای تأسیسات نفتی و حفرتها ۵/۴۸۵ میلیارد ریال خرج کرد. جمع هزینه های شرکت ملی نفت ایران از سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) تا آخر ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) بالغ بر ۱۷۰۲۸ میلیون ریال بود (۱). با این مبلغ امکان داشت يك کارخانه ذوب آهن سیصد هزار تنی و يك کارخانه بزرگ تراکتورسازی احداث کرد و دهها هزار کارگر را بکارمهم تولیدی جلب کرد.

صنعت نفت ما زیر سلطه تراستهای بزرگ نفتی امریکا و انگلیس، فرانسه و هلند قرار داشته و مهمترین بخش تولید اجتماعی ماست که وابستگی کشور را سال بسال به بازار جهانی سرمایه داری بیشتر میکند. صنعت ما از لحاظ تمرکز سرمایه، بازره کار و قدرت تولیدی قابل مقایسه با سایر رشته های تولیدی کشور نیست. صنعت نفت ماد کشور کم رشدی توسعه می یابد که قادر به تهیه ابزار تولید و حمل و نقل و عمل آوردن برای آن نیست. به همین علت امکان سلطه سرمایه های انحصاری خارجی بطور کامل فراهم شده است. صنعت نفت اگر تمام درآمد است ما بود میتوانست سالانه بیش از ۲۵ درصد درآمد ملی ما را فراهم نماید. لیکن در شرایط فعلی فقط ۱۰ درصد درآمد ملی ما از نفت است.

۳- صنایع و معادن

صنعت ماشینی در ایران بسیار جوان است. این صنعت از سی و چند سال پیش در کشور ما با عرصه وجود گذاشته است. صنایعی که در کشور وجود آمد و رشد کرده اند تقریباً تماماً صنایع مصرفی و در رجه اول صنایع عمل آورنده مواد خام کشاورزی و دامپروریست. طبق آمارگیری سال ۱۳۳۸ از ۸۱۵۶ واحد صنعتی ۳۹۷۹ واحد صنایعی هستند که با مواد خام معدنی کار میکنند. بقیه که بیش از ۵۱ درصد است تماماً مواد خام کشاورزی و دامپروری مصرف مینمایند (۲). علاوه بر این در کشور ما بیش از ۱۲۰ هزار کارگاه قالی، زبلو و حصیر باقی وجود دارند که آنها هم مواد خام کشاورزی و دامپروری استعمال میکنند.

در دوبرنامه هفتساله ای که در سالهای اخیر تنظیم شده تقریباً ۷۰ درصد سرمایه گذاری در صنایع بمنظور ایجاد صنایع سبک، یعنی صنایعی بود که مواد خام کشاورزی و دامپروری مصرف میکنند. با تصویب قانون اصلاح پستوانه استکنا در اردیبهشت ۱۳۳۶ یعنی پس از تجدید ارزیابی پستوانه استکنا مبلغ ۷/۵ میلیارد ریال برای توسعه امور صنعتی و افزایش اعتبارات کشاورزی منظور گردید.

از ۵/۸۵۲ میلیارد ریال وامی که تا اول سال ۱۳۳۹ برای رشته های مختلف تولید برداخت کردید بیش از ۴/۰۲۳ میلیارد برای صنایع نساجی (۷۸ طرح)، قند سازی (۱۱ طرح)، غذایی (۶۱ طرح)، چرم سازی (۹ طرح)، چوب و کاغذ و مقوا (۱۰ طرح) منظور شد. این مبلغ در حدود ۷۰ درصد وامها را تشکیل میدهد. در عوض برای استخراج معادن، پلاستیک سازی و لاستیک سازی فقط ۳۲۶/۹ میلیون ریال یا ۵/۸٪ وام اختصاص داده شد (۳).

برای اینکه وضع صنایع، تعداد کارکنان و سرمایه گذاری در تمام کشور و استانها معلوم شود جدول

- (۱) ارقام از مجله تهران اکونومیست، ۲۴ تیرماه ۱۳۴۰ (۱۵ ژوئیه ۱۹۶۱).
- (۲) مجله اطلاعات بازرگانی، خرداد و تیرماه ۱۳۳۹، صفحه ۲۸.
- (۳) آمار فعالیت های صنعتی و معدنی ایران ۱۳۳۸، صفحه ۴۵۸-۴۶۳، این کارخانه ها عبارتند از کارخانه های کوچک و متوسط نظیر چاپ، گراور سازی، حروف ریزی، لاستیک سازی، کفش لاستیکی، تهیه مسود مختلفه شیمیائی، رنگ سازی، واکس سازی، آجر سازی، کاشی سازی، سیمان سازی، گچ سازی، آبکاری، تراشکاری، آبگرمکن سازی، ریخته گری و غیره. از این کارخانه ها ۲۴۷ کارخانه برقی است.

چندی براساس آمارهای موجود تنظیم گردیده است. جدولهای شماره ۱ و ۲ وضع صنایع، طبقه کارگری مرکز سرمایه رادراستانهای مختلف کشور تا حدی روشن میسازد.

جدول شماره ۱

تعداد کارخانه های هریک از استانهای کشور، تعداد کارکنان و سرمایه آنهادرسال ۱۳۳۸ (۱)

استانها	تعداد کارخانه ها	تعداد کارکنان	از انجمله		
			کارگر	مهندس	دفتري
استان مرکزی	۳۸۴۴	۴۸۵۵۶	۴۳۹۱۴	۵۱۷	۴۱۲۵
اول	۸۵۶	۷۶۵۹	۶۸۳۳	۶۳	۷۶۳
دوم	۸۸۳	۱۶۵۰۴	۱۵۱۵۶	۹۶	۱۲۵۲
سوم	۳۹۳	۶۲۲۹	۵۸۹۹	۱۶	۳۱۴
چهارم	۱۵۲	۲۶۷۶	۲۵۶۱	۱۶	۹۹
پنجم	۳۶۶	۴۰۶۲	۳۶۷۵	۲۰	۳۶۷
ششم	۲۷۲	۳۰۴۴	۲۶۶۲	۳۳	۳۴۹
هفتم	۳۴۹	۴۶۴۲	۴۱۵۰	۴۳	۴۴۹
هشتم	۲۰۸	۱۹۶۳	۱۷۷۴	۸	۱۸۱
نهم	۸۴۵	۱۱۰۶۹	۱۰۳۵۷	۴۶	۶۶۶
دهم	۸۹۹	۲۴۰۰۶	۲۳۰۴۶	۹۸	۱۰۶۲
سیستان و بلوچستان	۸۹	۳۰۴	۲۹۳	۱	۱۰
جمع	۸۱۵۶	۱۳۰۷۱۴	۱۲۰۳۲۰	۹۵۷	۹۴۳۷
از انجمله دولتی	۱۷۱	۱۹۷۷۴	۱۷۰۰۴	۲۴۴	۲۴۷۶

جدول شماره ۲

طبقه بندی کارخانه های کشور از لحاظ تعداد کارکنان (۲)

تعداد کارکنان	از ۱۰ نفر تا	از ۱۱ نفر تا	از ۲۰۰ نفر تا	از ۵۰۰ نفر تا	از ۱۰۰۰ نفر تا	جمع
	۲۷۴۹۰	۲۷۱۱۸	۲۱۳۹۴	۲۲۱۲۷	۳۲۵۸۹	
تعداد کارخانه ها	۶۵۳۹	۱۳۰۰	۲۲۱	۶۶	۳۰	۸۱۵۶

(۱) جدول براساس ارقام آمار فعالیت های صنعتی و معدنی کشور در سال ۱۳۳۸ توسط مؤلف تنظیم گردیده است. در جدول فوق صنعت نفت، ماهی ایران، دخانیات، راه آهن و حمل و نقل اتومبیلی، کارگاههای قالبی، کارگران ساختمان و راهسازی، کارگران کارخانه های ارتشی و معدن بحساب نیامده است. (۲) آمار فعالیت های صنعتی و معدنی کشور در سال ۱۳۳۸ - اداره آمار و مطالعات، مهرماه ۵۰۱ نفر بیشترند از انجمله ۴۲۳ و ۴۸۸ باید یاد آور شد که بعضی از کارخانه های هائیکه تعداد کارکنانش از ۱۰۰۱ نفر بیشترند از انجمله کارخانه دخانیات، ماهی ایران، کارخانه های ارتشی، پالایشگاههای نفت و کارخانه های تیکه در عرض د و سال اخیر تا سیس شده است بحساب نیامده اند. از آمار کارخانه های کوچک تعداد ۲۰۳۴۹۲ کارگاه قالبی و وزبیل های بی ۲۳۱۰۸۹ نفر کارگر و از انجمله ۵۳۹۳۷ نفر قالبیافت مستقل حساب نشده است. ارقام از نشریه شورایی اقتصاد، شماره ۵، سال ۱۳۳۸، صفحه ۱۴۶ و ۱۵۱.

تعداد کارکنان چند رشته مهم دیگر (۱)

کارکنان صنعت نفت	قالیباپی در ۸۸ حوزه سرشماری	راه آهن	دخانیات	معادن دولتی	شرکت ماهی ایران	جمع کارکنان کارگر، مهندس، دفتری
۶۱۳۰۰	۲۳۱۰۸۹ از آنجمله ۶۳۸۰۶ نفر کمتراز هرسال	۳۶۱۱۴۱	۱۶۱۶۱	۲۷۹۳	۱۰۹۲	۳۳۴۰۴۱

جدول شماره ۴

جدول زیر در مهرماه ۱۳۳۷ از طرف وزارت کاروسازمان برنامه تهیه شده و تعداد کارکنان کشور را در آن سال نشان میدهد (۲)

جمع کارکنان کشور	سرکارگر	سرپرست	کارگر ماهر	کارگر نیمه ماهر	کارگر بدون مهارت	از کل کارکنان تعداد مرد و زن	تعداد کارکنان زن	کارکنان مشاغل	کمبود
۱۲۷۰۶۰۲	۸۸۱۹	۱۴۳۹۷	۳۴۲۷۳	۱۱۶ ۵۹۹	۲۳۸ ۴۲۹	۱۳۰۲۲۸۰	۳۸۳۲۲	۶۰۴۲	۶۱ ۴۸۱

جدولهای تنظیم شده تا حدودی تعداد کارگران رشته های مختلف صنایع، کیفیت و نشریات کارگران را از لحاظ مهارت داشتن ونداشتن، مرد و زن، بزرگی و کوچکی و مقدار سرمایه گذاری روشن میسازند. جدول شماره یک نشان میدهد که از ۴۵/۵۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری در ۸۱۰۶ کارخانه در حدود ۲۲/۳ میلیارد ریال یا ۴۹ درصد در تهران و حومه سرمایه گذاری شده است. از چنانچه سرمایه گذاریها تیکه در راه آهن، کارخانه های ارتشی و کارخانه های تازه ای که در ظرف دو سال اخیر تاسیس شده اند نیز در نظر گرفته شود، آنوقت معلوم میگردد که بیش از ۵۰ درصد سرمایه گذاری در صنایع (باستثنای صنعت نفت) در تهران متمرکز شده است و استانهای دیگر کمتر سهم ناچیزی از سرمایه گذاری صنعتی را درآمیاشدند. علاوه بر این جدول نامبرده نشان میدهد که از ۸۱۰۶ کارخانه فقط ۱۷۱ واحد یا کمتر از ۲ درصد کارخانه های دولتی را تشکیل میدهند. لیکن همین کارخانه های دارای بیش از ۱۰/۲ میلیارد ریال یا ۲۲/۴ درصد کل سرمایه گذاری است و ۲۵ درصد مهندسان کارخانه های امارگیری شده در کارخانه های دولتی نامیکند. بطوریکه آمار صنایع و معادن نشان میدهد ۲۹ درصد نیروی محرکه کل کارخانه های امارگیری شده نیز در کارخانه های دولتی متمرکز شده است (۳).

ارقام بالا معرف آنستکه کارخانه های دولتی نسبتاً بزرگ و دارای قدرت مالی و اقتصادی بیشتری هستند و بر اثر همین خاصیت میتوانند منبع تراکم سرمایه بیشتری برای تجدید تولید وسیع باشند (درآمد کارخانه دخانیات در سال ۱۳۳۸ بالغ بر ۳/۶ میلیارد ریال، راه آهن ۴ میلیارد، قند و شکر ۶/۲ میلیارد ریال، درآمد شرکت

(۱) آمارها سامان نشریه وزارت صنایع و معادن (مهرماه ۱۳۳۹) و همان نشریه (آذرماه ۱۳۳۷) و نشریه شورای عالی اقتصاد شماره ۵، سال ۱۳۳۸ تنظیم گردیده است.

(۲) جدول و نشریه شورای عالی اقتصاد، شماره ۷، آبانماه ۱۳۳۹، صفحه ۸۸. در جزوه "صنایع امروز ما" که از طرف اداره کل انتشارات براد بود در سال ۱۳۳۹ منتشر شده است تعداد کارخانه های کشور ده هزار و تعداد کارگران تولیدی و غیرتولیدی ۱۱۷۰۰۰ نفر ذکر شده است. صفحه ۲

(۳) آمار فعالیت های صنعتی و معدنی کشور در سال ۱۳۳۸ صفحه ۴۸۸، ۴۲۶

های تابعه سازمان برنامه ۴ میلیارد ریال، درآمد گمرک در حدود ۱۰ میلیارد ریال و الخ (۱) .
 بطوریکه آمار معدنی نشان میدهد در کشور ما هنوز از معدن بهره برداری کافی نمیشود . استخراج
 معدن (باستثنای نفت) در مرحله بدوی قرار دارد و هم اینکه از لحاظ شیوه بهره برداری و تکنیک بسیار عقب
 مانده است . در حالیکه ایران کشور بیست با منابع معدنی ثروتمند که با استفاده صحیح از آن میتوان پیمیزی از
 حواش صنعتی و مصرفی را در داخل کشور تهیه نمود ، وضع اقتصادی را بهبود بخشید و سطح زندگی مردم را به
 مقیاس وسیعی بالا برد .

مبلغ سرمایه گذاری در معدن و تعداد کارکنان آن بسیار کم است . تعداد کل معدن کشور تا پایان
 سال ۱۳۳۸ در حدود ۵۲۲۴۰ کیلومتر مربع بود که در رقایسه با ۱۶۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت کشور تنگی
 میدان فعالیت کارهای معدنی معلوم میشود (۳۰ درصد مساحت کشور) . حقوق دولتی و بهره مالکانه وصولی از
 معدن طبقه ۲۰ کشور نیز موهبت است که کارهای معدنی در ایران هنوز بسیار ضعیف است . حقوق دولتی و
 بهره مالکانه وصولی در سال ۱۳۳۷ در حدود ۱/۱۰۵ میلیون ریال و در ۱۳۳۸ در حدود ۴۰ میلیون ریال بوده
 است (۲) . این ارقام در رقایسه با درآمد دخیانیات که سالانه ۳/۶ میلیارد و یاباد درآمد نفت که بیش از ۲۰
 میلیارد ریالست ناچیزی تولید معدنی و تنش آنرا در درآمد ملی کشور نشان میدهد .
 از آنجائیکه مقاله فعلی گنجایش تجزیه و تحلیل بیشتری را ندارد بهین علت وضع تولید اجتماعی کشور
 و خصوصیات آنرا میتوان شرح زیر خلاصه کرد :

۱- عقبماندگی کشاورزی ، کمی برداشت محصول از سطح کشت ، خرد بودن وساد بودن تولید
 کشاورزی ، کمبود ماشین و کود شیمیایی ، فقدان اصول علمی بهره برداری در کشاورزی و دامپروری ، شکاف عمیق
 موجود بین صنعت و کشاورزی ، بین شهر و روستا ، ضعف و پراکندگی سرمایه در کشاورزی (بجز رشته های پنبه کاری ،
 چغندر کاری ، توتونکاری ، چای و واحد پدیده دامپروری که تا اندازه ای متمرکز شده و در سالهای اخیر سرمایه -
 گذارهای قابل ملاحظه ای در آنها بعمل آمده است) .

۲- در رشته صنایع و معدن نیز هنوز سرمایه گذاری نافی نیست و نمیتواند احتیاجات تولیدی و مصرفی
 کشور را تأمین کند . اکثر صنایع و معدن کشور کوچک و از لحاظ قدرت مالی و تکنیکی ضعیف است . فقدان سازمان -
 های صحیح و اتخاذ سیاست مؤثر در فروش محصولات تولیدی ، بدی وضع حفاظت کارگاهها و ماشینها ، عدم
 استفاده از روشهای نوین حسابداری و حسابرسی نیز دشواریهای اساسی موجود را شدیدتر میکند .
 تراکم سرمایه در صنایع دولتی و انحصارهای دولتی بیش از صنایع ملی است . در رشته های صنایع ملی
 جای مهم و اساسی را صنعت نساجی ، قالیبافی و در این اواخر سیسپان و قند سازی دارند . صنایعی که مواد معدنی
 بنا بر میرند بهره برداری از معدن مکتشفه بسیار ضعیف است و هنوز نمیتوانند تأثیر مهمی بتولید اجتماعی (از لحاظ
 تهیه و مسائل تولید) بشنایند .

۳- صنعت نفت ما ، مهمترین بخش تولید اجتماعی کشور است (۳) این بخش از لحاظ تمرکز سرمایه ،
 بازده کار ، قدرت تولید و درآمد ملی سرآمد تمام رشته های تولیدی است . صنعت نفت نمونه بارزی از تأثیر منفی
 سلطه سرمایه مالی در رشد یک پهلوی نیروهای مولد کشور است . این بخش با وجود " ملی بودنش " تحت سلطه
 سرمایه های انحصاری خارجی است . اگر صنعت نفت تماماً در دست ما بود آنگاه ممکن بود حد اقل در ویرا بردآمد
 فعلی بهما سود و ارز خارجی بدهد .

۴- بزرگترین سرمایه دار کشور دولت است . تراکم سرمایه در موسسات دولتی و انحصارهای بیش از
 هر موسسه دیگری است . لیکن از آنجائیکه دولت نماینده طبقات استثمارگر است ، بهین علت سالانه مبالغ
 هنگفتی از درآمد سرشار کشور را برای استحکام موقعیت اجتماعی و بهبود وضع تولید آن صرف میکند . این کار بنیه
 مالی دولت ضعیف میشود و نمیتواند بطور متمرکز و اساسی به بیشتری به ایجاد بخشهای مهم و اساسی تولید

(۱) ارقام از مجله اطاق بازرگانی ، خرداد - تیر ۱۳۳۹ ، صفحه ۲۴ ، نشریه شورای عالی اقتصاد ، شماره ۶
 خرداد ۱۳۳۹ ، صفحه ۲۴ .

(۲) آمار فعالیت های صنعتی و معدنی ایران در سال ۱۳۳۸ ، صفحه ۵۱۳ و ۵۱۸ .

(۳) کلمه " بخش " از لحاظ اهمیتی که رشته های صنعت نفت در حیات اجتماعی ما دارند استعمال شده است .

III- راه اساسی صنعتی کردن کشور که است و کدام بخش تولید اجتماعی باید در درجه اول رشد کند ؟

این قسمت از مقاله در رواقع نتیجه گیری از تجزیه و تحلیل بخشهای تولید اجتماعیست . بررسی مختصری که از بخشهای تولید اجتماعی کشور بعمل آمد نشان میدهد که در شرایط کنونی مهمترین بخشهای تولید اجتماعی کشاورزی و صنعت نفت است . کشاورزی از این لحاظ که اکثریت اهالی کشور را این بخش فعالیت میکند و صنعت کشور نیز اساساً عمل آورنده مواد خام کشاورزی و دامپروری برای مصرف مردم و صادرات است . صنعت نفت از این جهت که این بخش متمرکزترین ، نیرومندترین و پرمهرترین بخش تولید اجتماعی است . این بخش در دست سرمایه های انحصاری آمریکا ، انگلیس ، فرانسه و هلند قرار دارد و مهمترین پایگاه امپریالیسم در کشور است . وابستگی صنعت نفت از لحاظ وسائل تولید ، تصفیه ، باربری و پخش به بازار جهانی سرمایه داری ، کار وابستگی این بخش مهم را بر سرمایه های مالی خارجی ، به تراستهای بزرگ نفتی جهان آسانتر میکند .

در پشت سر این بخشهای مهم اجتماعی طبقات و قشرهای داخلی و خارجی قرار دارند . در کشاورزی - زمینداران و کمرودورها و واسطه ها ، در صنعت نفت - تراستهای امپریالیستی آمریکا و انگلیس و عناصر داخلی که از حمایت آنان برخوردارند و مقامات مبعی برادر دستگاه و دولت اشغال کرده اند . اینها دشمنان واقعی ایجاد صنایع سنگین در کشورند ، لیکن بزرگترین دشمن ایجاد و رشد صنایع اساسی و کلیدی در کشورهای کم رشد ، انحصارهای امپریالیستی هستند . انحصارهای امپریالیستی شرط وام دادن به کشورهای در حال رشد را فقط با ایجاد صنایع سبک ارتباط میدهند و حتی المقدور از دادن وام بمنظور ایجاد صنایع سنگین خودداری میکنند . تمام وامهایی را که ایران در دوران حکومت ضد ملی کبود تا از سال ۱۳۳۲ از بانک ترمیم و توسعه ، بانک صادرات و واردات آمریکا و صندوق بین المللی پول دریافت داشته است با این شرط بود که بهیچوجه برای ایجاد صنایع سنگین و کلیدی از آن استفاده نشود . این وامها تمام بمصرف رشد و توسعه راهها ، بنادر ، سد سازی ، بهبود وضع کشاورزی و ایجاد صنایع سبک رسیده است .

حزب توده ایران و بنا بر ضرورت بین وطن پرست از وضع موجود به نتایجی میرسند که در استقلال سیاسی و اقتصاد کشور میتواند نقش واقعاً اساسی را ایفا نماید . حزب توده ایران پس از تجزیه و تحلیل وضع موجود کشور و سطح رشد تولید اجتماعی و تمایز و اهمیت بخشهای مختلف آن به این نتیجه میرسند که " در حیات اقتصادی ایران نقش عمده را سرمایه داری انحصاری امپریالیستی ایفا میکند . برای پیشرفت و تکامل اقتصادی کشور ما باید این وضع از بنیاد وین دگرگون شود و سیستم نوین اقتصاد ملی ، مستقل ، مترقی ، متمرکز ، هماهنگ ، طبق نقشه و بر پایه تکنیک معاصر بر اساس منافع خلق ایجاد گردد " .

در ماده ۱۶ طرح برنامه حزب چنین نوشته شده است :

" ایجاد صنایع سنگین از قبیل استخراج معادن ، ایجاد صنایع فلزکاری و ماشین سازی ، شیمیایی و الکتریکی وغیره که ضامن پیشرفت سریع اقتصاد و تحکیم استقلال کشور است . توسعه شبکه راه آهن کشور و اقدام در ایجاد وسط رشته های دگر صنعتی بمنظور تأمین نیازمندیهای عمومی و ترقی سطح زندگی و توده های وسیع مردم " (۲)

(۱) جمع مخارج سالانه دولت معادل ۴۵ درصد کل درآمد ملی ایران است . مجله تهران آکونومیست ، ۱۷ تیرماه ۱۳۴۰ (۸ ژوئیه ۱۹۶۱) ، صفحه ۰۸ . چهل و پنج درصد یعنی در حدود ۱۰۰ میلیارد ریال ، یعنی مجموع سرمایه گذاری که برای برنامه های هفتساله اول و دوم منظور شده است . این مبلغ هنگفت اکثر صرف کارهای غیر تولیدی (نظیر ارتش ، پلیس و ژاندارمری) ، هزینه های اداری و مخارج بدون هدف و پراکنده میشود و تأثیر قابل ملاحظه ای در رشد تولید اجتماعی نمیکند .

(۲) طرح برنامه و اساسنامه حزب توده ایران مصوب پانزدهم (وسیع) و کنفرانس وحدت ، از نشریات حزب توده ایران ، مهرماه ۱۳۳۹ . در برنامه منضمه نخستین و دومین کنفرانس حزب توده ایران در سالهای ۱۳۲۲ و ۱۳۲۷ درباره ایجاد صنایع سنگین چنین گفته میشود : " تأمین استقلال اقتصادی ایران بوسیله تأسیس و توسعه و تشویق صنایع و ایجاد صنایع سنگین مخصوصاً بوسیله دولت و وسیع و استفاده از منابع طبیعی و سرمایه "

مسئله صنعتی کردن کشور پیش از نیم قرن است که مورد توجه عناصر و رجال پیشرو وطن پرست میهن ماست. در جریان انقلاب مشروطه و در دوره های اول و دوم مجلس، صنعتی کردن کشور و حتی ایجاد صنعت ذوب آهن مورد توجه وکلا و حکومت آن دوره قرار داشت. ولی در آن دوران شرایط کافی و ضروری برای عملی شدن چنین کار مهم و اساسی وجود نداشت و آرزوی میهن پرستان نتوانست جامه عمل بپوشد.

امروزه تمام مبارزان راه آزادی کشور و میهن پرستان در این مسئله متفق القولند که برای نجات کشور از وضع عقب ماند و فعلی و تنهارها، تأمین استقلال واقعی میهن ماصنعتی کردن آنست. در کار صنعتی کردن نیز باید قبل از همه اساسی ترین رشته هائی که بتواند برای اقتصاد ملی ما وسائل تولید فراهم سازد ضروریست. ایجاد صنایع سنگین در کشور ما پایه گذاری هر نوع صنعت سنگین و کلیدی نیست. برای کشور بزرگ زرخیز، ثروتمند و ملت فقیر ما قبیل از همه ایجاد آن چنان صنعت سنگین و ماشین سازی ضروریست که بتواند سرمایه ده ما را سرمایه آزرشده عوض کند و صنعت نفت ما را از وابستگی به سرمایه های مالی خارجی و بازار جهانی سرمایه داری آزاد نماید.

راه درست و صحیح تمویض کشت و کار، وارد کردن تراکتور و ماشینهای کشاورزی و کودهای شیمیایی از خارج نیست. این امر وابسته نمودن کشاورزی ما به خارج و وابستگی دهقانان و تولید کنندگان ده به وارد کنندگان ماشینهای کشاورزیست (۱). برای اینکه کشاورزی ما از بیخ و بن عوض شود قبل از همه ما احتیاج بکارخانه ذوب آهنی داریم که بتواند برای کارخانه ماشین سازی، آهن و فولاد تهیه نماید. اینکار را با همین بنیة اقتصادی کشور میتوان آغاز نمود و در عرض ۴-۵ سال بی پایان رساند. هزینه يك کارخانه ۵۰۰ هزار تنی ذوب آهن در حد و ۲۰۰ میلیون در لارویک کارخانه متوسط تراکتور سازی و تهیه ماشینهای کشاورزی در حد و ۳۵۰ میلیون در لار و جمع این دو رقم ۵۵۰ میلیون در لاراست. بدون تردید قدرت مالی و درآمد ارزی کشور ما طوریست که میتواند سالانه ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیون در لار برای اینکار منظور نماید.

پایه ای ایجاد کارخانه هائی که برای کشاورزی ما ماشین تهیه خواهند کرد باید در صد و تهیه کارخانه هائی برای تولید و وسائل تولید جهت صنعت نفت نیز باشیم. این کارخانه ها قبل از هر چیز برای تهیه لوله ها، ناقل نفت، دستگا ههای حفاری و وسائل یاد کی جهت پالایشگاههای کشور است. ایجاد این رشته های تولیدی در عرض پنج سال امکان دارد و تا سیس آنها حد اکثر ۳۰۰ میلیون در لار هزینه لازم دارد. پس از تأسیس کارخانه های نامبرده باید بلافاصله اقدام بتاسیس کارخانه های کشتی سازی و اتومبیل سازی نمود. کشتی سازی میتواند در ریجا استقلال حاصل فرآورد و ه های نفت را بجهان فراهم نماید. اتومبیل سازی ضروری ترین و مهمترین وسیله حمل و نقل برای کشور وسیع ماست و بدون ایجاد آن ارتباط سریع بین شهرود، بین کشاورزی و صنعت میسر نخواهد بود. اینها وظایف مهم و اساسی است که در راه استقلال اقتصادی و سیاسی کشور باید در عرض ۱-۱۲ سال انجام گیرد.

البته از رژیم شاه نمیتوان انتظار آنرا داشت که برای کشور ما زیربنای مادی، تکنیکی را پایه گذاری نماید. منافع شاه و طبقه حاکمه ایجاد میکند که هر قدر ممکنست وابستگی کشور ما به انحصارهای خارجی، ب سرمایه های بیگانه و امپریالیستها بیشتر شود تا آنها از بیفایده رد فاع از منافع مشترک باشند، ارتش و پلیس شاه را تقویت کنند تا از تاج و تخت لرزان شاهنشاهی در مقابل تود و هاد فاع نمایند.

انجام این وظیفه مهم تنها از یک دولت ملی ساخته است. دولت ملی که از نیروهای مترقی و پیشرو جامعه یعنی کارگران، دهقانان، بورژوازی ملی و عناصر میهن پرست تشکیل میشود پس از برانداختن رژیم ضد ملی کنونی مهمترین وظیفه اش ادامه جنبش آزادی ملی از طریق ایجاد و پایه گذاری صنایع سنگین در کشور ماست.

(۱) پس از جنگ دوم جهانی دولت ترکیه بمنظور اصلاحات ارضی "از بالا" صد های میلیون در لار از آمریکا و امریکا دریافت کرد. بخش قابل ملاحظه ای از این وامها صرف خرید تراکتور، ماشینهای کشاورزی و کود از امریکا گردید. تعداد تراکتورهای ترکیه در سالهای اخیر به ۵۰ هزار رسید و این امر بسبب شد که میلیونها دهقان از کشتزارهای آبا و اجدادی خود رانده شدند، صاحبان تراکتورها از لحاظ وسایل یاد کی به سرمایه داران و وارد کنندگان ماشین آلات کشاورزی وابسته شدند و ه هدی که از اصلاحات ارضی داشتند نرسیدند. این امر بسبب شد که وامهای خارجی دولت ترکیه افزایش یافت و وضع دهقانان سال بسال بدتر شد و تنها زمینداران بزرگ ثروتمند گردیدند.

ایجاد صنایع سنگین و تأمین استقلال اقتصادی کشوری از فرمهای اساسی مبارزه آزادی ملی در کشورهای کم - رشدی مثل کشور ماست .

برای ایجاد صنایع کلیدی قبل از همه اجرای اصلاحات عمیق کشاورزی و اجتماعی ضروری ترین شرط است . دولت ملی میتواند با افزایش مالیات از طبقات ثروتمند ، کم کردن هزینه اداری و غیر ضروری ، هزینه های ارتش ، برقراری انحصار گمرکی و بازرگانی با پای پای ، برقراری کنترل بر قیمت ها و تعیین قیمت عادلانه بر کالاها و حمایت از تولید داخلی ، تراکم کافی برای پایه گذاری صنایع اساسی فراهم نماید . نخستین و مهم ترین گامی که دولت ملی باید بردارد تقلیل هزینه های ارتش و پلیس و ژاندارمری به نصف هزینه های امروز است . چنین گامی بایست توانم با برقراری انحصار بازرگانی خارجی و پای پای باشد . تقلیل هزینه های سازمانهای انتظامی به ۸ میلیارد ریال بدولت ملی امکان میدهد که همه ساله ۸ میلیارد ریال در راه ایجاد و رشد صنایع سنگین و کلیدی سرمایه گذاری نماید . شاه که هزینه های ارتش ما را با کشورهای کم رشد کرده صنعتی نظیر سوئد و سوئیس مقایسه میکند منظور خاصی را تعقیب مینماید . ارتش بدو بیست هزار نفری با هزینه های کمتر شکر فقط بخاطر مقابله با مردم زحمتکش و سرکوب نهضت انقلابی برای حفظ تاج و تخت شاه و بخاطر این ایجاد شده است که اگر روزی حادثه انقلابی یا نظامی در کشور رخ دهد شاه بتواند چند ساعتی برای فرار و جابجا شدن وقت داشته باشد .

امروزه بسیاری از مردمان روشن بین میدانند ارتشی که متکی به اقتصاد جامع نباشد و اسلحه و مهماتش از طرف آمریکا که ده هزار کیلومتر با مافاصله دارد تأمین شود بهیچوجه نمیتواند از مرزهای کشور مافقاع کند . چنین ارتشی با زکمر شکنی برد و شاهالی کشور و منابع طبیعی در راه رشد سریع نیروهای مولد است . چنین ارتشی نه تنها مدافع استقلال ملی نیست بلکه یکی از عوامل مهم از بین رفتن استقلال میهن ماست .

امپریالیستهای آمریکا و انگلیس نیز طرفدار وجود چنین ارتشی در ایران هستند . این ارتش و اولاً " نظم و آرامش " را برای غارت ترانسپهای نفتی و غیر نفتی تأمین میکنند و ثانیاً با بلعیدن میانگ هنگفتی همواره بود چه کشور را غیر متعادل میسازد ، از تراکم سرمایه های هنگفت جلودگیری بعمل میآورد و سبب میشود که دولت همه ساله از آمریکا و دیگران وامهای کمربکن دریافت کند تا وابستگی ما به خارج بیشتر شود . نقشی که سازمانهای ارتشی ، اداری و اقتصادی ما بازی میکنند تماماً متوجه آنستکه بنحوی از " اتحاد " وابستگی ما به امپریالیستها بیشتر شود و کشور ما میدان بهره کشی و غارت ترانسپهای خارجی قرار گیرد و یکی از مراکز توطئه های سیاسی و نظامی علیه کشورهای سوسیالیستی باقی بماند .

صنعتی کردن کشوری مسئله حیاتی برای ماست . در این امر قبل از همه طبقه کارگر و دهقان و عناصر میهن پرست ذنبفکنند . وظیفه طبقه کارگر و تمام عناصر پیشرو افشاکردن سیاست اقتصاد بدولت و نشان دادن سیمای واقعی رژیم شاه است . این یکی از راههای مهم تجمع و تشکل توده های وسیع مردم برای مبارزه علیه رژیم بدست نشاندن خارجی و در راه صنعتی کردن واقعی کشور است . بدون مبارزه متشکل ، آگاهانه و پیگیر نمیتوان راه صنعتی کردن واقعی را بدو و البته تحمیل کرد . اگر در این مسئله مهم و حیاتی مبارزه متشکل و پیگیری صورت نگیرد کابینه های ارتجاعی همین راه فعلی را ادامه خواهند داد و وابستگی ما با لیسال بکشورهای امپریالیستی و در درجه اول به آمریکا بیشتر خواهد شد .

در جهان امروز که کشورهای کم رشد با کامهای سریمی عقب ماندگی خود را پشت سر میگذرانند ، در دنیا که جامعه سوسیالیستی به نیروی عظیم و تعیین کننده ای در راه رشد و ترقی بشریت تبدیل شده است ، کشور ما نمیتواند از آبرو تگال میبرون بماند . مبارزه متشکل داخلی و مبارزه بین د و وارد و گاه سوسیالیستی و سرمایه داری را لاخر کشور ما را برآورد و متکامل واقعی ایجاد صنایع کلیدی که ضامن استقلال اقتصاد و سیاسی است سوق خواهد داد و روزیکه ما بتوانیم با ایجاد صنایع بزرگ ماشینی بروی پای خود بایستیم . آری نده نزدیکی فرا خواهد رسید . امروز فرا خواهد رسید که در کشتزارهای وطنمان تراکتورها و ماشینهای کشاورزی ساخت ایران بخرند ، زمینهای ما برآورد اثربند ، محصول را با لا ببرند و هم میهنان ما را از نعمت فراوانی بهره مند سازند . امروز فرا خواهد رسید که مزارع ما با کودهای شیمیایی وطنمان قوت گیرد و کشورهای دیگر نیز از تولید ما بهره مند گردند . امروز فرا خواهد رسید که کشتیهای نفتکش ساخت ایران در دریاها و اقیانوسها فرآورد های نفتی را برهنر نقطه جهان که میخواهند حمل کنند . امروز فرا خواهد رسید که در جشن مهرگان کارگران بد هفتانان ما با ماشینهای ساخت وطن که به گلها و سبزه ها تزئین شده اند در سرا سر کشور به پایکی برد ازند و بروی ویرانه های کاخ ظلم و ستم کشوری آزاد و مرفه میسازند .

کاوه آهنگر

مقام شایسته افسانه های ملی

افسانه های کهن سال ملی، برخلاف يك واقعه تاریخی، مربوط بدوره معین کوتاهی از عمر ملت نیست بلکه از دوره های مختلف، از سراسر عمر او سرچشمه میگردد، آثاری از همه حوادث عهد دورداد، نشانه دهند همة احساسات، آرزوها، پیروزی ها، شکست ها، شادی ها و غم های بزرگی است که ملتی در طول عمر خود دریافت کرده است. آئینه جوانب گوناگون هستی ملت ها است. اگرچه خود مبهم و تیره است ولی زوایای پنهان و نادیده تاریخ رسمی را در پرتو آن میتوان روشن ساخت. بویژه افسانه هایی که از قرون پیش از تاریخ سرچشمه میگردد حائز اهمیت بهمانندی است زیرا که این افسانه ها یگانه شواهد قرون مذکور و یگانه سخنگوی آثار بزرگانی هستند که از مردم عهد عتیق برجای مانده و پس از هزاران سال از دل خاک بیرون آمده است.

افسانه های شاهنامه بخصوص در قسمت پیشدادی و کیانی از این قبیل است. این افسانه ها از مردم سخت کوشی حکایت میکنند که گرد و نمة تمدن بشری را در سیر راه پارس گالاک قرون نخستین به پیش میرانند، مرد می که از میان زد و خورد ها و جنگ های خونین بسوی وحدت قومی و اداری و ملی گام برمیدارند، چون در اثر قرارگاه جغرافیاییشان پیوسته در معرض مهاجمات اند عشق سرشار بهین و نبرد جانانه با مهاجمان خارجی و پاسداری از وحدت اداری و ملی بصورت کیش مقدس آنها درآمده است. پهلوانی، دلیری، راستی، درست کرداری، سخت پیمانی، فداکاری، آزادی و شرف مورد پرستش آنها و آتش جاویدان آنهاست. زندگی در نظر آنها مظهری از نبرد یزدان و اهریمن، راستی و دروغ، زیبایی و زشتی، نیکی و بدی است.

ایرانی با این افسانه ها بزرگ شده است. او این افسانه ها را معتبر تر از هر سند تاریخی دانسته و از آنها در حوادث عهد غمخورد الهام گرفته است. امروز هم این افسانه ها بخصوص آنهاست که بایمان هوش ربا و تخیل بلند فردوسی بهم می آمیزد سرود نیرومندی است برای پرانگیختن ملت مابه کارهای بزرگ.

اگر نام کاوه، قهرمان داستانی که در این مقاله از آن سخن خواهیم گفت، در دوره انقلاب ایران اینقدر رواج یافته و در ادبیات آن عصر تا امروز اینقدر ربا تحسین و احترام نگارشده و از آن جهت است که این چهره تخیلی در خاطر ملت مابصورت مظهریک آرزوی بزرگ واقعی وی درآمده است.

افسانه پیمانند

داستان کاوه، آغاز حماسه در شاهنامه است. در واقع حماسه های پهلوانی شاهنامه با قیام کاوه آغاز میشود و امرگ رستم پایان می یابد. ولی فرقی بزرگ داستان کاوه با سایر حماسه های شاهنامه در اینست که قهرمان کاوه فقط در نیروی پهلوانی اونیست بلکه در پیوند او با توده مردم است. آنچه کاوه را برضحاک پیروز میکرد آنست نبرد تن بطن نیست بلکه نبرد توده مردم بمرکزگی کاوه است. آنچه داستان کاوه را در میان داستان های ملی پیمانند گردانید، همین جنبه است، همین جنبه است که پیش پند چرمین يك رنجبر ساد در این داستان بصورت درفش پر پهای مبارزه يك ملت درمی آید، در فشی که در طی قرن ها مظهر وحدت ایران و سر پیروزی پرانی بشمار آمده است.

چهره شخص ضحاک چهره ای افسانه ای است، چهره ای است شبیه تصویری که آدمیان از دیو و غول و جن داشته اند: ضحاک همشمن و هعصجت دیو است و پراغمثائی او کار می کند. روزی دیو برکتف او سینه داد.

واینگ بر جای آن بوسه هاد و مارسیا ه رسته است که هرچه میرند باز میروید . یگانه چاره آرام ساختن آنها خورا از مغز سرد میزادگان است . در نقاشی های ایرانی نیز همه جاحک با این شکل و هیئت تصویر شده است . اما حکومت جحک حکومت تخیلی نیست . حکومتی است که جنبه های واقعی دارد . نمونه ای از حکومت های فردی و استبدادی است که چهره شخصی جحک از روی خطوط اصلی آن تخیل شده است . مارهای سیری ناپذیر و وحش جحک تجسمی از حرص بی پایان و جهان آوار (۱) حکومت های فردی و استبدادی است . پسر و رش آنها از مغز سر انسان ها ارتباط مستقیم پیدا کردی را با جان انسان ها نشان میدهد . نشان میدهد که هسر ستگری جان شکار است .

به بینید فرد وسی در ایران جحک را چگونه توصیف میکند :

نهبان گشت آئین فرزانگان
هنر خوار شد، جاد و شی (۳) ارجمند
شد ه برید ی دست دیوان (۴) د راز
پراکنده شد نام دیوانگان (۲)
نهبان راستی ، آشکارا گزند
ز نیکی نبود ی سخن جز پسر از

این توصیف مجد و بد بیان جحک نیست بلکه بر همه اد و اراستید اد و ستم صادق است . مثلاً بد و ن تردید هر خواننده ای با تأمل در این ابیات بی اختیار از رژیم هشت ساله کود تاد را بران یاد خواهد کرد و تسلط فرمائروایان ناسزه خفت و خوراید انش و هنروراستی ، جبرگی سازمان منیت و ترور و راتب بیسابقه راد نظر خواهان جحک مانند هرید اد گری از آید ه خویش بینانک است . یک شب که در کاخ شاهی در کنار دو دختر جمشید (شهرناز و ارنواز) خفته است خواب می بیند که او را از تخت برزیر افکنده اند و کت بسته بسوی کوه د مانند می کشانند . از خواب می جهد .

بپیچید جحک بیدادگر بدردش از بیم گفتری جگر

چون موید آن کشورد ر تعبیر خواب جحک بوی گفتند که اوسرا انجام بدست یکی از کینه جویان کشته خواهد شد جحک را هراس فرا گرفت . " ز تخت اند ر افتاد وزو رفت هوش " . ولی بجای آنکه از ستگری بازگردد و به مهر برآید برد ز خوشی و مردم کشی افزود . این نیز صفت مشترک همه خونخواران جهان در همه اد و ارتاریخ است . روزی جحک بزرگان کشور را از هرسوگرد آورد تا یاد شاهی خود را با پستیانی آنها تیربخشد و یاد آورش که چسبون دشمن در کمین است باید بر شماره لشکریان شاهنشاه افزود .

مراد نهانی یکی دشمن است
ند ارم هعی دشمن خرد خوار
که بر بخرد ان این سخن روشن است
بترسم هعی از بس روزگار
همی باید م زین فزون لشکری
هم از مردم و هم زد پیو و پری

جحک که در میان مردم تکیه گاهی نداشت بناچار میبایست بر روی لشکریان مزدور تکیه کند . او بوسه نسبتی که انسان هارا از دست میداد ناچار بود که به " دیو و پری " توسل جوید ! در همین انجمن جحک از حاضران خواست که گواهی نامه ای بنویسند و امضا کنند که وی یاد شاهی نیکوکار و راستگو و اد گراست . همه حاضران از بیم یاد شاه که فرد وسی او را از او آزد ها آزد ه افش میباید بساین گواهی د روغ تن در دادند .

یکی محضر (۵) اکنون بیاید نوشت
نگوید سخن جـز همه راستی
که جز تخم نیکی سپهبد (۶) نکشت
نخواهد بد اد اندرون کاستی
بد ان کار گشتند همه داستان
گواهی نوشتند بر نسا و پسر
بر آن محضر آزد ها نساگزیر

- (۱) اوپاریدن در زبان فرد وسی بمعنی یلعیدن است .
- (۲) توجه داشته باشید که دیوانه در اینجا بمعنای کم خرد ، گمراه و کج فکراست .
- (۳) جاد و شی در اینجا بمعنای نیرنگ سازی و دروغ پرستی است .
- (۴) فرد وسی میگوید : " توهر دیو را مردم بد شناس " .
- (۵) محضر علاوه بر معنای مجلس و محفل بمعنای سند و صورت مجلس نیز هست و در اینجا بمعنای دوم بکاررفته است .
- (۶) سپهبد در اینجا اشاره به جحک است . شاهنشاهان ایران را چون فرمانده کل سپاه نیز بوده اند . سپهبد نیز می گفته اند .

کاری که آنها کردند کاری است که در باریان در هر عصر زمائی کرد. و اند، کاری است که امروز هم از نظر دستیاران و مبلغان ضحاک معاصرا محمد رضا شاه پهلوی، انجام میگردد.

در این هنگام ناگهان خروشی از درگاه شاه برخاست: خروش يك داد خواه. ضحاک که میخواست در آن انجمن گواهی نامه ای برآید از گری خود بگیرد فرمود داد خواه را بحضور بیاورند و در کنار بزرگان کشور بنشینند.

آنگاه با روی دژم از وی پرسید چه کسی بر تو قسم کرده است. مرد داد خواه که خود را کاوه نامید از دست شاه دست بر سر زد و خروش بر آورد. گفت: من آهنگری از آری هستم که ستم شاه بر سر من آتش بارید. است. هر زمان نیستی از تو بردم لم میرسد. روانم از زنج تو میماند. هجد. سپرد اشم و اکنون فقط یکی از آنها برجای ماند. است. باین آتشی که در دل من است نگاه کن و از این تنها پسر من دست بردار. نگاه کن که روزگار پشت مرا خواند، دل را بی امید و سرم را بردرد ساخت، جوانی و فرزند انم را از من گرفت. آخرستم حدی دارد. آخرستم بهانه ای میخواهد. بهانه تو براره من چیست؟ تا اگر چه شاه ای و اگر چه ازت ها پیکری باید بماند در پیشگاه هفت کشور از آن تست چارنج و سختی از آن ماست؟ تا اگر چه شاه ای و اگر چه ازت ها پیکری باید بماند در پیشگاه داد خواهی بنشین. باید روشن شود که چرا در هر انجمن مارانت را از مغز سرفرزدان من میخورانی:

خروشید و زد دست بر سر شاه	که شاهانم کساوه داد خواه
بد داد من کاهم ستم روان	همی نالم از تو برنج روان
اگر داد دادن بود کار تو	ببغزاید ای شاه مقدر تو
ز تو بر من آید ستم بیشتر	زنی هر زمان بردم نیست
ستم گزنداری تو بر من روا	بفرزند من دست بردن چرا
مرا باید هژده سپرد رجهان	از ایشان یکی ماند. است این زمان
ببخشای ویر من یکی در تنگتر	که سوزان شود هر زمانم جگر
شهامن چه کردم یکی باز گوی	و تر بیگناهم بهانه مجوی
بحال من ای تا چه بود رنگر	میغزای بر خویشتن درد سر
مرا روزگار اینچنین گسوز کرد	دلی بی امید و سوری پر زرد
جوانی نماند. است و فرزند نیست	بگیتی چو فرزند پیوند نیست
ستم را میان و کرانسه بود	همیدون ستم را بهانه بود
بهانه چه داری تو بر من بیار	که بر من سگالی (۱) بسد روزگار
یکی بی زیان مرد آهنگرم	ز شاه آتش آید همی بر سرم
تو شاه ای و گر ازت ها پیکری	بباید بدین داستان دآوری
اگر هفت کشور شاهای تراست	چارنج و سختی همه بهر ماست
شماریت با من بباید گرفت	بدان تاجهان ماند اند رشگفت
مگر کز شمار تو آید پسند	که نوبت بفرزند من چون رسید
که مارانت را مغز فرزند من	همی داد باید بهر انجمن

این فقط کاوه نیست که سخن میگوید. از برای و تندی و دلنشینی و تا شیر سخن پیدا است که فردوسی با او یکدل و یک زبان است. این فردوسی است که بنام تود. های ستم بد. بر سر ضحاک های تاریخ فریاد میکند و منطق خلق را بستگینی گز رستم بفرقی آنها میگوید. همان فردوسی که سلطان زمان اورا به لگد مال پیلان تهدید کرد.

ضحاک از گفتار کاوه در رشگفت ماند و فرمود وی را بنوازند و فرزندش را باز دهند. سپس روی به کاوه آورد. گفت اینک که عدالت مارادیدی پای آن گواهی نامه را امضا کن. کاوه بر گواهی نامه نظر انداخت ولی بجای آنکه دست بقلم برد روی به بزرگان آورد. فریاد زد که ای پاپردان (دستیاران) دیو! شو را برای ساختن این ستم بد و زخ باید فرستاد. من آن را امضا نخواهم کرد و از یاد شاه هم نخواهم ترسید.

جو بر خواند کساوه همه محضرش	سبک سوی پیران آن کشورش
خروشید، گای پاپردان دیو	برید. دل از مهر کیهان خدیو

(۱) سگالیدن بمعنی اندیشیدن است. بد سگالی یعنی بد خواهی.

همه سوی د وزخ نهاد ید روی
 نباشم بدین محضر اندر گسوا
 آنگاه کاوه از جای جست و آن گواهی نامه را از هم د رید . بزیبایی انداخت :
 خروشید مهر جست لرزان زجای
 و فرزند خود را به پیش انداخته از بارگاه ضحاک بیرون رفت .
 همینکه کاوه به کوی همزن رسید همه مردم بر او گرد آمدند و کاوه آنها را به داد خواهی از ضحاک دعوت
 کرد .
 چو کاوه برون آمد از پیش شاه
 همه بر خروشید و فریاد خواند
 کاوه همان جرم پاره ای را که در پیش کوره آهنگری می بست بر سر نیزه زد و با این درفش در کوه و مازار
 افتاد . ند آمد که مردم چه نمسته آید .

بپوشیدگان بن مهر آهرمن است
 هرکس هواد ارفرید ون فرزند آبتین است بیاید تا نزد وی شویم و این سخاهی برد ابریم .
 فردوسی میگوید افزاشته شدن آن پوست پاره بی باک است شناخته شدن د دست از دشمن گردید .
 سپاه بزرگی از مردم در زبرد درفش کاوه گرد آمد .
 بدان بی سپهانا سزاوار پوست
 همیرفت پیش اندرون مرد گُرد
 فریدون که درفش کاوه را بدان صیرت د بدان را باقل نیک گرفت :
 فروهشت زو زرد و سرخ و بنفش
 براند و بدش کاوه پیش سپاه
 و هر باد شاهی که پس از فریدون بر تخت نشست زیب و زیور و پرنیان و گوهر تازه ای بر آن درفش آویخت :
 زد بیای پر سایه و پرنیان
 که اندر شب تیره خورشید بود
 سپاه فریدون بسرد اری کاوه آهنگر بر ضحاک پیروز شد و ایران از جنگال بیگانگان د تخیم بیرون آمد .
 شاه از هافش را اسیر گرفته د غاری از کوه د ماوند زند انسی ساختند .

از او نام ضحاک د رخاک شد
 گسسته شد از خویش و پیوند اوی
 بکوه اندرون جای تنگش گزید
 بیاورد مسمارهای گران
 فرمست دستش بدان کوه باز
 بماند او بر آن کوه آویخته
 جهان از بد او همه پاک شد
 بماند بکوه اندرون پند اوی
 نگه کرد غاری بنش تا پدید
 بجاشی که مغزش (؟) نبود اندران
 بدان تا بماند بسختی د راز
 وز و خون دل بر زمین ریخته
 روز مهرگان روز پیروزی بر ضحاک است .

حزب توده ایران با روزی اینکه ملت پرافتخار ما د زبرد درفش طبقه کارگر بر ضحاک زمان محمد رضا شاه
 پهلوی، بر استعمار ایران شکن و بر استعمار مردم شکار پیروز آید جشن مهرگان را بر پا میکند و گرامی میدارد .

جزیره امید

(درباره انقلاب گویا - سرزمین آزاد امریکا)

مبناییت بزرگ انقلابی ملت قهرمان نوا، مقاومت سرسخت کشور کوچکی در ۶۰ میلی نیرمیوند ترین کشور امپریالیستی جهان، در مقابل انواع واقسام د سائس استعمار دالبانسه (از خرابکاری، ترور، محاصره اقتصادی، فشار سیاسی گرفته تا تاج ایزستیم)، پیشرفت سریع انقلاب از اقدام جسورانه و حیرت انگیز معدودی انقلابیون از جان گذشته در قله - تنای جبال سیرا ما استرا (Sierra Maestra)، بازقیام مسلحانه و پیروزی بر یکی از بقدرت و ترسین د یکتاتورهای دست نشانده ایالات متحده امریکا، تارساندن انقلاب بمرحله دادن برش شعاری ای سوسیالیستی از پدیدهای بسیار جالب و شکفت انگیز عصرماست که بحق توجه تمام انقلابیون جهان و مبارزان راه آزادی را بخود جلب کرده ۴۰۰۰ انقلاب گویا چه د شکل مبارزه برای وارثی حکومتی د یکتاوری نظامی وابسته با امپریالیسم، چه در تقویت حسن اعتماد بخود نیروهای انقلابی به پیروزی خود (ولو اینکه تعداد آنها کوچک باشد و دشمن بظلمت بزرگ جلوه کند)، چه در شیوه ها شیکه بحد از پیروزی انقلاب در مقابل و سرکوبی ارتجاع و ضد انقلاب بکاررفته، چه در روش طایقات انقلابی در مناسبات حزب طبقه کارگر و احزاب و فرقه های بورژوازی ملی و غیره و غیره سرشار از تجربه و کنجینه ایست از د رسهای آموزنده .

انقلاب گویا بهترین شرایط خاص دوران ماست و د مرکز تقاطع نیروهای انقلابی و ضد انقلابی جهان قرار دارد . فهم انقلاب گویا بدون فهم کامل و عمیق شرایط حاضر عصر ما غیر ممکن و خالی از محتویست .

مختصری از تاریخ گویا

سرزمین گویا د سال ۱۴۱۲ توسط کریستف کلمب کشف شد . استعمارگران اسپانی د ر گویا بک جسماعه کوچکی از اهالی بومی مسالمت آمیز یافتند که استخوان بندی اقتصاد ای آنرا کشاورزی د سته جمعی (بطنور بعد) با وسائل تولید بسیار عقب مانده و وابستگی تشکیل میداد . در این دوره سه قبیله از سته مهمتر د ر گویا زندگی میکردند که به گواناتابی (Guanatabeye)، سیبونه (siboney) و تاینو (Taíno) مشهور بودند .

گواناتابی قبیله ای یاد سته های از ستم پاشیده و کم اهمیت بود . تعددن آنها بسیار عقب مانده و از کشاورزی اطلاعاتی نداشتند، د دوره ما قبل آن میزیستند و زندگی آنها د رفتارهای سواحل دریای کوبا - سیبونه تاینو د رسمت شرقی کشور مگوت داشت و از سته پیش افتاده تر بود، ساختن اقتصاد ای آنها د ر مرجاسه کشاورزی بود هیشکل گروهی که cacicago نامیده میشد، متشکل بود . cacicago نام رئیس د سته بود که انتخاب میشد و اما سیبونه بنا د ارای تعددن بینابین بودند .

اولین دسته های اسپانیولی که بگوها هجوم آوردند در جستجوی طلا بودند و زمین و کشاورزی هدف آنها نبود. برای استخراج طلا در اختیار ترکد ام از این "فاتحین" از یک خانواده گرفته تا اهالی یک د. بکده گزاشته میشد که در شرایط ناملا بردگی بکار کشیده میشدند. تحت شرایط بسیار دشوار زندگی و کار خوشنودت جنایات جویندگان طلا با سرعت زیادی اهالی بومی از بین میرفت و گویا بعد تباد چارکم جمعیتی بود. این امر بخصوص وقتی شدت یافت که عدده زیادی از جویندگان طلا که را بقصد مکزیک و پرو و جاهای دیگر که طلا فراوان بدست آمد بود ترک کردند.

این وضع موجب شد که از سال ۱۵۱۱ دسته های بزرگی از سیاه پوستان را بخصوص از قسمت غربی افریقا بگوها و لایح بنواحی شرقی آن کوچ دهند. با بردگان افریقا که جای نیروی ماهومیان از بین رفته را می گرفتند به غیر انسانی ترین وضعی رفتار میشد. مورخین آن دوره یادداشت های پس غم انگیزی از وضع بردگان افریقا از خود بجای گذاشته اند. خشونت استعمار حردی بود که وقتی برده ای را وارد جزایر کوبا میکردند می گفتند او تمساده سال دیگر میتواند زندگی کند.

اولین تقسیم زمین و پیدایش کره شول ها (۱)

اولین تقسیم زمین تا آنجا که اطلاعاتی هست در ۱۵۲۶ رخ داد. حاکمین محلی زمین را بشکل دایره های بزرگ در اختیار اسپانیولی ها میگذاشتند که اغلب برای پرورش دام بنا میرفتند. در جریان قرن ۱۶ استعمارگران اسپانیولی با گسترش زمینهای که از طرف شاه اسپانی در اختیار آنها گذاشته شده بود، از راه استعمار اهالی بومی و سیاه پوستان اولین دایقه مالکین بزرگ ارضی را در کوبا تشکیل میدهند.

بند ریچ ایسلها این مالکیت فئودالی بارث برده شد و مالکیت بزرگ اسپانیولی ها با مالکیت بزرگ ارضی کره شول ها متحد یل گشت.

کره شول ها مالک زمین بودند ولی هنوز قدرت سیاسی و انحصار تجارت مطلق در دست متروپل (اسپانی) باقی بود. از اوایل قرن ۱۷ تقریباً مهاجرت اسپانیولیها با تنهایی قطع میشود و بدیگر مستعمرات که داخل مواد قیسمی فراوانی داشتند متوجه میشود. از اینجا است که کره شولها با پرتغال یک تشر محلی شکل بخود میگیرد و گسترش مییابد از این عددهمراه بادسته های دینر مانند سیاه پوستان و مهاجرین جزیره های اطراف (بند ریچ اهلانی اسپانولی از طرف پرتغال) می آید. در این موقع تعداد دائم التزایدی بین کره شولها از یک طرف و تجارت و رمایه داران اسپانیولی از طرف پرتغال آمد و بعد فی جز جای بدین ثروت بدیده اند استند بروز میکنند.

در این قرن است که کشت تنباکو (۱۶۱۰-۱۶۲۰) و کشت نیشکر معمول میشود. سیاست سرمایه داران اسپانیولی در این دوره متوجه کشت نیشکر و تنباکو در این منطقه است. کشت تنباکو احتیاج کشاورزان نسبتاً آرموده و متخصص داشت و آن سیستم بردگی و وسطی هرزیدگی آنها امکان پذیر نبود. لذا کشت تنباکو در عددهم و دهانانی بود که از جزیره کاناری (canary island) بگوها مهاجرت میکردند. کشت تنباکو از یک طرف مالکیت کوچک بر زمین را باعث شد و از طرف دیگر تمدنهای اولیه دایقه نازگرد کوبا را بوجود می آورد و نقش مهمی در جریانات انقلابی دارد.

نیامهای بردگان

از آغاز قرن ۱۸ عکس العمل طبیعی برده های مناطق کشاورزی علیه رفتار خشن اربابان آغاز میشود و از تظاهرات مهم این دوره جنبش سیمارون (cimarron) و آپالانکادو (apalancaedo) در تاریخ ثبت شده است. در ۱۷۹۱ تحت تاثیر حوادث انقلابی در فرانسه برده های کلسی فرانسه در رهاشتی (Haiti) علیه اربابان خود تیان میکنند. در این دوره در رهاشتی و همچنین در کوبا اهالی سیاه پوست اکثریت سخته را تشکیل میدادند. در نتیجه این عامل (تیز تاثیر کشور رهاشتی) موجب شد بدقیام برده ها مساعد شود.

(۱) cróles نام واقعه نسلهای بعدی اسپانیولیهای مستقر شده در کوبا اطلاق میشود. چنین

اصطلاحی با معنی مفهوم درد پرتگیزیهای آمریکای لاتین هم به کار برده میشود.

در سال ۱۷۶۲ به علت جنگ اسپانی با انگلستان نیروهای انگلیسی تا آنجا را اشغال می‌کنند. انگلیسها بد آنها بود از نظر اهمیت سوق الجیشی کهاد نهال بهانه می‌گشتند. یازده ماه اشغال هاوانا تا تیر میهمی در وضع اقتصادی سیاسی کهاد است و موجب استقرار تجارت بین کها و انگلستان و مستعمراتش شد.

در ۱۷۸۶ ایالات متحده امریکا استقلال پیدا میکند و در نتیجه تجار امریکایی متوجه تجارت با کها می‌شوند. بدین ترتیب در نتیجه قیام پرده هاد رهاگیتی (که موجب نابودی کامل تولید شکر و تنباکو در آن کشور می‌شود) اشغال هاوانا از طرف انگلیسها و وضع جدید در ایالات متحده امریکا تولید شکر و تنباکو متناهی می‌شود. سیرراند می‌یابد و بتدریج در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ مراتع گشت نیسکر جای مزارع دام پروری را میگیرد.

در این قرن (اواسط آن) اولین تاریخانه دخانیات احداث می‌شود و متعاقب آن تاریخانه های متعدد کوچک خصوصی دخانیات به نتیجه اولین دسته کارگران از زمین همان کشاورزان تنباکو پیچید می‌آید. از اینجاست که در ۱۸۱۷ کارگران تنباکو اولین قدم سازمانی را برای تشکیل کردن خود برداشته و سازمانی بنسنام "سازمان کارگران تنباکو هاوانا" تشکیل میدهند.

در جریان تکامل جنبشهای اجتماعی - اجتماعی به ترتیبی که بیان شد بتدریج وجودان ملی کها آنها چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی شکل میگیرد.

جنگهای دهساله (۱۸۱۸-۱۸۲۸) که بعدتر جدیدی از اسپانی بود در واقع اولین تلاش است که به نتیجه قطعی نمیرسد. معبد اد رسال ۱۸۸۰ بردگی در کها لغو میگردد. مالکآخانه های تولید شکر فاقد نیروی کار لازم می‌شوند و اجبارا گشت نیسکر از تولید شکر جدید می‌کنند و این ترتیب مالکیت متوسط در دهات برای گشت نیسکر بوجود می‌آید که تا اواخر قرن ۱۹ در حدود ۲۰٪ زمینهای کهاد را دربرمیگیرد (۱).

استقلال از اسپانی و دخالات ایالات متحده امریکا

بعد از شکست جنگهای دهساله جنبش جدیدان از اسپانی جای خود را به جنبش مبارزه برای استقلال ملی میدهد. رهبری این جنبش در دست خوزه مارتی (Jose Martí) مهربان ملی کهاست.

انقلاب ۱۸۹۵ در یزد فتنه اعتراضی قدامت انحصاری اسپانی، لغو بردگی و یاکسب حقوق سیاسی نبود و تأمین استقلال و حاکمیت ملی کها مطرح نظر است. شعار "کها آزاد" و "استقلال زمین" شعار انقلابیون است. تنها بد اخله ایالات متحده امریکا در این جنگ مانع از نتایج شمرختر آسمه فد اناری مردم کها شد. دوره جدید مبارزه آغاز می‌شود. منتهی این بار علیه متروپل جدید و نیولاتر: پایه ایالات متحده امریکا متوجه می‌شود. ایالات متحده امریکا این قرارداد یک تحمیل میکند بخود حق مید کهاد را در موقع "خاسر" اشغال نسلمی کند.

در واقع جاده این تجاوز آشکار از بد تنها پس می‌مواشده بود. عظمت در ۱۸۵۱ تیمی از ششی نائیکه در بناد کها تشکیل می‌دهند و ایالات متحده دانستند. در پایان قرن نوزدهم پیراز ۵۰ میلیون دلار سرتا امریکایی در کها بنا افتاد بود. حکومتهای دست نشاند در اوایل جمهوری هاوانا و خیف کها، تحت فشار قوانین ولوایچی وضع کردند که نفوذ و دخله ایالات متحده را آسانتر میکرد. قانون اجازه استتراریات برای خارجی و قرارداد کذائی معامله متقابل در ۱۹۰۲ ناملا درهای شور را بر روی سرمایه داران امریکایی شمالی باز کرد.

انحصارهای ایالات متحده در عرض چند سال با لکنین اصلی لاتینیند یا (املاط وسیع) و نارتزان منابع زیرزمینی کها تبدیل شد. پنجاه میلیون دلار سرمایه امریکایی شمالی در سال ۱۸۸۸ به ۱۴۰۰ میلیون دلار در ۱۹۲۸ رسید. آنها مالک ۳۰۰ تاریخانه تند سازی و مالک تقریباً تمام آرانهای کها شدند. خرید زمین در قسمت شرقی کها توسط شرکت نایب بی کمپنی (Nipe Bay company) در ۱۰۰۵ که پیراز ۴۸ شکتار زمین را بتیمت ۱۰۰ دلار خرید، نمونه تاسف آوری از معاملات غارتخانه ایست که بنویولیسهای امریکایی شمالی بعد م کها تحمیل کرده بودند.

مبارزه مردم کها و خوسر آیا مهابان در ۱۹۱۲ در سال ۱۹۱۲ موجب واژگونگی حکومت ماجاد و (Machado) عامل بدست نشاند ایالات متحده امریکا شد. یا واژگونگی حکومت مستبدانه ماجاد و بازگردادن تحمیلی امریکایی

(۱) این مالکیت متبداً اهمیت خاصی در جریان رفورم آرنی اخیر داشته است.

گها (د ایریدادن حق اشغال نظامی) هم خاتمه داده شد. در این دوره است که جنبشهای د هقانی باوج میرسد. دهقانان مساح تحت شمار " یازمین یاخون" برای بدست آوردن زمین مبارزه میگردند و مسلحانه زمینی را که روی آن کشت میکردند حفظ مینمودند. در این مبارزات حزب سوسیالیست تود ه ای (که در سال ۱۹۲۵ بنیاد گذارده شده بود) نقش بسیار بزرگی در تجزیه مبارزات دهقانان و متشکل کردن آنها بازی میکند در سال ۱۹۲۹ دهقانان متشکل میشوند و اولین کنگره خود را تشکیل میدهند که شعار آن اصلاحات ارضی بود. در نتیجه این مبارزات در قانون اساسی مصوبه در سال ۱۹۴۰ مسئله ازین بردن مالکیت بزرگ ارضی و لزوم دادن زمین بکسانیکه روی آن کار میکنند پیش بینی میشود. ولی در آن جنگ دوم جهانی و سپس حکومتهای دیکتاتوری بدست نشاندن انحصارهای خارجی، بخصوص زمان حکومت دیکتاتور باتیستا قسانسون اساسی ۱۹۴۰ را ناپدید میگردد.

تنها انقلاب اخیر رهبری فیدل کاسترو توانست آرزوهای کسانال دهقانان را در زمین زمین و آموال تمام مردم را در تأمین استقلال واقعی و حاکمیت ملی تأمین نماید.

فیدل کاسترو کیست؟

فیدل کاسترو لوز (Fidel Castro Luz) در ۱۳ اوت ۱۹۲۷ در عک که ای بنام ماناساس (Manacas) در منطقه شرقی کوبا در یک خانواده مرنه بدنیآند. تا ۱۹۲۴ در سانتیاگو (Santiago) در مد رسه ای که توسط رژیمیت خااداره میشد تحصیل کرد. از این سال برای ادامه تحصیل به هاوانا آمد و از سال ۱۹۴۵ فعالیت تحصیلی و اجتماعی خود را در دانشاه هاوانا آغاز نمود. در این دوران در کوبا فعالیت برای واژنون کردن دیکتاتور ترخیلو رئیس جمهور و مینیک جریان داشت. افکار آزاد منشانه، فیدل کاسترو را بسوی جو انانیکه برای این مدت در فعالیتها تامل میدیدند نشان داد و نتیجه این اقدام با شکست مواجه شد کاسترو به هاوانا مراجعت نمود و فعالیت دانشاهی خود را از سر گرفت.

علاقه بشناسای مسائل اجتماعی، اجتماعی سیاسی امریکای لاتین فیدل را وارد است که در سال ۱۹۴۶ همراه با چه که وارا (Ernesto che Guevara) سائرتی بیخمنی از کشور های امریکای جنوبی بنماید (۱). فیدل فعالیت خود را بعنوان حقوقدان در هاوانا آغاز نمود. در این دوره است که آیتربیت سیاسی پیدا میندند و کارا اکثر انقلابی او بخاطر برجسته ای بر زمینها بدو فعالیت سیاسی اثر را در " حزب مردم گها" که یک حزب انقلابی خود بهرزهاری بهرزهاری ملی بود آغاز میندند. در این دوره تمام فعالیت او متوجه این است که کشور را از جنگال دژیمانی که شیره جان ملت رامینکند و ملیونها پول از خزانه ملت میچاپند، برهانند. در قاع از دانشجویانی که در جریان تظاهرات سیاسی از طرف پلیس بزند ان افتاده و نابود میشدند، فیدل بیشتر از پیش بلزوم یک تغییر عمیق و اساسی در سیستم سیاسی و اجتماعی آنها معتقد میشود. مرک ناگهانی او وارد و جیباس (Eduardo Chibas) رهبر حزب در او تا شریعتی بخشید و از اینجاست که او سولنند میخورد تا زنده است برای آزادی، دموکراسی و یک حکومت شرافتمند مبارزه نماید.

هنگامیکه فیدل علیه رژیم فاسد پراو (Prau) سولنند یاد میدرد، ژنرال باتیستا مزورانه با اشاره و پشتیبانی سنارت امریکاد ر ۱۰ مارس ۱۹۵۲ با تود تائی حکومت را بدست گرفت. این تود تا با عجله دو سه ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری سرختم بندن شد. در این وقت حزب سوسیالیست تود ه ای اعلام کرد ه بود که به تاند بد حزب مردم گها برای خوانند داد. نهاد دستگاه حاکمه و رسوا قی آن احتمال بیریزی حزب مخالف را که بهر صورت خاری در چشم امیرالیسم بد مسلم رده بود. تود تائی باتیستا هدفش جلوگیری از بیریزی حزب مخالف، اجرای فوری نقشه ترولسو (Truslou) دیدادن استیازات جدید به اندامها و ادامه سیاست فیدل ملی از طریق یک حکومت "توی" بود.

در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ فیدل همراه با ۱۶۵ جوان انقلابی و بهرزهرا اولین حمله مسلحانه را در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری آغاز کرد. هدف اصلی آن اشغال سربازخانه منقادا (Moncada) ، تسلیح اسلحه

(۱) که وارا وزیر فعلی صنایع و رئیس بانک کوبا است. وی املا را زنتینی است. از قیافه تائی بسپار در رخشان و جزو رادیکال ترین و چپ ترین همکاران امریزی فیدل کاسترو است.

بین مردم ، تصرف شهرسانتیاگو و سپس حمله به غرب کشور و تصرف پایتخت بود . این نقشه بحالت برتری عملی می
 نیروهای باتیستا ، کم تجربگی انقلابیون در عملیات نظامی و غیره بعضی تصادفات کوچک ولی مهم در چینش
 لحظات انقلابی ، منجر به شکست شد . عده کمی در جریان زد و خورده کشته شدند و بعد ایلین تا ۷۰ نفر آنها را
 بهارز و وحشیانه و غیر انسانی نباید کرد . اقدام جرمورانه و شهرومانانه فیدل و بندرمانتر ، دفاع منطقی و بی ترس
 او در دادگاه از جرمیان تمام و محکوم کردن در دستگاه حاکمه در جریان دادرسی سیاسی فیدل را در مقابل مردم
 زجر دهنده که باجسته ساخت . فیدل به مرجع امید بزرگی برای رهبری انقلاب و نجات مردم کوبا امید شد .
 فیدل را کاسترو در دفاعیه خود هدف این حمله و در نظامی انقلاب کوبا را با وضوح و جسامت خاص خود شرح

بیان میکند .

در جمع بندی تحلیل هشتمین کنگره حزب سوسیالیست توده ای در اوت ۱۹۶۰ رقیب بلاس روکاسا
 (Blas Roca) در بیژکل حزب در باره این واقعه مینویسد که : حمله بسرايزخانه مونکاد توسط
 فیدل سازمان داده و رهبری شد . هدف آن بدست گرفتن حکومت با یک ضربه نبود ، بلکه هدف فاش آماده باش
 دادن با انقلاب ، توزیع اسلحه تصرف شده بین مردم بود . با وجود اینکه عملیات مونکاد موفق باجبرای هدف ف
 ثوری خود نشد ولی نتیجه در آن همراه با اعمال دینار آغاز تشکیک و وضع نقطه آغاز پیروزی استراتژیک بود .
 جبهات اساسی و نتایج حاصله از حمله بسرايزخانه مونکاد از امتیازان شرح زیر خلاصه نمود :

- ۱- حمله بسرايزخانه مونکاد و عملیات بعدی ناشی از آن یک نیروی جبار ، انقلابی و ضد امپریالیستی
 در جامعه سیاسی کوبا وارد کرد - گمانیکه توده ها را از نفوذ رهبران کهنه پیروزی آزاد کردند ، عاملی که نقشش
 بسیار بزرگی در گسترش و عمیق کردن نهضت انقلابی کوبا بازی کرد .
- ۲- این عمل نشان داد که شرایط برای مبارزه مسلحانه علیه رژیم باتیستا کاملاً آماده است .

۳- این واقعه با سرعت بیشتری نقاب از چهره دیکتاتورراکنند و فاش را برطرف نشان داد . دیکتاتور
 پیرای حفظ موقعیت خود به بیرحمانه ترین عملیات دست زد . باتیستا تصور میکرد که با فشار مردم را باز نهد
 آورد ولی در عمل هر قدر زور شد بدتر میشد ، هر قدر زور فشان بیرحمانه تر میشد ، همانقدر هم مبارزه مردم برای
 وازگونی رژیم شدت مییافت .

رژیم کودتا برای مسلح قانونی کردن خود در نوامبر ۱۹۵۴ " انتخابات " کرد و در مارس بخشودگی همگانی
 اعلام شد . فیدل و همکارانش از زندان خارج شدند ولی با اعتماد و اراده قوی تر از همیشه برای آزاد کردن
 ملت کوبا از قید استبداد و یوغ امپریالیسم . مدت کوتاه اقامت و فعالیت در پایتخت عدم امکان مبارزه
 سیاسی را برای اوسمام ساخت و لذا فکر مجدد دست اندازک قیام مسلحانه در اوانفج گرفت . حکومت در اعتماد تحقیق او
 بود ، اورا تهدید و ازارعاب میزد و دنبال محملی برای زندانی کردن مجدد او نبود . در چنین اوضاع و احوال سیاسی
 فیدل با ایالات متحده آمریکا مهاجرت میکند .

تدارت قیام در مکزیک

در این کشور بود که فیدل با آمادگی برای جنگهای پارتیزانی علیه دیکتاتور باتیستا را آغاز نمود . بدست و
 تعلیمات نظامی را او و همکارانش توسط یک فرمانده ارتش جمهوریخواه اسپانیایی آلبرتو بایو (Alberto Bayo)
 فراگرفتند و همزمان با تعلیمات نظامی اقدامات لازم برای تهیه اسلحه بعمل آورده و نقشه حمله به فهارا ترتیب
 دادند . تمامی این اقدامات در مکزیک با مشکلات فراوانی روبرو میشدند . تحقیق پلیس ، ضبط اسلحه از طرف
 مقامات مکزیک و غیره و غیره .

فیدل بی باکانه آغاز جنگ و روز ورود خود را پنجم آژاک یو اعلام کرد . در ۳۰ نوامبر ۱۹۵۶ در مسامت و روز
 اعلام شد مردم مخصوص جوانان با قهرمانی و جرات تعجب آمیزی در کوه های سانتیاگو متظاهران دست
 زدند بیاعتنا سرکشیه نمایان شدند . در ۲۵ نوامبر یک کشتی بنا مستحار گراما (Gramma) فیدل
 و ۸۱ نفر همکارانش متصد کوبا بندر توکسبان (Tuxpan) برآمد مکزیک ترک کرد و بعد و سه روز تاخیر
 در ۲۰ سپتامبر کشتی فراگاماس در ساحل لنگر انداخت . دو اسلحه ضد تانک ، چهار مسلسل ، ۳۰ فشنگه ، فشنگ
 بمبها در پیله بار این کشتی بود .
 روز ۵ سپتامبر باران توفان تانک و همکاران طرف نیروهای مسلح با اسلحه های نوین آغازند . جنگ

و جستنای بود. در فاصله زمانی کوتاهی ارتقا می‌یافت. نیروی فیدل کاسترو ۱۲ نفر زند و خود رابه تبه های سلسله جبال سیرا ما یستر را رساندند. بعد از آن چند تن از مردان جنگنده تا ۵ نفر تقلیل یافتند. فیدل که روحی بی بساط و قوی آنگاه از امید به پیروزی، نهایی داشت، موفق شد انضباط و مستی را بین عد و باقیاننده برقرار کند و روحیه هم را تقویت کند.

چه عواملی موجب تثبیت قیام مسلحانه شد ؟

مشهور است که ارتش دیکتاتور باقیست از قوی ترین و مدرن ترین ارتش های منطقه در ای کاریب و امریکای مرکزی بود و باقیست با محنت فرمانبرداری از ایالات متحد ه امریکاد رچاپول شروت بیگران گویا و اجرای نقش عروسک در صحنه جهانی از مذهب مالی و نظامی بیگران ایالات متحد ه امریکادر خود اربود. از طرف دیگر چنانکه ذکر شد در اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی با نیروهای یک استرو در اوایل تصادف با نیروهای «جهیز باقیست» تمام نیروی خود را از دست دادند. پس این «محجزه» بجه «سورتن» داد که در فاصله کمتر از دو سال این چند شیر مرد جنگی نیروهای خود رابه سیزده هزار شهروان رساندند، در یک جزیره در مرکز انقلابی جهان در وقت می امپریالیسم امریکائنها را مسلح کردند. مبالاخره به ارتش امریعی دیکتاتور فائق آمدند ؟

این موفقیت در درجه اول مد یون راه صحیح و انقلابی است که فیدل در برابر زمین گویا در پیش گرفتند. شعارها و اقدامات اساسی مردم نظیر اصلاح ارتش، اصلاحات د مودراتیک، بهبود وضع مردم و تامین استقلال و حاکمیت نهاییت ریج د فغانان، روشنفکران و کارگران را بیایای کوه نشاند. از طرف دیگر علیرغم اینکه بعد از شکست جنبش ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۲ باقیست اعلام کرد که «جزیره را با سر نیزه اداره خواهد کرد» مبرای تحمیل حکومت خود بر تمام مردم و جنبشانه ترین اعمال تروریستی، جس و شکنجه و تبعید راد رییس گرفت و در مسد حکومت خود بیسی از ۲۰ هزار مرد وزن انقلابی را کشت، ولی موفق نشد روحیه مردم را بکشد. برعکس مردم کسه پشتکجه شاعادت کرد ه بیدند و شتار خواهران مبراد را ن خود را بجهان مید یند، مصمانه ترو اولون ساختن این رژیم سرکست بستند. شریک و همساعت در سیمای فیدل و مردم ان ریشد ابرشته فوه سیرا ما یسترا رنماندگان مشکل نشای خود را می یانند.

در حکومت دیکتاتور باقیست از شخص خود تریمعنوان رییس زد ان و چپاول کران گرفته تا کومچترین قد ازه ارتش او در نرساد و زد ی مینلایدند. یک انحصاط اخلاقی شامل ارتش بود سگاه د ولتی را غارت کرده بود. جبه بزرگ و نا انر راسته ولی ذهل میان تبهی بود.

سیاست د ملی باقیستانه تنها احزاب و گروههای راد بنال نظیر حزب سوسیالیست گویا و جنبش ۲۶ ژوئیه فیدل راد را پیوزسیون قرار داد ه بود، بلکه بین احزاب و گروههای پیوزروزی هم انهایی راه تاحدی تسایلات د مودراتیک ولتی داشتند از حکومت د دوره کرد ه و د را پیوزسیون قرار داد ه بود. در نتیجه حکومت باقیست از نظر سیاسی واجتماعی ناملا منفرد شده بود و پانگاهی بین مردم ند داشت.

باید بهمه این عوامل عامل سیاسی مردم د بریمنی قهرمانی و جان بازی ر ببران انقاد را اضافه کرد. دهقانان کارگران روشنفکران گویا در س جان بازی و از خود کذ شکی را از سبران ارامی گرفتند، از آن راه تشویق میشدند و اعتقاد شان جلب میبند. از جان نذ شکی ر ببران انقلاب، مرکز پرافتخارده د زیاد ی از بهترین آنها بتوده ه مردم ثابت کرد که آنها آرمانی جز آزادی ملت خود و سعادت مردم د در سرنمی پیوراندند. ارتش انقلابی بر سبرایان به منبر وحدت تمام نیروهای نارای مبدل گشت.

در اول ژانویه ۱۹۵۱ با نزار باقیست جنگ انقلابی با پیروزی خاتمه یافت و جمهوری د دوم بدنیا آمد. در و سال زند ان و تنبیهات بیشمار آن و نزد یک بد و سال جنگهای پارتیزانی مناتب بسیار ا موزند ه ای برآ فیدل تا استریمید. در دوران زند ان فیدل بیت سلسله مذاکعات وسیع در راه تاریخ کشور خود وجهه سببان و جنبش های انقلابی در اروپا و امریکای لاتین پرداخت. مذاکعات او در دوران بعد از زند ان به خصوص در مکزیک ادامه داشت. در این مدت به اللهه تجویحات انقلابی خلق شیروزی و دوران جنگهای پارتیزانی د زمان اشغال میتراری پرداخت.

جنگهای پارتیزانی را پراچا بسیار د توار ی را از مرحله ان برانقلابیون تحمیل کرده بود. در این دوره ا ست ه پیوند فیدل با توده ه جامعه قهرمیتود و سببند یاد میشند که مردم د تقیروز جنگس وفاد ارمانند. فیدل مفهوم

واقعی مشتق و سختی در زندگی را عمیقاً لمس میکند و ناملاً بازندگی در هفتادانی بی چیز ورنج آنها آشنا میشود. خود او درباره این دوره چنین میگوید :

"منون خدا دارد ارم آن روزهای بسیار مشکل و سختی، نمای ناشفتنی را، در ویرانی که تقاضا نموده ناچیزی از ما بجا مانده بود. بخدا دارد ارم آنروزهای در سمنی و سرما را و تشنه مانا بر سرای محافل خود اناران نداشتم و نه روپوشی که خود را در آن به پیچید واز "توت و سرمای کوهها در امان باشم. بخدا دارد ارم آن روزها غیرا که بزحمت فنی در ریای داشتم و فقط چند فنشنک در رفتن با یان بود، در حالیکه سر بازان و پایش را با اوز و حدیثانه ای تعقیب میکردند. بخدا دارد ارم آنروزها غیرا که با ایمان معانی انسانهایی که خود را وقف یک هدف بزرگ کرده بودند توانستیم در مقابل آنها همه مشکلات مقاومت کنیم. ما بارز را ادامه دادیم بدون اینکه در اسرد شویم در اینکه همه ما بسیار اندک بود."

د و سال ونیم تحول بزرگ

حکومت دیکتاتور با تیسانه از منشی در د و تارا جزو خاغن بمنافع ملی تشکیل شده بود، در پست سر خود یک کشور شرق در بحران اقتصادی و مشکلات مالی گذشت و فرار کرد. در شش ماه اخیر حکومت کشور ۵۰ میلیون دلار کسب کرده داشت، بدهی دولت به ۱۲۰۰ میلیون دلار میرسید. وقتی حکومت انقلاب بی قدرت را بدست گرفت بیش از ۶۰۰ هزار یگارد رملکت سرگردان بودند.

تمام تحولات انقلابی میایستی در شرایط دشواری عملی شود. نباید رواقع به نیمه مستعمره ایالات متحد امریکا بود. بیش از ۸۰٪ واردات و صادرات آن کشور با امریکا بود. اقتصاد کما از بیماری تولید یک جانبه (تشریح) رنج میکشید. تازه قسمت اعظم معاملات شران با امریکا انجام میشد و این خود وسیله عانتناز سیاسی و اقتصادی بود. اولین حمله "امریالیسم بعد از پیروزی تیم مسلحانه در اطراف اعتراضی عدم خائنین و مسوولین درجه اول حکومت دیکتاتوری با تیسانه آغاز شد. تبلیغات کم نظیری از راه موسسات تبلیغاتی امریالیستی در تمام دنیا علیه حکومت انقلابی در گرفت که توأم با انواع روشها و تهمت باید. امریالیسم بدین وسیله میخواست اولاً - با آن عدو ای از خدمتگزاران خود را حفظ کند ثانیاً - حکومت انقلابی را بصورت یک حکومت دیکتاتوری معرفی نماید و بالاخره از ریشه در او ترشد. انقلاب و پیشرفتش تا هر جا که ممکن باشد جلوس شود. حکومت ایالات متحد امریکا تمام این تبلیغات را در "دفاع از دموکراسی و آزادی فردی و حقوق انسانی" انجام میداد. با تیسانه همه انسان را با انجمن ترین و شخصی گشت و قسمی کرد ولی یکبار یک سناتور امریکا علیه این همه بی عدالتی و فساد انبهاری نکرد. همه سکوت کردند و با تیسانه را مسلح تر ساختند. ولی وقتی خون از دماغ بینی از خیانتهنگاران بدست و نوکران امریالیسم جاری میشود فریاد "بی عدالتی شد، دموکراسی از بین رفت، حقوق بشر پایال کردید" رابه آسمان میرسانند. در راههای اول امریالیسم امریکا امید ش به مشکلات موجود، نیازمند پهای فراوان مردم، بدی و وضوح اقتصادی کشور، وجود تناسر اجتماعی موجود در حکومت انقلابی و تمجین به بی تجربگی رهبران انقلاب در اداره کشور بود. بهمین جهت در این دوره با احتیاط نسبی بیشتر رفتار میکرد.

تنبیره و تحول در حکومت موقت

سال اول انقلاب همرا با تیسانه و تحول عمیق در حکومت و هیئت حاکمه بود. بارز علیه با تیسانه از یک جنبه خدد دیکتاتوری شروع شد. در نتیجه عوامل راست بورژوازی ملی با انقلاب همکاری کردند و از شیوه هاییکه خاص آنهاست با انقلاب کمک رسانند و در دوره های اول پیروزی مهره نمای بسیار حساسی را در حکومت انقلابی موقت نظیر رئیس جمهور رئیس دولت اشغال کردند. فیدل کاسترو در اولین حکومت موقت هیچ سمتی نداشت و خارج از دولت و در رأس ارتش انقلابی بود (مسئولیتی را که همیشه داشت). همین ترتیب بد وضع دیگر رهبران اصلی انقلاب. قاتر نگید اشتن فیدل و دیگر انقلابیون اصیل از نقشه های عوامل وابسته امریالیسم و دست راستها بود که خوشبختانه دیری نپایید و در رهم شکسته شد.

حکومت موقت با شرکت عناصر اجتماعی نظیر میرا تارد ونا (Mira Cardona) - نسیکه بعد با ایالات متحد امریکا پناهنده شد و آنجا حکومت کما ای آزاد را تشکیل داد و سازمان دهنده حمله مزدوران و جیسره-

بگیران در آوریل ۱۹۶۱ بگو باید - قادر به حل مسأله نبود که در مقابل انقلاب کما قرارد است . آنها نقطه با اصلاحات جزئی آنهاست و دی که به ترتیب ورشد و غارت سرمایه در آن نیروی وارد نکند ، موافقت داشتند .
 فیدل در تعریف انقلاب کما میفت که " انقلاب کما ، انقلاب فخراید ست فخرای فقر است " در واقع ۸۰٪ ارتش قیام کنند ، راه استخوان بندی انقلاب بود در فغانا ن تپید ست تشکیل میدادند و بقیه را بد نام -
 ثوران پروشنگران انقلابی فدائی در راه منافع توده بود . برای تحصیل دستاویزها و ایالات این ایقاعات ، بسیاری اصلاح ارضی ، برای شصتی ردن کشور ، برای نجات کارگران از استثمار دشمن سرمایه داری و تفکیک اساسی در وضع زندگی مردم حکومت مناسبی لازم بود . اولین تغییر و تحول اساسی در اثر فشار مردم با شرکت فیدل در براس حکومت در ژوئیه ۱۹۵۹ صورت گرفت . فیدل تغییرات اساسی در کابینه داد ، افرا د شایسته ای که لازم برای اصلاح ارضی ، تحولات در کار اتحادیه های کارگری ، شصتی ردن کشور ، اصلاح شیوه تعامیلات و غیره بود به دولت جدید دعوت کرد .

این هنوز تغییر و تحول ناملد رد ستگاه د ولتی نبود . هنوز ریاست جمهوری در دست یکی از عناصر راست بسیار متنفذ قرار داشت . در وره ای که پیش از همیشه وحدت تمام نیروهای انقلابی و د موزکراتیک لازم بود ، رئیس جمهور وقت اورتیا (Urrutia) بسیار تفرقه انداختن نیروهای ملی و سیاست ضد کمونیستی در دست زد . بد ف اهمیت انداختن نیروهای ملی و انقلابی و تفرقه بین آنها و در نتیجه ریشه کن کردن انقلاب بود خطاری که ضررهای فاحشی در دید و زیاد ی از کشورهای که علیه استعمار و امپریالیسم مبارزه میکنند بوجود آورده است . تجربه عراق و مضمون کشورها را ایران در سالهای ۱۹۵۹-۱۹۵۲ بخوبی اثبات میکند .
 خرابکاری رار رئیس جمهور تاجاچی رساند که فیدل از مسئولیت دولت استعفا کرد . ولی خشم مردم کما و تظاهرات آنها مهلت نداد ، رئیس جمهور مجبور با استعفا شد و در مقابل افکار عمومی شکست خورد . این د یکسر آخرین و قطعی ترین ضربه مخالفان کاران و عوامل مرتجع در دستگاه د ولتی بود . بد ه ای از زمین وزیرا و مسئولین بعد ابتدا ریح به امر با وجاها ی د بگرفتند و تلفه های ضد انقلاب را در آنجا تشکیل دادند و بر خبری لشکر کشی آوریل ۱۹۶۱ را بد ست گرفتند .

گاهی این سؤال پیش میاید که چگونه این افراد که روزی بنحوی از انحاء با انقلاب کما همراه بودند و در کدام کم پیش فداکاری کردند امروز مرتجع و ضد انقلابی خوانده میشوند ؟ و چرا به ارد و نگاه دشمن شایسته ؟
 برای پاسخ باین موضوع باید مطالب را از نظر تاریخی در تکامل و تحول خود در نظر بگیریم . چنانکه ذکر شد انقلاب کما از یک مرحله مبارزه ضد دیکتاتوری آغاز میشود لذا اکثر وسیعی را در بر میگیرد . در این دوره تاند ها مخفی و غیر آشکار است ، حتی بد ه ای قسمت غالب مقام پرست وارد جریان انقلابی میشوند . ولتی وقتی جنگهای انقلابی با پیروزی پایان میدهد و انقلاب وارد مرحله جدید میشود ، و تکنیک د وره از زمین بردن مالکیت ارضی ، ملی کردن صنایع ، حدت مبارزه ضد امپریالیستی پیش میاید قسمتی از عناصر انقلابیون د بیروز که با ائد امسببات جدید موافق نیستند بقاومت در مقابل عملیات انقلابی میبرد آزند . بد ین ترتیب عماد بیوقوف مرتجعین و مخالفان کاران و مخالفین پیشرفت جریان انقلابی می بیوند بد و در نتیجه شد انقلابی آزاب د رمی آید . چه بسا آزد و ستان د بیروزی خود روی نرد آند ه مید شمنان د بیروزی خود می بیوند ند . د دست د بیروز دشمن امروز بد دشمن د بیروز د دست امروز میشود .

سال ۱۹۶۰ - سال تحول قطعی

اگر سال ۱۹۵۹ سال آزادی نامیده شد ، سال ۱۹۶۰ سال اصلاح ارضی اعلام گردید . قانون اصلاح ارضی در ماه مه سال ۱۹۵۹ گذشت . دولت سال ۱۹۶۰ را از آنجهت سال اصلاح ارضی خوانده که در آن سال میبایستی تمام نیروهای د ولتی و ملی صرف شود تا حد فهای زیرین عملی گردد :
 - از زمین بردن لاتیفوند پسم (مالکیت بزرگ ارضی)
 - استتار د حقانان د زمین
 - آغاز تنوع کشت در امر کشاورزی

باسب مالکیت ۱۰۰۰۰۰ کایرا (۱) لاتیفوند پسم از زمین رفت . بیش از ۸۵ هزار خانواد د د فغانی (۱) caballera واحد کما یی برای آند آزه گیری زمین است . هر کایا برامعدال ۱۲ هکتار است .

در همان مراحل اولیه اصلاح ارضی بما لکین زمین تبدیل شد. در سال اول بیش از ۳۰۰۰ فروشگاه خلسق تأسیس گردید که در همان زمان رازد ام د لالان و طفیلی ها خلاص کرد. برای اجرای دقیق اصلاح ارضی، مؤسسه ای بنام بنگاه ملی اصلاح ارضی تأسیس شد. همزمان با اصلاح ارضی دولت انقلابی تنظیم وضع صنعتی کشور و نجات کشور از تسلط کمپانیهای خارجی بر صنایع کشور را در برابری خود قرار داد.

چهار تیرد بزرگ

در جریان سال ۱۹۶۰ انقلاب موفق شد از مشکلات متعدد بی پیروز بیرون بیاید. در بین مشکلات فراوان چهار مسئله از همه مهمتر بود که عبارتند از مسئله شرکت های نفتی، قطع سهمیه شکر از طرف ایالات متحد و آمریکا، ملی کردن کارخانه ها، محاصره اقتصاد از طرف ایالات متحد و آمریکا. پیروزی انقلاب بر این مسائل دارای اهمیت بزرگ و نقطه عطف در تکامل سیرا انقلابی مردم کوپا بشمار میرود.

دولت انقلابی سال ۱۹۶۰ را با یک اقدام مهم اقتصادی آغاز کرد. خرید ۵۰ دستگاه صنعتی شروع سیاست صنعتی کردن کشور و تأمین استقلال اقتصادی آن بود. امریالیسم امریکا مقابل اقدام اقتصادید دولت انقلابی را با پروپاگاندای سیون نفت پاسخ داد. موضوع از این فرار بود که دولت انقلابی کپا از نظر ذخیره د لار و صرفه معامله با اتحاد شوروی مذاکراتی نفت خام از شوروی خرید و از سه ثمنانی خارجی که انحصار را لایسکا شهای نفت را در کپا داشتند نتاخر کرد که نفت خام را تصفیه کنند (۲۵٪ مجموعه نفت مورد احتیاج کشور). شرکت های نفتی بحالت بستگی شان به تراست های بزرگ نفت در تحقیق سیاست ایالات متحد و امریکا برای در مضیقه گذاشتن دولت انقلابی نتاخری دولت را در گردن و خراستند. همان یالاتی را بر سر مردم و انقلاب کپا میاورند که بر سر مردم ما و بندهست مادر سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۳ امردند. دولت انقلابی اعلام کرد که اگر شرکت های خارجی در اقدام خود اصرار میورند اجباراً آنها را ملی خواهد کرد. چون شرکت های خارجی در روش خرید باقی مانده اند دولت هم آنها را ملی کرد و تصرف نمود.

تذکر این مطلب ضرورت دارد که موفقیت دولت انقلابی در مسئله نفت در سایه وجود جبهه سوسیالیستی و پاسخ مثبت و مشخص و کفک بی شائبه هی قید و شرطی بود که بطور اخص اتحاد شوروی با انقلاب کپا از همان آغاز نشان داده بود. این مبارزه بسیار با معنی و معرفی واقعی نیروی کشورهای سوسیالیستی و اعلام کی آنها بسود. حتی تا آخرین لحظه موفقیت این مبارزه در نتیجهین د اذلی از عدم توانائی کشورهای سوسیالیستی برای مقابله با تحریکات اقتصادی امریکا سخن گفته و اصرار میکردند که دیری نمیکشد که کشورهای سوسیالیستی در این مقابله شکست میخورند. تنهاد رها و ژوئیه د پنجوجه کشاکن نفت ۱۲ کشتی نفت کنش شوروی حامل نرد یک بد و میلیون چلیک نفت در بناد و کپا لنگرانند اختند. بدین ترتیب کشر ازین بحران عمیق نجات یافت. نقشه امریالیسم در بند و ن سوخت گذاشتن، مملکت عبارت از فلج کردن تمام امور اقتصادی میا لآخره برانوردن حکومت انقلابی بود که با شکست کامل مواجه شد و حسن اعتماد مردم برای پیروزی قطعی صد چند آن افزون شد.

نبرد علیه حذف سهمیه شکر

اوایل ماه ژوئیه در سمت بعد از "نراغ" از تیرد نفت دولت امریکا یک جانبیه و ناجوانمردانه تدمیم گرفت که از سهمیه خرید شکر سالانه خود از کپا ۷۰۰ هزار تن قطع کند. هدف از این اقدام عبارت بود از اور شکست نردن و عاجز کردن دولت انقلابی و وارد داشتن امه تسلیم. امریالیسم میخواست با ایجاد قوتور بستگی میان دهقانان و مردم انبارا علیه حکومت انقلابی تشجیح کند، حکومت را در ره پل تحریکات ضد انقلابیون و خرابکاری آنها تنهاندارد. کپا کشوریکه اقتصاد عمسد. اش را شکر ترتیب میدهد و قسمت اعظم آن را امریکا میفروشد چه د مرنعای و حششکانی را بسیا ایستی برای سالهای سال د در مقابل خود مجسم نماید.

در میثیگی که در این موقع بمنامسبت اعتراضی اقدام ایالات متحد و امریکا تشکیل شده بود، د آنها و صد ها مردم بخصوص دهقانان خشکین و نگران چشم به دسان رهبر انقلاب دوخته میدند. وقتی فیدل تلگراف رفیق خروشفا را بنی بر خرید تمام سهمیه شکر که امریکارد کرده بد برای عموم خواند، هلهله مردم از شساد ی و مسپا سزاری از برادران شوروی خود با سمان میرسید. بدین ترتیب نبرد دوم با امریالیسم باز هم با کفک بموقع و انقلابی اتحاد شوروی، چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی با پیروزی خلق کپا پایان یافت.

در واقع روزهایی ۱۴ و ۱۳ اکتبر سال ۱۹۶۰ در تاریخ انقلابی کوبا پایان یک دوره و آغاز مرحله جدیدی است. روز ۱۲ اکتبر و قانون از طرف حکومت انقلابی تصویب شد که یکی حاوی ملی کردن چهارصد کارخانه و مؤسسه بود و دیگری مربوط به ملی کردن بانکها بود. در ۱۴ اکتبر قانون اصلاحات شهری تصویب شد که بموجب آن هر کس خانه ای در اجاره داشت و یا مؤسسه بازرگانی و کسب در اجاره اش میسر بود آن مبدل میشد و گرایه ای که تا آنروز برود اخته بود جزو پیش برداخت قیمت خانه بحساب میآمد. اضافه بر آن دولت طی سال اول انقلاب ۰ (هزارخانه مدرن ساخت که در راختها را مشخص بی خانه و یا کسانیکه در شرایط بد مسکن زندگی میگردند گذارد) میشد این خانه هارا با قیمت ارزان و با اقساط طولی الحد (۱۵-۲۰ سال) به آنها میفروشد.

در ۲۴ اکتبر حکومت انقلابی در پاسخ به توقف صادرات بکها از طرف ایالات متحد آمریکا، قطعنامه ای در تعقیب قانون ۱۴ اکتبر تصویب کرد که بموجب آن ۱۶۶ مؤسسه متعلق به انحصار چیان ایالات متحد آمریکا که بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار میشد ملی گردید. با این اقدام مهم شرایط برای پیشرفت مستقانه اقتصاد کشور تأمین شد.

محاصره اقتصادی

ایالات متحد آمریکا نبرد دیگری که عبارت از محاصره اقتصادی بود با کوبا آغاز کرد. روز ۱۸ اکتبر نیکیتا خروشچف جمهور وقت اعلام کرد که حکومت آمریکا به اقدامات جدیدی علیه کوبا دست خواهد زد. فردای آنروز شعبه تجارت خارجی هرگونه بازرگانی از بناد ر ایالات متحد را بامقصد کوبا رسماً ممنوع کرد و مسزواره اعلام نمود که مواد خوراکی و پوشاک استثناء خواهد بود. ولی چند ریز بعد کشتی حامل مواد غذایی از کاناد ا را مجبور کرد که از بارش ریز میمقد صرف نظر کند.

این سیاست هم در عمل شکست خورد و بی دربی کشتیهای بازرگانی حامل مواد مورد احتیاج کوبا از کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای جهان پسوی بناد ر کوبا رهسپار شدند. تنهاد ر ۱۵ روز اول د سامبر همان سال ۲۱ کشتی از کشورهای شوروی، چین، آلمان د مؤترانیک، جنوسلواکی، لهستان، ژاپن، انگلستان، کانادا، فنلاند، سوئیس، جمهوری متحد عرب و هندوستان د رسوا حل کوبا لشتراند اخت. نخست وزیر کاناد اعلام کرد که کاناد از سیاست ایالات متحد آمریکا نباله روی نخواهد کرد.

بدینسان سال ۱۹۶۰ سال پرازد شواریها و فراز و نشیب هابود ولی هرچه بود یا پیروزی مردم کوبا و حکومت انقلابی و استحکام و عمیقتر شدن انقلاب و شکست و رسوائی تمام مانورها و اقدامات امپریالیسم آمریکا پایان یافت. در موفقیت این نبرد های سخت بدون تردید عامل قاطعیت حکومت انقلابی و ایستاد نیش در برابر تحریکات امپریالیسم و جسارت و سرعت عملش در پاسخ بتمام فشارها و مشکلاتی که امپریالیسم در مقابل مردم کوبا ایجاد کرد نقش بسیار مهمی ایفا میکند. انقلابیون کوبا در برابر مشکلاتی که امپریالیسم ایجاد میکند زانو زمین نمی زنند و خم نمیشوند، بلکه برعکس هر عمل امپریالیسم را با عکس العمل شدیدی در پاسخ میدهند. اثر امپریالیسم مشکل نفت را بوجود میآورد، کشور را شندید بقطع مواد سوختی و فلج کردن د تأمل آن میکنند د دولت انقلابی پاسخ آنرا با ملی کردن ۰۰ مؤسسه و بانکها میدهند. اثر امپریالیسم کشور را محاصره اقتصادی میکند، د دولت آنرا با ملی کردن تمام مؤسسات متعلق به انحصار چیان آمریکا پاسخ میدوید و غیره و غیره.

هدف امپریالیسم ضد انقلابیون د داخل عقب کشیدن انقلاب و شکست آن، پاسخ حکومت انقلابی عمیقتر کردن انقلاب و تحکیم آن میباشد. این قاطعیت و جسارت در عکس العمل بحرینات دشمن در سبب بسیار بزرگی است که انقلاب کوبا در مقابل تمام مبارزین راه آزادی و ضد استعمارشورهای نظیر کوبا و از جمله مبین قرار میدهد. از خصوصیات برجسته انقلاب کوبانه تنها مقاومت و عکس العملش در مقابل امپریالیسم بود بلکه قاطعیت و سرعت عمل آن در سرکوبی ضد انقلاب در داخل کشور هم بشبه خود برجستگی خاصی دارد. حکومت انقلابی تحریکات و تلاشهای ضد انقلاب را نه بصورت تهور، آتش سوزی، خرابکاریهای نوناگون، تحریک مردم علیه انقلاب و غیره تنها ریزتر د جسورانه میدون گذشت سرکوب کرد و از این راه برای امپریالیسم زمینه داخلی باقی نگذاشت.

سال ۱۹۶۱ - سال تعلیمات - اثرنسال ۱۹۵۹ سال آزادی و سال ۱۹۶۰ سال اصلاح ارضی بود، سال ۱۹۶۱

سال تعلیمات اعلام شد. هدف آن در درجه اول از زمین بردن بیسواد ی در کشورها، ایجاد مد ارسل لازم متناسب احتیاجات اطفال آ ماده ب تحصیل، اصلاح و موثراتیزه کردن تعلیمات بود. در کشورها که جزو بهترین نمونه کشورهای امریکای لاتین است، بعلمت شرایط دشوار اقتصاد ی، وابستگی آن با امریکایسم و استثمارش از طرف انحصارچیان خارجی، عقب ماندگی صنعتی، تضاد بزرگ طبقاتی، قبل از انقلاب ۳۱٪ مردم بی سواد بودند که از این عدد ۶۱/۶٪ آن در دهات و ۱۱/۶٪ آن در شهرها تقسیم شده بودند. ۸۰٪ از نتایج انقلابی بیسواد بودند.

کمیاد واقع یکی از مثالهای آستار کشور است که امکان پیدا نکرد. بعد تعلیمات ملی را بعلمت استعمار سرمایه داری گسترش دهد. این واقعیت تنها از وجود ۳۱٪ بیسواد ناشی نمیشود. صد هاهزار کودک بعلمت نبودن در سه پابرهنه در کوجه ه امید ویدند و یاد مد ارسل ایبتدائی را بعلمت فقر خاندان ترک میکردند. یت کشور کشاورزی نظیر کوبا فقط شش مدرسه کشاورزی داشت که در آن فقط چند صد نفر تحصیل میکردند. ملتی که در ینک جزیره زندگی میکنند حتی یک مدرسه ماهیگیری نداشت. کمیاد که در همسایگی بزرگترین کشور صنعتی دنیا قرار دارد فاقد حتی یک مدرسه صنعتی وقتنی بود، برای اینکه استعمارگران فقط کانسار و سایر مواد خام و بازار برای متعه خود احتیاج دارند پس.

کمیاد رسال جاری وظیفه دارند یک میلیون ونیم افراد سالمند را با سواد کند. این ناروا واقع بزرگی است که برای پیروزی آن همکاری تمام ملت لازمست. همه احزاب و سازمانهای سیاسی، اتحادیه کارگران، سازمان جوانان و دانشجویان، سازمان دانش آموزان، زنان، ارتش ملی، بنگاه اصلاحات ارضی و سازمان معلمان و غیره در آن فعالانه شرکت دارند. شعار عمومی اینست:

"اگر بیسواد ی بد یتران پیاموز - اگر بیسواد ی از د یتران پیاموز"

مابریاد های کودکان از ۱۰ تا ۱۵ سال را د یدیم که با شوق فراوانی صد ها و هزارها با شعل بسه مناطق کوهستان به دهات در ورافتاد و میرفتند تا به پدران و مادران خود خواندن و نوشتن یاد دهند. تنها ۶۱ هزار نفر دانشجوید انش اموز برای اینکار اسم نویسی کرد ه اند.

در سال اول انقلاب ۱۰ هزار مدرسه در مناطق کوهستانی و دهکده های در ورافتاد ساخته شد. ۳۳۳ در کمیاد در عرض ۶۶ سال فقط ۵ هزار مدرسه ساخته شد. ۳۳۳، حال آنکه حکومت انقلابی در دو سال حکومت پیش از ۱۵ هزار مدرسه احداث کرد ه است. دولت انقلابی تعداد مد ارسل میکند دوم را د و برپا کرد ه است.

کمیاد تنها کشور امریکای لاتین است که سر بازخانه هار ابعاد رسه و مراکز تعلیم و تربیت میدل کرده است. ۱۱ مرکز بزرگ نظامی و سر بازخانه بهمین منظور میدل بر مراکز اموزش و پرورش کودکان و نوسالان شده اند. ملیونها د لارازید چه وزارت فرهنگ و بنگاه اصلاحات ارضی ید یتر سازمانهای سیاسی و توده ای در راه مبارزه با بیسوادگی صرف میشود. دولت انقلابی در اختیار فرزند ان دهقانان و کارگران صد ها بورس تحصیلی، مسکن و امکانات دیگر گذاشته است که بدون اشکال به تحصیلات عالی بپرد ازند.

امروز کارزار علیه بیسواد ی با قدرت و شورت تمام در جریانست. فراموش نشید نه چنین مبارزه بزرگ در ویرانی انجام میگرفت که امریکایسم که از ما نورهای "مسالمت امیز" سال ۱۹۶۰ مایوس شدند و بدو در تند ارک جدی حمله نظامی بکمیاد، نقشه ایگه با لآخره در آوریل جامعه عمل پوشید. ماهها وقت و انرژی و پول ملکست صرف آ ماده باش، تجهیز نیرو، با لآخره جنگ با مهاجمین و ترمیم خرابیهای ناشی از آن شد.

تجربه کمیاد نشان میدهد که از زمین بردن بیسواد ی ینک امر قنی نیست و مستقیماً با مبارزه علیه حکومتهای دست نشانده و وابزره برای تأمین حاکمیت و استقلال ملی بستگی دارد. بدون آگاهی و شور انقلابی توده های تحصیل کنند و تعلیم دهند، بدون وحدت دولت و ملت، بدون بیاراند اختن تمام دستگاه دولتی و سازمان های توده ای، بدون اصلاح ارضی و آزاد کردن دهقانان، مبارزه با بیسواد ی محتوی نخواهد داشت و در نتیجه نظیر همین با هرگز به نتیجه قطعی نخواهد رسید.

حمله نظامی آوریل

امریکایسم امریکاد شمن شماره ینک انقلاب کمیاد وقتی از اقتد امات متعدد د خود در سالهای ۱۹۵۹ و بخصوص سال ۱۹۶۰ مایوس شد از حربه جنگ سرد به تد ارک واقعی حمله نظامی برد اخت. دولت شوروی در

اعلامیه خود صریحاً و قویاً گفته بود که در صورت مد اخله مستقیم امریئا و تجاوزیکو با موشک از کوباد فاع خواهد کرد .
 بهمین منظور ایالات متحد ه امریکا با جمع آوری نیروهای ناراضی و مهاجران ز اینجا و آنجا و تمام ضد انقلابیون بسه
 آنها عملیات نظامی داد و مکند و ههای جمله ترتیب داد . ایالات متحد ه تصور میکرد که د ولت انقلابی کوبا پایتگاهی
 بین مردم م ند ارد و در واقع در ام تبلیغات د روین محافل خود و گزارشهای ناد رست آلبن د الس را ترتیبه بود .
 نقشه آنها این بود که منطقه ای از کوبارا اشغال کنند بعد از استقرار در آن محل حکومت کوبای آزاد راه انجا
 منتقل کرد ه میاشنا ساند ن آن از طرف چند کشور دست نشاند ه و غیره اقدامات بعدی ه وید اخله مستقیم را توجیه
 نمایند . ولی اقدامات قهرمانانه د هقانان و کارگران کوبا و جانبازی ارتش ملی به ارتش مزد ور مهلت و مجال ند اد
 و در کمتر از ۷۲ ساعت از تاریخ ورود آنها تارومارشان کرد و صفحه د درخشان تازه ای د ر تاریخ انقلاب کوبا کشود و
 داغ ننگ و رسوائی تازه ای بر پیشانی رهبر " د نیای آزاد " زد .

فید لکاسترو قویا پیش بینی میکرد و معتقد بود که قریباً حمله نظامی خواهد شد . افراد یکرنگ اینه چنان
 حماقت را از طرف امریکا لیسیم بهمد مید بدند . بهمین علت روز قبل از یزید ه شدن م مهاجمین ، فید ل از طرف
 حکومت انقلابی جنبه سوسیالیستی انقلاب را بتمام مرد م وجهبانیان اعلام کرد . او گفته بود که سلماتی نیروها حمله
 خواهد بود و در چنین صورتی اوبه جیبه رفته ورهبری عملیات نظامی را بعهده ه خواهد گرفت و مکنست بعید ، لذا
 میخواهد اولاً مردم م کوبا خوب بد اند که موضع اود را انقلاب کوبا چگونه بود ه ، ثانیاً مردم م کوبا بد اند که تنها راه
 نجات آنها سوسیالیسم است ، ثالثاً مردم م کوبا در فاع از زمین از محتوی سوسیالیستی انقلاب هم باخون د فاع
 نمایند . مشهور است که سپس وارنش در حالیکه فریاد میکشید ند : زند ه باد انقلاب سوسیالیستی ما ، زند ه باد
 کوبا بعید ان جنگ میرفتند .

اصلاحات ارضی

چنانچه از بخش مربوط بتاریخ کوبا برمیاید لاتیفوند یسم (مالکیت براراضی وسیع) از قرن ۱۶ د رکوبا
 متد اول شد ه بود . بد و از زمین هاد رمالکیت شاه اسپانی بود که او برای نله د اری و مالکیت وزرع د را اختیار گروهی از
 اسپانیولیهای مهاجر در کوبا میکند اشت که بد ریح باین ترتیب مبنای مالکیت بزرگ بر زمین (لاتیفوند یسم) گذاشته
 میشود . بد ریح کره نولها د را اثر نسلمها زند کی د رکوبا و میخدن با محیط و گرفتن خوبی وید برفتن سنت و خصوصاً
 محل و همچنین بعضاً نسبت احتیاجات و منافع اقتصادی شه د رضاد با بازار نایان اسپانی بود ند ، همراه با مردم م
 اولین تلاش را برای جدائی از اسپانی و استقلال کوبا نمود ند . ولی این بهیچوجه حل مسئله لاتیفوند یسم کسه
 د ر نتیجه آن عد ه کمی ثروتمند میشد ند و از طرف د بگرتود ه های د هقانان و کارگران کشاورزی د رفقر و فاقه میلولیند
 نبود .

د راین د وره (اواخر قرن ۱۶) اقتصاد کشاورزی کوبا تقریباً شکل امروزی خود را گرفته بود . استعمار
 باقتضای سیاست خود کشت واحد (mono culture) را در کوبا متد اول کرد ه بود . باخاتنه قرن ۱۶
 تقریباً بیش از ۸۰٪ کشت کبوتولید شکر بود (قریب یک میلیون تن) و این ترتیب اقتصاد کوبارا د اغما وابسته بیازار
 خارجی ونوسانهای بین المللی میگرد .

جنگهای استقلال که از ۱۸۹۵ تحت رهبری خوزه مارتی قهرمان ملی ، شاعر ، روزنامه نگار انقلابی و
 ضد امریکالیست انجام شد هد فاش نائل ساختن کوبا یا استقلال و از بین بردن لاتیفوند یسم بود .
 بااست اساسی حزب انقلابی کوبا که د اعلامیه مشهور خود د ۱۸۹۳ متارح نمود استقلال و زمین بو .
 د ر آن ایام خوزه مارتی نوشت :

" انتحاریک ملت روزیست که حیاتش وابسته به کشت واحد باشد "

او همچنین د ر باره ازین بردن مالکیت بزرگ ارضی نوشت :

" غنی ان ملتی نیست که د ر آن فقط معددی ثروتمند هستند ، بلکه برعکس کشوری غنی

است که د ر آن هر فردی کمی ثروت داشته باشد . از نظر اقتصاد صحیح و حکومت خوب

تقسیم ارضی راه سعادت مند کردن ملت است . "

این افکار خوزه مارتی و شعارهای انقلاب ۱۸۹۵ بعلت مد اخله ایالات متحد ه امریکا جابه عمسبل
 نشودید . کوبا از یقید استعمار اسپانی آزاد شد ولی جای آنرا با فاصله سرمایه د اران و انحصار چیان ایالات متحد ه

گرفتند. هفته ای نبود که سود اقرا ن امریکای شمالی برای خرید زمین ارزان قیمت و انحصار اقتصاد کوئباد رد ست خود به آنجا سرانیز نرسوند. در پایان قرن ۱۹ مجموع سرمایه ایالات متحد ه امریکاد رکمیابه پنجاه میلیون د لار بالغ بود ، حال آنکه سرمایه ایالات متحد ه در مجموع کشورهای امریکای لاتین بزحمت باین مقد ارمیرسد .

جنبشهای د هقانی مخصوص در او ان سال ۱۹۲۳ باوچ خود رسید و بارد یکرد ۱۹۲۷ از سرگرفته شد . پورزو هاوسیا ستند اران مالک که از جنبش د هقانا ن د چارو حشت شد ه بود ند ، انواع واقسام مواعید را برای اصلاحات ارضی د اد ند ولی د عمل روشن شد که پورزو هاوی عاجز از اجرای آن چنان اصلاح اساسی است که د هقانا ن کوئباد را منتظاران هستند . علیرغم اینکه د رقانون اساسی ۱۹۴۰ مسئله تحد ید مالکیت زمین تصویب شد ه بود حکومتهای بعد ید ست نشاند ه امیرالیسم وبخصوص ید یکتاتوریا ستا آن قانون رایه بوته فراموشی سپرد ند و استعماروچیا اول د هقانا ن یا شد ت پیشری از چار ف زمین د اران امریکائی ومحلی اد امه یافت .

د راولین عمل انقلابی برهبری فید ل کاسترید ر ۱۹۵۲ د رموقع حمله به سر بازخانه مونکاد ا انجام اصلاحات ارضی قطعی ود اد ن زمین بد هقانا ن ازهد فهای اساسی جنبش ۲۶ ژو ئیه بود . د رجریان قیام مسلحانه ۱۹۵۶ د هقانا ن با این ایمان واعتقاد به ارتش انقلابی پیوستند که د رعین بد ست آورد ن آزادی زمین هم بد ست خواهند آورد . د هقانا ن که قیام کرد ه بود ند میفکند که "اسلحه ام را بزمن نخواهم گذاشت تا وقتیکه زمین بد ست آورد م " . چنانکه قبلا ذ ک شد ۸۰٪ از مجموعه ارتش انقلابی را د هقانا ن بی زمین و کارگران کشاورزی تشکیل مید اد ند .

وضع کشاورزی قبل از اصلاحات ارضی

کوبا جمعاً کمی بیش از ۹ میلیون هکتار زمین زیر کشت د ارد که بین د رحد ود ۱۶۰۰۰۰۰ کشت زار تقسیم شده بود . از این مقد ا ر ۴۷٪ د ر اختیار لاتیفوند یست ها ونزد یک به یک میلیون ونیم هکتار د ر اختیار د شرکتهای خارجی بود . د ه مرکز شکر مهم که د ر مالکیت کمپانیهای امریکائی بود هرند ام نزد یک به ۱۰۰ هزار هکتار زمین د ر اختیار داشتند . پنج کمپانی مهم امریکائی (۱) مالک بیش از نیم میلیون هکتار زمین بکوبید ند ، حال آنکه صد ها هزار د هقان کوبائی حتی یک متر زمین برای کشت د ر اختیار ند اشتند .

د رکوبا ۱٪ مالکین بزرگ بیش از ۵۰٪ زمینهای زیر کشت را د ر اختیار داشتند ، حال آنکه فقط ۱۱٪ زمینهای زیر کشت د ر اختیار ۷۱٪ از د هقانا ن بود . ۸۵٪ کشاورزان کوبا از راه اجاره زمین زندگی خود شان را تامین میکرد ند . کوئباد ر واقع یک کشور کشاورزی ومولد مواد خام بود . تمام مواد مورد احتیاج کشور را اجار ود رجه اول وبطور عمد ه از ایالات متحد ه امریکا وارد میشد . وسائل کشاورزی بخصوص د ر زمینه کله د ازی همان وسائلی بود که اهالی بومی قبل از کشف امریکا بنا کمیرد ند . ۹۰٪ د هات بی حمام ود ون برق بود . قبل از اصلاحات ارضی د رکوبا بیش از نیم میلیون بیکار بود که قسمت اعظم آنرا د هقانا ن تشکیل مید اد ند .

قانون اصلاحات ارضی

قانون اصلاحات ارضی د ر ۱۷مه مه ۱۹۵۹ از طرف حکومت انقلابی اعلام شد . این قانون مالکیت بزرگ ارضی (لاتیفوند یسم) را از بین برد . طبق قانون حد اکثر مساحت زمین برای مالکیت خصوصی ۳۰ کابا ایرا تعیین شد (د رحد ود ۳۹۰ هکتار) . د ر واقع تعد اد افراد ی که بیش از ۳۹۰ هکتار زمین داشتند فقط ۱٪ را تشکیل مید اد ند وبهین مناسبت اصلاحات ارضی د ر جهت منافع ۹۹٪ آنها بود . تمام زمینهای که از این حد تجاوز میکرد د ولت بین د هقانا ن تقسیم نمود . د ر تقسیم زمین ، د هقانا نی که از زمین خود بیرون ریخته شده بود ند ، د هقانا ن نافذ زمین و باد هقانا نی که کمتر از میزان " حد اقل حیاتی " زمین داشتند ، کارگران کشاورزی و

(۱) اسامی این پنج کمپانی بقرار زیرین است :

- ۱ Cuban American Sugar Mill
- ۲ United Fruit Company
- ۳ Cuban Trading
- ۴ Atlantica del Golfo
- ۵ Punta Alegre Sugar Company

افراد ارتش قیام کنند و برتری داشته باشند " حد اقل حیاتی " در حد ۲۶ هکتار تعیین شده است .

بدین ترتیب رزم آرضی بیش از ۲۰ هزار هکتار هفتای را برپه مند کرد . قانون همچنین تحدید زمین و به ارتش بردن آنرا توسط افراد غیرنظامی ممنوع میکند . دهقانانی که سابقاً زمینی کمتر از ۲۶ هکتار در اجاره داشتند مجازاً ۲۶ هکتار دریافت میکنند . دهقانانی که کمتر از ۶۵ هکتار در اجاره داشتند از آن ۲۶ هکتار مجاناً و به اجامیای قیمت ثبت شده زمین میتوانند با شرایط مناسب بخرند . دهقانانی که بیش از ۶۵ هکتار در اجاره داشتند د بکری چیزی مجاناً دریافت نمیکند ولی میتوانند حد اکثر ۳۹۰ هکتار با شرایط مناسب بکنند و دولت زمین بخرند .

لایحه آرضی بارش بردن زمین را مجاز میشمرد ولی مخالف با تقسیم زمین بین وراثت است . علت آن جلوگیری از تکه تکه شدن زمین و متزل تولید است . قانون آرضی برای جلوگیری از تجدید مالکیت بزرگ آرضی در خرید و فروش زمین کنترل میکند ، باین ترتیب که دهقانان حق فروش زمین خود را دارند ولی ایشان را باید با اجازه د بنده ملی اصلاحات آرضی انجام بدهند تا با نظارت این بنده امان اینک کسی موفق بخرید زمین دهقانان شده و مالکیت بزرگ تبدیل شود ، ازین برود .

تصرف آرضی مالکینی که بیش از ۳۹۰ هکتار زمین در اختیار داشتند باین ترتیب انجام میبورد گسه دولت در مقابل زمین سلب مالکیت شده با آنها اسناد قابل خرید و فروش با اسم " اسناد اصلاح آرضی " میدهد . این اسناد ۲۰ سال د بزرگ قابل پرداخت هستند منتهی هر سال بهره ای که حد اکثر ۵/۰ % تجاوز نکند ، شامل آن میبورد . این قسمت از قانون البته شامل کمپانیهای خارجی و عثمانان باتیست و فراریان از کشور نمیگردد چنانچه قبلاً اشاره شد برای بهبود و اجرای اصلاح آرضی مؤسسه ای بنام بنده ملی اصلاح آرضی نه رئیس آن نیدل ناسترو و مدیر اجراییه آن آنتونیو نوزینی از برجسته ترین و مطلع ترین اعضا حزب سوسیالیست بود . ایست تشکیل شده است . بنده اصلاح آرضی بت مؤسسه خود مختار است و از خود دارای نامزدان قضائی است و وظیفه دارد در تمام جهات قانون اصلاح آرضی را اجرا و تنظیم نماید . این مؤسسه بودجه مستقل دارد و در مصرف این بودجه تماماً آزاد است . تعیین مناطق کشاورزی ، تأسیس کتوپراتیوها و تعیین آئین نامه آن ، انتصاب رؤسای کتوپراتیو ، تأسیس و اداره مدارس تعلیمات کتوپراتیوی ، کمک بوزارت آراشی در تنظیم مالیاتهای خاص بمنظور پیشرفت امر کشاورزی ، کمک بوزارت تجارت در تعیین تعرفه های شرکتی و غیره را بعهده د دارد . خلاصه یت آرنان د ولتی مهم میفاند رتی است که میتواند تمام تسهیلات و امتیازات را در اختیار دهقانان بگذارد ، هرروز بخشد سه جمعی کشاورزی را تقویت و همراهی بنده ملی بید ایند مالکیت بزرگ آرضی و حوادث د کتوپراتیوی نماید .

این بنده ملی بیستال فعالیت خود بیش از ۱۲۱ میلیون د نخرج کرده که تماماً صرف خرید ماشین آلات ، پذیر ، کتید ، مواد شیمیائی برای دفع آفات ، کشت مناطق بکر ، دادن ترشه بد دهقانان (کتوپراتیوی و فردی) ، آبیاری ، ساختمان مدارس ، بیمارستان ، راه و غیره شده است . بطور کلی سیاست اصلاح آرضی بر ۱۰ نکته زیرین مبتنی است :

- ۱- از زمین بردن مالکیت بزرگ آرضی
- ۲- مالکیت نردن دهقانان بر این زمینها
- ۳- دادن مسائل تولید مورد احتیاج بد دهقانان که قیمت آنرا بر روی بهره ۴ درصد تأدی خواهد کرد
- ۴- پرداخت ترشه سالانه برای برداشت محصول باینکه درصد بهره
- ۵- ساختمان خانه با شرایط مناسب که دهقان در عرض ۲۰ سال بد و ن بهره آنرا خواهد پرداخت
- ۶- تضمین خرید محصول دهقانان با قیمت تعیین شده از همان آغاز کشت
- ۷- تأمین فروشگاه به ترتیبی که دهقانان بتوانند مواد غذایی مورد احتیاج خود را بقیمت حد اقل بخرند
- ۸- تأمین شوسه ، ای اینکه دهقانان بتوانند محصول خود را بر راحتی حمل و نقل کنند .
- ۹- تأمین مدرسه ، اردوگاه و ورزشی برای فرزندان دهقانان
- ۱۰- تأمین نامل حقوق اجتماعی بد دهقانان و احترام بانها مانند یک عامل اساسی در جامعه کوبا

برای جلوگیری از خطر متزل تولید و همچنین ترسیت دهقانان ببحوکه ارتعاضیلات خرد و بورژوازی و منافع تنگ نظرانه فردی احترام کنند و برای بالا بردن د ریحی تولید کشاورزی از همان آغاز اصلاح آرضی سیاست ایجاد

کشوراتیوها و کشت د سته جمعی از طرف د ولت انقلابی آغاز گردید. این کشوراتیوها د رجه اول د رژیم — لاتیفوند یکه تقسیم شده بود تاسیس گردید. اعضا آنها عبارتند از کارگران کشاورزی، دهقانان بی زمین و کسم زمین. نوع دیگر کشوراتیونیز واحد است شد که هدفش ایجاد کشت محصولات متنوع بود. اضافه بر اینها مناطق کشاورزی بوجود آمد که چیزی شبیه به املاک دولتی سوسیالیستی است. کوهائی ها آنرا "مزرعه خلق" مینامند. این مزارع در اختیار د ولت است و کارگران کشاورزی یا گرفتند د ستمزد در آن کار میکنند. تا این اواخر بیش از ۱۰۰۰ کشوراتیوه که بیش از ۲۰۰ هزار فرغوه دارد بوجود آمده اند و هم اکنون نقش اساسی را در اقتصاد کوهابعمهد د دارند. مثلا کشوراتیوها ی تولید شکر بیش از ۵۰٪ تولید کل شکر را در اختیار دارند.

طبق توضیح رهبران انقلاب کوهاب کوهاب تنها کشور نیست که در آن بلافاصله بعد از اصلاح ارضی تولید کشاورزی پائین نیامده بلکه برعکس ترقی کرده است. آمار زیر را در وقتن تولید را در سال اصلاح ارضی نشان میدهد.

نوع تولید	۱۹۵۹	۱۹۶۰
برنج	۶۸۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰
حبوبات	۲۲۰۰۰۰	۲۳۳۱۰۰۰
سیب زمینی	۲۱۶۵۰۰۰	۲۴۷۰۰۰۰
ذرت	۱۷۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰
کتان	۴۷۲۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰

امروز دهقانان ذاتا انقلابی و میهن پرست کوهاب که زمین از د ولت انقلابی گرفته اند و هر روز با تمام نیرو از طرف د ولت پشتیبانی میشوند از استوارترین و وفادارترین خد متکذاران انقلاب هستند. امروز صد هاهزار دهقان در یک دست اسلحه گرفته و ماسک د یگرتولید میکنند. اعتماد و وفاداری دهقانان با انقلاب و د ولت انقلابی یکبار دیگر در جریان حمله ضد انقلابیون بکوهاب در آوریل همین سال وقتی ثابت شد که نه تنها حتی یک دهقان بجانب ضد انقلابیون نفرت بلکه برعکس در ۲ ساعت اول تا وقتی که نیروهای متشکل د ولت برسد همان د دهقانان محلها و سائل و اسلحه سجد و د خود جلوه شمان و وطن را گرفته و نقشه شان را بر باد دادند.

تجربه اصلاح ارضی د روهان شان میدهد که تقسیم زمین بد دهقانان خود بخود کافی نیست و د دهقانان را علاج نمیکند. د شرایط امروز مسئله گرفتن زمین از طرف د دهقانان با مسئله بد ست گرفتن حکومت از طرف آنها و طبقات انقلابی د یگربیند ناگسستی د ارد. د دهقانان نی که زمین گرفته اند بد ون کمک مادی و معنوی، د لسوزان و صمیمانه تمام کشور د پیری نمی باید که برای فرار از گرسنگی زمین خود را بد یگران می فروشند و د باره بد صوف د دهقانان بی زمین و فقیرتر از سابق می بینند. د دهقانان کوهاب چنانکه گفته شد با اطمینان به بد ست آوردن زمین و آزادی به قیام کنندگان پیوستند، لاتیفوند یست ها و پرور و آزی بزرگ را به جبر از حکومت خلع کردند، حکومت انقلابی که یکی از هدفهای اصلی اش اصلاح ارضی قرار داده بود مسلحانه تقویت و پشتیبانی کردند و تحریکات ضد انقلابی و دامیرا لیسیم را با فداکاری د رهم شکستند. د ولت انقلابی کوهاب نیز بنهجه خود برای نجات د دهقانان از یک زندگی توأم با نیمه گرسنگی د امنی و بیماری و بد بختی تمام نیروی خود را صرف کرد. بنگاه ملی اصلاحات ارضی کسه با اختیارات شبیه بیک د ولت کامل بود ایجاد و تقویت کرد تا اصلاح ارضی را با قدرت و سرعت هر چه تمامتر اجرا نماید.

ایشهاست آنچه که انقلاب کوهاب مسئله ارضی میا بود.

سخن ماد رباره انقلاب کوهاب پایان نرسید. لازم است د رباره حزب سوسیالیست توده ای کوهاب و نقش آن در انقلاب کوهاب و همچنین د رباره مسئله مهم و جالب ماهیت انقلاب کوهاب ورنمای آن نیز صحبت شود. برای احتراز از طولانی شدن مقال بحث د رباره این د ونکته را به بعد موکول میکنیم.

شمه ای درباره

جنبش و وضع گارگران ایران

مقدمه

ایجاد راه‌های شوسه و خطوط راه آهن، تأسیس بانکها، بسط داده سرمایه‌های خصوصی داخلی، پاشیده شدن اعتماد نیمه عقیدتی، ایجاد بازار داخلی سرمایه داری که منجر به رشد نسبی صنایع در ایران در پانجاه سال اخیر و گسترش مناسبات سرمایه داری در شهریه گردید، منجر برآمد کمی و کیفی پرولتاریای صنعتی کشور ما شد.

اگر در سال ۱۳۰۰ شمسی تعداد کارگران صنعتی ایران اندکی بیشتر از ۳۰ هزار نفر تخمین زده میشد، در سال ۱۳۳۸ شمسی ۷۱۸۱۰۶ نفر در صنایع گوناگون کشور مشغول کار شده اند (۱). با توجه بآنکه هنوز بسط صنایع در اکثر شهرهای ایران مراحل ابتدایی را طی میکند، انزای بیشتر تعداد کارگران در مدت کمتر از چهل سال قابل توجه است. بدون تردید با توسعه مناسبات سرمایه داری رشد کمی پرولتاریا نیز در میهن ما فزونی خواهد یافت. با وجود این هم اکنون بدون اغراق میتوان گفت که طبقه کارگر چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی بیک نیروی عظیم میهن ما بدل شده است.

بدیهی است که با رشد و تشکل طبقه کارگر، نقش آن نیز در زندگی اجتماعی جامعه ما فزونی یافته بطوریکه هم اکنون طبقه کارگر ایران بخش هنگفتی از درآمد ملی را بوجود میآورد.

مبارزه طبقه کارگر ایران در راه تجمع و تشکل همراه با دشواریهای فراوانی بود. حاکمه در دوره‌های مختلف بوسایل و طرق عدیده همیشه مانع اتحاد و تشکل طبقه کارگر کشور ما شده است. جلوتیری از فعالیت سند پیمانهای کارگری، سلب حق اعتصاب از کارگران، سرهم بندی سند پیمانهای قلابی، حبس، تبعید و تیرباران کارگران مبارز و انواع تضییقات و اجحافات جزو شیوه‌هایی است که طبقه حاکمه برای جلوتیری از تشکل طبقه کارگر ایران در مراحل مختلف بکار برده و میبرد. اما انگیزه‌ای که کارگران را به تجمع در راه دفاع از مناقص خود و امید اشت بحدی نیرومند بود که طبقه کارگر ایران علیرغم کلیه موانع پس از مبارزات پیگیر و سرسخت سرانجام نه تنها موفق به تشکیل اتحادیه خود گردید، بلکه با ایجاد حزب طبقه کارگر حزب توده ایران که اکنون کلیه زحمتکشان کشور ما بیست و یک سالگرد آنرا جشن میگیرند نیز نائل شد.

یک نظر اجمالی بمبارزات طبقه کارگر ایران

چهل سال پیش یعنی در خرداد ماه سال ۱۳۰۰ کارگران و کلیه زحمتکشان ایران پس از یک سلسله مبارزات شدیده موفق به تشکیل نخستین شورای مرکزی اتحادیه‌های حرکتی ایران گردیدند.

مبارزه در راه ایجاد سند پیمانهای کارگری در ایران ۵۰ سال پیش با تأسیس اتحادیه کارگران چا پخانه "کوچکی" تهران آغاز شد و اتحادیه مذکور بعداً با اتحادیه کارگران چا پخانه همدان مل کردید.

با آغاز بحران عمومی سرمایه داری و تشدید بازهم بیشتر تضاد بین ایران و کشورهای امپریالیستی و همچنین عمق فزونیتر مبارزات طبقاتی در داخل کشور، مبارزه کارگران نیز تشدید یافت. بسط و دامنه تجارت خارجی و پیداایش امکانات عینی فعالیت برای سرمایه‌های خصوصی داخلی، توسعه صنایع و ازدیاد تعداد

پرولتاریای صنعتی، ایجاد آموزشگاههای ابتدائی و عالی و پدید آمدن روشنفکران ملی و مترقی باعث تشدید جنبش سند یگائی شد. در سال ۱۲۹۷ شمسی در شهرهای تهران، تبریز، رشت و اصفهان پیواره ای از نقاط پذیرش سند یگائی قوت گرفت. در سال ۱۲۹۸ اتحادیه کارگران چاچاخانه مابرای نخستین بار دست به اعتصاب زد. در نتیجه این اعتصاب که ۱۴ روز طول انجامید کارگران موفق به محدود ساختن ریز کار و بهبود شرایط کار شدند. علاوه بر این در دیگر نقاط کشور نیز اعتصابهای رویداد که کم بیش با موفقیت انجام یافت. از آنجمله است اعتصاب کارگران نفت آبادان که در سال ۱۱۰۰ موقوف پیوست. باید متذکر شد که این دوره مبارزه کارگران ایران تنها مبارزه اقتصادی برای تأمین وضع مادی و شرایط کار نبود. نخستین شکل مبارزه طبقاتی یعنی مبارزه اقتصادی در رشد نهضت انقلابی کارگران ایران نقش شایانی داشت. مبارزه اقتصادی در آن دوران ننگ زیادی بجلب هرچه بیشتر زخمیشان و تشنگی و تجمع آنها کرد. بر اثر این مبارزات همکاری طبقاتی کارگران ایران توسعه یافت و این امر نیز بنهجه خود موجب ازدیاد سند یگانهای مختلف کارگری گردید. در سال ۱۲۰۰ تعداد رتبهبران ۱۵ سند یگائی کارگری تشکیل شده بود که کلیه آنها در اتحادیه سند یگائی تهران جمع بودند. به ابتکار همین اتحادیه بود که برای نخستین بار در تاریخ نهضت کارگری ایران روز اول ماه مه در کشور با جشن گرفته شد. مبارزه رسماً به مبارزات عمیق اتحادیه بود که دولت وثوق الله و لسه مجبور شد روزگار ۸ ساعت و آزادی عمل اتحادیه به نای کارگری را برسمیت بشناسد.

در خرداد ماه سال ۱۲۰۰ با تشکیل شورای مرکزی اتحادیه به نای حرفه ای، نایه سند یگانهای ایران در اتحادیه مهزور متشکل و متحد شدند و هدف یندازید تعدد کارگران عضو شورای مرکزی اتحادیه به نای حرفه ای پس از ۴ سال بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر رسید. از این تاریخ مبارزه کارگران وارد مرحله جدیدی شد. زیرا کارگران علاوه بر خواستههای اقتصادی خود سبتهای سیاسی از قبیل آزادیهای دموکراتیک و شاه بردن دست امپریالیسم از ششون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را کشور را نیز میمان کشیدند. شورای مرکزی اتحادیه به نای حرفه ای از طرف سند یگائی جبهائی کارگران که در فاصله بین دو جنگ جهانی فعالیت میکرد برسمیت شناخته شد.

در سال ۱۲۰۴ دولت نه از وسط نفوذ سند یگانهای کارگران در بین زحمتکشان بوحشت افتاد و بود فعالیت شورای مرکزی اتحادیه به نای حرفه ای را خنثی کرد. ولی کارگران دست از مبارزه نکشیدند. اعتصاب یزوری که در سال ۱۲۰۸ در نواحی نفت خیز جنوب روی داد و همچنین اعتصاب کارگران اصفهان در سال ۱۲۱۰ که منجر به برقراری کار روزانه ۹ ساعته گردید نمونه بارزی از مقاومت سرسخت کارگران در شرایط سخت تروریستی در مقابل ارتجاع دیکتاتور امپریالیسم بود.

در سال ۱۲۰۷ کارگران ساختمان راه آهن سرتاسری ایران در شمال موفق به تشکیل اتحادیه مخفی خود گردیدند. اتحادیه مهزور در سال ۱۲۱۱ در نوشهر دست به اولین اعتصاب خود زد. این اعتصاب که در آن بیش از ۸۰۰ تن از کارگران شرکت داشتند با موفقیت پایان رسید. در سال ۱۲۱۵ تعدد کثیری از کارگران ساختمان راه آهن سرتاسری ایران در شمال عضو اتحادیه کارگران راه آهن شدند.

مرحله بعدی رشد جنبش سند یگائی و کارگری در کشور ما از مهرماه سال ۱۲۲۰، یعنی با تشکیل حزب طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران آغاز میگردد. با تشکیل حزب توده ایران که زائیده شرایط معین اجتماعی ایران بود تغییرات اساسی در اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور آغاز شد. رشد فنی صنایع ایران، توسعه و تکامل صنعت نفت، احداث راه آهن سرتاسری ایران، ایجاد کارخانههای دولتی و خصوصی پرولتاریای صنعتی کشور را به نیروی سیاسی عظیمی تبدیل کرد. بود. ولی چنانکه در فوق مذکور شد قبل از تأسیس حزب توده ایران اتحادیه به نای کارگری موجود در کشور بر اثر سیاست تفریق و فشار رژیم حاکم نمیتوانستند آندوریکه باید و شاید صفوف خود را متحد و متشکل سازند و دوام آورند. با تشکیل حزب توده ایران اتحادیه های کارگری بشکل نوین و در مقیاس وسیعتر و با شرکت عدده بیشتری از کارگران بوجود آمد.

زحمتکشان ایران بویژه پرولتاریای صنعتی که دارای تجربیات درخشان مبارزه سیاسی بودند قبل از همه در راه اتحاد و اتتافی کام نهادند و میدان زمین را برای وحدت کلیه زحمتکشان کشور تحت رهبری حزب توده ایران آماده ساختند. حزب توده ایران بخش مهم پرولتاریای صنعتی و زحمتکشان کشور را متشکل کرد، بتشکیل سازمانهای عینی آنان کمک نمود و ماکت با ایجاد شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایسران در سال ۱۲۱۱ طبقه کارزمیمن را متحد و متحد و متشکل وارد میدان مبارزات اجتماعی و سیاسی کرد.

شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران در مدت کوتاهی سند یگانهای کاروری در مرکز صنعتی نسر از آنجمله اشفهان ، تبریز ، مشهد بوجود آورد و در اواخر سال ۱۳۱۱ توانست ۳۰ هزار نفر از کارگران را متشکل سازد .

از سال ۱۳۲۲ یعنی پس از تشکیل شورای متحد ه مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران که از طرف کلیه نیروهای مترقی و دموکراتیک پشتیبانی میشد ، کارگران ایران دست مبارزات سیاسی سابقه ای در راه بهبود وضع زندگی بیست آزاد بهای دموکراتیک زدند که در تاریخ کشورهای خاور نزدیک بی سابقه بود . در سال ۱۳۱۳ در نتیجه مبارزات مستمر حزب توده ه ایران و شورای متحد ه مرکزی د ولت لایحه قانون کار را مجلس سید . در لایحه مذکور ۸ ساعت روزانه ، د وقت مرخصی سالانه با استفاده از حقوق ، ۶ هفته مرخصی برای زنان کارگر باردار ، منع استفاده از کارکنان تا سن ۱۲ سالگی و تامین بیمه های اجتماعی برای کارگران و کارمندان در نظر گرفته میشد . ولی اکثریت مرتجع مجلس در ۱۴ طایفه مذکور د پیرامون لایحه مزبور گردید .

شرکت نمایند ه شورای متحد ه مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران در کشور ه در اسیون سند یگانهای جهانی د ریارس د رسال ۱۳۱۴ و پد گرفته شدن شورای متحد ه مرکزی بحضویت دکتر اسیون سند یگانای جهانی د رسال ۱۳۲۵ موثقت سند یگانهای کارگری ایران را در صحنه جهانی پیش از پیش متحکم ساخت .

کارگران و زحمتکشان ایران تحت رهبری حزب توده ه ایران به تحکیم هر چه بیشتر سند یگانهای کاروری پرداخته و در تامین حقوق صنفی و تامین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران مبارزات سرسخت و پیگیری را آغاز نمودند .

در خرداد ماه سال ۱۳۲۴ کارگران نفت کرمانشاه برای احقاق حقوق خود دست باعتماد زدند . اعتصاب مزبور که از طرف اتحادیه مخفی کارگران رهبری میشد و بیش از ۶۰۰ نفر کارگر د آن شرکت داشتند مدت ۶ روز ادامه داشت . خواست کارگران عبارت بود از تامین روزانه ۸ ساعته ، یکروز مرخصی در هفته ، پرداخت حقوق ایام مرخصی ، اضافه حقوق و شش ساعته رسمی سازمانهای کاروری . اعتصاب کارگران کرمانشاه در نتیجه دخالت پلیس و مأمورین انگلیسی عظیم ماند . شرکت نفت انگلیس و ایران ۴۰۰ نفر از اعتصابیون را از کار اخراج کرد . ولی ترور پلیس و اعمال مأمورین انگلیس نتوانست مانع مبارزه کارگران نفت کرد . یکسال بعد اعتصاب کلیه نواحی نفت خیز جنوب را فراگرفت . کارگران با مبارزه بیدریخ و بیپیشرو خود شرکت نفت انگلیس و ایران را مجبور بقبول خواستههای خود نمودند و بدین طریق د رسال ۱۳۲۵ موفق به تشکیل سند یگانای کارگران نفت خوزستان گردیدند و این سند یکسپس الحاق خود را به شورای متحد ه مرکزی اتحادیه های کارگران ایران اعلام داشت . در این سال بود که تعداد اعضای شورای متحد ه مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر گردید . مبارز د همین سال بود که د ولت تحت فشار شورای متحد ه مرکزی مجبور به تصویب قانون جدید نأرشد . د رقانون مزبور تامین روزانه ۸ ساعته ، ۳۵ درصد اضافه حقوق ، تشکیل سند و ق تعاون و پرداخت ۲٪ از حقوق (۱٪ بحساب کارگران و ۲٪ بحساب مؤسسه) بصندوق مزبور ، یک روز مرخصی در هفته و د هفته مرخصی د رسال و همچنین قبول تعادیل رسمی کارگران د روز اول ماه مه با استفاده از حقوق منظور گردید .

د رسال ۱۳۲۵ د ولت مجبور به تعیین حداقل د دستزد بمیزان ۴۰ ریال برای نواحی نفت خیز خوزستان و ۳۰-۳۵ ریال برای سایر نقاط ایران شد . باید متذکر شد که چون کارخانه داران بزرگ و مخصوص شرکت نفت انگلیس و ایران از اجرای قانون نارسا میزدند ، این مرحله از مبارزات کارگران منحصر بقبولاندن اجرای قانون کارگردید . د وارد سپهت ماه ۱۳۲۵ د هزار نفر از کارگران نفت آغاچاری بدین منظور دست باعتماد عمومی زدند . کارگران نفت کسره خران از طرف پلیس و قوای نظامی تهدید میشدند مدت ۱۴ روز اعتصاب را با موثقت ادامه دادند . ولی شرکت نفت با آنکه اجرای قانون آغاچاری را تصدیق کرد ، بعد از خاتمه اعتصاب مجدداً از تصدیق خواستهها مستنکف جست . بدین مناسبت تقریباً د ماه پس از اعتصاب آغاچاری ، کارگران نفت آبادان ، اهواز ، مسجد سلیمان ، آغاچاری شروع باعتماد کردند . در این اعتصاب که یکی از بزرگترین اعتصابات تاریخ نهضت کاروری ایران بشمار میرود پیش از صد هزار نفر از شرکت جستند . اعتصاب کنندگان خواستار عدم دخالت شرکت نفت در حیات سیاسی کشور ، انحلال شعبه سیاسی ، برکناری مصباح اطلسی استاند ار خوزستان و اجرای کامل قانون کار بودند .

اعتصاب پس از دو روز با موفقیت خاتمه یافت . پس از حادثه سوختند پشاه در سپهمن ماه ۱۳۲۷ - حزب توده ایران ، شورای متحد ه مرکزی ود یکسر سازمانهای ملی ود موکراتیک از طرف دولت غیرقانونی اعلام شدند . طبقه کارگران ایران به لگام گسیختگی ارتجاع با اعتصاب یشمایش پاسخ داد . اعتصاب کارگران در تهران ، تبریز ، اصفهان ، آبادان ، کرمان ، لاهیجان و نقاط کشور در این دوران نمود اپرازی از مقاومت زحمتکشان در مقابل فشار رهیت حاکمه بود .

در رسال ۱۳۲۶ بعنوانات اوج نهضت ملی مبارزه طبقه کارگران ایران نشیذت یافت . اعتصاب همگانی کارگران خوزستان که در این دوران روی داد ، پیگیری طبقه کارگران در رهبران علیه امپریالیسم و ارتجاع نشان میداد . دولت وقت با اعزام قوای نظامی و تعیین سپهبد شاه بخشی به استان اری خوزستان با اعتصاب کارگران با کله و سر نیزه پاسخ داد . در نتیجه این وحشیگری سیایته ۱۸ نفر کارگر و ۳ کودک بیگناه بهلاکت رسیدند و صد ها نفر از کارگران زندانی شدند . این اعتصاب از طرف کلیه کارگران و سازمانهای مرقی کشور مخصوص حزب توده ایران حمایت میشد . کارگران تهران ، اصفهان ، رشت ، شیراز و نقاط دیگر کشوری تظاهرات متعددی پشتیبانی خود را از کارگران آبادان ود ین مناطق نفت خیز ابراز داشتند . خواستار کوتاه گردن د سست امپریالیستها از ایران گردیدند . اعتصاب منبریس از پنجاه با موفقیت بی پایان رسید . مقاومت سرسخت کارگران دولت و شرکت نفت را مجبور بحق نشینی کرد همد ین طریق برخی از خواستههای اقتصادی و سیاسی اعتصاب کنندگان برآورده شد .

تاریخ مبارزات نهضت کارگری ایران سرشار از صفحات درخشانی است که میتوان سرمشق شایسته ای برای نسل جوان کارگران کشور ما کرد . مبارزه در راه ملی کردن صنایع نفت ایران که طبقه کارگر نقش برجسته ای در آن ایفا میکرد نمونه د یگری از مبارزه کارگران و کلیه زحمتکشان ایران در راه استقلال ملی و کوتاه کردن دست استعمار از کشور بود .

در رساله های ۱۳۲۰-۱۳۲۲ با تشدید فشار امپریالیستها و تضاد داخلی وضع اقتصادی کشور روز بروز رو بخامت میرفت . تزلزل روز افزون سطح زندگی عمومی موجب تشدید فقر نسبی و مطلق طبقه کارگران ایران میشد . در رساله های منبر کارگران ایران برای بهبود سطح زندگی بیگانه حربه خود یعنی اعتصاب دست میزدند . فقط در رساله های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ در کارخانه ها و موسسات بزرگ تهران ، تبریز ، اصفهان ، چالوس و غیره بیش از ۲۰۰ اعتصاب روی داد . مهمترین این اعتصابات عبارت بود از اعتصاب کارگران سمنان ، اعتصاب کارگران راه آهن سراسری ایران در رسال ۱۳۲۱ و اعتصاب کارگران کارخانه های تبریز و چالوس در رسال ۱۳۲۲ .

در رساله های منبر نیز طبقه کارگران ایران مبارزه اقتصادی را با مبارزه سیاسی توأم ساخت و در نخستین صف مبارزه کلیه تشرها و طبقات جامعه در راه ملی کردن صنایع نفت ، اتخاذ سیاست بیطرفی و مبارزه در راه صلح قرارداد است .

پیروزی کودتای ضد ملی ۲۸ مرد ۱۳۲۲ و استقرار حکومت ترور و اختناق نتوانست مانع مبارزه طبقه کارگران ایران گردد . اعتصابهای کارگران کارخانه های ابریت سازی همدان ، کارخانه های نقاشی تبرهان ، نساجی اصفهان ، کارگران بندری خلیج فارس ، کارکنان شهرداری رشت ، کارگران سد کرج ، کارگران آبادان و غیره پنجاه غمای تهران در رساله های کودتای نمونه بارزی از عزم خلال ناپذیر کارگران رشید و مبارز کشور ما برای بدست آوردن آزادیهای د موکراتیک و بهبود وضع زندگی است . با پایان یافتن دوران فروکش نهضت و آغاز اوج نهضت ملی طبقه کارگران سپهمن مانیزد نخستین صفوف مبارزه علیه استعمار رژیم کودتای تازار گرفت .

در رساله های ۱۳۲۶ و ۱۳۴۰ طبقه کارگران ایران ببارزه صنفی و سیاسی خود ادامه داد . اگرچه در این سال اعتصاب بزرگی بوقوع نیویست ولی امواج اعتصاب در اصفهان ، آبادان ، تهران و تبریز در تالام بود . همبستگی کارگران و وحدت عمل آنها بیش از پیش قوت گرفت . طبقه کارگران ایران بویژه در دوران انتخابات تابستانی رزمستانی سال گذشته ود مبارزات عمومی خلق نقش بزرگی ایفا کرد . طبقه کارگران ایران از امکاناتی که انتخابات در وه بیستم و تجدید آن بوجود آورد برای افشا ماهیت ضد د موکراتیک رژیم شاه ، برای پرده ری از د سائن و تقلب است انتخاباتی ، برای مطالبه آزادیهای د موکراتیک وارد میدان عمل شدند . این مبارزات بخصوص در شهرهای بزرگ و کارگری نظیر تهران ، اصفهان ، آبادان و تبریز در اتمه وسیعی یافت . طبقه کارگران ایران در جریان مبارزات مذکور پایه وحدت خویش را با سایر نیروهای اجتماعی مانند دانشجویان و بازاریان استوار کردند .

مختصری در باره وضع کنونی طبقه کارگران ایران

نقض قانون ملی کردن صنایع نفت و احیای تسلط انحصارهای بزرگ نقشی بر منابع زیرزمینی ایران، نقض قانون انحصار بازرگانی خارجی و جانفشین کردن آن با سیاست اقتصاد بی "درهای باز"، تسلط سرمایه‌های خارجی در اقتصاد کشور، اختصاص بخرن محتاطانه از بودجه شوره به مخارج نظامی که نتیجه وارد شدن ایران به پیمانهای تهاجمی است از مشخصات عمده سیاست اقتصاد و دولتی است که پس از کودتای ۲۸ مرداد بر سر کار آمده است.

در دوران پس از کودتای تانها انزراه درآمد نفت، وامها و اعتبارات خارجی طبق حسابی که نمانده سابق مجلس آقای مهندس سیدم در سوم اردیبهشت ۱۳۲۹ در مجلس منحل شده بیستم کرده است، دو میلیارد و چهارصد میلیون در لاری بخرانه دولت وارد شده است. با وجود این زمانی که در ترمین زمان امور کشور باید دست گرفت با صراحت تمام بجهت بیان اعلام داشت که ایران در راستای ورشکستگی است و خزانه دولت تهی است. معلوم شد که نتیجه اینهمه درآمد و وامها و اعتبارات خارجی جز چند کارخانه کم اهمیت و ناقص و چند سد ناتمام چیزی نیست. با توجه به آثار و ارقام رسمی مربوط به تورم پول و افزایش هزینه زندگی نتایج تبعی آفرین است.

اقتصادی رژیم کودتایی از پیش بر ملا میزد. واردات ایران در سال ۱۳۳۱، سال قبل از کودتا ۵۰۳۱۱ میلیون ریال و صادرات ۷۵۱۱ میلیون ریال یعنی ۷۲۰ میلیون ریال بیشتر از واردات بود. در دوران رژیم کودتای ایران اجرای سیاست اقتصادی "درهای باز" این وضع سال بسال تغییر کرد و در نتیجه میزان واردات در سال ۱۳۲۶ سه برابر، در سال ۱۳۲۷ چهار برابر و نیم، در سال ۱۳۲۸ پنج برابر و در سال ۱۳۲۶ به هفت برابر صادرات رسید.

شاخصی از هزینه زندگی در سال ۱۳۳۱ سال قبل از کودتا نسبت بسال ۱۳۲۱ (۱۰۰ = ۱۳۱۰) ۱۰۶ (۱۳۱۰) بود و در سال ۱۳۴۰ به ۱۶۱۰ رسید است (۱). با در نظر گرفتن ارقام فوق آشکار میزد که سیاست غلط اقتصادی رژیم کودتایی نفوذ امپریالیسم در کشور ما چه تأثیرات سوئی در زندگی کلیه قشرها و طبقات جامعه ما از آنجمله طبقه کارگر نموده است. رژیم کودتایی با حمایت از سیاست انحصارهای جهان سرمایه داری در زمینها و راهبرای استثمار منابع انسانی و طبیعی، آماده ساخته و بدین ترتیب وضع طبقه کارگران را به پیش رو بخامت میرود.

بررسی اجمالی آمارهای منتشره رسمی درباره اشل حد اقل در دستزد کارگران و شاخص هزینه زندگی، خرابی وضع زندگی کارگران را با وضوح کامل آشکار میسازد.

مبارزات پیشه طبقه کارگران ایران برای تعیین اشل متحرک حد اقل در دستزد، وزارت کار را مجبور ساخت در سال ۱۱۱ آئین نامه حد اقل در دستزد را تصویب نماید. این آئین نامه که بر اساس ابتدائی ترین خواست زندگی یک خانواده چهار نفری تنظیم شده بود، حد اقل در دستزد کارگران را در خوزستان ۴۰ ریال و در شهرهای دیگر ۳۴ ریال تعیین کرده بود. بموجب آئین نامه مذکور لازم بود حد اقل در دستزد برای مناطق مختلفه کشور سالی بیاتر تعیین شود. ولی از آن تاریخ بیعد علی رغم ترقی سرمایه آفرین هزینه زندگی در حد اقل در دستزد کارگران هیچ تجدید تالی بعمل نیامده و فقط بر اثر بهره کارگران در باره ای نقاط میزان قلیلی در دستزد ها اضافه گردید که به هیچوجه با میزان افزایش هزینه زندگی و مالیاتهای مستقیم وفق نمیدهد.

در بیرخانه شورا محالی اقتصاد که در دستزد کارگران پنج رشته از صنایع: نساجی، ساختمانی، غذائی، چوب و شیمیائی را در سالهای ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ مورد بررسی قرار داده بود به نتایج زیرین رسیده است:

- در صنایع نساجی در سال ۱۳۲۶ حد متوسط اجرت ماشینه کارتر ۲۲۲۸ ریال بوده و در سال ۱۳۲۷ به ۱۰۶۶ ریال تنزل کرده است.
- در دستزد کارگران صنایع ساختمانی از ۱۲۰۰ ریال در ماه در سال ۱۳۲۶ به ۱۳۱۹ ریال در سال ۱۳۲۷ ترقی کرده است.
- در دستزد متوسط ماشینه یک کارگر صنایع غذائی که در سال ۱۳۲۹ در حد ۲۵۴۰ ریال بود در سال ۱۳۲۷ به ۱۸۱۲ ریال تقلیل یافته است.

(۱) شهران اکونومیست، شماره ۴۱۸، شنبه ۷ مرداد ماه ۱۳۴۰

در صنایع چوب حد متوسط مزد ماهیانه کارگران در سال ۱۳۳۶ که بالغ بر ۲۵۰۰ ریال بوده در سال ۱۳۴۷ به ۲۰۲۰ ریال تنزل کرده است .
در صنایع شیمیایی در ستیز ماهیانه یک کارگر در سال ۱۳۳۶ از ۲۶۰۰ ریال به ۱۲۱۲ ریال تقلیل یافته است .

باید متذکر شد که آثار منتشره از طرف دبیرخانه شورای عالی اقتصاد درباره دستمزدهای کارگران که مربوط به حد متوسط دستمزدها است چند آن با واقعیت وفق نمیدهد . مثلاً حد اقل دستمزدهای کارخانه چیت سازی بهشهر ۲۲ ریال تعیین شده و تاکنون نیز تعیین نشده است (۱) . سالهاست که حد اقل دستمزدهای کارگران کارخانه دولتی سیما تهران ۳۴ ریال تعیین شده است . از سال ۱۳۲۰ تاکنون در این کارخانه کارگران اضافه دستمزد داده نشده ، فقط در سال ۱۳۲۶ بر اثر مبارزه سرسخت کارگران دولت مجبور شد که ۷٪ اضافه حقوق بدهد ولی بعد از مدتی با نرسیدن ۲٪ از مجموع دستمزد ، اضافه حقوق جزئی را که بکارگران داده شده بسود ازین برد .

در نامه سرگشاده کارگران پشم باف اصفهان بد کتر امینی نخست وزیر میزان حقوق کارگران از ۳۵ تا ۴۸ ریال قید شده است . اکثریت کارگران کارخانه " شهنار " اصفهان را کارگران ۱۲ تا ۱۸ ساله تشکیل میدهند که دستمزدهای آنها از ۲۵ ریال تجاوز نمیکند .
مجله انگلیسی " سکاگمن " مینویسد :

" در تهران حد اقل دستمزد در سال ۱۳۴۰ روزانه ۳۴ ریال تعیین شده بود . هرچند قیمت باتری فاحش کرده است اما دولت تاکنون این شجاعت را در خود نیافته که حد اقل جدیدی تعیین کند " (۲) .

ارقام مزبور بهترین معرف استعمار شدیدی است که کارگران در ایران میسر میباشند .
مارکس متذکر میشود که :

" گرایش عمومی تولید سرمایه داری درستی است که موجب ترفیع سطح متوسط دستمزد نشده ، بلکه موجب تنزل آن میگردد " (۳) .

با در نظر گرفتن شاخص هزینه زندگی در ایران صدق سخنان مارکس بیشتر از پیش آشکار میشود . جدول زیر از افزایش شاخص هزینه زندگی را در مدت یکسال با وضوح کامل نشان میدهد (۴) .

شاخص هزینه زندگی در ایران

و نسبت تغییرات آن در خرداد ماه ۱۳۴۰

(۱۰۰ = ۱۳۱۵)

اجزاء شاخص	شاخص خرداد ماه ۱۳۳۹	شاخص خرداد ماه ۱۳۴۰	افزایش نسبت به سال ۱۳۳۹ %
شاخص کل	۱۵۷۰	۱۷۹۰	۷/۶
مواد خوراکی	۱۴۲۰	۱۵۷۰	۱۰/۳
کرایه مسکن و سوخت	۳۷۱۰	۳۸۷۹	۴/۳
پوشاک	۱۰۲۵	۱۰۹۰	۶/۳
گوناگون	۱۳۳۰	۱۳۳۶	۰/۳

(۱) اطلاعات ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۸

(۲) مجله " سکاگمن " شماره اول ژوئیه ۱۹۶۱

(۳) ک مارکس ، ف انگلس ، جلد ۱ صفحه ۴۰۶ متن روسی

(۴) در تنظیم جدول از ارقام منتشره در مجله " تهران اکونومیست " شماره ۱۸ هفتم مرداد ۱۳۴۰ استفاده شده است

طبق آمار منتشره در مجله ماهیانه بانک ملی ایران کرایه مسکن سال ۱۳۴۰ ماه به ماه در ترقی است . شاخص هزینه مسکن نسبت به سال ۱۳۳۲ یعنی سال کود تابین از دوبرابر نسبت به سال ۱۳۱۵ که فاخذ شاخص هزینه زندگی است بیش از ۲۶ / ۵ برابر شده است . تازه مستقی که نارتران با پرداخت مبلغ زیادی از درآمد خود بدست میاورند باندازه ای خراب و غیر قابل سکونت است که حتی علم د پیرکل سابق حزب شهباخته " مردم " در صحنه سازیهای انتخاباتی تابستانی د دوره بیستم مجلس در ملاقات با نارتران گفت :

" مسکن شما خوب نیست ، واقعاً خوب نیست . من خیلی جاها سرزد ه ام ، هم پنجونب شهر ، هم به دور یزخانه ها و قسمت های د پیر "

در مقاله ای که آقای محمد سعید شیرازی در شماره ۸۳ مورخه تیرماه ۱۳۴۰ مجله " خواندنیها " نوشته وضع مسکن زحمتکشان و کارگران تهران را که در مرحله هائی از قبیل کود عربها ، کود اختر کور ، چاله خرگوشی ، صلاحخانه ، حصارآباد ، مفت آباد ، قلعه مرغی ، دروازه خراسان ، سرپل امامزاده ، معصوم زندگی میکنند چنین توصیف میکند :

" باورکردنی نیست که درد نیای کنونی در ریابتخت یک کشور عد ه ای از سکنه آن در عمق ۱۳۱۰ متری زمین ود اخل لانه هائی که حتی حیوانات هم حاضر نیستند در آن بیژونه کنند (زیرا آنها نیز بحکم غریزه جائی برای آسایش انتخاب میکنند که حداقل هوای کافی برای استنشاق آنها وجود داشته باشد) زندگی نمایند و زمستان از شدت سرما و لای باران و برف که ناهای تانیمه با اصطلاح اطلاق آنها را فرامیبرد و تابستان از گرمای و تعفن و عدم وجود نسیم و هوا مثل مرغ سرنگند ه بخود به بیچند وسوزند و مسازند ."

خرابیه وضع زندگی طبقه نارتران ایران نتیجه مستقیم تسلط امپریالیسم و سرمایه داران بزرگ د اذلی وابسته به آنست . پائین بودن د سطح کارگران ، بالارفتن د ائمی هزینه زندگی توأم با تزئید ریزافزون سود سرمایه - داران منجر به تقلیل نسبی سهم طبقه نارتران از درآمد ملی گردیده و این امر نیز نتیجه خود موجب تشدید فقر نسبی نارتران شده است . تخمیر ائم د سطح زندگی ، شرایط سخت کار روزندگی پر مشقت سطح زندگی طبقه نارترانرا پائین میآورد و این نیز خواه ناخواه موجب تشدید فقر مطلق کارگران میشود .

مناظر چنین فقری در فرهنگ و سبب است با وضوح کامل نمایان است . اکثریت مطلق نارترانی که در صنایع کوناقون کار میکنند بیسوادند . از تعداد کلیه شاغلین مرد ۴۱٪ سواد ندارند . از تعداد زنان شاغلین زن ۵۱٪ بیسوادند (۱) . از نظر فنی کارائی هزینه زندگی و نمیدستوزد و از رف د پیر شهریه سنگینی که برای تحصیل دانش آموزان تعیین شده است مانع تحصیل فرزندان نارتران میشود .

یک نظر ساده و بیزارش وزارت بهداشت وضع عمومی بهداشت در کشور و از آن جمله وضع بهداشت کارگران را بروشنی نشان میدهد . طبق گزارش وزیر وزارت بهداشت آریبه نسبت جمعیت کشور برای هر ۲۵۰ هزار نفر یک پزشک د پیلمه ، برای هر ۵۰۰ هزار نفر فقط یک جراح د پیلمه ، برای هر ۱۲۵ هزار نفر یک دندان پزشک د پیلمه و برای هر ۱۴۲۸۵۷ نفر یک داروساز د پیلمه در اختیار دارد . همچنین تعداد بیمارستانهای دولتی در سراسر کشور از ۱۶۵ تجاوز نمیکند که تعداد دخترخواه های مجموع آنها فقط ۸۲۶۶ عدد است (۲) .

ارقام مزبور نشان میدهد که ارثران ایران اصولاً از هرگونه بهداشتی بی بهره اند . مجله " خواندنیها " در شماره ۲۲ خود مینویسد :

" در کشور ما هنوز امراضی از نوع ایبله و تراخیم و سرخک و سرخچه همه فراست و تعداد بیمارستان آن ناهای محدود میگرد که سلامت و زندگی افراد کشور را مورد تهدید قرار میدهد . شیوع این قبیل بیماریها نمایند ه این حقیقت است که توده های فقیر و زحمتکش مردم هنوز از وسائل ابتدائی بهداشتی و بهداشتی محرومند ."

با آنکه قانون کاراستفاده از نیروی کار را حداقل راتاسن ۱۲ سالی ممنوع کرده در صنایع مختلف ، بخصوص صنایع قالی بافی هنوز متقیاس وسیعی از نارتران قائل استفاده میشود . سالیهاست که در کرمان ود یرنقاط کشور

(۱) مجله افاق بازرگانی شماره ۸۹

(۲) خواندنیها شماره ۲۲

تولیدی و غیرتولیدی و از آنجمله ۵٪ در زنگنه‌های تولیدی (ماشینی و دستی) فعالیت می‌کنند. تعدد آحاد نیز فعال یعنی کسانی که در زنگنه‌های غیراجتماعی - اقتصادی شرکت ندارند ۲۶۰ ۷۷۱ ۷٪ جمعیت کشور است (۱).

بظریه آماررسی نشان میدهد تعدد آحادی که در جستجوی نازند ۴۴۰ ۱۷۰ نفر میباشند (۲). بدون تردید مقصود از این بیکاری بیکاری آشکار است، در صورتیکه در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای پیشرفته بیکاری پنهانی درده و مشهور وجود دارد. فلاکت دهقانان ایران بویژه پس از نوبت ۱۳۲۱ بر باد ۱۳۲۱ باعث تشدید بیکاری پنهانی گردید. علاوه بر این کارگران که کار دائم ندارند بویژه آنهایی که نیروی کار را از دست داده اند شکل خاصی از بیکاری یعنی بیکاری را که رایج بود آوردند.

بیکاری یکی از مشخصات اصلی شیوه تولید سرمایه داری است که با توسعه سرمایه داری رشد مییابد. وجود بیکاران دائم بقیاس معینی در تنزید مستمر کارگرانی که نیازمشغولند تأثیر دارد بدین ترتیب وسع زندگی کارگران صنایع راسال رسال دشوارتر میسازد.

در مراکز نفتی ایران بیکاری آشکار نوع اساسی بیکاری را تشکیل میدهد. مثلاً از رد رسال ۱۰۵۰ زمانی که سالیانه تقریباً ۲۲/۵ میلیون تن نفت استخراج میشود در صنایع نفت کشور پیش از ۶۰ هزار نفر کار میکردند، در رسال ۱۹۶۰ با وجودیکه استخراج و تولید نفت به ۵۲ میلیون تن در رسال افزایش پیدا کرده، عدد کارگران صنایع نفت به ۵۰ هزار نفر تقلیل یافت.

کسریوم نفت برای ازدیاد هرچه بیشتر سود در رسالههای اخیر دست بیت سلسله اقدامات زده است. استفاد از تکنیک جدید در صنایع نفت توأم با تشدید استثمار کارگران نمونه ای از این اقدامات میباشد. البته از رد کشورها هدف بکار بردن تکنیک جدید مثل کشورهای غربی - جهان پائین آوردن ساعات کار و تسهیل کار کارگران بود هیچکس اعتراض نداشته است. آنچه مورد اعتراض است توأم کردن این عمل با تشدید استثمار کارگران و در حقیقت تبدیل انسان به ماشین یعنی همان اقدامی است که امروز منجر با استثماردهندهای بیکاری در ایران هزاران کارگران صنایع نفت شده است. در رشته اخیر کسریوم پیش از ۶ هزار نفر کارگران را اخراج کرده و سابق نقشه ای تا آخر سال ۱۳۶۲ شدن هزار نفر کارگر را پذیرا میزاد کار اخراج خواهد نمود (۳).

تعدد آحاد بیکاران در کشورهای صنعتی و پراچان نیز رو به زوئی میرود. هزارید بیست هزار نفر در پیش از ترمین مؤسسات تصفیهان، کارخانه رسیاف، پیش از رسال است که بکارند. از شش هزار نفر از آنها مسند بنای کارخانه های باورسازی تهران ۱۵۰۰ نفر رسال است که بکارند.

هر سال ۲۰ هزار نفر جوان در پیلمه بربیکاری کشور ازید میبند (۴). بدون تردید تا زمانی که امریالیست با برائت تمام ایران مساهند و نیروی تولیدی کشور با بیولو و نند و میرود انت ارغز کوشه بببببب در وضع کارگران انداز میببببب است.

طبقه کارفرمایان و ادائیگی

در مدت نقر از چهل سال تعدد آحاد کارگران ایران به بیس از ۷۰۰ هزار نفر رسیده است. این کارگرانی هستند که در صنایع ماشینی و کارخانهها مشغول کارند. این کارگران سایر رشته های غیرتولیدی را نیز در برگیریم بدون تردید تعدد آنها از ۱/۵ میلیون نفر تجاوز خواهد کرد. بدین ترتیب طبقه کارگران کشور ما از نقطه نظر نیروی کیفی به نیروی بزرگ اجتماعی تبدیل شده است.

با تشکیل پروتاریای صنعتی در ایران و تشکیل حزب طبقه کارگر - حزب توده ایران آن نیروی اجتماعی که در آینده میبایست در سرنوشته میهن مانعتر مهمی را یفا کند بوجود آمده است. حزب توده ایران که از احاد ماهیت، اصول مرای و مبانی سازمانی خود یک حزب کارآزمودین طبقه کارگران است ازید و تا سیم خود طبقه مبارزات طبقه کارگران از اجتماعات و تشکلات و ایم سیاسی در شرایط علنی گرفته تا مبارزات دشوار در شرایط مخفی جدایت

- (۱) اطلاعات شوانی، ۳۰ خرداد ماه ۱۳۳۶
- (۲) گزارش دبیرخانه شورای عالی اقتصاد "اطلاعات" ۳۰ خرداد ماه ۱۳۳۶
- (۳) مجله خواننده شماره ۷۷، شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۴۰
- (۴) مجله تهران صبر مهرداد ۱۳۳۶

و رنجبری نمود . بدینجهت است که اکنون «طبقه کارگر» و «رما یا کارگران» ۲۰ سال پیش که دارای «سیکونه تجربه سیاسی نبودند فرق بسیار دارد . کارگران ما تحت رهبری حزب خود در دشوارترین و مشکلترین شرایط سیاسی نبرد های شدید توأم با پیروزیها و شکستها لزوم مبارزه در راه منافع خداید آزاد برای دموکراتیک را آموختند . حزب توده ایران با عنایت بر تئوری انقلابی «طبقه کارگر» جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم نقش طبقه کارگران را در جامعه ما روشن ساخت و مبارزات آنرا هدایت کرد . حزب توده ایران از همان آغاز فعالیت خود بدستی توجه داشت که باید با توده های مردم پیوند مادی و معنوی عمیق داشته باشد و آنها را برای بهبود شرایط زندگی و احقاق حق خویش متشکل و مجهز سازد . در این میان حزب مابعد توجه خاصی بنا کارگران معظوف داشت . کارگران ایران با پشتیبانی و کمک حزب بسرعت توانستند در اتحادیه های کارگری متشکل شوند ، نخستین مرکز سند یگانه متحد سراسر کشور ، شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتشان ایران را بوجود آورند .

طبقه کارگران ایران تحت رهبری حزب ما پیروزیهای مهمی بدست آورد . وضع زندگی و شرایط کار کارگران نسبت بسابق بهبود یافت ، آزادی سند یگانه و حق اعتصاب بر رسمیت شناخته شد ، قانون کار تصویب و ولایت رسید ، سطح دستمزدها بالا رفت و حق بیمه کارگران در مقابل حوادث ناره ، پیری ، مرض و بیماری شناخته شد . به همین سبب «طبقه کارگر ایران که در نتیجه متشکل شدن و اتحاد بسرعت بیک نیروی بزرگ اجتماعی تبدیل گردید از همان آغاز حزب توده ایران را رهبری خود شناخت . تعیین امر موجب گردید که در سائنس اجتماع و کوشش عناصر ضد کارگر برای ایجاد شکاف و انشعاب در صفوف کارگران با عدم موفقیت مواجه گردید . مبارزات پراختخار حزب توده ایران در گذشته بخواهی نشان داد که «طبقه کارگر در مدت کوتاهی توانست نقش پیشرو را در جنبش رهنمایی بخش و ضد استثمارری خلق ایفا کند .

طبقه کارگر که پیش از مظهر طبقه د یزید رجامعه کنونی ایران استثمار میشد بنا بر شرایط زندگی خود پیگیرترین و سرسخت ترین مبارز راه آزادی و رهنمایی از استثمار و حشیا نه است . بدینجهت است که :
 «از کلیه طبقاتی که اکنون در مقابل سرمایه داری صف آرا می گردند اند کارگران بمعنای واقعی طبقه انقلابی را تشکیل میدهند» (۱) .

طبقه کارگر کنونی در کشور ما بیش از طبقات و قشرهای دیگر از حقوق اجتماعی و سیاسی محروم است . طبقه کارگر بگانه طبقه ایست که برومائل تولید تملک خصوصی د ارد و چون مالکیت خصوصی برومائل تولید اساس استثمار کارگران از طرف سرمایه داری است لذا از زمین بردن آن و تمویض با مالکیت اجتماعی بمانه راه نجات طبقه کارگر می باشد . برای اجرای چنین وظیفه تاریخی طبقه کارگر دارای شرایط مساعدی است زیرا طبقه کارگر بواسطه شرایط زندگی و کار خود بهترین طبقات و قشرهای د بزرگ جامعه تادریه تشکیل است . کار در کارخانه ها و موسسات بزرگ خواه ناخواه در کارگران روح همکاری ، نظم و ترتیب ، وحدت عمل ، همبستگی بدفاع و حمایت از یکدیگر برپا می دهد . اینها خصایصی است که نه تنها در تضاد رنگارنگه در مبارزه نیز دارای اهمیت فراوانی است . بدینجهت است که کارگران ایران بیش از طبقات و قشرهای د بزرگ جامعه تشکیل و اتحاد میباشند . همچنین طبقه کارگر بیش از طبقات د بزرگ جامعه ایست که کارگران آنها می سبسی را پیش از کتاب از تجربه و تاروی مبارزه کسب میکنند . وجود کلیه این خصایصی است که طبقه کارگر را همیشه در رأس جنبش رهنمایی بخش قرار میدهد .

اشتراک منافع کلیه طبقات و قشرهای زحمتکش با طبقه کارگر یکی د یز از سرچشمه های نیروی وی می باشد . چنین اشتراک منافع در کشور ما دارای ریشه عمیقی است . اکنون در کشور ما دهقانان ، پیشه وران و روشنفکران نیز مانند کارگران در زیر سلطه مالکان بزرگ و سرمایه داران وابسته با هم با همبستگی بسر میبرند . دشمن مشترک و اشتراک منافع پایه ایست که بر اساس آن اتحاد «طبقه کارگر» کلیه طبقات و قشرهای مختلف میسر میشود . چنین اتحادی بخصوصی در کشور ما که طبقه کارگر اکثریت را تشکیل میدهد برای پیروزی مبارزات «طبقه کارگر» امریست ضروری و لازم .

هم طبقه کارگر و هم کلیه طبقات و قشرهای زحمتکش به اتحاد نیروی خود برای مبارزه در راه منافع مشترک نیازمندند . هر دو آنها فقط از چنین اتحادی نتج خواهند برد و همچنانکه شمه پیروزی چنین اتحادی تصیب طبقه کارگر و سایر طبقات و قشرهای زحمتکش میشود ، همانطور تدریجاً بین آنها هم بخش منافع عمومی است .

(۱) ک . مارکس و انگلس ، جلد ۴ صفحه ۴۲۲ متن روسی .

برکسی پوشیده نیست که امروزه در کشورهای هفتاد و نه اکثریت را تشکیل میدهند. «مجموعین مسلم است که آنها در رژیم فعلی کشور سخت ترین شرایط زندگی میکنند. آیا رژیم خود تا که خود نمایند و منافع مالکین بزرگ و سرمایه داران وابسته با همراهم است خواهد توانست سرمایه‌های بی‌بهره و بی‌کار را براند؟ بدون تردید جواب این سؤال منفی است.

همین مسئله در باره تشبیه و پیشه‌های ایران کشور نیز صادق است. در شرایط فعلی روش‌های اقتصادی ایران در حالیکه انحصارهای خارجی بر کلیه مشاغل اقتصادی کشور تسلط دارند وضع تشبیه و پیشه‌های ایران روز بروز رو به وخامت میرود.

نارمندی آن دولت و ممالمان با آخرین اکثریت مطلق روشنفکران کشور نیز در رژیم کنونی با فقر و تشنگی مست یگریانند.

بنابر مراتب بالا مسئله اتحاد طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش و قشرهای متوسط شهری شرط اساسی تأمین وحدت نیروهای دموکراتیک برای آزاد کردن تولیدهای وسیع دهقانان از زیر دست مالکین بزرگ و جمع آنها تحت رهبری طبقه کارگر و حزب‌های مبارزه در راه صلاح و استقرار دموکراسی است. در لحظات کنونی برای اتحاد کلیه قشرها و طبقات با طبقه کارگر شرایط لازم موجود است. در چنین اتحادی است که طبقه کارگر ایران باید نقش رهبری را ایفا نماید. زیرا طبقه کارگر تنها طبقه ایست که قادر به ادامه مبارزه پیگیر علیه رژیم خود تا موانع آن را برطرف سازد است.

لنین در باره طبقه کارگر می‌نویسد:

«بنامه یگانه طبقه انقلابی اجتماع معاصر، او باید در مبارزه همه ملت در راه بدست آوردن دموکراسی تام، در مبارزه کلیه زحمتکشان و استثمارشدگان، علیه سیادت فئودال و بهره‌کشان در جمهوری‌ها باشد. پرولتاریا فقط بد آنجهت که اندیشه دموکراسی را در دست گیرد همین اندیشه تحقق می‌بخشد انقلابی است. پرولتاریا که این نکته را درک کرده برده‌ها را می‌کشد که علیه پرده‌ها قیام نموده است. پرولتاریا که اندیشه دموکراسی طبقه خود را درک نکرده یا اینکه چنین اندیشه‌ای را نمی‌فهمد برده‌ها را می‌کشد برده‌ها را می‌کشد که خود را نمی‌فهمد، اگر بهتر باشد برده‌ها را می‌کشد که نه برای محو پرده‌ها بلکه برای سرمایه‌داران برده‌ها را می‌کشد.» (و. ا. لنین جلد ۱۷ صفحه ۲۰۱-۲۰۲ متن روسی).

پس از یک دوران اختناق ۸ ساله با ورود مجدد طبقه کارگر به صحنه نبرد مرحله جدید بحران رژیم خود تا پیش از این تشدید خواهد یافت. باید در نظر داشت که تغییرات اساسی قوای مترجم بین انقلابی و سرمایه‌داری و سایر کشورهای سوسیالیستی در امر موفقیت مرحله نوین نبرد طبقه کارگر و زحمتکشان کشورها برای بدست آوردن حقوق اجتماعی و اقتصادی، آزادی و استقلال ملی تأثیر عمیق و فاسد کننده دارد. خروشک در منطق خود بنام است چهلمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت:

«پیرزدهای دولت سوسیالیستی نه تنها زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری را بیچاره و علیه استثمارگران تشویق میکند، بلکه در عین حال بورژوازی را که سعی در تشدید آری‌سیادت خود دارد مجبور به عقب‌نشینی در زمینه اقتصادی و اجتماعی مینماید. در این زمینه بجاست که سخنان نویسنده مشهور آمریکا تئودور وود را بزرگوارانه بخاطر آوریم که در مورد قوانین اجتماعی ایالات متحده آمریکا در سالهای ۳۰ گفت: «من بسبب همه اینها از مارکس و روسیه انقلابی تشکر میکنم».

تبدیل سیستم جهانی سوسیالیسم به عامل قطعی رشد جامعه بشری شرایط عینی مناسبی برای توسعه جنبش‌های پیشرو وجود آورده است. تعقیب سیاست دموکراسی مساومت‌آمیز از طرف کشورهای سوسیالیستی و مساعی آنان در دفع تلاش‌های امپریالیسم برای صدور انقلاب‌های گوناگون طبقه کارگر را برای تحقق آرمان‌ها و هدف‌های افزایش میدهند. محور رژیم استعمار و متحدین سلفه امپریالیسم و پیروزی‌های شگرف جبهه سوسیالیسم تأثیر عمیقی در مبارزه شوریک، سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر دارد.

بدون تردید طبقه کارگر کشور مباد نظر گرفتن مراتب فوق باید درک عمیق مسئولیت و تکیه‌ای که تاریخ میهن‌داران این شرایط بحرانی در مقابلش قرار داده‌اند گزیده تحت رهبری حزب خود - حزب خود - ایران با کمال افتخار و سرپاندی انجام خواهد داد.

مرداد ماه ۱۳۴۰

"خلاف راستی باشد خلاف رأی در رویشان
(سعدی)

جنبش انقلابی در ادبش ایرانی در قرن هشتم هجری

تلمه ای چند درباره عرفان ایرانی

اگر ما عرفان ایرانی را تنها از آن جهت که وی به تکفیر و تذلیل عقل معرفت جوی پرداخت و عشق و جذب به دیوانه و اراجانسین آن ساخت و در سطحیات نامفهوم و هر روز سیرمن الخلق الی الحق غرق شد یک جریان صرفاً خرافی و طغیان حطاطی بشمریم در چارخطای منقری شده ایم. عرفان ایرانی از بسیار جهات بدون تردید پس از قلل عالیّه تفکر مردم میهن مادر رسیده های گذشته است و در بسیاری از مسائل نظری و عملی به نتایجی بسیرت تر و بالاتر از مذاهب عصر و حتی برخی مکاتب فلسفی متداول در قرون وسطای ایران رسیده است.

اندیشه مرکزی در عرفان، وحدت وجود یا پانثیسم است یعنی اینکه سراسر جهان در آرای گوهر و مایه واحدی است و داستان هستی همانا حکایت سیرو حرکت این ماده واحد ه گناه در مسیر نزولی آنست (که منجر به پیدایش جهان ناسوتی میشود) و گاه در سیر صعودی اش (که منتج به تکامل و تعالی انسان و وصل و اتصالش به مباحث لاهوتی میشود). لذا اخذ او آفریننده ای بیرون از این جهان که برمسند و عرش اعلی بنشینند ویر "ما سوا" فرمان راند موجود نیست. بلکه وی را باید مستحیل در ذرات وجود شمرد و در همه چیز و همه جا جست. بدلی در همه آیام خدا با او بود. او نمیدیدش و از دروختد ایما سیرت (حافظ)

در خرابات مغان نور خدایم بینم وین معجب بین که چه نوری ز کجا می بینم (حافظ)

یک کهر بودیم همچون آفتاب
چون بصورت آمد آن نور سره
بی تره بودیم و صافی همچو آب
شد عدد چون سایه های کشره
(مولوی)

ای قوم بجز رفته کجا ناید
معشوق تو همسایه دیوار بدیوار
معشوقه در راینجاست بیایید
در یادیه سرگشته شما بهر چرا ناید
گرمسیرت بی صورت معشوق ببینید
هم خواجه و هم بند و هم قبله شما ناید
(مولوی)

موسیقی نیست که فریاد انا الحق شنود
ورنه این زمزمه در ره شجر نیست که
نیست (اسرار)

دل هر ذره را که بشکافی
آفتابش در میان بینی (هاتف)

خود این اندیشه مونیستی یعنی قائل شدن به جوهری یگانه برای سراسر هستی متنوع و متکثر اندیشه واقعی و حقیقی بزرگی است و همین جهت است که فرید ریش انگلس وحدت وجود یا پانته ئیسم را که مفهوم خداوند را در پیگرد طبیعت حل میکند برای دوران قرون وسطی یک جریان فکری مترقی بشمرد (۱). قائل بودن بجوهر واحد برای سراسر وجود ناچارانده یسه تبدل و تکامل عناصر و اجزا وجود و حرکت جوهری را نیز در ذهن عرفا وارد کرد و برای آنکه معلوم شود چگونه جهان از جوهری یگانه تراوید و واپساید و چگونه بارد یگر به آن منشا و مبداء نخستین باز میگردد در نتایج بسیار درستی درباره تکامل ماده و نقش مرکب (پستانه گذارانیک مرحله سافل مرحله عالی) و غیره و غیره گرفته شده است. اندیشه وحدت وجود و تکامل دائمی هستی متحرک در مسائل اخلاقی و عملی

(۱) این مطلب که انگلس در مورد پانته ئیسم سپوزا و جیوردانو برونو بیان میدارد در مورد پانته ئیسم عرفا ما بپیره مولوی صادق است.

هم يك سلسله نتایج نیکو و عالی بدست داده است فی‌المثل مانند کیش جهان پرستی (یا ثنوی رسالیم) که موجد پنهانوی افق دید و میدان جولان روح و منجر به از میان بردن عصبیت و قشریت و ظواهر بینی و عدم تسامح نسبت به عقاید و نظریات مختلف و تجلیل مقام انسان بنیادهای ترین مظهر تکامل ، تهیه زندقه رت روحی و معنوی و تصدیق امکانش برای آنکه از " ملک پران شود و آنچه روحم ناید آن شود " در نزد عرفا گردیده است و یا کیش مهرورزیائی که بشردوستی و احترام از خشکی ها و وسالوسی های زاهدانه و ستایش زیبایی ها ولذت های حیات را پسند میدهند و علی‌رغم منکر کید و عیوس مذاهب ثنائی و پسند موسیقی و رقص و تعلق شگرف به شعر و ترانه را روا میدارند و یا کیش وارستگی هویی نیازی که منجر به استغناء معنوی و سرخمد نکردن در برابر شاهان جزورمند آن عصر نمیداشتند از مرگ و نیستی و ستایش فقر و تلقین مقاومت روحی در مقابل مصائب و نشاط منطقی و خوش بینی بآینده شده است . تمام این صفات عالی انسانی که در مقابل صفات خشک و جامد و محدود و پوزیل و عیوس و خشن و قسی عصر خود شکفت آوری کامل و پیشرفتاده است بویژه در اشعار د لایز و سحرانگیز د و شاعران بخته یعنی جلال الدین محمد مولوی رومی (منثوی و دیوان شمس) و خواجیه شمس الدین حافظ شیرازی منعکس است و علت جاذبه شگرف آثار این د و تن مرد واقعا بزرگوار هماناد رهمین تجلیات يك روح فوق العاده انسانی ، پرشور فروتن ، مهربان ، لطیف ، رها از عصبیت ، سرشار از عشق به بشر در عین حال مغرور و بلند پرواز ، قوی و پیکار جواست .

بهمین جهت این نکته که بویژه مولوی و حافظ مظهر جهات ناملا مثبت عرفان ایرانی هستند نکته تشریح است و آثار می توان از زری آثار این د و بهترمند شگرف تماماً مبرهن ساخت .

در عین حال عرفان قرون وسطائی بمنابۀ يك آموزش متناقض دارای جهات انحطاطی و خرافی بسیاری است که تعالیم عادی صوفیه را بنا نهاده و آثار بجا ده جاد و کبری و جوتیگری و ریاضت و غیب گوئی و کرامات پرستی و ظلمات بافی و انواع فاسد اخلاقی افکنده است . عدم درک این تناقض و در آمیختن ارثیه مولوی و حافظ با ارثیه سخریف عرفان و صوفیگری سالوسانه و انحطاطی وجد انکردن مغز از پوست و سوزا از ناسزا و سره از ناسره در رایس من مهربان و قویترین و شامترین جریان تغیراتی ایرانی داریست ناد رست و نوعی نفی مطلق خلایقیت فکری مردم مبین ^{مش} زیر از شگفتی ها است که تغیر عرفانی طی قرون طولانی و حتی از عهد ساسانی در آن هان و مقول بهترین متفکران ایران پیوسته تسلطی آشکارا پنهانی داشته است و از این تسلط را باید در عین صریح منطقی و بدالت آمیز این آموزش در دست و در این که این آموزش از جهت فکری و روحی بیشتر قادر به حل آن عجز داشت بود و نه زندگی و طبیعت د در هر گام د در برابر انسان زنده و واند یمنند می گذاشت و بعد هب تنها با توسل به " تعبد " می خواست پاسخ آنها را برای همیشه مستو گذارد . اگر مطلب را بدین نحو است راک نکنیم د را نامرور بخشیم و ه حیات فکری بمعنوی ششور خود رابه ^{فکری} در ظلمات جهالت و انحراف عمیق از شاهراه معرفت محکوم ساخته ایم ، امری که نه عادلانه است و نه موافق با حقیقت . چون مطالب اصلی این بررسی چیزد بگریست با تصریح آنکه مسئله مطروحه دارای اهمیت اصولی فراوان و دامنه پنهانوی است بهمین تذکار کلی قناعت میشود : در خانه اگر کسی است بخرف بس است .

تشنعبد در عرفان ایرانی و دیدایش جنبش درویشان

عرفان ایرانی بسبب نهاد و سرشت متناقض خود از همان آغاز مشعبد شد و هر کس از این تعالیم بهره ای راکه ملاحظه شود برداشت هائی را فرموده است . با این حال عرفان ایرانی همانطور که انگلس در مورد عرفان اروپائی در قرون وسطی تصریح کرده است تقریباً همیشه در مجموع بصورت تغیر مخالفین اجتماعی (ایدئولوژی آپوزیسیون) در مقابل مذاهب رسمی ایستادگی کرد خواه در رجا ده زهد و پاراسائی گام نگذاشته باشد خواه در جاده رندی و لایالیگری (۱) .

عرفان بر حسب تعالیم خود يك جریان فکری مخالف ولی انفعالی (یا پاسیف) بود و است ولی در دروایی (بویژه در قرن هشتم هجری) شکل پیکار جویانه ای بخود گرفت و این زمانی است که عرفان بصورت جنبش خلقی در روایش در آمد . است . خانقاه اقطاب و پیران صوفی و عارف بهتر از مساجد فقها و شیوخ حنفی میتوانست مرکز تجمع عاصیان و ناخرسندان شود و جالب اینجاست که بواسطه کین د شنیدن د بر بنده ای که بین فقها و شیوخ حنفی جنبه ای از طرفی و پیران و اقطاب صوفی از طرف دیگر بود ، آن گروه اول طرف زمامداران وقت و این گروه

(۱) برای اطلاع بیشتر در این زمینه رجوع کنید به مقاله اینجانب در شماره دوم د نیا " د یالکتیک د راندیشه بعضی از متفکران ایرانی " .

دوم ای چه بسا جانب مردم را گرفته اند .

بی‌نصیب‌ترین قشرهای شهر بود در رجایه در رویشی یا بقول سعدی "خلاقان گرد آلود" در آمد و در سلك صوفیان منسلك و بدین سان متشکل گردیدند و در رقرنهای هفتم و هشتم و نهم يك نیروی نسبتاً متشکل اجتماعی را بوجود آوردند که صرف نظر از برخی مختصات انگلیوارزندگی بطور کلی سپاه فقرنیزاد در قبالد ولتند ان بودند و چنانکه می‌بینیم در بسیاری نقاط ایران این سپاه بحرکت در آمد و بقول حافظ جهان را پرپلا کرد هفت . این جنبشها بویژه پس از ایلغار مغول و تاخت و تاز تیموریان و هنگامیکه فقر و مستکنت عادی جامعه قرون وسطاییها را هجومهای قساوتکارانه اجنبی به حد اعلی میرساند رخ داد ه . پیش از اشاره باین جنبشهایی قایید ه نیست کمی در معنی لغوی در رویش و انعکاس این لفظ در ادبیات ایران در وقت کنیم .

معنی لغوی در رویش

لفظ در رویش همانطور که آقاي پور اود در "یادداشتهای اوستا" متذکر شده ه اند از واژه اوستاشی "دریگو" (دریگه) که بمعنای بینوا و بیچاره است آمده و در پهلوی و پارسی دری هیئت "درویش" و "درویش" بخود گرفته است (۱) . در ادبیات پارسی پیوسته در رویش در رکنار مستند و فقیر و گدا در مقابل توانگر و د ولتند قرار دارد .
سعدی فرماید :

کار در رویش مستمند بر آر که ترانیز کارها باشد

ای نفس اگر بدید ه تحقیق بنگری در رویشی اختیار کنی بر توانگری
ای پادشاه شهر چو وقت فرارسد توانیز باگد ای محلت برابری

(۲)

تیز در اری وزن در اری و سیم و سود و سرمایه کجا با این همه شغل بود پروای درویشان
یا حافظ فرماید :

درویشم و گدا و برابرنمی کنم پشمین کلاه خویش بصد تاج خسروی

ای توانگر مفروش این همه نخوت که ترا سرور زد رکنف همت درویشان است
لفظ در رویش فارسی کلمه "فقیر" است که آن نیز در میان صوفیان بمعنا به عنوان عام برای سالکین راه بکاررفته است (۳) . کلمه در رویش از سرید سلك صوفیه بمعنا به عنوان عادی سالک طریقت بکاررفته بتدریج با صوفی معنای موازی یافت و حال آنکه در خود اصل لغت معنای آن چنانکه گفته شد بی چیز و مستمند است . اطلاقی لفظ فقیر صوفی چیز و مستمند به سالکان راه چه پیروان صوفیگری خود در لیل روشنی است بر آنکه مردم تپسی دست شهروند ه پیروان عده ه طریقت بید ه اند و طریقت صوفی غالباً به محرومترین قشرهای جامعه قرون وسطایی کشور ما تنگ ه داشته است . در اراست سعدی و حافظ پیوسته لفظ در رویش هم بمعنای سالکین طریقت صوفی و هم بمعنی فقیران مستمند بکار میرود .

در اینجایی مناسب نیست متذکر شویم که واژه دیگری که آن نیز از مبدأ و منشأ "خلقی سالکین طر صوفیه خبر میدهد واژه "رند" است که در ادبیات پارسی بمعنای ولگردان و اویاش بکاررفته است . حافظ

- (۱) احتمالاً در آمد کلمه "دریژه" نیز از همین ریشه در ریگو و درویش و رویش مشتق شده ه باشد . شکل در رویش را تا عصر خسرو در قاصد خود بکار برده ه است .
- (۲) جالب است که سعدی اصطلاح "سرما به درار" را نیز گاه بمعنوا ن توانگر و د ولتند بکار میرود . مثلاً در این شعر :

سعدی یا سرما به دراران از خلیل ترسند و ما گره آید بانگ در زدنکاروان آسوده ایم
(۳) لفظ درویش بصورت Derviche و Dervis در المنة اروپایی راه یافته و بمعنای "مذهبیون مسلمان" بکاررفته . در عربی بصورت ذخیل وارد گردید ه و بمعنای زاهد و راهب بکاررفته و به دروایش جمع بسته شده است .

"رند" را بمعنای سالکی که در کار خود کامل عیار است بکار برده است (۱) و پیوسته برندی خود نازیده است.
در عرفان حافظ "خرابات" که آقای ملک الشعراء در کتاب میک شناسی خود حدس میزند از ریشه پهلوسوی
"خورباد" آمد باشد جانشین صومعه و خانقاه و رند جانشین صوفی میشود و بدینسان صوفیگری در رند حافظ
گامی قطعی تر بجانب نفی رسوم سالوسانه موجود و پرهائی از تعلق ها و حفظ آزاد اندیشی عتسیان آمیز خسود
برمیدارد.

برای آنکه معنای د و گانه در رویش (فقیر و سالک) روشن تر گردد در ذکرش خواهدی از دشاعر بزرگ شیراز
سعدی و حافظ بی فایده نیست.

سعدی و حافظ در باره د روایش

بسط جنبش در رویشان در عصر سعدی و پیوسته در دوران حیات حافظ موجب شد که این دو شاعر بزرگوار
در آثار خود از رویشان بکرات صحبت کنند و آنها را بستانند. در رند سعدی معنای سالک و
در رویش بمعنای فقیر و مستمند در آمیخته است ولی در رند حافظ واژه در رویش بیشتر بمعنای سالک طریقت بکار
میرود و از آنجاکه این سالکان معمولاً از بی چیزترین مردم بوده اند لذا معنای فقیر و مستمند نیز بخودی خود در
این لفظ منضمراست.

سعدی نه فقط بخشی از گلستان را به وصف گذران در رویشان و سیرت ایشان اختصاص میدهد بلکه
در غزلیات زیبای خود بحمایات از این جماعت که در عصر او د یگر قدرت اجتماعی و معنوی خاصی بود بند برمی خیزد و
آنها را بمثابه مردم محقق پرست و پاکدل و حقیگوی معرفی می کند که هر عمل خلاف راستی خلاف رای آنانست:

قبا برقد سلطان چنان زبانی افتد که آن خلقان گرد آلود برآ لاید رویشان
گر ازیک نیمه شه آرد سپاه مشرق و مغرب زد یگر نیمه بس باشد تن تنها در رویشان
.....

گرت آئینه ای باید که نور حق در آن پهنی
که حق بینند و حق گویند و حق جویند و حق
نهینی در همه عالم مگر سیامی در رویشان
هر آن معنی که آید در دل آید ای رویشان
.....

توزید آری وزن د آری موسم و سود و سرما به
سرای سیم وزید برآز و نقل و جان بود لیسکا
کجا با اینهمه شغلست بود پروای در رویشان
حریف اینست اگر آری سر سودا گار رویشان
.....

این ابیات در لایز د لیستگی عمیق سعدی را به در رویشان مبرهن میسازد و تصور روشنی را که وی از سیامی
این رند ه پویشان لایالی پوی اعتنا به ططنه شاهان داشته است بدست میدهد و در عین حال مسئله مبارزه
ثروت و فقر را با وضوح تمام مطرح می کند. حافظ نیز مانند سعدی در غزلهای شیوای خود در رویشان رامی ستاید.
شایان ذکر است که در اوائل عمر حافظ شورشهای در رویشان سرید آری و در عین د در بسیاری از نقاط ایران رخ
داد ه بود، لذا این بیت حافظ که میگوید:

ساقی ز جام عدل بد ه باد ه تا گدا
غیرت نیارد که جهان پریلا کند

(۱) در برهان قاطع (به تصحیح آقای دکتر مین) رند بکسر اول " مردم محیل و بزرگ وی سالک و منکر و لایالی و
بی قید" تفسیر شده است و نیز کسی که "ظاهر خود را در رملات دارد و هایش سلامت باشد" در آد بیات
پارسی معمولاً بمعنای پادشاه و پادشاه بکار رفته است چنانکه بهیقه در داستان حسنک وزیر می نویسد: "آواز
دادند که سنگ د هید هیچکس د ست بستگ نمی کرد، همه زار زاری گریستند خاصه نشا پوریان، پس مشتی
رند را سیم دادند که سنگ د هند" (تاریخ بهیقه به تصحیح دکتر غنی و قیاض صفحه ۱۸۷) ممکن است
لفظ رند شکل تحول یافته واژه پارسی رند باشد که از واژه اوستائی "رتو" (رند) بمعنای دانای و
خرد مند و د اور مشتق گردید و سپس مابین را " و دال نون وقایه افزود ه شده است چنانکه در روایه کت و کند
(مثلاً راخسیت و ناکت و سمرقند و تاشکند) د یه ه میشود. این مطلب استنباط شخصی نگارنده است و
برمن مسلم نیست. واژه رند را بشکل عربی "رند" نیز جمع بسته اند.

د ارای محتوی مشخص و اشاره بوقایع معینی از دوران حیات اوشت ، بهمین ترتیب د رابیات زیرین نمی توان
همین اشارات تاریخی را ندید :

از ازل تا به ابد فرصت درویشان است	از ازل تا به ابد فرصت درویشان است
سرو زر در کف همت درویشان است	سرو زر در کف همت درویشان است
خوانده باشی بجهت زغیرت درویشان	خوانده باشی بجهت زغیرت درویشان

د رمورد سعدی و حافظ و رابطه فکری آنها با درویشان باید گفت ، درحالیکه شیخ صلح الدین سعدی که خود را پروردۀ نعمت خاندان توانگران میشمرد گاه (از جمله در "جدال سعدی با عی") به مشاجره با درویشان برمیخاسته ، لذا بدین درویش توانگر در نوسان است ، حافظ د برابر زلفه شد بد معنوی و روحی به درویشان هم از جهت آنکه گرد آلود فقرند و هم از جهت آنکه جوای حقیقت بمراتب پذیرست ؛ نوسان هساو سازشهاد را شمارش کمتر بچشم میخورد .

نتیجه مهمی که از این شواهد میتوان گرفت آنست که توجه به جنبش توده های محروم و درویش در قرن وسط و ابراز علاقه و مهرورزی بدان در ادبیات مابصورت ثنای درویشان منعکس است و تصور آنکه ثنای درویشان تنها در مقطع تفکر صوفیانه مطرح شده است نه در مقطع خاص اجتماعی آن تصویری است خطا . باید به آستس ر طبقاتی و محتوی اجتماعی این مسائل بد رستی پی برد .

جنبش های انقلابی درویشان در قرن هشتم

جنبش درویش در سراسر قرن هشتم در خراسان و نرمان بصورت جنبش سرید اریه در رمازند ران و نیلان بصورت جنبش مرغشیه ، در آذربایجان بصورت جنبش خروغیه بروز کرده است . لبه تیز این جنبشها گاه متوجه غاصبین مغول و تاتار بود و گاه متوجه نبود آنها و اشراف و روحانیون دست نشانده آنها .

د رباره جنبش درویش سرید اری خراسان و کرمان سخن دراز است و سنانی نه خواستارک ریساقت اطلاعات جامعی درباره آن هستند می توانند منابع مهمی مانند زنده التواریخ حافظ ابرو و مطلع السعدی یسن عبد الرزاق سمرقندی و روضه الجنات معین الدین اسفزاری و روضه الصفا میرخوند و حبیب السیرخوند میروند که د ولشاه و ظفرنامه سرف الدین بزدی و رحله ابن بطوطه راجعه کنند . هدف ما در اینجا شرح تاریخ نیست . جنبش سرید اری از جهت این توفیقی خود امیزه ای از تعالیم صوفی ، اساطیر و ستن حماسی و پهلوانی شاهنامه فردوسی و عقاید و نظریات شیعی است و در زمینه مبارزه علیه جانشینان خونریز چنگیز و هلاکو و نبرد برضد اشراف ایرانی دست نشانده آنها پدید شد است .

یکی از پیران صوفی بنام خلیفه مازندانی که از مریدان شیخ رکن الدین سمنانی بود نام د رجساده انکار بود عت گذانست و مراد خود را مطلع ساخت که وی به مذاهب اربعه اهل تسنن باورند ارد و بقول شاعر مذ هب عاشق را ازین هبها جدا امید اند . شیخ که خود از صوفیان قسری و زاهد و متعصب د تسنن بود د وات بر سر مرید عاصی کوفت و تکفیرش نمود . ولی خلیفه که د نظریاتش را فکار انقلابی قشرهای مستمند را منعکس میساخت حساب خود را از شیخ جدا کرد و د رسب و اوساط و عطف گسترد و حتی علی رغم فتوای قتلی که فقها و علما " شهبزیدش صادر کرد نه به برانگیختن مردم محروم برضد خاندان مغول و فتوای آنها و روحانیون دست نشانده آنان ادامه داد تا آنکه بالاخره د سمنان نشد رنهان باود دست یافتند و د تاریخ ۲۲ ربیع الاول ۷۲۶ هجری مخفیانه او را از طاق مسجد آویختند و کشتند . مبارزه خلیفه مازندانی و شخصیت وی و پایان کارش و نبرد شرعیه سلطان عصر و روحانیان از بسیاری جهات مزک با مدادان راکه وی نیز اندر زکروا عظمی بدعت گذار بود و به قشرهای پائین جامعه تکیه میکرد بیاد می آورد . جنبشی راکه شیخ خلیفه پدید آورد و سر د راه آن باخت شیخ حسن جویری شاکرد شد د نسال کرد و راویش را بصورت سازمانی منظم د ر آورد و آنها را به سوگند وفاداری متعهد نمود و مسلح ساخت و قدرت و نفوذ خود را د ر نشا بپروا بیورد و مشهد و هرات و بلخ بسط داد و آنها آنکه از غوغی شاه جانی قهرانی شیخ حسن جویری را با ۶۰ درویش به بند افکند و لی رشته کار از دست وی خارج شد و سرید اریه تسلط خود را بر خراسان و ماوراءالنهر بد ر بچ د ر نبرد های سخت بعدی برقرار کرد ند . سرید اریه د عوی داشتند که می خوانند ناری کتند که حتی یک تاتار تا قیام قیامت خیمه در خاک ایران نزند . آنها تعالیم صوفی را با شیوه عباری و جوانمردی د ر آمیخته و بنحوتین هنکهای درویشان مسلح را پدید آوردند ، این جنبش را از طفیلیگری و کداهی و مقاومت منفی به نبرد های خونین

مردانه رهنمائی کردند . خود عنوان سرد اریه که ازآمادگی درویشان برای آنکه سرخود یا سرد شمن را بر در ببینند حکایت میکند نمایند و روحیات پرخاشگرا این جنبش است . شاعر معروف این یمین فریویدی باسرد از ارتباط داشت و واحد وی یاند یشه های آنان را در اشعار خود منعکس میکند . جنبش سرد اریه در کرمان نیز به موفقیت‌هایی رسید ولی شاه شجاع در رویشان سرد اریه کرمان را با شکست مواجه ساخت .

در آنتهنگام که جنبش سرد اریه در خراسان هم‌اوارا ۴ لشهر جریان داشت سید عزالدین مرعشی شاگرد حسن جویری و شیخ قوام الدین مرعشی پسر او از سران در رویش بازند ران علیه فخرالدوله باوندی از امیران باوند این سامان برخاستند . قوام الدین مرعشی در سال ۷۵۱ بدست جناح سازشکاری از در اویش برهبری فراسقا چلبی کشته شد ولی جنبش طرفدارانش سرانجام علیه کرد و تا او آن حمله تیمور در آن صفحات دوام آورد . ظاهراً سران این جنبش در تاحیه تحت قلمرو خود حتی دست به برخی اصلاحات ارضی نیز زدند . کسانی که خواستار اطلاعات وسیع‌تری در این باره باشند به تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف ظهیرالدین مرعشی از اعقاب سید عزالدین مرعشی مراجعه کنند . جنبش در اویش مرعشی در همان ایام کیلان را نیز فراگرفت .

اما جنبش حروفیه در زمان تیموریان رخداد و آن جنبش در اویش پیرو فضل اله حروفی استرآبادی معروف به نعیمی است که بدست میرزا میرانشاه پسر امیر تیمور لورگان در رینج شنبه ۶ بقعد سال ۷۷۷ بقتل رسید . نعیمی خود از زمره پیشه‌میران فقیر بود و طایفه دوزی اشتغال داشت . در مزارات تبریز (۱) تصریح شده است که " این طبقه مشهور به اباحت و تزندقند . و مردم با این قوم بسیار گریزند . آخر علمای مجسوم کرده و وقتاً عا نوشتند که شرعاً خون این قوم را باید ریخت و اگر پادشاه احتمال کند دفع پادشاه نیز فرض است " علی‌رغم قتل‌عامی که از حروفیه در آذربایجان شد آنان تادیری مایه رعب شاهان ایران بودند و سید قاسم انوار عارف معروف که از ارادتمندان حافظ بود با حروفیه ارتباط داشت و ظاهراً وی به اشتراک اموال معتقد بود . در توطئه جان شاهرخ تیموری بدست احمد لره، سید قاسم انوار هم متهم شد ولی بسبب نفوذ و شهرت عظیمش او را نکشتند ، تنها به تبعید گاه فرستادند . جنبش در اویش حروفی پیش از هر جنبش دیگر پس از حمله مغول از عناصر تعالیم مزدک اشباع است و اگر جنبش سرد اری شیوه عیاران و جوانمردان قرنهای سوم و چهارم را با صوفیگری در آمیخته بود جنبش حروفیه آموزه‌ای از اندیشه مزدکی و تعالیم صوفیانه است .

آخرین جنبش مسلح و متعزض در اویش جنبش صوفیان پیرو شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که بعد ها در رکاب شاه اسمعیل صفوی نبرد ها ازبوه و سلسله سید ساله صفویه را بنیاد نهاد و اندک ولی این صوفیان بزودی از جرگه سیاست خارج شدند و به جمععی ولگرد طفیلی و یا بگروهی فراش و میر غضب میدلگردیدند و قلسب ماهیت کرده و مسخ شده و از میان رفتند .

جزد رمورد سرد اریه و مرعشیه و حروفیه و صوفیه طرفدار شیخ صفی‌الدین مازن جنبش متشکل و مسلح و پرخاشگرد بگرد رویشان در قرون وسطی اطلاعاتی نداریم (۲) ولی همین اندازه نشانه آنست که سنن مقاومت در میان قشرهای محروم جامعه ایران ریشه‌های عمیق داشته و اندیشه عرفانی‌گاه میدان داده است که این مقاومت بصورت فعلی بروز کند . آنچه که در این بررسی فوق‌العاده و مجمل بیان شده فقط طرح مطلب است . امید است پژوهندگان فاضل حق مطلب را در آکنند و این گوشه‌های جالب تاریخ مبارزات طبقاتی جامعه قرون وسطای ما را روشن گردانند .

(۱) به نقل آقای صادقی که در مقاله : « آگاهیهای تازه‌ای از حروفیان » - مجله دانشکده ادبیات شماره ۲ سال دوم .

(۲) جنبش انقلابی بابیه از جهت تسلسل فکری با این جنبشها پیوند وری دارد . این جنبش نیز بر زمینه برخی نظریات عرفانی بروز کرده و با اینحال چون پیدایش آن در شرایط تاریخی و زمینه اجتماعی دیگری بود است ، نمی‌توان آنرا در زمره جنبشهای انقلابی درویشان قرون وسطای وارد ساخت .

"دیالکتیک چیزی جز علم بتوانین نلی حرکت
و تعامل طبیعت، جامعه بشری و تفکر نیست"
(انگلس - آنتی د یورینگ)

برخی عناصر دیالکتیکی و مادی در افکار

عبدالرزاق لاهیجی صاحب «گوهر مران»^(۱)

عبدالرزاق لاهیجی کیست ؟

پژوهشگرترین فیلسوف ترن هفتد عم ایران - صد رالد ین محمد بن ابراهیم شیرازی (مشهور به ملا صد را)
علاوه بر تالیفات عد ید ه ای که از خود بیاد کار گذاشت شاگرد ان فراوانی تربیت کرد که در تاریخ فلسفه و علم و ادب
ایران نامد ارشد ند . از جمله ایشان یکی عبدالرزاق ین علی لاهیجی است که در شعر فیاض تخلص میگرد . او نیز
مانند محمد بن مرتضی مشهور به ملا محسن فیض کاشانی د امام و شاگرد ملا صد را بود . اما اگر فیض کاشانی چهل سال
بعد از استاد ش زنده ه ماند فیاض پیش از د و سال از فوت صد را نماند همین صد رای شیرازی نگذشته بود که د رسال
۱۰۵۲ هجری قمری (۱۶۴۳ میلادی) بد رود حیات گفت . با آنکه لاهیجی کتاب "سرمایه ایمان" راد اصول
د ین نوشت باز هم مانند استاد ش ملا صد را از تجربه تکفیر متعصبین مذ هبی و ارتجاعی د ایران د ر امان نماند . ارزش
فراوانی که اپه رای علم و حکمت قائل میشد و تعابیل شد ید ش به طور کلی نسبت ب فلسفه یونان و خصوصاً بکتب ارسطو
همراه باد نواع منطقی اعتراف ید ر سببنا ایستی مشایون د ر مقابل هجوم فقها " و متکلمین اورا مورد بی مبری و گاه خشم
و غضب بعضی تذ کره نویسان اسلامی قرار داد . محمد تنکابنی صاحب "قصص العلماء" برای آنکه مراتب تمسخر و
استهزای لاهیجی را نسبت به د ین و مسائل مذ هبی نشان د ند مینویسد :

"از مدعید الرزاق پرسید ند که اگر کلاغ در چاه افتد چند د لهاد نشید (تا آب باصطلاح
تظہیر شود) . او در جواب گفت : " کلاغ مرغ زیرکی است در چاه نیافتد " (۲) .

عقید ه وحدت وجود او که جنبه ماتریالیستی د است چون خاری در چشم روحانیون مرتجع میخالد ، زیرا
پرورد کار عالم راد حقیقت د عالم مادی د تحلیل میرد و خالق را با مخلوق یکسان میساخت . او مرد انشی سوفیان
وحدت وجودی و بیمارزان سرسخت راه عقید ه مانند متصور حلاج را بد ین زبان میستود که :

"هر که بینی لبش از د عوی متصور پراست
او مخالف عوامشیری و مومناوات بود و شیفته د انش و معرفت :

روح د رقالب انسان زب معرفت است
کرده ه اند این تله د رخاک که عنقا کثیر ند
علاوه بر آثار فلسفی از او دیوانی به یاد نارمانده ه که د رحد ود پنج هزار بیت د ارد . او د علم و ادب و فلسفه سمنت

(۱) مجله د نیابری کنت به تد یم و تبصیر علمی تاریخ و فرهنگ ایران و از آنجمله تاریخ تفکر فلسفی و اجتماعی
میسن مایه نیشهای رانده د ر این زمینه انجام گیرد با نهایت میل نشرمید هد زیرا اینکار بسیار مهم و ضروری
و انجام آن د درجه اول بر عهد ه طرز کمیتههای ایرانی است . مقاله حاضر جهات مثبت د یالک تیکی
و ماد خرد رانغانی از بهترین شاگرد ان صد رالد ین شیرازی یعنی عبدالرزاق لاهیجی نشان مید هد و
بنامه خرد د لیلی بر آنست که د رسورت پژوهشگر تاریخ تفکر فلسفی د ر ایران معلوم میشود که محققان سا
سهم برجسته ای د راستیاد! او تا تمام بسیاری از حقایق یاد ا نده ه اند ، امری که د را شرف د تحقیق و
پرسی علمی نه نند! برجسته اتیان بلکه بر خود ایرانیان نیز مستتر است . د دنیا

(۲) محمد تنکابنی ، قصص العلماء ، چاپ تهران ، صفحه ۲۲۱

پیشروان پیشین را محترم میدانست. ناه بسبت: پیام رباعی میسرود و میبفت :

بوت است نه توت پیراستاد د نیم
آموخته خارارخه از یاد د هم
پاچام می د رساله درمیکده شما
ناموس هزارساله بر یاد د نیم

و ناه به تحلیل افکار تاریخی و این سینه و خواجه نسیراک این "بسی میسرود" است به تشریح "تو سیح" "تسانون" و "شنا" "حمت میفکاست" در عین حال پیرو تقلید نبود، در اعتقاد علمی بی پروا بود، با مفا: برآمدن مین همزمان معا ترین حتی با استاد خود عدد را گفتار اولین بی محابا به مباحثه می پرداخت، باز نداشت و استدلال فکری بود. لایچی علاوه بر کتاب شوارق و شرح تجرید و شرحی که بر محور الحکم نوشته دارای کتابی است بنام "نوسر مراد که درجه در لغت دین است و به د ناع از تشیع پایان میابد نیکن حاجی افکار فلسفی پرارزشی است. بسی شت تد تبق نثات مثبت این اثر خاصه برخی عنا مرتفرد یا لکتیپی بعضی تعالیات روشن ماتریالیستی که در آن نوید او برانده است برای تحقیق و تدوین تاریخ رشد افکار فلسفی در ایران رورست.

مفهوم حرکت - حرکت تد ریجی و دغی

تا قبل از تد رای شیرازی پیشروان نسنه منائی بر تد راز تفصیلات جزئی اساسا را راف چهار نوع مدد حرکت گفتو میبرد تد :

- (۱) حرکتی که اثرش عبارت از ایجاد باعدا م است (نکین و ساد)
- (۲) حرکتی که اثرش انتقال یا تغییر مکان است (به جارت د بحر حرکت د مقوله وضع)
- (۳) حرکتی که باعث زیادت و نقصان در مقدار است (یا حرکت د مقوله کم)
- (۴) حرکتی که سبب استحاله و تبدل نینیت است (یا باعدا م الح حرکت د مقوله کیف)

به لوریه منبهد است این مفا: سیم حرکت تد بتد ریج از شکل پست تریه شکل تاثیر ارتقا مییابد در سحر اخیر خود بنده بود یا لکتیپی حرکت تد ید منبهد. تد رای "شیرازی" حرکت د مقوله "جوسر" را بر این چهار نوع از تد میا این عمل خود تد تازه منبهد در ارتقا مفهوم حرکت از شکل ساد ه سانیکی بشکل پشرف تد یالند تیکی برد است. ای مقهوم "حرکت جوسری راد راتار مختلف" بود خصوصاً د "استار" به تبدیل بیان تد است (۱). علاوه آن اینست که مفا: تد دارای حرکت د ای تاملی است که از تد و تد نینیت تد سار سده منبهد. یکی از استدلالات صدتانه او در این مورد استاد به تد ریه ار ساد و تد ریه وحدت "بیوت" و جرت است. تد راین سید چون مافه نیچاه از جرت تد نیست و چون صورت بنا برو یفه خود تد تد تد و تبدل است پر جرد مافه نیز شنه به تد مازن با حرکت تد نیبیرا تد. پس بیعت بالذات متجدد و سسال است به وجود و الف تد سسد احتیاجی ندارد. تد را گفتار اولین در شرح بر تد آبه می نویسد :

"انها با عا اعدا به و اننوس المتعدده یا لاید ان الطیبیه انما متحرکه فی ذاتها و جوسرنا صد رای شیرازی در چهار چهره سیستم تد سفی خود تد به تد کلی حثیه اید ه ایستی بتا لگی دارد باین نتیجه میرسد که حرکت و تبدل و تغییر لایتنای است و جهان مادی هر تد متوقف نخواهد داشت. در آموزش او حرکت جنبیه کلیت و حقیقت ید امبکند. ثبات و سکون نسبت بحرکت سنجید ه می شود تد حرکت نسبت به سکون (۲). باید تد می د یشره جلوه ر داشته می شد و این سؤال جواب گفته می شد تد: پس چه چیز است تد در ذات او جوسرنا سفا؟ این حرکت و تغییر دغی را سبب میبرد تد ؟

تد شهاد را موزن مفا شون بلکه در فلسفه اثرات مین نیز بویید تد ریه "وحدت و سارزه انداد" برخوردار منبهد. در چاکه متفکرین و فلاسفه از جهان مادی و عناصر اربعه و سائنسات تد تد بیان میامرد غالباً از "مزان تد اند متاسر" سخن گفته اند. مثلاً لایچی در بحثی که از جوسر تد ترتیب تد سار م با ایجاد اجسام نوین بیان آیزد ه عناصر اربعه را "در ذاتیات منافات و تد یت با هم" دانسته است (۲). امبقت "نام مجردات" را بدون انداد سرفه "تضاد و منافات" را "مخسوس د اربعاد، خصوصاً عالم نون و ساد" میدانند. قابل توجه تد که لایچی ترجا از تضاد نام میبرد آنرا لازمه "فعل و افعال تجددی" محسوب د است مفا: سیم "تاساد"

(۱) تد راند مین محمد بن ابراهیم، استار، تهران، چاپ اول، ۱۳۲۸، جلد اول، صفحات ۱۲۴-۱۲۰
 (۲) برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به مجله "دنیا" شماره ۲، سال ۱۳۲۱، صفحات ۱۰۶-۱۱۰
 (۳) عبد الرزاق لایچی، کونر مراد، تهران، سال ۱۳۲۱، صفحه ۷۶

و "تجدد" را بهیچ مربوط میسازد. او معتقد است که عالم بودن و مساد که در خارج از ذهن انسان وجود واقعی دارد نمیتواند بدون فعل و انفعال و تأثیر و تاثر برآید. او میگوید: "تأثیر و تاثر فرغ شدیت و انفعال تجدد است" (۱) و معتقد تر از این "انفعال تجددی" همانا ایجاد بدیهه ای نو وجدید است.

اما سؤال بالا همچنان بی جواب ماند و جمع دوشکسته (حرکت و تشاد) در یکجا و ربط آنها درین فرمول جامع "تجداد ماد در بیشترت است" صورت ندرتت. در جریان تاریخی روند اجتماع ایران شرایط عینی ضروری جهت برداشتن چنین قدمی موجود نبود. حتی همان نظریه حرکت جوهری فقط فلسفی دایمانه بود که از شرایط مشخص زمان و مکانی که مبتکران بعد رای شیرازی در آن شرایط میزیست بمراتب جلوتر بود. به همین دلیل نیز این فکر پرارزش توسط متفکرین بعد بسط و تبادل نیافت و حتی مورد اعتراضات زیاد واقع شد. از جمله شائرد اوقیانز لاهیجی با تأیید مشایخون پیشین خود، صواباً این سنان نوشت:

"حرکت در مقوله جوهر ممکن نیست سبب آنکه جوهر ذاتی جسمست و حرکت در ذاتیات جایز نیست" (۲)

او مانند متقدمین حرکت در چهار مقوله از مقولات عرض و واقع دانسته نوشت:

• وقوع حرکت در مقولات عرض جایز است و در چهار مقوله از آن واقع (۳)

با وجود این تشریح تازه و مفرقی که بعد رای شیرازی درباره حرکت جوهری پیش کشیده بود، تاریخچه را نیز در اندام رسوخ نموده بود. همانند نتیجه رسوخ این فکراست که لاهیجی خود در جارتضاد کردیده و در صفحه بعد در تصنیف انواع حرکت چنین مینویسد:

"بدانکه حرکت باعتبار محرتت تسیم میشود به حرکت بالذات و حرکت بالعرض. و در تعریف حرکت بالذات میگوید:

"حرکت بالذات آن بدیهه - یزیرا که موجود به حرکت سازیم حرکت در واقع قائم به او و سفت ایشاید" (۴)

در نتیجه متأثرتر استاد است که لاهیجی متوجه حرکت درونی و بیعی اشیاء شده میگوید:

"جسمی که محرتت بود تا چار او را محرتی بود"

و آنچه این محرتت را "تیزدات جسمیت" معرفی میکنند و میگویند که محرت

"منحسر بود در ابعیت نفس... و ابعیت، اثرات تحریک رستاد از خسان نبود، آن حرکت را ابعیت بخیند" (۵)

اهرای توضیح فکر خود امثال تر اوانی از "عالم مادی عینی" میاورد. درست است که ابعیتها بهار او از خود و حرکت ساده مکانیکی تجاوز نمیکنند ولی در حال با روح شامل بدیهه میاید که تراستاد. در راه درباره حرکت جوهری در او اثر شایانی گذاشته و او را بدرتت یا تکنیکی حرکت خلی نزدیک ترده است.

برای روشن شدن مطلب تالیق خید را در زیر میقترضیم. لاهیجی - شنا ابعیت از حرکت در مشهورت

چهارتا نه (این، وضع، کم، کیف) در نوع حرکت نمی را تشخیص میداند: یکی "نوع حرکت همه در صورت

تخلخل و تشاد نه زیاد شدن و کم شدن جسم در متد اراست" و دیگر "حرکت نمی در هر نحو و بول" (۶)

(ذبول عکس نمو و معنای انحطاط یا انحلال است) در توضیح این جواب به مدعی دردتت رما را مثال

آوردن نشان میداند: چگونه تخلل معینی در حال رشد و نمو است هر آن عمل مشخصه در راعوص میند در

حالیکه از حدیث "جسمیت مطلق" یعنی از لحاظ مفهوم فلسفی ماده (همچنان باقی است) لاهیجی میگوید:

"مثالها نخله معینت در حالت نمو از این حیثیت نه در بدست از افراد تخلل که بعضی است از جسم مطلق با جسمیت بالمشعر، و از این حیثیت نه در بدست از افراد جسم مطلق

(۱) عبد الرزاق لاهیجی و گوهر مراد، تهران، سال (۱۳۷۱)، صفحه ۱۱۱

(۲) همان کتاب صفحه ۸۸

(۳) همان کتاب صفحه ۸۶

(۴) همان کتاب صفحه ۹۰

(۵) همانجا

(۶) همان کتاب صفحه ۸۱

که مفهوم و جنس نوع نخل است متبدلست و غیر باقی یا شخصی، بلکه بشرطه شخصی از او متبدل نشود به شخصی دیگر... و آنچه در ثروام نخله معتبر است جسم مطلق است بن حیث العموم لامن حیث الخصوص" (۱).

از این مثال دیده میشود که او درک مفهوم فلسفی ماده و تشخیص آن از مواد مشخص جدا نمانده است. فیاض از این هم جلوگیری فرشته در بحث از "حرکت در مقوله کیف" بدو نوع از حرکت: بدو یکی و انقلابی اشاره اشاره میکند. در توضیح حرکت ثقیلی او نیز همین آب را مثال آورده مینویسد:

"... چون گرم شدن آب، چه سخونت برای آب حاصل نیست و بتدریج حاصل میشود و اینرا حرکت در کیف و استحاله نیز گویند" (۲).

و در جای دیگر در معنای کون و ساد و توضیح جهش و با اصطلاح خود او تغییر" د فعی، "تخیر آب را نمونه آورده مینویسد:

"این معنی را کون و ساد گویند، چون حاصل شدن صورت هوایی برای آب یا زائل شدن صورت مائی از آب... چه حصول صورت هوایی برای آب ممکن است چنانکه در حالت انقلاب چه ماده آب صورت مائی بندد و در صورت هوایی بردارد و این سرد و تغییر در آن واحد حاصل شود که د فعی عبارت از آنست" (۳).

مثال دیگر که فیاض در شرح تغییر د فعی (جهش) آورده از این هم قابل توجه تر است. اول حمله تماس د و جسم را مثال آورده مینویسد:

"پس انتقال جسم از لاماسه به ماسه د فعی باشد نه بدو یکی" (۴).

درست است که او نام این نوع تغییر و تبدل را حرکت نمیند و اولی صحبت بر سر نام و اصطلاح نیست بلکه بر سر آنست که فیاض به درک گرم" د فعی و انقلابی" تغییر و تبدل ناائل شده و لزوم چنین شکلی از جنبش را طبیعی و ضروری دانسته است.

مشرفین بر روزی معاصر به از نام "حرکت انقلابی" و اصطلاح "تغییر د فعی" صحبت میفرمایند. انواع د سانس و حیل متوسل میشوند تا لزوم انقلاب را نه فقط در پیوسته روند اجتماعی بشر بلکه در تحول حوادث و پدیده های طبیعت نیز ثابت کنند. و با نام جسم امریکائی پد رکتی پرانما تقسیم در این راه سعی اند که بخرچ نداده است. او مدعی است که حرکت و تغییر نقطه یک شکل دارد و اینهم شکل بدو یکی است و حرکت و تبدل انقلابی گویا جز تسریع همان جنبش بدو یکی چیزی نپزیر نیست. بدین ترتیب او سرحد بین بدو یکی و جهش را انکار مینماید. جواب این سفسطه را ما هم با پیش بانیان د یالکتیک مائریالیستی داده اند. مثال مشهوری را که نزد ریک آنتلس به تکرار را آثار خود آورده است بیاد آوریم. از درجه حرارت آب از بدو یکی با لایریم به نقطه ای میرسیم که در اصطلاح د انتر فیزیک "درجه بحرانی" گویند. در این نقطه با حفظ شرایط همین ارتقا بعدی درجه حرارت وقتی میسر میشود که آب شکل مایعی خود را عوض کند و به کیفیت تازه یعنی بخار تبدیل گردد. این موضوع اختراع د یالکتیک مائریالیستی نیست بلکه حقیقی است که مستقل از ذهن و شعور انسان در واقعیت خارج وجود واقعی دارد. حتی فیلسوف بزرگ ایسده آلیست آلمانی شکل بدو یکی نکته یعنی تحول انقلابی کیفی بی برده و آنرا توضیح داده بود.

از اشکله متعدد د پزیکه لایریمی در شرح تفاوت بین بدو یکی و انقلاب آورده یکی هم همین تغییر د درجه حرارت آب و تبدل آن به بخار است. او مینویسد:

"مغنی بدو یکی همین باشد و همچنین در صورت گرم شدن آب چه میان در مرتبه از برودت و مرتبه از حرارت مراتب بسیار از سرد و ضعیف تر نیست که چون آب از آن مرتبه برودت بپزد رود تا طی آن مراتب کثیره نماند ممکن نشود او را تبخیر به آن مرتبه معینه از حرارت... و اینکه تقسیم به خلاف صورت انقلابیست چه میان صورت مائی و صورت هوایی مثلا صورت

(۱) مهد الرزاق لایمچی، نوه مراد، تهران، سال ۱۳۷۱، صفحه ۱۶۰
(۲) همان کتاب صفحه ۸۹
(۳) همان کتاب صفحه ۸۸
(۴) همانجا

د یگرم توسط نیست که تلوس بیان متمور شود " (۱) .

لاهیجی در فصلی از کتاب خود که به " بیان انقلاب و استحاله عناصر " منحصر ساخته روش دودسته از قدما را ساخت به یاد انتقاد گرفته است . او میگوید یک دسته ثنائی هستند که " انکار استحاله و انقلاب هر دو نموده اند " و دسته دیگر هستند که بدایش کیفیت نهین و انقلاب را منکر شده اند . لاهیجی با ذکر امثله فراوان تجریدی از جهان مادی عینی وجود و لزوم انقلابات (هم اصطلاح خودش در انواع انقلاب : با واسطه و بیواسطه) را ثابت کرده مینویسد :

" دلیل بر انقلاب بیواسطه (یعنی تبدیل یک عنصر به عنصری با فصل بعدی) مشاهده است و بیان " (۲) .

و در باره دوروش نامبرد در بالا بدین نتیجه میرسد که :

" این هر دو وجهی در رعایت سخافت است " (۳) .

استنباط مادی زمان و مکان در نزد لاهیجی

دکتر محمد خزائلی در کتاب تاریخ فلسفه خود اهمیت صدرای شیرازی و مکتب فلسفی ابراهیم باقرت زیرسازنایی کرده است :

" در زمان صفویه خاتم فلاسفه شرق مد رالدین محمد بن ابراهیم ملقب به ملا سعد را ظهور کرد . وی شانزدهمیرداد مد و میرفند رستی و شیخ بهاءالدین بود و خود صاحب نظر و اوجتبهاند و فلسفه او اساس فلسفه لایب نیتز و کانت کردید " (۴) .

مصدر رارا " خاتم فلاسفه شرق " نینامیم زیرا بعد از او در کشورهای شرق زمین و از جمله ایران فلاسفه بزرگ و کوچک دینریجه اند . همچنین برای تمدن یق این مد عا که " فلسفه او اساس فلسفه لایب نیتز و کانتست کردید " نیز اساسی در دستند ابراهیم . اما اهمیت مکتب فلسفی این متفکر شهیر ایرانی را بر مراتب بیشتر و بالاتر از آن میدانیم که بدینتراتی خزائلی رسیده است . برای روشن شدن این نکته وجهت اینکه بحث مختصر روشنی ناقص نمائیم مدستریابه جنونگی درک معان و زمان و تعریف این مفاهیم از رف شانزده اول مکتب صدرا توجه مینیم، چه بحث پیرامون حرکت بدون توضیح در باره زمان و مکان طبیعانا نارسا خواهد ماند .

به بنیم عقیده لاهیجی در باره مکان و زمان چیست و مثلاً با کانت که در آلمان یک قرن بعد از او میزیسته (۱۸۰۴ - ۱۷۲۷) چه تفاوتی دارد .

لاهیجی در کوه مراد مکان و زمان را به همراه حرکت " احوال مشترکه اجسام " نامیده است زیرا این امور وجودی مادی بدون استثناء برای همه اجسام مشترک و عمومی است . او پس از آنکه " امارات مکان " یعنی علائم میزیه آثار می شمارد تعریف " ذهنیت " و اصطلاح امروزه " ذهنی " زمان و مکان را رد کرده مینویسد : از مناتب مختلفه در باره مکان

" یکی مد هیبتکلمین است که گویند مکان بر جسم فذائشی است موموم که جسم در او تنجید چون فضای دوزن کوزه برای آب و آنرا موموم گویند . و مراد از موموم آنست که بوموم در آید اما در خارج موجود نباشد " .

لاهیجی این طریقه را باطل دانسته دلیل میاورد که :

" مکان به حسب خارج (یعنی خارج از ذهن انسان) قابل زیاده و نقصان است چه مکان جسم بزرگ لاجاله زیاد است بر مکان جسم کوچک در خارج و نفس الامر . . . و شک نیست که شرحه قبول زیادتی و نقصان به حسب خارج کند معدوم در خارج نتواند بود " (۵) .

(۱) لاهیجی ، کوه مراد صفحه ۸۸

(۲) همان کتاب صفحه ۷۲

(۳) همانجا

(۴) دکتر محمد خزائلی ، تاریخ فلسفه و متافیزیک و خلاصه زیبائی شناسی ، تهران ۱۳۲۲ صفحه ۵۲

(۵) لاهیجی ، کوه مراد صفحه ۸۵ و ۸۴

در باره زمان جای دیرینه‌نویس :

- جمعی از متفکرین بر آنند که زمان چون مکان امریست موشوم و نزد ایشان خواه عالم موجود باشد خواه نه مکان و زمان متحققند به تحقیق و حسی .
- و بالاخره پس از آنکه ساده و راست لایه‌هایکه می‌آورد بدین نتیجه می‌رسد نه :
- "بی‌اعلان این مذنب شهری دارد که در میان بیان نیست ."
- و طرفداری از فلاسفه در مقابل هجوم متفکرین برداشته می‌نویسند :
- "حکما بر آنند که زمان امریست موجود در خان" (۱) .

در مورد مکان عبد‌الرزاق لاهیجی معتقد گزمیشد که اوستیبرونو، یکی برای مفهوم مکان از دست‌نماین یافته است "اما ایشان را نمی‌توانستند چه ایشان آنگاه به تحقیق سخن بگویند و بگویند که از وجود عالم (یعنی تیل از غرغره تجربه و پیش از غرغره آسان تجربه) و آنکه ما نظیم منتفی شود از وجود عالم ."

لاهیجی حقیقتاً هم همه جا و همیشه وجود عینی زمان و مکان را با استناد به تجربه و مل و مسائل از عالم مادی می‌داند و موجود در خان از ذهن انسان اثبات می‌کند و نشان می‌دهد که متولات زمان و مکان و بدینی - ارنده با نوا ساء و د اثباتسته بوجود عالم مادی است .

اکنون يك مایسه بین سیستم فلسفی کانت که به "فلسفه پیشین" و یا "فلسفه پسرترین" (Philosophie transcendente) موسوم است و موضوع "معلومات پدسی" (connaissances a priori) در این سیستم فلسفی یا تعبیری که متفکرین اسلامی از زمان و مکان برد و بحق مورد اعتراض دست لاهیجی قرار گرفته است وارد شواری نیست . کانت هم مانند متفکرین اسلامی می‌گفت که زمان و مکان "امور قبلی" (a priori) هستند یعنی قبل از هر تجربه ای بوجود آمده اند . این وجود عینی زمان و مکان را متفکرین و آنهارا مقولاتی ذهنی یعنی زائید و ذهن بشری می‌شمارد . عبد‌الرزاق لاهیجی چنین ادراک زمان و مکان را "باطل" بشمارد و حرکت را لازمه وجود اجسام مادی و مکان و زمان را واقعیتی عینی می‌شمارد . او تالیف بحث زمان مکان خد را چنین جمع بندی می‌کند که اگر کسی بگوید زمان و مکان و حرکت موجود در ذهن هستند و می‌تواند "باطل است" (۲) .

بدین ترتیب ما در اینجا به گروه دیگری از نکات مثبت و مفید فلسفه لاهیجی یعنی به بعضی تمایلات ماتریالیستی در سیستم فلسفی او (که در مجموع جنبه ایدئالیستی و تئولوژیک دارد) می‌رسیم که تحقیق در ادراک این نکات از موضوع مقاله فعلی خارج است .

نظریه لاهیجی و مباحثه و مجادله او سرسر عینیت و ذهنیت مقولات زمان و مکان را برآید گفته جاویدان نئین می‌اندازد که در فصل "مکان و زمان" از کتاب مشهور خود "ماتریالیسم و امپیریوکریتیسیسم" نوشت :

"ماتریالیسم با اعتراف بوجود واقعیت عینی، یعنی ماده متحرک مستقل از شعیرما ناظر و قبل از هر چیزی به تمایز از منتجب کانت که در این مسئله جانب ایدئالیسم رانده می‌آورد و زمان و مکان را واقعیت عینی نمی‌شمارد و بلکه صورت‌ناره انسانی می‌شمارد، باید بواقعیت عینی زمان و مکان اعتراف کند ."

نه فقط در بحث زمان و مکان بلکه در باره ای از مسائل دیرینه‌نویس همای درت ماتریالیستی چنان در فلسفه بدی ازاق لاهیجی شهید است . متریدی نیست نه اینگونه نمونه نادرتاریخ که بنسب فلسفه ایران زیاد به هر کونگون در آثار این میان فیلسوف و متفکر بزرگ دیده می‌شود . اما نه و سواد به ایار لاهیجی است باید متذکر شد که بجای پیگیری، تجمع شما هکت موجودت میوزون عنوانرد یا انتیکی با تمایلات ماتریالیستی در کتابها، ما در سیستم فلسفی او به برآندگی و عدم شما هکتی این جهات مثبت و یا نتیجه بیند ساسله اند و نتیجه - امپیریوکریتیسیسم می‌توانیم که همه احتمالات سرحده بدین روند مادی و معنوی اجتماع و تشاد های دران و شمره در اراختنای او و بدی تئولوژی حاکم زمان است نه اساساً بدی تئولوژی مذهبی و جهان بینی ایدئالیستی برده است . محد و شت تاریخی آن متفکر بزرگ تیزد رسین است .

(۱) لاهیجی، نوهر مراد، صفحه ۹۲

(۲) همان کتاب صفحه ۹۲

* امراد بی-تزاز همه به هموار ساختن مکانیکی ، هم تراز نردن ، تسلط اکثریت بر اقلیت تن در می - دهد ، جای بحث نیست که در این امر مسلط تامين عرصه وسیع ابتکار شخصی ، تراشهای فردی ، مید* برای فکر و تخیل ، شکل و مضمون ضروری است .
لنین - کلیات بزبان روسی - جلد دوم صفحه ۲۸

برخی مسائل مربوطه

هنر و نقش اجتماعی آن

نگارنده این مقاله در گذشته بررسی نمائی راجع به هنر ، ماهیت و بساطت آن نگاشته که در موقوع خود در مجله تئوریت حزب " مردم " و مطبوعات د یزدن - نگاشته بود . آن هنگام تاکنون ، استنباط برخی مسائل زیباشناسی (استتیک) و هنری در نزد مارنسیستها - لنینیستها در پرتو تجارب آنگاه شده و ووارسی نقادانه این تئوریت غنی تر بنیده است . اثر سخنرانی نگارنده در نخستین کنگره نویسندگان ایران در باره ماهیت هنر و زیبایی هنری* وی را در زمره کسانی قرار نمیداد که در کشور ما راجع باین قبیل مسائل فتح باب کرده اند ، شاید نیاز خاصی نبود که نظریات خوبی خویش را بیان کرد . نظریات کنونی با آنکه از جهت اسلوبی بر بنیاد استنباطات شهن سرا ر دارد ، با اینحال مضمون برخی تأکیدات و استنتاجات تازه و تازه جدی و مهم است . مقاله حاضر که مشکل تزهائی فشرده و با احتراز از شرح و تفصیل نگاشته شده ، ایسین تأکیدات و استنتاجات تازه را منعکس می نرداند . بدیهی است که در این مقاله همه مطالب مربوط به هنر نوشته نشده و چنین مقدسی هم در میان نبود . است . و نیز این مقاله بدعی نیست که حللهائی بی خدشه مسائل را بدست داد . است ولی اگر بتواند دست درست و منطقی حل را در مسائل مطروحه نشان دهد و تلفیق خوبی را انجام داده است .

هنر فولکلوریک ، هنر کلاسیک و هنر مدرن

هنرمندان ما میتوان به سه جریان یا سه مقوله (۱) عده در تقسیم کرد : هنر فولکلوریک یا خلقی ،

هنر کلاسیک و هنر مدرن (یا نوین ، یا معاصر) .

هنر فولکلوریک بخشی از فرهنگ خلقی است (۲) . خصیصه هنر فولکلوریک بدور بود نیز از جهت اصولی قبی ، خیال پردازانه و به الود بود نیز از جهت منطقی هنری است . واقعیت (طبیعت و زندگی) در این هنر به شکل نمایی (سمبولیک) ، پندار آمیز (فانتاستیک) یا تأکیدات و ظوهای خاصی منعکس میشود . هنرمندان فولکلوریک غالباً تمنا مند . آثار ادبی این هنرمندان غالباً سینه بسینه منتقل شده و فقط در یکی دو قرن اخیر است که

- (۱) لفظ " جریان " و لفظ " مقوله " هر دو تار و ساز تقریبی است . در علم استتیک ، مفهوم " جریان هنری " و " اسلوب هنری " و " مکتب هنری " به آنچه که نگارنده در متن نوشته نزدیک است ولی در تقسیم بندی فوق مقوله های مطروحه (فولکلوریک ، کلاسیک ، مدرن) بسی بفرنج تراز تمام مفاهیم مشروحه یعنی جریان ، سبک و مکتب است و در واقع سه نوع استتیک ، سه نوع " مجموع قوانین " و " کد گس " استتیک راه بر می گرد .
- (۲) در فرهنگ فولکلوریک نه فقط هنر بلکه علوم فولکلوریک نیز وارد است . برای آگاهی از جنبه های مختلف فولکلوریک بمعنای فرهنگ خلقی رجوع کنید به مقاله و طرح نویسنده " فقیه " صادقی هدایت در مجموعه نوشته های پراکنده وی .

ثبت وضبط وجمع آوری میگردد .

منظور از هنر کلاسیک تمام آن اسالیب (یا مکاتب) و جریانات مختلف هنری است که بر پایهٔ سندهای بنیادین خلاقیت هنری و قواعد دیرینه استتیک پدید آمده (۱) . باین توضیح و تعریف باید افزود که هنر کلاسیک از عهد عتیق آغاز شد و امروز نیز یکی از فولکورات مهم هنر زمان است و مراحل رشد بسیار متنوعی را درازمنه و اعصار مختلف گذرانده است . هنر کلاسیک برخلاف هنر فولکلوریک اثر هنرمندان شناخته شده است و محصول نتایج مفاهیم و استنباطات زیباشناسی یا استتیک کلاسیک ورشد آگاهانه منطبق هنری است . در استتیک کلاسیک هدف عمده عبارت است از انعکاس هرچه کاملتر ، دقیق تر و مطابق تر (adaequat) واقعیت یعنی پیوسته اوصاف و تصاویر هنری . مراعات شباهت در نقاشی و حجاری ، حفظ مقارنه و موازنه ، توجه به تزئین ، ایجاد شکوه و جلال در معماری توصیف هرچه واقعی تر زندگی و طبیعت در ادبیات و هنر نمایشی ، مراعات خوشاهنگی و قوانین هارمونی مبتنی بر تناوبه (Tonality) در موسیقی .

هنر مدرن بویژه از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ پدید شده و بعدی تحول کیفی عمیق در مفاهیم و استنباطات بنیادی و اساسی استتیک کلاسیک است . گاه به معیارهای زیباشناسی فولکلوریک متوسل گردیده و مثلاً از مناظر و رمایای نقاشیهایی بدوی آفریقائیان الهام می‌گیرد ، گاه معیارهای صرفاً ذهنی و روحی ، انفرادی و حتی من در آوری را جانشین معیارهای عینی ، واقعی ، همه فهم و همه پسند می‌تند . هنرمندان منکر اصل شباهت در نقاشی و حجاری ، طرفدار عدم مقارنه و موازنه ، احتراز از زینت پرستی و جلال و شکوه سازی در معماری ، تقویت جهت دید فردی و درک ذهنی پدید آمده های حیات در ادبیات و هنر نمایشی و توسل به آهنگی و تونالیته در موسیقی است . هنرمندان به " دید شخصی " و " یافت عمیق هنری " هنرمند تکیه می‌کنند و می‌دانند که در دنیا عجل ، خسته و پرتاب و تاب کنونی می‌خواهد هنری همانند محیط و عصر پدید آید . بعلاوه هنرمندان محصول مستقیم شگرف صنعت ورزخانه زرف آن در بیان هنری نیز هسته چیزی که پایه و مبنای کاملاً منطقی و واقعی هنرمندان را ایجاد می‌کند (۲) .

حال مسئله ای که مطرح میشود چنین است : رابطهٔ مابا هنرمندان چگونه است ؟ آیا باید به هنر فولکلوریک و هنر کلاسیک بسنده کرد و هنرمندان را به انحطاط و انحراف در جهان هنرنفی نمود ، یا باید آنرا درست پذیرفت و مستود و حتی اثر هنر فولکلوریک و کلاسیک دست کشید ؟ این مسئله یکی از مسائل حاد ، مهم و مورد بحث عصر ماست .

بنظر نگارنده تأیید و یا تقبیح درست هنرمندان ناظر منطقی است . هنرمندان بر شاخه های آزاد عاقلان ، لاف و ترفاها ، نراهیها و رعین حال جستجوها و یافت های شگفت انگیز است . این هنری است در حال تصویر ریت شدن ، در حال توأم فرشتن و پدید آمدن . خطای محض است آنرا انحطاط خالص بشمریم ، اگر چه انحطاط نیز در آن رخنه دارد ، خطای محض است آنرا شکل پرستی (نرمالیسم) صرف بدانیم ، اگر چه بی شکل پرستی آلوده است ، خطای محض است آنرا انحصار خاد م ارتجاع ببنداریم ، اگر چه پایه بحد متاندیشه های ارتجاعی نیز گماشته شده ، خطای محض است آنرا درست انکار کنیم و راه خلاقیتش را سد نمائیم .

(۱) نگارنده در اینجا " کلاسیک " را بمعنای " مکتب کلاسی سیزم " ادبی نگار نبرد و بلکه آنرا مفهومی در مقابل فولکلور و هنرمندان میبمرد پید پیمان در مفهوم هنر کلاسیک انواع مکاتب و جریانات هنری غربی و شرقی که داخل در رنجینه فرهنگی کشورها شده است وارد می‌شود .

(۲) در واقع نگارنده در این توصیف اثر هنرمندان کوشیده است تا قواعد غیر مدون و پراکنده استتیک هنرمندان را بحدی بسیار مجمل و طبق استنباط خود بیان دارد . با توجه باینکه این قواعد هنوز گرد نیامده و مباحثه میباشد بآنکه نگارنده در این زمینه مطالبات خاصی ندارد تردید نیست که توصیف نمی‌تواند جامع و مانع باشد ولی مسلماً از این جهت که دعوی " چرخش " در مفاهیم استتیک کلاسیک را بنحوی از انحلال نروا بندی می‌کند دارای محتوی صحیحی است . ضمناً باید تصریح کرد که آنچه هنرمندان نام دارند هنوز یک مفهوم مرکب و پیچیده است که انواع جریانات را در بر می‌گیرد . برخی از این جریانات ادامه منطقی ولی نوآورانه استتیک کلاسیک است هرچی دیرتر نفی برخی از اصول مسلم استتیک کلاسیک . بهر صورت این مسئله شایان بترسی علمی جد آگاهان است و آنچه در اینجا گفته شده فقط باید بمثابة اشاره ای تلقی شود که برای طرح مسئله ضروری بود .

هنرمند رن در صورتیکه پیوند عمیق وعضوی خود را با هنرهای فولکلوریک و کلاسیک برقرار نماید و پیوسته از ضرورتها و نیازمندیهای صنعتی فنی و حیاتی عصر ما برخوردار گردد و از محتوی مرفعی و واقع بینانه انباشته شود ، بخش تازه و عالی در کاخ خلاقیت هنری و انسانی و در نهاله منطقی تکامل آید و پشه های زیبا شناسی وی است . (۱)

تناسب بین اجزا * سگانه هنر

اجزا * سگانه و لایفیک یک اثر هنری عبارتست از محتوی فکری یا اندیشه اثر هنری ، مختصات بدیعی یا صرفا هنری آن اثر و مختصات فنی (۲) .

مقصد از محتوی فکری یک اثر هنری یعنی آنکه آن اثر چه میخواهد بگوید ، چه دردی دارد ، از چه دفاع و چه چیز را محکوم می کند ، بچه چیز شمارا فراموشی بخواند و همدنش چیست . مقصد از مختصات بدیعی یا هنری یک اثر یعنی آن اوصاف و تصاویر ، چهره ها و سنجیه ها ، نکات و تشبیهات و تعبیرات هنری که هنرمند بکمک آن میتواند واقعیت و زندگی را هر چه کاملتر ، هر چه رساتر و هر چه گیراتر منعکس سازد . باید نگوی و آفرینندگی هنرمند بشابه هنرمند همانند رهمین جاست . اما مختصات فنی در هر هنری یعنی مجموعه قواعدی که برای بکاربردن مصالح اولیه هنرمند لازم است و بدون دانستن آن هنرمند از عهد ه استفاده بجای آن مصالح و ترکیب آنها بر نمی آید . مختصات فنی را میتوان در اثر تحصیل و مهارت کسب کرد ولی مختصات بدیعی ناشی از تجربه هنرمند است و قریحه یا موهبت هنری خود محصول استعداد خاص عصبی و همچنین پرورش و محیط مساعد است و به همین جهت اگر تجربه هنری موجود نباشد ، آثر انسانی توان کسب نرد . (۳)

حال این سؤال پیش می آید : در یک اثر هنری از این اجزا * سگانه (مختصات فکری ، بدیعی ، فنی) کدام سهمتر است ؟ بلافاصله باید گفت اگر یک اثر هنری فاقد مختصات بدیعی باشد همه چیز هست بجز اثر هنری زیرا آن ویژگی که اثر هنری را باینباره مظهر خاصی از خلاقیت شعرا انسانی از انواع دیگر خلاقیت ها جدا می کند همانا بدیعی یا هنری بودن آنست ، نه اینکه مشتمل بر فکر و اندیشه ایست ، یا حائلی از دانستن قواعد فنی به معین به معین جهت حق است اگر کسی را که موافق قواعد فنی و مراعات علوم عروض و قافیه و صنایع لفظیه و معنویه ایستایی سریده است ولی شعرش از تجربه خلاق شاعرانه ، از موزونها و شورها ، از ریاضت ها و نکته دانیها ، از احساسات و تخیلات ، از تعبیر و تصاویر بدیعی و غیره تهی است ، شاعرند انیم (۴) و تنها ناظم بشیریم . آری یک اثر هنری

(۱) بسط صنایع جدید بخصوص در معماری و انواع هنر پلاستیک و تصویری و تزئینی تاثیر عمیقی داشته و تناسب خطوط ، سبکی ، سادگی ، پراکنش و سوزنند و راحت و نشاط آوریدن ، توجه زیاد به " سهولت و مستقیمت " بهمانه یک سلسله قواعد استیک در برتوگانان فنی و صنعتی پیشرفت های حیرت انگیز کرده است . هم اکنون برخی از نمونه های معماری و توره نری و نگارچوب و تلور و فلز و تزئین و دیگر کلام و غیره بسبب مد رن بسا عالی ترین آثار کلاسیک پهلومیزند . استیک مد رن باطنی انواع سرگشتهگی ها را ه خود را بت ریخ می یابد و د بید م اعتماد بنفس بیشتری کسب می کند .

(۲) در روسی برای این جز * اصطلاحات "надежность" ، "проверенность" و "настерство" بکار میروند . معادلهای فارسی متأسفانه نارساست . شاید بتوان معادلهای دقیق تر و موجز تر یافت . (۳) بخرنجی بدیعی " قریحه هنری " موجب بید که خلاقیت هنری را پیشینیا نگاه امری سحری و ما را * طبیعی و الهی و مرموز و غیر قابل درک میسازد . نظامی گنجوی در وصف قریحه هنری در اثر خود مخزن - الاسرار ابیات د لایز زیرین را سرود ه است :

برق رازی که سخن بروری است
ز آتش فکرت جوهر پیشان شوند
چون بسخن گرم شود سرگیش
ازین لعلی که بر آرد ز گان
سایه ای از سایه پیغمبری است
یامک از جمله خویشان شوند -
جان بلب آید که ببوسد لبش
رخنه کند پیضه هفت آسمان

(۴) ملك الشعراء بهار این مطلب را به بیان خود در قطعه زیرین چنین وصف می کند :
شعرد انی چیست ؟ مروارید یازد ریای عقل
شعرا ن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب
وی بسا شاعر که آود زمر خود نظمی نبافت
شاعران انسونتری گان طرفه مروارید سفت
باز در لبها نشیند ، هر کجا کوشی شفت
وی بسا ناظم که آود زمر خود شعر شفت

تنها زمانی در برخورد چنین نامی است که واجد مختصات ضروری بد یعنی لااقل بحد مطلوب و تاقی باشد. بنی اثر مختصات بد یعنی جامه زیبایی برپیکرزشت اندیشه هائی چون، کز وزبانهند باشد چطور؟ آیا بازهم اثر هنری است؟ آری زهری شیرین و آفیونی معطر است ولی اثر هنری است. جامعه حقی در ادب اثرات تشویق کنند ولی نمی تواند هنری بود نش را انکار نماید. حال اگر آگاهی سالم، درست و وسوسه مند با شور هنری همراه ولی از جنبه مختصات فنی عاری باشد چطور؟ این اثر نیز مثلا مانند بسیاری از اشعار شاعر علمی ماعتفی جزء آثار هنری است ولی در اثر نقاشی فنی و عامیگری ها و ناسیگری هانمی تواند بدروه آثار درجه اول برسد. ضعف فنی آن اثر را از رونق می افکند. لذا سبزه مشروح در رفوق هر سه ضروری است و در میان این سه جزء جهت بد یعنی که موجد خصوصیت اثر هنری است جای ویژه ای دارد. این شرایط از هم انفکاک ناپذیر است و در عمل نمی توان یکی را بر دیگری رجحان داد.

ضرورت های اجتماعی گاه پیش می آورد که یک اثر هنری دارای محتوی فکری خوب و از جهت فنی قابل پسند پذیرش و از جهت بد یعنی ضعیف را جامعه مورد تشویق خاصی قرار داده و یک اثر هنری دارای محتوی فکری بد و از جهت فنی همد یعنی قوی را در رسایه گذاشته است. باید در این نوع موارد فوق العاده د قیق و محتاط بود و نرزش داشت تا مباد اجنبین عملی موجب تنزل هنر و تپید پل هنر به عرصه موزطعها و میتینگهای ارزان قیمت و پینتر یافتاد ه شود. باید دامنه چنین ضرورت های را فوق العاده محدود کرد و جهت بد یعنی اثر هنری را در مقاسم بسی والا، بسی ارجمند قرار داد تا فرجه های نیرومند بیالند مشکفند. (۱)

شکل و مضمون

شکل (یافرم) مولود طرز برخورد هنرمند به مصالح اولیه هنری (اعم از رنگ، سنگ، آهنک، زمست، لفظ و غیره) و شیوه ترکیب آنهاست. شکل تالبدی است برای روان مضمون. مضمون و شکل مانند باد و مسافر، دانه و پیمانان باید یکدیگر پیوند عنصری در آردند. بقول مولوی

ای برادر رقیبه چون پیمانان است / معنی اند روی پیمانان است.

مسئله مطروحه اینست که آیا از میان شکل و مضمون کدامیک مقدم و کدامیک بیشتر پذیرد برای تکامل و تحوالت؟ بدون در رنگ میتوان گفت که انکار تقدم (۱۹۲-۱۹۳) مضمون بر شکل روانیست. مطلق کردن شکل بی اعتنائی به مضمون یعنی شیفته شدن به ترتیب مصالح و ناقص ماندن از همد ف و معنائی این ترکیب. این عمل شکل پرستی و فرمالیسم است. تالبدی بی روان خیراندازه هم که زیبا باشد قد و منزلت آن کالبد نازیبا را که جاندار است نخواهد داشت. از سوی دیگر مطلق کردن مضمون یعنی شیفته شدن بواقعیات و صحت محتوی اثر هنری و بی اعتنائی به کیفیت ترتیب مصالح، بی اعتنائی ب شکل. اثره اثری که دارای محتوی نیکوست ولی رغم شکل ناسزاوار اثری است ولی سزاست که بین صورت و سیرت، شکل و محتوی، جان و تالبد تناسبی باشند. لذا باید بین شکل و مضمون پیوسته تناسب ضروری را یافت و پس از توجه عمیق به مضمون بلافاصله توجه نسامل ب شکل معطوف داشت. شکل و مضمون هر دو باید برای تحوالت و دعوی شده اسئال هنری کلاسیک و اسئال استتید هنری هستند و پذیر باید تحول در آنها راه باید دعوی شد و پالند تکیه و عا میانه ایست. باید جستجو اسئال نورالتشویق کرد و متوجه بود که در پالند تیت تا مل ناه اثرات غیر ربط را بین پالان جهت بد پیدا میند و سزانیست که هر جستجوی شکل را بمانه شکل پرستی که پید یا هر افراط و تفریزی را پمانه منع حسن جو و تفریافته های نوین قرار داد.

ره آلیزم و رمانتیسم و تناسب بین آنها

رمانتیسم و ره آلیزم دو مذهب یاد و اسلوب (مند) هنری است (۱۲) در مذهب رمانتیسم واقعیت عینی با تأکید خاص، با تعمیق مختصات قهرمانان مثبت یا منفی، با در آمیختن زندگی با تخیلات فئائی و حماسی

(۱) نظامی سخت گیری نسبت به آثار هنری را توصیه می کند :

به که سخن در پیرسند آوری / تا سخن از دست پیند آوری /
 (۱) در باره ره آلیزم و رمانتیسم و اسئال آن و ربط آنها با یکدیگر در بیت سلسله از آثار رفیق ماثوئسمه د و ن آند های عمیقی بیان کرد بد- در این بخش مقاله از این نوشته ها استفاده شده است.

منعکس می‌رود . در مکتب‌بره آلیستی واقعیت چنانکه هست ، بدون آنکه به اوج غنائیات و حماسیات یا حسیض لعین متکفیرکنشاند ه شود ، توصیف می‌شود . رمانتیزم از آن جهت که واقعیت را سخت می‌آراید یا سخت زشت می‌کند ، آنرا با اوج و حسیض می‌نشد ، بیش از حد همچنان انگیز یا احساساتی است ، مورد پسند تفکر مثبت و خونسرد و دقیق عصر ما نیست . ولی رمانتیزم همانا از آن جهت که واقعیت را بسی نیرومند تر و پررنگ تر از آنچه که هست بیان می‌آورد و از عناصر شور انگیز غنائی و حماسی استفاده می‌کند بر روی عواطف انسانی ویژه فشرهای بسیط جامعه تاثیر عمیقی می‌گذارد و قادر است نمونه های زشت و زیار را بشکل نمائی برجسته سازد .

لیس
 ره آلیسم که عیاض و دقیق با مین واقعیت است برد و قسم است : ره آلیسم متفعل (یا پاسیف) و ره آلیسم فعال (یا آکتیف) . ره آلیسم پاسیف و تصاف بی نظری و بیطرف واقعیت است و شمارا چیزی نمی‌خواند ، از چیزی برحد زنی دارد ، داد نامه آن صادر نمی‌کند ، قصد در ترکون کردن ندارد ، تنها روایت می‌کند . ولی ره آلیسم فعال شمارا چیزی می‌خواند ، از چیزی برحد زنی دارد ، داد نامه صادر می‌کند ، قصد در ترکون کردن دارد ، قضاوت میکند . (۱)

حال این مسئله مطرح می‌شود که آیا با وجود مکتب یا اسلوب ره آلیسم و آتیم ره آلیسم فعال انتقال بی روش مناسب به رمانتیزم چگونه باید باشد ؟ آیا باید رمانتیزم را به موزه عقیده ها فرستاد یا همه و یا نوعی از آن برای ماد رخور پذیرش است ؟ تردید نیست که نسج اساسی هنر عصر ما را باید ره آلیزم تشکیل دهد و ویژه ره آلیزمی که پیشه هنری ارائه طریق کند (۲) . ولی رمانتیزم مخصوص نوع فعال و انقلابی آن در این که دوران که حرکت تید ه های ساده و وسیله تامین عمیق ترین چرخشهای اجتماعی تاریخ معاصر است میتواند میاید در ترکیب بسا ره آلیزم یکی از اسالیب نیرومند کار هنرمندان باشد . رمانتیزم انقلابی چهره های قوی مهرجسته و نیم افسانه‌ها نوآوران علم و هنر و مبارزان جانباز راه حق و عدالت را وصف و انبهارا به نیروی سرسشق بدل می‌کند و یا سیماهای چرکین و اهریمنی یا زان ارتجاع و جبهالت را تصویف می‌نماید و قدرت نیرومند نفی و نفرت را در مردم نسبت به راه و صورت د و زخی آتیا برمی انگیزد .

تنوع زانر ، موضوع و مسائل

هنرند هنری انسانی تنوع حیرت انگیزی از اشکال و شیوه ها و زانرها و مواضع و مسائل هنری ایجاد کرد است . هنر که انکس ، واقعیت در تمام اوصاف هنری است باند از خود واقعیت ، باند از خود زندگی می - تواند متنوع و غنی باشد . هیچ چیز ناسزاوار تر از آن نیست که خلاقیت هنری را در اشکال ، زانرها ، موضوع ها و مسائل محدودی محدود کنیم . (۳)

گاه اتفاق می‌افتد که جامعه توجه به زانرها ، موضوعات و مسائل معینی را می‌دالید و هنرمندان را با استفاده از این و دانی و دانی و دانی و دانی آنها ، بویصف هنری آن میرود نظر جلب می‌کند . در اینجا هیچ

(۱) البته نمی‌توان گفت که راه آلیسم پاسیف (یا ره آلیسم نقاد) مثلا مانند ره آلیسم دیکتاتور یا بالزان فقط و فقط روایت می‌کند . دقیق تراست اگر گفته شود که خواست و هدف نویسنده در این و صفاتی بللی پنهان است . نویسنده در ارجح مسئله است ولی راه حل آنرا بیان نمی‌داند و ارائه طریق نمی‌کند ، اگر چه مسلما این اندیشه را در ذهن خواننده ه پدید می‌آورد که باید ناری کرد ، راهی جست . در ره آلیسم فعال (که گاه ره آلیسم سوسیالیستی یا ره آلیسم انقلابی نیز نامیده شده) نویسنده در صرحا نشان می‌دهد که راه حل چیست و پروسه بند امین سومیرود . لذا بیانیته از تفاوت و تنوع ره آلیسم شده است تا حدی قرار ادی است پسرای درن مسئله (چنانکه در بسیاری از مفاهیم علمی مد لب به مین سوال است) ، این تذکار برای آن داده شده که با بحث های سکولاستیک در باره و تنوع ره آلیسم آن تفاوت واقعی کیفی را که بین این دو تنوع وجود دارد در انواع و جوه شباهت غرقه ناسازیم . بهرجهت تفاوت کیفی که وجه تفریق این دو مفهوم است وجود دارد .

(۲) مقصد از ارائه طریق پیشه هنری یعنی پرهیز از انبهاردن اسالیب ارزان و مبتذل بی تاثیر موعظه گری و میتینگ دادن های روز است و خنک در اثر هنری است .

(۳) مقصود از موضوع ، تم یا تماتین و مقصود از مسائل پريلم یا پريلماتیک هنراست .

چیز غیر عادی و تحمیلی وجود ند ارد ولی اگر جامعه از قدرت و اعتبار خرید برای آن استفاده ه کند که تنها این ژانرها موضوعات و مسائل را مجاز سازد و ژانرها ، موضوعها و مسائل د یگرا ممنوع کند بخطر افته است . در همه زمینه هسا حتی در زمینه های که بظا هر مسائل معاصرا مطرح نمی کند میتوان از حق د رقبال باطل ، از ترقی د رقبال تدنی از اعتلا د رقبال ل انحطاط ، از زیاد رقبال زست ، از داد د رقبال بیداد د فاع کرد . در همه جا میتوان نه فقط هنرمند بلکه میا رزود . لذا اگر معیار تشخیص روایی و سید مندی اثر هنری محتوی انسانی و عاد لانه آنست د یگس نباید معیارهای د یگری که قریح متنوع هنرمند ان را د رقالب ها قرار مید هد بکاربرد بلکه باید به بروز قسرایح متنوع د رجبهت سیرتکاملی تاریخ با تعام قوی کمک کرد .

عینی و ذهنی د رهتر

د راستیک عصر ما این مسئله مهم وحادی است . آیا هنرمند تنها باید و صاف د فیق ، موقی ، امین ، بیطرف و بی غرض واقعیت عینی باشد یا باید آن واقعیت را از صافی روح خود بگذراند و از ورا * ذهن ، سلیقه ، خواست ، احساس ، جهان بینی و منطق خود بگذرد و از اینسوی عد سی د ید خویش مطالبه نماید و وصف کند ؟ اگر حق د ارد - چنانکه تا حد ودی ناگزیر و مجبور است - د ر آنصورت آیا حق د ارد آنرا تا حد " حد یث نفس " و " بیان خود " تغییر د هد و حتی مسخ کند (۱) . اگر نه تا چه حد مجاز است و تا چه حد ممنوع ، چرا مجاز است و یا چرا ممنوع (۲) .

هنرمانند د انش و فلسفه وسیله ایست برای شناخت واقعیت . علم واقعیت را د ر " مفاهیم " منعکس می کند هنرد را و صاف ، تصاویر و تعابیر . شیوه علم انتزاع و تعمیم است . شیوه هنرد ان الگوهای مشخص ولی نمونه وار . نمونه سازی (تمییزا سیوا) خود نوعی تعمیم است (۳) . اگر تصویرها و تعبیرهای سرسری د هسن هنرمند به تنهایی مصالح خانقیت هنری قرار گیرد ، هنرنقش خود را که شنا ساند ن واقعیت است یا بالمره از دست مید هد یا آنرا بشکل بکلی مسخ شد ه ود را کشید د ق طبیعی هوسناک نشان د ده است . د رعین حال اگر د ید خاص و ویژه هنرمند د خالت کند و عینیا نثری شخصیت و بی روح و مکانیکی طبیعت باشد ، د ر آنصورت نقش هنرمند بمناب ه هنرمند بکار افته است ، ویزگی و تنوع و رنگ و ریج انفرادی اثر هنری که نتیجه تراوش ان از نسج خاص روح هنرمند است بکار افته است ؟ (۴) . هر د و افراطها بکلی غلط است . ولی د رعین ان د وجهت متناقض یعنی وصف عینی واقعیت از طرفی د ید شخصی هنرمند از طرف د یگر ، جهت عد ه شما تا وصف عینی واقعیت است . هر د د ر کجاست و چگونه باید بین این د و تنا سب برقرار شود ؟ آنرا نمی توان با قواعد و قوانین د ون تنظیم کرد ، آنرا د وق و قضاوت عامه ، حکم و انبهار نظر تاریخ روشن خواهد ساخت .

د برخی از نمونه های هنرمند رن مسئله انکار تامل جهت عینی یابی اعتنائی جد مید ان مطرح است و

(۱) " بیان خود " ترجمه تحت اللفظی " Self-expression " یا " самовыражение " است . اخیرا د رحله فلسفی شوروی بحثی تحت عنوان " آیا هنرنوعی بیان خود است " باز شد ه . " حد یث نفس " معادل نسبتا آزادی برای همین مفهوم است .

(۲) مسئله اهمیت جهت ذهنی د ر خلاقیت هنری از مهمترین مسائل استتیک د رن است . از این جهت ما این بخش از مقاله و بخش اول د ر باره مقولات سئانه هنرا مروری بشر ارباط نزد یکی است . ولی د راستیک د رن علاوه بر این مسئله بنیادی مسائل د یگری نیز مطرح است که بنحوی از انحا * با این مسئله بازمیکرد مانند مسئله تجد ید نظر د رقوانین و نظامات استتیک کلاسیک . د ر این تجد ید نظر موضوع مورد بحث موضوع تقویت جهت ذهنی د ر مقابل جهت عینی است . استتیک کلاسیک بر عکس بر معیارهای عینی و سرخصیات عام د وق و سلیقه و منطق زیبا شناسی انسانی قرار د ارد . با اینحال منطق زیبا شناسی انسانی (یا ذوق و سلیقه هنری وی) یک امر جا د نیست و د رازمنه و اعضا رگوناگون با اشکال متنوعی بروز کرده است .

(۳) این نظریات از تعالیم استتیک و بیاریون بلینسکی منقد کبیر روس اقتباس شده است .

(۴) مثالی که د ر این مورد میتوان د ل کرد فرق مابین عکاسی رنگی و نقاشی است . اگر نقاشی بر اساس تانوم شبا هت تنها بخواهد منعکس کند ه واقعیت باشد د ر آنصورت د ستاره عکاسی رنگی نار اویرا بر اعصاب بهتر د فیق تر انجام مید هد .

بهین جهت ذوق عامه با آنها سر سازگاری نداشتند. با اینحال نباید حتی این انواع هنر را اگر محتوی آنها زبان بخش نباشد، تفسیر کرد و علیه آن عصبیت خاص بخرج داد. تردیدی نیست که ذهنیت مطلق کبره راحت و هنرنمی تواند در زکوره راه آذهان و موسیقاودیدهای انفرادی بجای دوری برود. زمانه چنین هنری را نازاد خواهد گذاشت مگر محکوم خواهد ساخت.

نظارت اجتماع و آزادی فردی هنرمند

اگر نظارت اجتماع که ضرورت آن غیر قابل انکار است بشکلی محدودی در آید که ویژگی و شخصیت هنرمند و ابتکار و گرایشهای فردی و آزادی و خلاقیت وی را از میان ببرد بهمان اندازه نتایج و عواقب آن ناگوار است که آزادی بی قید و بند هنرمند - یعنی هنگامیکه وی به مصالح تکامل جامعه، به حقوق ووظایف مدنی خود بسی اعتناست و بجای آنکه مهندس ابرواح باشد مغرب آنهاست.

هنرمندی که در قید و بند مقررات اجتماعی خشک و متعصبانه میدان نوسان و امتنان برهوشخصیت خاص خود نداشته باشد همانند نقاش نظامی است که طبق سفارش و نمونه معین کشفهای بد قواره سرسازی تحویل میدهد و هنرمندی که از نظارت خردمندانه و نرم و عادلانه اجتماع فارغ است و معیارش ارشاد و هوسهای سرکشی خرد به مثابه طیب محرم ولی خائنی است که بجای معجون فرح آفیون مهلك بخورد مردم میدهد.

دوجهت مقابل "نظارت اجتماع" و "آزادی هنرمند" هر دو وجهات ضروری و لاینفک است و در میان آنها جهت نظارت اجتماع بدون تردید جهت عمده است. چرا؟ زیرا اگر هنرمند مثلا مانند انتخاب لباس و غذا امری خصوصی بود، میشد آزادی هنرمند را مطلق کرد ولی هنرمندیده مهم اجتماعی است و نمی توان جامعه را از نظارت بر آنچه که روح او را میسازد و در مسیرش مؤثر است محروم ساخت. ولی حفظ تناسب صحیح دیا لک تیکی بین این دو جهت در عمل، در زندگی کاری است دشوار. باید با بررسی تجارب مثبت و منفی این امر در کشورهای مختلف بهترین شکل نظارت اجتماع و آزادی هنرمند را یافت تا این نظارت بشعوی نشود که مداحی بد لفظی و شاولاتانیم از آن سود جوید و هنرو واقعی در چرخ و دنده های آن خرد شود.

صداقت، رسالت و نوآوری هنرمند

هنرمند ان بزرگ تاریخ بد اشتن سه صفت برجسته ممتاز بودند: نخست صداقت. آنها مطالب خود را بدون سالوس و ریا، بدون تمسح و وطنطنه، چنانکه درك نرده میدان باورد داشته اند بیان می کردند. خلافت هنری آنها پاسخ به نیاز قوی و نیرومند روحی آنها بود. آنها هرگاه طنبور زن حیات بر او تار و روختان می کوفت به نواد رمی آمدند. بقول جلال الدین مولوی

زمن نباشد اگر بپرد ه را بترد انم که هر گم متعلق بود به شربت او

هنرد روغ، لاف زن، سالوس، تمسح، ثناگو، آرايشرواقعیت، سفسده بازد مغرنتیست و نیروبال است. دوهین صفت این هنرمندان بزرگ درك رسالت انسانی خود بود. آنها زبان بدست بخلاقیت میزدند که نکته ای گفتنی، وظیفه ای عمل کردنی، فکری پراکندنی، با نئی برآوردنی داشته اند، آنوقوع احساس می کردند اگر درقبال خواست زندگی خموشی ازینند کفران نعمت کرده اند. بقول مولوی

ای آنکه اندر جان من تلقین شعرم می کنی گرتن ز من خامش کنم ترسم که فرمان بشکنم

هنرمند واقعی هنگامی می آفریند که هدفی عالی را دنبال می کند و در پی کار حیات خود را شایسته و قادر بجولانی می بیند. هنرمندون رسالت، بدون اشتغال بر فلسفه بر سوز و پریشور باطنی هنرمند، هنرو واقعی نیست. وسومین صفت هنرمند ان بزرگ نیروی است. کهنه فروشی در بازار هنر تار و است. بازنقول مولوی

نوبت کهنه فروشان در گذشت نوفر و شایتم و این بازار ما است

تقلید خشک گذشتگان و تکرار بیعت لافته ها و پیمودن راههای طی شده هنرمند بزرگ نمی آفریند. هنرمند بزرگ کسی است که چیزی داری مبروشتان خود خلق کند و عرابه زرین هنر را در جاد نوار تیش و ولو نیم گاهی بجلویراند. در تاریخ ادبیات کشور ما هنرمندان بزرگواری که این سه صفت را بحد شایسته ای داشته اند معدود نیست و جادارد که مادرمکتب هنری آنها بسی چیزها بیا موزیم.

برخی تاریخهای مهم حیات حزب (۱)

دوم مهرماه ۱۳۲۰
تابستان ۱۳۲۱
دوم مهرماه ۱۳۲۲

تابستان ۱۳۲۵
۱۴ آدیماه ۱۳۲۶
اردیبهشت ۱۳۲۷

۱۳۲۷
اردیبهشت ۱۳۲۷
تابستان ۱۳۲۷

پائیز ۱۳۲۷
۱۶ بهمن ۱۳۲۷
۲۶ تیرماه ۱۳۲۸

۷-۱۵ اسفند ۱۳۲۸
۲۶-۲۸ شهریور ۱۳۲۸
۲۸ تیر تا ۷ مرداد ۱۳۲۹

۱۰-۱۱ مرداد ۱۳۲۹
۱۹-۲۵ شهریور ۱۳۳۰

تاریخ تأسیس حزب توده ایران
نخستین کنفرانس ایالتی تهران
نخستین کنفرانس حزب توده ایران
شکست حزب در رجبیه موتهلف احزاب (حزب توده ایران - فرقه دموکرات
آذربایجان - فرقه دموکرات کردستان
- حزب جنگل - حزب ایران)

انتشاع پاره ملکی - خابه ای از حزب
دومین کنفرانس حزب توده ایران
شکست مطبوعات حزب در رجبیه مطبوعات غد دیکتاتوری

پانجم اول کمیته مرکزی
پانجم دوم کمیته مرکزی
پانجم سوم کمیته مرکزی

اعلام غیرقانونی شدن حزب از طرف اقبال وزیر کشور
پانجم چهارم کمیته مرکزی
پانجم پنجم کمیته مرکزی

پانجم ششم کمیته مرکزی
پانجم هفتم کمیته مرکزی
کنفرانس وحدت و پانجم هشتم (اول) کمیته مرکزی

پانجم نهم (دوم) کمیته مرکزی

(۱) بدلت درد ستند آشتن مدارت بزم برخی تاریخها بدون تصریح روز نشده است * از رفقای نه
در این زمینه اطلاعاتی دارند تمنی میکنیم با ارسال تواریخ حیات حزب به هیئت تحریریه " دنیا"
کمک کنند * هیئت تحریریه مجله " دنیا"